



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی ایران

مورزبان کریمی

مجموعه
مطالعات
تحقیقاتی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهي به ماهيت انقلاب اسلامي ايران

نويسنده:

مرزبان کریمی

ناشر چاپي:

کانون علوم خطیب

ناشر دیجیتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی ایران
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست مطالب
۲۱	مقدمه
۲۷	چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران در بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله)
۳۲	تبیین مراحل پنج گانه انقلاب در بیان رهبر معظم انقلاب (مدظله)
۳۵	فصل اول: تعاریف و اصطلاحات
۳۵	اشاره
۳۵	اصلاح
۴۰	رفرم یا اصلاحات در فرهنگ غرب
۴۱	نهیضت
۴۲	کودتا
۴۲	انقلاب
۴۶	معنای انقلاب اجتماعی
۴۹	معنای لغوی انقلاب
۴۹	معنای اصطلاحی انقلاب
۵۱	بعثت
۵۲	جهاد
۵۲	ثار و ثوره
۵۲	خروج
۵۲	قیام
۵۵	انقلاب روحی

۵۵	ایجاد انقلاب روحی به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله :
۵۸	به طور کلی و خلاصه می توان گفت انقلاب یعنی :
۵۹	انقلابی بودن :
۶۱	شاخص های اصول گرایی :
۶۳	انقلاب از دیدگاه علمای غرب -
۷۱	فصل دوم: علل، ریشه ها و ماهیت انقلاب اسلامی ایران -
۷۱	علل و عوامل انقلاب -
۷۲	انقلابهای نفسانی :
۷۲	انقلاب های انسانی غیر الهی :
۷۴	انقلاب اسلامی :
۷۶	انقلاب اسلامی ایران و روحانیت -
۷۸	سه رکن اصلی و مهم انقلاب اسلامی ایران -
۷۸	۱- مردم:
۷۸	اشاره
۸۰	مسجد و روحانیت -
۸۴	۲- رهبری:
۸۴	اشاره
۸۷	انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی قدس سره -
۹۲	۳- مکتب:
۹۷	ریشه های انقلاب اسلامی ایران -
۱۰۰	عوامل مؤثر در تسریع انقلاب اسلامی ایران -
۱۰۹	ماهیت انقلاب اسلامی ایران -
۱۱۸	ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران -
۱۱۹	اسلامی بودن انقلاب :
۱۲۱	اعتقاد به نبوت و رسالت و وحی الهی :
۱۲۲	امامت و رهبری و ولایت الهی :

- ۱۲۳ ----- برقراری عدالت :
- ۱۲۳ ----- معادباوری : -----
- ۱۲۴ ----- مسئولیت پذیری : -----
- ۱۲۴ ----- فروع دین : -----
- ۱۲۵ ----- قیام یکپارچه مردم: -----
- ۱۲۵ ----- نقش مراکز آگاهی بخش : -----
- ۱۲۶ ----- وحدت پیام انقلاب : -----
- ۱۲۷ ----- ابعاد و جنبه های انقلاب اسلامی -----
- ۱۲۸ ----- بررسی شعارهای مردم در انقلاب اسلامی ایران -----
- ۱۳۰ ----- بعثت انبیاء و انقلاب -----
- ۱۳۲ ----- مخالفین نهضتها و انقلاب های انبیا -----
- ۱۳۳ ----- گروههای موافق انبیا در طول تاریخ -----
- ۱۳۴ ----- ابزار و شرایط انقلاب انبیا -----
- ۱۳۷ ----- تاکتیک ها و شیوه های مبارزاتی انقلابی -----
- ۱۴۰ ----- عوامل ایجاد سلطه -----
- ۱۴۱ ----- سیره سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام -----
- ۱۴۲ ----- موضع گیری های سیاسی ائمه علیهم السلام در برابر قدرت های حاکمه -----
- ۱۴۴ ----- تفاوت ظاهری در سیره ائمه علیهم السلام -----
- ۱۴۵ ----- خطوط کلی موضع گیری های سیاسی ائمه علیهم السلام -----
- ۱۴۷ ----- قیامهای شیعه در دوران ائمه علیهم السلام -----
- ۱۵۱ ----- اصول و مبانی سیاست اسلامی -----
- ۱۶۵ ----- فصل سوم: علل پیروزی و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران -----
- ۱۶۵ ----- ۱- مراحل و جنبه های انقلاب اسلامی ایران -----
- ۱۶۷ ----- ارکان بقا و دوام انقلاب اسلامی ایران -----
- ۱۷۵ ----- تداوم انقلاب اسلامی ایران -----
- ۱۸۳ ----- اهداف، دستاوردها و نتایج عملی انقلاب اسلامی ایران -----

- ۱۹۴ انقلاب اسلامی ایران الگوی رهایی همه ملت ها
- ۱۹۶ جوهره و ماهیت انقلاب اسلامی ایران
- ۱۹۸ انقلاب اسلامی ایران رویدادی عظیم و پرجاذبه
- ۲۰۰ انقلاب اسلامی ایران و مردم سالاری دینی و محرومیت زدایی
- ۲۰۴ انقلاب اسلامی ایران، وحدت و احیای ارزش های قرآن و عترت
- ۲۰۷ انقلاب اسلامی، ایمان، جهاد، پایداری، ایثار، شهادت
- ۲۱۲ انقلاب اسلامی ایران و بیداری و وحدت اسلامی، حمایت از مستضعفان و استکبارستیزی
- ۲۱۴ انقلاب اسلامی ایران، انتظار فرج و زمینه سازی حکومت جهانی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۱۷ انقلاب اسلامی ایران و رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی
- ۲۱۸ انقلاب اسلامی و آزاداندیشی و تعالی تمدن اسلامی
- ۲۲۱ انقلاب اسلامی و خودباوری جوانان و نهضت علمی و نوآوری
- ۲۲۵ انقلاب اسلامی، آمادگی دفاعی و توانمندی بسیج و نیروهای مسلح با امنیت و اقتدار ملی
- ۲۲۹ انقلاب اسلامی و بصیرت دینی، انسجام ملی و استکبارستیزی
- ۲۳۱ شاخصه های تفکر امام خمینی رحمه الله در مورد استکبارستیزی
- ۲۴۷ انقلاب اسلامی، استحکام خانواده، رسالت و منزلت زن و حضور آگاهانه زنان در عرصه های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده
- ۲۵۳ انقلاب اسلامی و حضور حماسی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی
- ۲۵۷ دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران
- ۲۶۰ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در سطح بین المللی
- ۲۶۵ انقلاب اسلامی ایران در بعد سیاست خارجی
- ۲۷۰ فرهنگ انقلاب اسلامی ایران و صدور ارزش های آن
- ۲۷۴ صدور انقلاب اسلامی
- ۲۷۸ صدور ارزش های فرهنگی
- ۲۷۹ معرفی و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان
- ۲۸۰ معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی
- ۲۸۴ ارائه طرح و فراهم آوردن زمینه های گفتگوی تمدنها و فرهنگ ها
- ۲۸۵ تقویت وحدت امت بزرگ اسلامی

- ۲۸۷ ----- معرفی چهره اصیل تشیع و احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام
- ۲۸۹ ----- ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی
- ۲۹۳ ----- فصل چهارم: آسیب ها و آفات انقلاب اسلامی ایران
- ۲۹۳ ----- آسیب شناسی درونی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری
- ۳۰۲ ----- آسیب ها و آفات انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری
- ۳۰۸ ----- چالش های انقلاب اسلامی ایران
- ۳۰۸ ----- چالش ها و آفت های عقیدتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی
- ۳۱۰ ----- چالش های استراتژیک
- ۳۱۲ ----- بخشی از آسیب های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران
- ۳۲۳ ----- ضعف بینش و بصیرت در نسل جوان و تضعیف اسلام در مراکز دانشگاهها:
- ۳۳۱ ----- اشاعه فحشا و فساد و ارتشاء.
- ۳۳۲ ----- از دیگر آسیب های فرهنگی می توان به این موارد اشاره کرد:
- ۳۳۵ ----- آسیب های اخلاقی انقلاب اسلامی ایران
- ۳۳۸ ----- آسیب های سیاسی انقلاب اسلامی ایران
- ۳۴۲ ----- آسیب های اجتماعی انقلاب اسلامی ایران
- ۳۴۳ ----- آفت های اجتماعی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله
- ۳۵۳ ----- آفت های اجتماعی انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی).
- ۳۶۳ ----- آسیب شناسی سیاسی، اجتماعی، بالکانیزه کردن جامعه و کشور
- ۳۷۱ ----- آسیب های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران
- ۳۸۶ ----- راهکارهای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران
- ۳۸۷ ----- جایگاه آزاداندیشی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه استاد مطهری:
- ۳۹۱ ----- نقد شهید مطهری به آزادی عقیده در اعلامیه حقوق بشر
- ۳۹۳ ----- دیدگاه اسلام درباره آزادی اندیشه
- ۴۰۴ ----- نمونه ای تاریخی از فقدان آزاداندیشی:
- ۴۰۷ ----- پیوست
- ۴۰۷ ----- روزشمار انقلاب اسلامی ایران تا تأسیس جمهوری اسلامی ایران

۴۲۳ فهرست منابع فهرست منابع و مأخذ

۴۲۷ درباره مرکز

نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی ایران

مشخصات کتاب

سرشناسه: کریمی، مرزبان، 1335 -

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی ایران/ مؤلف مرزبان کریمی؛ ویراستاران گل نساء بشکار، حسنا کریمی.

مشخصات نشر: تهران: کانون علوم خطیب، 1397.

مشخصات ظاهری: 416 ص.؛ 5/14×5/21 س م.

شابک: 300000 ریال 6-73-6002-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 413 - 416؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357

موضوع: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357 -- تاثیر

موضوع: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979 -- Influence

رده بندی کنگره: DSR1553/ک4ن8 1397

رده بندی دیویی: 955/083

شماره کتابشناسی ملی: 5483970

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فاپا

ص: 1

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

نگاهی به ماهیت انقلاب اسلامی ایران

مؤلف مرزبان کریمی

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

تقدیم به: روح بلند و ملکوتی امام خمینی (رحمه الله علیه) بنیانگذار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران

و تقدیم به: پیشگاه رهبر فرزانه و معظم انقلاب حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) و ارواح طیبه تمامی شهدای بزرگوار انقلاب اسلامی ایران

ص: 4

فهرست مطالب

تصویر

□

ص: 5

تصوير

□

ص: 6

تصوير

□

ص: 7

تصوير

□

ص: 8

تصوير

□

ص: 9

این انقلاب بی نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست. [مقام معظم رهبری]

هنر بزرگ و خدمت بی بدیل امام بزرگوارمان این بود که اسلام را از غربت درآورد، مسلمانان، حتی در خانه ها و شهرهای خودشان غریب بودند. اسلام حتی در مواطن اصلی خود غریب بود، دشمنان اسلام، با فرهنگ الحاد و فساد و نظام های طاغوتی، فرصت به خود اندیشیدن را هم از مسلمانان گرفته بودند. در چنین شرایطی، امام بزرگوار ما، آن سلاله پیامبران و دست قدرت خدا در این روزگار، این گرد غربت را از چهره اسلام زدود و سترد.(2)

امام خمینی رحمه الله علیه نخستین بار در سال 1323 در کتاب کشف الاسرار، انتقاد آشکار خود را بر ضد حکومت پهلوی مطرح کرد. و به افشاگری

ص: 11

1- تبیان ، دفتر سوم، ص 95

2- نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری.

علیه عناصر ضد روحانیت پرداخت. کتاب کشف الاسرار شامل مباحث مختلفی همچون: 1- توحید، 2- نبوت و امامت، 3- نقش علما، 4- دولت، 5- قانون، 6- حدیث، می باشد. امام در این کتاب ضمن نقد و نفی حکومت شاهنشاهی و شخص رضا شاه به عنوان دشمن مذهب شیعه، به طرح حکومت اسلامی تحت نظر علما و مجتهدین می پردازد. از نظر امام خمینی تنها حاکمی که می تواند با عدل و قسط بر ایران حکومت کند، کسی است که از طرف مجتهدین و فقها مورد تأیید و قبول باشد و با تقوا و آشنا به احکام الهی بوده و آزادانه انتخاب شود. پس از رحلت آیت الله بروجردی، امام خمینی رحمه الله علیه حمیات مستقیم خود را به رژیم پهلوی آغاز کرد که سرانجام منجر به تبعید ایشان به نجف اشرف گردید. هنگامی که رژیم شاه در سال 1350، سرگرم برگزاری جشن های شاهنشاهی در تخت جمشید بود، امام بار دیگر از علما دعوت کرد تا حکومت پهلوی را به خاطر اعمال ننگین و ضد اسلامی و به سبب وجود ترور سیاسی و اتلاف سرمایه های مملکتی محکوم کنند. امام خمینی رحمه الله علیه در ایامی که در نجف اشرف در حال تبعید بودند، درسی را به نام حکومت اسلامی برای بعضی از طلاب منعقد کرده بود که بعداً به صورت کتاب چاپ شد. در این کتاب امام چند نظریه مهم را مطرح کرده است از جمله:

1- محکوم بودن نظام سلطنت به طور اساسی و بنیادی از نظر اسلام. 2- جامعیت قوانین اسلام و پاسخگو بودن و کفایت قوانین اسلام

و آنچه در قرآن و سنت و احکام اسلامی آمده برای کمال و سعادت بشر به طور عادلانه، و اینکه اسلام «سلطنت ولایت عهدی» ندارد. جامعه اسلامی برای پیاده کردن قوانین اسلام و جلوگیری از انحرافات در صدر اسلام نیازمند به وجود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه گرامی علیهم السلام بود؛ زیرا آنها یگانه کسانی بودند که تمام قوانین را می دانستند و معصوم بودند. پس از آن ها این وظیفه فقهای اسلامی است که حکومت کنند و حاکمیت باید رسماً به فقها تعلق گیرد.

3- اسلام به واسطه قدرت های انحرافی که در ایران هستند در معرض خطر جدی است. علما وظیفه دارند اسلام را از مرام های انحرافی و انحرافات پاک کنند و پیام الهی قرآن را بر مردم عرضه کنند. اسلام باید به خصوص در بین طبقه تحصیل کرده و دانشگاهی معرفی شود. تنها کسانی که جنود الهی هستند باید در لباس روحانیت باقی مانده و به اسلام و جامعه اسلامی حکومت کنند و ما باید تمام پیوندهای خود را با رژیم طاغوتی شاه قطع کنیم.

امام خمینی رحمه الله علیه در کتاب جهاد اکبر، حوزه های علمیه را مخاطب قرار داده و تشویق می کند رفتار خود را اصلاح کنند تا برای مردم و جامعه نمونه باشند. (1) 177

در حالی که در آن دوران سیاهی که رضاشاه دیکتاتور و ضد اسلام

ص: 13

1- رجوع شود به کتاب «کشف الاسرار» و کتاب «جهاد اکبر» و کتاب «حکومت اسلامی»، صفحات 33 - 53 - 60 و

حکومت می کرد و همه روشنفکران از سیاست دوری می کردند و بعضی از آنان همچون کسروی و شاگردش حکمی زاده علیه اسلام و تشیع تبلیغ می کردند و اکثر علما تنها به کارهای علمی و فقهی و کلامی و فلسفی و تدریسی و تبلیغ اشتغال داشتند، این تنها امام خمینی رحمه الله علیه بود که در کتاب کشف الاسرار به شبهات و اتهامات واهی کسروی و حکمی زاده پاسخ داد.

در آن دوران سیاهی که علم و عالم و حوزه و دانشگاه و حوزوی و دانشگاهی از سیاست اجتناب می کردند، این تنها امام خمینی رحمه الله علیه و شاگردان و یاران و همفکران او بودند که دارای موضع سیاسی آشکار و روشن بودند و به طور جدی و روز افزون به فعالیت های سیاسی می پرداختند. بدون شک مهم ترین چهره سیاسی و برجسته آن زمان، آیت الله العظمی امام روح الله موسوی خمینی رحمه الله علیه بود، به طوری که فعالیت های سیاسی او منجر به دستگیری و زندانی شدن و سپس تبعید او گردید.

در این میان باید به چهره های شاخص دیگری همچون شهدای محراب، آیت الله طالقانی، آیت الله خامنه ای، آیت الله بهشتی، شهید هاشمی نژاد، شهید مطهری، جلال آل احمد، دکتر علی شریعتی، مهندس بازرگان، شهید باهنر و شهید رجایی و گروه دیگری از روحانیون و دانشگاهیان مسلمان و انقلابی و پیرو امام خمینی رحمه الله علیه نیز اشاره کرد که هر یک در زمان خود به بیداری و آگاهی توده مردم و خصوصا جوانان حوزوی و دانشگاهی کمکی شایان نمودند و راه پر افت و خیز پیروزی

بی شک تفکر سیاسی شیعی در ذات خود دارای هویتی مستقل است و لذا هم با لیبرالیسم غربی و هم با مارکسیسم شرقی مخالف بوده و هست. اسلام شیعی، اسلام امامت و عدالت است. اسلامی است که در دوران غیبت امام معصوم علیه السلام به ولایت فقها و عدالت متکی است. این اندیشه مستقل الهی و توحیدی قرن هاست که در ایران تنها پایگاه فکری و مکتبی ایرانیان بوده است، به طوری که بعثت و نبوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن و اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله و غدیر و عاشورا و غیبت و انتظار و مهدویت و جهاد و شهادت در راه خدا و پیروی از فقهای عادل در ردیف مقدس ترین ارزش های اعتقادی و فرهنگی اکثریت ملت ایران به شمار می آید. تنها رمز تحقیق پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تأسیس حکومت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی که روح آن ولایت فقیه است را باید در همین امر جستجو کرد. بزرگان گفته اند: تاریخ آینه ای است به بلندای زمان که با انعکاس انوار ساطع شده از ایمان و ایثار افراد و نمایش عملکرد گذشتگان در برابر دیده آیندگان سعی در روشن نمودن راهی دارد که در سیاهی ظلمت آینده برای بشر مستور گردیده است تا آنان تشویق به ادامه مسیر الهی هدایت شوند و از تکرار تسامح و اهمال گذشته خودداری ورزند و این ممکن نیست مگر اینکه اجزای تشکیل دهنده تاریخ ملت ها برای آن ملت آشنا و شناسایی شده باشند. تاریخ ملت و کشور ایران اسلامی سراسر پند و اندرز است، که با خلوص و شجاعت و

هوشیاری این مردم در آمیخته و توانسته است آنها را از سقوط در دره نیستی نجات دهد و آن را به دست ما که آینده گذشتگان هستیم، برساند.

انقلاب اسلامی ایران به رهبری آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله علیه همچون نوری در آینه تاریخ درخشید و با درخشش خود طاغوت های جهان را در هم شکست و قلب های دردمند مستضعفین را منور ساخت و غنچه های ناشکفته امید را با نور محبت خویش در دل آنها به گل پیروزی تبدیل نمود.

اکنون با گذشت چهار دهه از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، شاهد استحکام انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رشد و شکوفایی روزافزون ایران عزیز در تمام عرصه های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی و فناوری در سطح ملی، منطقه ای و بین المللی هستیم و با امید به آینده ای روشن و توکل به خدای متعال و اتکاء به رهبری فرزانه و اندیشمند و به پشتوانه نیروی جوان، متفکر و فعال به جلو حرکت می کنیم و ان شاء الله مقدمات ظهور فرزند عزیز زهرا علیها السلام و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را آماده و مهیا خواهیم کرد.

شناخت این انقلاب عظیم الهی و درک حرکت های سیاسی و اجتماعی آن مستلزم آگاهی هر چند مختصر از علل و اجزای تشکیل دهنده این حرکت الهی می باشد. این اثر ناچیز کوششی است بسیار اندک در این جهت که تقدیم به روح ملکوتی امام خمینی رحمه الله علیه و رهبر عظیم شأن و شهدای انقلاب اسلامی و مردم بیدار و شجاع و حزب اللهی و انقلابی ایران اسلامی می گردد.

چهل سالگی انقلاب اسلامی ایران در بیانات رهبر معظم انقلاب (مد ظله)

در باب ارزش های اصلی انقلاب و شعارهای انقلاب و اصول بنیادین انقلاب، آنچه من می توانم عرض بکنم این است که انقلاب، امتحان خوبی در این زمینه پس داده است؛ یعنی ملت ایران توانسته است اصول بنیادین را و شعارهای اصلی انقلاب را به همان استحکام اول، تا امروز حفظ کند. شعارها و ارزشهای اصلی اینها است: استقلال، آزادی، مردم سالاری، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملی، عدالت و برتر و بالاتر از همه این ها تحقق و پیاده شدن احکام دین و شریعت در کشور؛ این شعارها با همان طراوت اول حفظ شده است.

امروز کشور از استقلال برخوردار است و این خواسته عمومی این مردم در انقلاب بوده، یعنی واکنش ملت ایران به دوست سال سلطه بیگانگان بر این کشور است. این را خوب است جوانهای ما، اهل فکر و تحقیق ما، مورد توجه قرار بدهند. تا قبل از انقلاب، حدود دوست سال قدرتهای سلطه گر بر این کشور مسلط بودند و حکومتها زیر

سایه قدرتهای بیگانه حکومت می کردند. حکومت قاجار با تضمین دولت تزاری روسیه بر سر پا بود؛ یعنی در جنگهای ایران و روس، در قضیه ترکمنچای، عباس میرزای قاجاری [از روس ها] قول گرفت که حکومت در خاندان قاجار باقی بماند؛ یعنی خاندان قاجار زیر پرچم و ضمانت روس ها زندگی می کردند. بعد انگلیس ها آمدند، رضاخان را سر کار آوردند؛ همان انگلیس ها محمد رضا را سر کار آوردند؛ بعد در بیست و هشتم مرداد سال 1332 آمریکایی ها وارد میدان شدند و محمد رضا را تجدید سلطنت کردند؛ یعنی در طول این سالهای متمادی، حکومتهای ما را با این قدرت یا آن قدرت می آورد و می برد.

در یک برهه ای از زمان - قرارداد 1907 - انگلیس و روس تزاری با هم توافق کردند، کشور ایران را بین خودشان تقسیم کردند؛ یک قسمت زیر سلطه انگلیس، یک قسمت زیر سلطه روس، یک قسمت کوچک هم این وسط مستقل؛ یعنی این جور کشور در زیر سلطه بود؛ لذا خواست عمومی ملت ایران این بود که از این حالت خارج بشود، استقلال پیدا کند. من می توانم عرض بکنم که امروز هیچ کشوری در دنیا، ملتی به استقلال ملت ایران ندارد؛ همه ملتهای دنیا به نحوی از انحاء، نوعی ملاحظه کاری در مقابل قدرتها دارند. آن ملتی که آرایش تحت تأثیر هیچ کدام از قدرتها قرار نمی گیرد، ملت ایران است. بنابراین استقلال محفوظ ماند.

آزادی؛ استقلال و آزادی در کنار هم جزو شعارهای اصلی انقلاب

بوده است. آزادی در این کشور تأمین شده است. بله، عده ای بی انصافی می کنند، از آزادی موجود استفاده می کنند و به دروغ می گویند آزادی وجود ندارد؛ رادیوهای بیگانه و تبلیغات بیگانه هم سخن آنها را بازتاب می دهند. واقع قضیه این نیست، امروز در کشور ما آزادی فکر هست، آزادی بیان هست، آزادی انتخاب هست، هیچ کس به خاطر اینکه فکرش و نظرش مخالف نظر حکومت است، مورد فشار و تهدید و تعقیب قرار نمی گیرد. هر کس ادعا کند که «من مورد فشار قرار گرفته ام چون عقیده ام در فلان مسئله بر خلاف عقیده حکومت بوده»، هر کس این جور ادعایی بکند، دروغ گفته؛ چنین چیزی نیست. افراد متعدد در رسانه های مختلف، افکار گوناگون ضد حکومت را - که عقیده شان است - ابراز می کنند و کسی هم با اینها کاری ندارد؛ بنا هم نیست که کسی متعرض اینها بشود. آزادی بیان هم هست، می توانند بگویند.

بله، آزادی در همه جای دنیا چارچوب دارد؛ آزادی یعنی «بر خلاف قانون عمل کردن» وجود ندارد؛ آزادی یعنی «بر خلاف دین و شریعت عمل کردن» وجود ندارد. چارچوب آزادی در کشور ما، قانون اساسی ما و قوانین کشور و همه الهام گرفته از شریعت مطهر اسلام است؛ البته این هست. اینکه کسی توقع داشته باشد آزاد باشد و بر خلاف قانون عمل کند، منطقی نیست و این وجود ندارد. بنابراین آزادی هست.

مردم سالاری؛ انتخابات عمومی در کشور ما جزو کم نظیرترین انتخابات در تمام دنیا و در کشورهای مختلف است. تقریباً همه سال ها و اخیراً هر دو سال یک بار، انتخابات انجام می گیرد. در انتخابات همه آزادند، همه شرکت می کنند، با شور و شوق هم ملت ما شرکت می کنند. شما ملاحظه کنید در این چهل سال، دولتهایی که با انتخاب مردم سر کار آمدند، دارای گرایش های مختلف بودند؛ یک وقت گرایش به نوع سیاسی داشتند، یک وقت گرایش به ضد آن داشتند؛ همه اینها را مردم انتخاب کردند. مردم سالاری در کشور ما مستقر است. ما در انتخابات های خودمان نگذاشتیم یک روز تأخیر بشود، حتی در دوران جنگ.

ارزش و اصل دیگر، اعتماد به نفس ملی و خودباوری ملت ایران است. یعنی ملت، در مقابل دیگران احساس انفعال و سرافکنندگی نداشته باشد؛ یعنی روحیه «ما می توانیم»؛ این امروز بحمدالله در کشور وجود دارد. البته عرض کردم، شرح اینها و آمارهای مربوط به اینها طولانی است و اینها را در جلسه دیگری عرض خواهم کرد. امروز بحمد الله ملت ما و جوانان ما روی پای خودشان می ایستند و احساس استقلال و خودباوری می کنند.

مسئله عدالت؛ این که کشور در باب عدالت، هیچ حرکتی انجام نداده است، این خلاف واقع است. در باب عدالت کارهای بسیار زیادی انجام گرفته، کارهای بسیار خوبی انجام گرفته است. منتها این،

آن عدالتی که ما دنبالش هستیم و آرزوی ملت مسلمان است نیست، با آن فاصله دارد، و الا اگر شما مقایسه کنید کشور ما را با دوران قبل از انقلاب یا با بسیاری از کشورهای دیگر، می بینید در اینجا فاصله طبقاتی کمتر است، توانایی های قشر ضعیف بیشتر است، عمومیت آموزش و پرورش و بهداشت و دیگر چیزها حتما از بسیاری کشورهای دیگر بیشتر است.

جمهوری اسلامی با وجود همه فشارهایی که داشته است، در تأمین عدالت کارهای بزرگی انجام داده است و پیشرفتهای خوبی کرده است. البته تبلیغات، چیز دیگری را می گوید؛ و آن عدالتی هم که ما توقع داریم، ما دنبالش هستیم، بیش از اینها است. بنابراین شعار عدالت هم، شعار واقعی است و شعاری است که بحمدالله در کشور، ماندگار و مستقر است.

و مسئله دین و تحقق شریعت به برکت وجود شورای نگهبان، که همه قدرتهای مستکبر هم با شورای نگهبان مخالفند، به خاطر اینکه تأمین کننده انطباق قوانین و عملکردها با شرع مقدس است؛ این مربوط به شعارها. بنابراین من می توانم به طور اجمال عرض بکنم که عملکرد چهل ساله در زمینه شعارهای اصلی انقلاب، عملکرد قابل قبول و عملکرد خوبی است. [حرم مطهر رضوی، فروردین 1397]

تبیین مراحل پنج گانه انقلاب در بیان رهبر معظم انقلاب (مدظله)

رهبر انقلاب اسلامی در دیدار دانشجویان کشور در ماه مبارک رمضان ابتدا به تبیین مراحل پنج گانه انقلاب پرداختند و گفتند:

«یک تفکر غلط از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشت مبنی بر اینکه انقلاب، بعد از تشکیل نظام به پایان می رسد و باید به سراغ شکل دهی نهادها و دیوان سالاری رفت. این تفکر غلط، انقلاب را به معنای تنش، نزاع و کارهای غیرقانونی می داند.

حضرت آیت الله خامنه ای تشکیل «نظام انقلابی و اسلامی» را در مرحله دوم برشمردند و افزودند:

نظام انقلابی و اسلامی، اهداف، آرمان ها و ارزش هایی دارد که تحقق آنها نیازمند مرحله سوم، یعنی شکل گیری «دولت انقلابی» است؛ دولتی که ارکان نظام اسلامی را باور داشته باشد «

ص: 22

ایشان با تأکید بر اینکه با عملکرد صحیح دولت اسلامی و انقلابی و محققشدن آرمانها، مرحله چهارم یعنی «جامعه اسلامی و انقلابی شکل می‌گیرد، گفتند:

«نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی زمینه ساز پنجمین مرحله یعنی ایجاد «تمدن انقلابی و اسلامی» خواهند شد، بنابراین انقلاب هیچ‌گاه تمام‌شدنی نیست و همواره ادامه دارد.»

رهبر انقلاب اسلامی سپس به بیان آرمان‌های نظام اسلامی و انقلابی پرداختند و خاطر نشان کردند:

«یکی از این آرمان‌ها که بسیار مهم است، «عزت ملی» یعنی احساس افتخار ملی مبتنی بر واقعیات متن جامعه و نه متکی بر توهمات و تصورات است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «اعتماد به نفس ملی»، «استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی» و «آزادی» اعم از «آزادی اندیشه، بیان و عمل» را از دیگر آرمان‌های نظام اسلامی برشمردند و گفتند:

«اگر آزادی نباشد، رشد معنوی و پیشرفت جامعه وجود نخواهد داشت، اما همین آزادی نیازمند قانون و چارچوب است؛ زیرا در غیر این صورت، منجر به ولنگاری خواهد شد که نمونه‌های آن در دنیای غرب موجود است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، «استقرار عدالت» «پیشرفت مادی و تمدنی به برکت فناوری»، «رشد اخلاق معاشرتی» و «آماده‌سازی

فضا برای رشد معنویت و رهایی از بردگی شهوت و غضب» را از دیگر آرمان‌ها دانستند و خاطرنشان کردند:

«تحقق این آرمان‌ها در کوتاه مدت امکان‌پذیر نیست، بلکه نیازمند یک حرکت بلندمدت و مبتنی بر آگاهی و هوشیاری است.»

ایشان تأکید کردند: «انقلاب بدون آرمان‌ها و بدون استمرار، در واقع فقط تغییر مدیریت کشور از افرادی به افراد دیگر خواهد بود، بنابراین باید حرکت به سمت آرمان‌ها ادامه یابد.»

«انقلابی‌گری به معنای «مشی صحیح، عاقلانه، شجاعانه و پرانگیزه» فقط در بستر نظام اسلامی معنادار و امکان‌پذیر است. بنابراین کسانی که نظام و بنیان‌ها و ارزش‌های آن را زیر سؤال می‌برند و تخریب و ساختار شکنی می‌کنند، در واقع در حال ویرانگری هستند، نه انقلابی‌گری.»

[سخنان رهبر انقلاب در جمع دانشجویان، رمضان 1397]

ص: 24

اشاره

انواع تحولات اجتماعی عبارت است از: اصلاح (رفرم)، کودتا، نهضت و انقلاب.

اصلاح

اصلاح کلمه ای عربی و از ریشه «ص ل ح» و دارای دو معنی است که یکی از ماده «صلح» و دیگری از ماده «صلاح» برگرفته شده است. اصلاح از ماده صلح به معنی آشتی دادن و رفع اختلاف، دعوا و مشاجره بین دو فرد یا دو گروه است. واژه اصلاح به این معنی در قرآن کریم و احادیث، تحت عنوان «اصلاح ذات البین» به کرات به کار

رفته است. [\(1\)](#)

و اما اصلاح از ماده صَلاح، در مقابل فساد است که در زبان فارسی

ص: 25

1- سوره انفال، آیه 1؛ سوره حجرات، آیه 9؛ نهج البلاغه، نامه 47.

به کلمه «شایستگی» ترجمه می شود. عمل صالح یعنی کار شایسته و انسان صالح یعنی فرد شایسته و اصلاح به این معنا در مقابل افساد است و به دو معنی به کار رفته، یکی انجام کارهای شایسته و دیگری برطرف کردن فساد و جلوگیری از تبهکاری. این معنی از اصلاح که مفهوم اجتماعی گسترده تری دارد، در قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام، به معنی انجام کارهای شایسته، و اصلاح مفسد و مبارزه با کاستی ها و نابسامانی ها است، بسیار بیان شده است. کسانی که به دنبال رفع مفسد و اصلاح امور جامعه اند، مصلح و آنها که کارشان ایجاد فساد و نابسامانی است مفسد نام دارند.

قرآن کریم بعضی از پیامبران را به عنوان مصلح معرفی می کند. از زبان شعیب پیامبر آمده است که می فرماید:

«من هیچ اراده و قصدی جز اصلاح، هر آن قدر که بتوانم، تا آخرین حد توانم، ندارم».⁽¹⁾

پس اصلاح طلبی به معنای انجام کارهای شایسته و رفع فساد و برطرف کردن کاستی ها و نابسامانی ها، جزء متن دین و اعتقادات ما مسلمانان است. و هر مسلمانی به حکم مسلمان بودن، اصلاح طلب و طرفدار اصلاحات است؛ چرا که او اصلاح طلبی و اصلاح گری یک شأن پیامبری است، ثانیاً یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است. معروف یعنی کار خوب و عمل صالح و شایسته و منکر یعنی

ص: 26

کار بد و ناشایست. بنابراین یک مسلمان موظف است به عنوان یکی از واجبات، با امور ناشایست که در چارچوب نظام ارزشی ما به عنوان منکر تعریف شده است مقابله و به امور صحیح و اعمال شایسته که بدان معروف می‌گوییم دعوت کند و این یکی از تکالیف دینی است که صرف زبانی و لسانی هم نیست؛ بلکه تا مرحله اقدام مسلحانه و جهاد نیز ممکن است پیش برود.

پس هر مسلمان متدینی با این نگرش، طرفدار اصلاحات و اصلاح طلب است. بدین ترتیب اصلاح طلبی در متن نگرش دینی نهفته است. یک فرد مسلمان و جامعه اسلامی به طور مدام می‌بایست به سوی کمال حرکت کند و خودش را از وضع موجود به وضع مطلوب نزدیک کند و این حرکت، اصلاحگری است. تعابیری از ائمه اطهار علیهم السلام وجود دارد که بیانگر همین معنی است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر کسی دو روزش با هم مساوی باشد زیانکار است». چه رسد به اینکه روز دوشم بدتر از روز اولش باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانات خود از اصلاح، گاه در حد فلسفه تشکیل حکومت و مأموریت نظامی دینی یاد می‌نماید؛ و در خطبه منبریه که در کوفه بیان شده و گفته می‌شود آخرین سخنرانی حضرت بوده است در بیان فلسفه پذیرش حکومت و مبارزات خود می‌فرماید:

«خدایا تو میدانی کاری که ما کردیم برای به دست آوردن قدرت و جمع آوری ثروت نبود، بلکه برای این بود تا نشانه‌هایی از دین تو که از جای خود کنار رفته و منحرف و

حذف شده بودند را دوباره به جایگاه اصلی خود بازگردانیم و اصلاح را در سرزمین های تو آشکار کنیم و تحقق بخشیم که در اثر بازگرداندن معالم دین الهی و اصلاح بلاد، بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند و حدود و قوانین بر زمین مانده تو برپا داشته شوند»⁽¹⁾.

حضرت علی علیه السلام در این خطبه فلسفه قیام خود را یکی بازگرداندن علائم و نشانه ها و شعائر دینی و دیگری انجام اصلاحات در بلاد اسلامی ذکر می کنند و فلسفه اصلاح را نیز برقراری امنیت برای بندگان مظلوم خدا و پیاده شدن حدود و احکام بر زمین مانده الهی می دانند. و بدین ترتیب، حضرت فلسفه اصلاحات را در جامعه اسلامی به وضوح بیان می کند: فراهم شدن شرایطی که طی آن بندگان خدا در امنیت باشند (امنیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره) و حدود و احکام الهی در جامعه محقق گشته و پیاده شوند.

بنابراین اگر جهت گیری اصلاحات در جامعه ما چیزی غیر از این باشد، می بایست در اصالت و اسلامیت آن شک نمود.

آن حضرت در نامه ای تند و آتشین به معاویه با استناد به آیه مبارکه 88 سوره هود، از اقدامات خود به عنوان اصلاحگری یاد می کنند و در عهدنامه مالک اشتر، هنگامی که وی را به زمامداری مصر منصوب فرمودند، اصلاح امور مردم آن کشور را جزء وظایف تخلف ناپذیر

ص: 28

شیهه این معنی که در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام هست، در کلمات امام حسین علیه السلام نیز می باشد. ایشان در وصیت خود به برادرشان محمد بن حنفیه که در حقیقت بیان فلسفه قیام ایشان است می فرمایند:

«من برای شرارت، تبهکاری و فساد و ظلم خارج نشدم، بلکه منحصرآ برای اصلاح در امت جدم (جامعه اسلامی) خارج شدم، می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم، و به روش و سیره جدم پیامبر صلی الله علیه و آله و پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام عمل می نمایم» (2).

با نگاهی کلی به تاریخ اسلام در می یابیم که اساساً نهضت شیعی از ابتدا تا کنون یک نهضت اصلاح طلبی بوده است. بدین معنی که از زمان رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شیعه در مقابل انحرافات و فساد طبقات حاکم قیام کرد و برای مقابله با بزرگ ترین انحرافی که در امت اسلامی پیش آمد یعنی انحراف در رهبری و امامت جامعه و حکومت اسلامی، تا کنون ایستاده است.

جوهر و مایه اصلی این مبارزه، بازگشت به اصول، ارزش ها، آرمان ها و سرچشمه زلال اسلام اولیه بود؛ همان چیزی که شیعه معتقد است بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دستخوش تغییر شد و حضرت علی علیه السلام به همین دلیل فرمود: «لَنُرِدَّ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ». در نهضت

ص: 29

1- نهج البلاغه، نامه 53.

2- بحار الانوار، ج 44، ص 392.

اصلاح‌گری شیعه، اصلاحات برای بازگشت به آن اصول، پایه‌ها و مبانی اصیل و صحیح اولیه و پیرایش و پالایش آن چیزی بود که به عنوان اسلام مطرح می‌شد.

در صد ساله اخیر، در کشور ما، یعنی مهد حرکت تشیع، نهضت‌های گسترده اصلاح‌طلبی با آرمان‌های دینی و اسلامی صورت گرفت. این نهضت‌های اصلاحی که در مقابل استبداد داخلی و استعمار خارجی با حضور گسترده مردمی و پیشتازی نیروی مذهبی به رهبری روحانیت شیعه انجام شد، عمیقاً از اندیشه‌ها و اعتقادات شیعی الهام می‌گرفت. نهضت امام خمینی رحمه الله نیز یک نهضت اصلاح‌طلبی بود که در تداوم قیام تاریخی شیعه و نهضت‌های صد ساله اخیر به وجود آمد و در نهایت توانست با یک انقلاب بزرگ سیاسی، سلطنت شاهنشاهی را که یک انحراف و فساد بزرگ بود شکست دهد و یک نظام دینی مستقل را بنیان نهد.

رفرم یا اصلاحات در فرهنگ غرب

اصلاح و اصلاحات در مفهوم رایج فرهنگ سیاسی غرب معادل رفرم در مقابل انقلاب به کار می‌رود. بدین معنی که تغییراتی که در جامعه ایجاد می‌شود گاه تدریجی و آرام و با آهنگ کند است که در این صورت به آن رفرم می‌گویند و کسانی را که در صدد چنین تغییراتی در جامعه برآیند اصلاح طلب یا «رفرمیست» می‌نامند و گاه این تغییرات به صورت تند، ناگهانی و اغلب همراه با خشونت و

برخورد صورت می گیرد که بدان انقلاب می گویند و کسانی که به این روش عمل می کنند را انقلابی می نامند. در انقلاب که به صورت پیکار و مبارزه ظاهر می شود، نظامات و ساختارهای کلی جامعه موضوع تحول و تبدیل واقع می شوند، لذا در انقلاب تمامی پیوندها با گذشته نفی می شود. در حالی که اصلاح در چارچوب ساختارها و نظام اجتماعی موجود، در استمرار گذشته و در عین حال با تفاوت هایی از آن، معنی پیدا می کند و صورت می گیرد.

طبق این تعریف، اصلاحات، تحول ساختاری و بنیادی (انقلابی) را نمیپذیرد بلکه رفع اشکالات موجود در ساختار را مورد توجه قرار می دهد. بدین ترتیب اصلاح در جایی معنا پیدا می کند که اولاً علی نظام و ساختار وجود داشته باشد، ثانیاً وجود آفت و آسیب و فساد در آن محرز باشد.

بنابراین اصلاح گران یا اصلاح طلبان سعی دارند که ضمن حفظ چارچوب کلی و ساختار آن نظام، آفت ها و آسیب های آن را ترمیم کنند. بدین ترتیب در مفهوم رایج فرهنگی سیاسی غرب، اصلاحات ساختار را تغییر نمی دهد بلکه درون ساختاری و در چارچوب نظام صورت می گیرد. (1)

نهضت :

مفهوم حرکتی را میدهد که بنیان را یک باره تغییر نمی دهد و دگرگونی پدید نمی آورد بلکه حرکتی با خواست های

ص: 31

محدود است. و به آن قسم از تحولات اجتماعی گفته می شود که اهداف عمیق ولی جزئی و معین دارد به طوری که پس از تحقق آن اهداف، نهضت نیز متوقف می شود، مانند نهضت تنباکو و نهضت ملی شدن نفت در تاریخ معاصر کشور ایران، که این گونه نهضت ها به انقلاب و یا سقوط رژیم منتهی نمی شود.

کودنا:

یک اصطلاح سیاسی نظامی است، چون عملی است سیاسی که به وسیله نظامیان صورت می گیرد به این معنا که مثلا گروهی از نظامیان ناراضی در یک کشور، با هم و بی بدیل از مردم متحد می شوند. (قدرت اسلحه و ارتش نیز در اختیارشان است) و رژیم را ساقط می کنند و آن را در دست می گیرند.

انقلاب

از واژه انقلاب استفاده های گوناگون و متفاوتی شده است، ولی کلا در ریشه های مختلف علوم اعم از تجربی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی از آن به عنوان دگرگونی و تغییر اساسی یاد می کنند. انقلاب لغتی است عربی که از ریشه قلب گرفته شده و از باب انفعال می باشد. قلب در لغت به معنی دگرگونی است و همچنین به معنای تغییر، حرکت، زیر و رو شدن (از حالی به حال دیگر درآمدن) می باشد.

در علوم سیاسی نیز یک تعریف جامع و مانعی از انقلاب ارائه نشده است. از طرف دیگر به خاطر نوعی تقدس که امر انقلاب های سیاسی در اذهان اکثر جوامع دارد با به کارگیری نابجای آن،

بهره برداری تبلیغاتی نیز از آن می شود.

نکته جالب اینکه حتی نیروهای مرتجع و مخالف انقلاب نیز برای توجیه برنامه ها و اقدامات خود بر آنها مهر انقلابی بودن می زنند. به عنوان مثال می توان از برنامه های به اصطلاح اصلاحی شاه که در سال های 1341 و 1342 توسط آمریکا به وی دیکته شده بود، و آن را به عنوان «انقلاب شاه و ملت» مطرح کرد، نام برد.

با این وجود برای تحلیل انقلاب های بزرگ از جمله انقلاب اسلامی ایران، اولین گام ضروری ارائه و قبول یک تعریف جامع و مانع از انقلاب است. واژه انقلاب مفهومی قدیمی در علوم اجتماعی دارد و مانند بسیاری از اصطلاحات دیگر در این رشته، تعاریف گوناگونی پیدا کرده است و در طول تاریخ نیز هر یک از متفکران به فراخور، برداشت خاص و احیانا متفاوتی از آن داشته اند؛ ولی در کل به همان معنای تحول و دگرگونی، حالی به حالی شدن چیزی، بازگشت به معنای روشن تر، پذیرش دگرگونی است. انقلاب صنعتی، انقلاب فرهنگی، انقلاب علمی و تکنولوژیکی، انقلاب ادبی، انقلاب درونی و... همه از جمله اصطلاحاتی است که باهمین مفهوم به کار برده می شود. در قرآن کریم هم انقلاب به معنای زیر و رو شدن آمده است.⁽¹⁾

در کتاب مفردات القرآن راغب، کلمه قلب را چنین معنا نموده است: «قلب ریشه انقلاب است».

ص: 33

1- سوره آل عمران، آیه 144،

در ذیل آیه 21 سوره عنکبوت راغب چنین گفته است :

«قلب را به معنای برگرداندن چیزی از صورتی به صورت دیگر و در باره انسان برگرداندن او از راهی است که می رود به راهی دیگر».

«وَإِلَيْهِ تُقَلَّبُونَ» (1)، «إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ» (2). در این دو آیه انقلاب به معنای انصراف است و این آیات در مجلس فرعون در مقابل موسی علیه السلام بازگشت جادوگران را از شرک و بت پرستی و طرد نمودن فرعون به عنوان خدا، و ایمان آوردن و بازگشت به سوی موسی علیه السلام و خدای جهان که دقیقاً انصراف از راه و عقیده و اعتقاد فاسد و شرک آلود و پذیرش ایمان به خدا و نبوت موسی علیه السلام می باشد.

از نظر جامعه شناسی، انقلاب به معنای یک تغییر ریشه ای و بنیانی و عمیق در جامعه و ساخت های اجتماعی است به ویژه زمانی که به صورت ناگهانی و اغلب با خشونت باشد بیان شده است.

در جامعه شناسی، انقلاب دارای سه عنصر اساسی است: 1- عملی ارادی در آن دخیل است. 2- عامل تقدس و تعالی در آن نهفته است بدین صورت که هر دگرگونی را که جنبه سقوط داشته باشد انقلاب نمی گویند. 3- عنصر نفی و انکار در آن دخالت دارد. به این ترتیب انقلاب در مفهوم اجتماعی آن عبارت است از: وضعی را با اراده خود خراب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر.

و از نظر سیاسی و در تاریخ، انقلاب به معنای تغییر نهاد سیاسی و

ص: 34

1- سوره عنکبوت، آیه 21

2- سوره اعراف، آیه 125

نظام و سمبل های حاکمیت آمده است. و اما انقلاب اسلامی را تغییر حاکمیت طاغوت (هر تجاوزگر یا هر معبودی غیر از خدا) به منظور استقرار حاکمیت الله معنا کرده اند. انقلاب اسلامی یک انقلاب سیاسی یا یک دگرگونی محض نیست، بلکه تجدید حیات اسلام را در تمام وجود و ابعاد در نظر دارد و متضمن بازگشت به اصول اساسی اسلام است. (1)

استاد شهید مطهری رحمه الله می گوید: «انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم موجود برای ایجاد نظمی مطلوب، به بیان دیگر، انقلاب از مقوله عصیان و طغیان است علیه وضع حاکم به منظور استقرار وضعی دیگر»، سپس نتیجه گیری می نماید که: «ریشه هر انقلاب دو چیز است: یکی نارضایتی و خشم مردم از وضع موجود و دیگری آرمان یک وضع مطلوب، شناختن یک انقلاب یعنی شناخت عوامل نارضایتی و شناخت آرمان مردم است». (2)

آنچه به عنوان معنای اصطلاحی انقلاب آورده شد، بدون تردید با قطع نظر از دیدگاه اسلام است. لکن بدان معنا نیست که معنای انقلاب اسلامی کلاً متضاد با این معانی انقلاب است، چه بسا بعضی از این مفاهیم یا همه آنها در انقلاب اسلامی می باشند؛ منتها به علاوه اسلام و اسلام یا دین اسلام عبارت است از مجموعه ای از اصول

ص: 35

1- فرهنگ علوم سیاسی، ص 139.

2- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 30.

اعتقادی و فروع عملی اعم از عبادات، معاملات و سیاسات و اخلاقیات و اجتماعیات، و انقلاب اسلامی معنای خاص خودش را دارد، البته غیر از آنچه مصطلح در جهان مادی و استکباری است. (1)

سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی نو و مترقی و به عبارت دیگر سرنگونی یک نظام اجتماعی کهنه و فرسوده و سرنگونی حکومت طبقه یا طبقات رو به زوال و ارتجاعی و جایگزین کردن آن با نظام اجتماعی جدید و پیشرو و حکومت طبقه یا طبقات پیشرو و بالنده است. (2)

معنای انقلاب اجتماعی :

دگرگونی در ساخت اجتماعی جامعه، تحولی که به تغییر رژیم و ساخت سیاسی محدود نمی شود و تا زیربافت اجتماعی گسترش می یابد. (3)

با توجه به تعاریف ذکر شده از انقلاب و مستثنا کردن سایر تحولات سیاسی - اجتماعی می توان انقلاب را در یک تعداد محدود از تحولات سیاسی، اجتماعی در تاریخ بشریت مشاهده کرد که تقریباً همه متفکران علوم سیاسی در اطلاق نام انقلاب به آنها متفق القول هستند و اغلب از آنها با نام انقلاب های بزرگ دنیا یاد می کنند. از قبیل آنچه با موفقیت در قرن هجدهم در فرانسه و در قرن بیستم در روسیه، چین، کوبا، ایران و نیکاراگوئه رخ داده است. به این ترتیب

ص: 36

1- انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص 6 و 7.

2- فرهنگ علوم سیاسی، ص 223.

3- فرهنگ علوم سیاسی، ص 237.

انقلاب‌های واقعی دنیا بسیار انگشت‌شمار و نادر بوده و بسیاری از جوامع حتی آن را تجربه نکرده‌اند و تا اواخر قرن هجده که زمان ظهور انقلاب فرانسه است جامعه بشریت راجع به آن چیزی نمی‌دانست.

مهم‌ترین عامل و وجه مشترک انقلاب‌های مزبور در مردمی بودن آنهاست که در اغلب تعاریف ذکر شده نادیده گرفته شده است. بنابراین و برای در نظر گرفتن همه عوامل و جنبه‌های مورد نظر در یک انقلاب تمام و کمال، می‌توان آن را چنین تعریف کرد:

انقلاب یک حرکت مردمی در جهت تغییر سریع و بنیانی در ارزش‌ها و باورهای مسلط، نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی، رهبری، روش‌ها و فعالیت‌های حکومتی یک جامعه توأم با خشونت داخلی است. با توجه به این تعریف یک انقلاب سیاسی کامل شامل ویژگی‌های زیر است:

1- مردمی است. 2- با خشونت همراه است. 3- ارزش‌های مسلط را تغییر می‌دهد. 4- سریع و ناگهانی است. هسیستم سیاسی حاکم را دگرگون می‌کند.

بر اساس این عوامل و ویژگی‌ها و برای بررسی ریشه‌های ظهور و موفقیت یا عدم موفقیت انقلاب و علی‌الخصوص پیش‌بینی وقوع انقلاب و همچنین مقایسه انقلاب‌ها لازم است. سه مرحله ممتاز را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم:

مرحله اول شرایط و اوضاع و احوال جامعه ای که به صورت بالقوه برای شکل گیری و تحقق انقلاب مساعد است. مرحله دوم عواملی است که منجر به بروز و پیروزی انقلاب می گردد. و بالاخره در مرحله سوم عواملی است که تداوم و یا شکست انقلاب را به دنبال خواهد داشت. (1)

اصلاحات دینی، ایمانی و انقلابی آن است که در پرتو دین خدا و احکام و ارزش های الهی و مصالح جامعه اسلامی ممکن می گردد و مشخصات و مصادیق آن این است که از آموزه های دینی و ارزش های الهی الهام می گیرد و اساساً اصلاح جامعه جز از طریق پیاده شدن احکام و ارزش های دینی و اصلاح امور دنیا جز با اصلاح امر آخرت انسان ها ممکن نیست.

امام علی علیه السلام می فرمایند: «اگر به دنبال اصلاح وضع دنیایان و اصلاح امور اجتماعی خود هستید رابطه خود را با خداوند و با آخرت اصلاح کنید». (2)

در رویکرد دینی، اصلاحات واقعی اصلاحاتی است که ریشه در رابطه با خداوند، دین و آخرت داشته باشد. اصلاحاتی که به این حقایق و ارزش ها پشت کند اصلاحات واقعی نیست. در نگرش دینی کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند، خداوند بین او و مردم را اصلاح می کند. کسی که امر آخرت خود را اصلاح کند، خداوند امر

ص: 38

1- تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص 32.

2- نهج البلاغه، حکمت 89.

دنیای او را اصلاح می کند. بنابراین اصلاح واقعی در گرو اصلاح رابطه فرد و جامعه با خداوند است. اگر جامعه ای می خواهد وضع دنیایش به سامان برسد، باید وضع خود را با آخرت درست و اصلاح کند. هرگز با ترک کردن دین، دنیا اصلاح نمی شود. (1)

اصلاح واقعی تنها از مسیر و مجرا و معبر دین به دست می آید و پشت کردن به تعالیم و ارزش های دینی، جامعه را از اصلاحات واقعی باز خواهد داشت. (2)

معنای لغوی انقلاب :

انقلاب بر وزن «مصدر باب انفعال» و فعل ماضی مجرد آن قلب - یقلب می باشد. قلب، یعنی دگرگون کرد، واژگون ساخت، زیر و رو شد، برگشت. چون باب انفعال معنای مطاوعه یعنی قبول و پذیرش فعل را می دهد، پس معنای انقلاب دگرگون پذیری می شود. بنابراین انقلاب یعنی پذیرش دگرگونی، به نحوی که برای فرد یا جامعه به صورت صفت درآید. (3)

معنای اصطلاحی انقلاب :

در اصطلاح فلسفه، انقلاب به معنای تبدیل صورتی به صورت دیگر است و آن همان کون و فساد است. فلاسفه انقلاب را به جایی می گویند که ذات و ماهیت یکی شیء لزوما عوض شده باشد. در اصطلاح عرفان، انقلاب به معنی تغییرات درونی در احوالات شخصی است. گاهی در فرهنگ و اقتصاد، تحول

ص: 39

1- همان، نامه 43، حکمت 106.

2- اصلاحات آمریکایی، ص 24 - 26.

3- فرهنگ دهخدا، ص 431.

ناگهانی را انقلاب می گویند. در مفهوم سیاسی و اجتماعی تعاریف متعددی از انقلاب شده است، از جمله: شورش عده ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو را قیام عمومی یا انقلاب می گویند. دگرگونی اساسی و ناگهانی یا تحول کامل در تشکیلات سیاسی و سرنگون کردن یک دولت و حاکم و جایگزینی دولت یا حاکم جدید و تلاش در جهت به ثمر رساندن تغییرات بنیانی در اوضاع و احوال اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را انقلاب می گویند. وضع و نظام و سیستم و روابط حاکمیتی و مدیریتی یک جامعه را به اراده خود تخریب کردن برای رسیدن به وضعی بهتر و نظم سیستمی متعالی تر را انقلاب می گویند.

شهید مطهری می گویند: انقلاب عبارت است از طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا یک سرزمین علیه نظام حاکم موجود برای ایجاد نظامی مطلوب. (1)

در قرآن کریم کلمه انقلاب به معنای لغوی و به حسب لغت و به معنی برگشتن، به چیزی روی آوردن و دگرگون شدن، زیر و رو شدن، پشت و رو شدن و نظیر این معانی هم در جهت خوبی و تحول مثبت و رو آوردن به نیکی ها و «سیر الی الله» و در جهت خیر و تقدس به کار رفته است، مانند آیه 147 سوره آل عمران و آیه 50 سوره شعرا و

ص: 40

1- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 29 و ص 113 و شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص 19.

هم در جهت منفی و ناپسند چون بازگشت به گذشته جاهلی به کار رفته است مانند آیه 144 سوره آل عمران و آیه 149 سوره آل عمران. اما معنای اصطلاحی کلمه انقلاب در قرآن مورد استعمال واقع نشده است. در فرهنگ قرآن برای حرکت های توحیدی و در راه خدا معمولاً سه کلمه به کار رفته که عبارت اند از:

1- بعثت، یعنی برانگیختگی و تهییج برای اقدام. مانند آیه 213 سوره بقره و آیه 5 سوره اسری.

2- قیام، یعنی برخاستن، حرکت کردن و مقاومت نمودن برای مقصد و منظور خاص، مانند آیه 46 سوره سبأ.

3- جهاد، یعنی نهایت کوشش را کردن و با تمام سعی و تلاش در راهی که مورد اعتقاد کوشنده است به فعالیت پرداختن و مبارزه کردن. مانند آیه 78 سوره حج و آیه 52 سوره فرقان و آیه 41 سوره توبه.

در احادیث علاوه بر کلمات بالا، کلمه «نهضت» و «ثار» هم برای قیام و مبارزه به کار رفته است. «نَهَضَ» و «ثَارَ» هر دو مفهوم برخاستن دارند و «ثار» معنای خروشیدن و سروصدا کردن هم می دهد. لذا عرب ها امروزه به انقلاب «ثوره» می گویند که به معنای جوش و خروش، خشمناکی، شورش و غوغا علیه حکومت و نظام و روابط اجتماعی می باشد.

بعثت :

بیداری و آگاهی جامعه و ملت برانگیخته را نشان می دهد و در آن مورد به کار می رود.

جهاد :

جنگ مقدس و تلاش و کوشش فراوان را به ذهن متبادر می کند.

ثار و ثوره :

به معنی خونخواهی و به پا خاستن برای خونخواهی است و بیشتر مفهوم شورش و مقابله با حکومت و نظام سیاسی را می دهد. شعار خونخواهان امام حسین علیه السلام «یا لثارات الحسین» بوده است و «ثارالله»، یکی از القاب آن حضرت است.

خروج :

خارج شدن از حمایت و هواداری یک حکومت و یا قیام کردن علیه یک حکومت است. امام حسین علیه السلام می فرماید: «انما خرجت لطلب الاصلاح....»

قیام :

برخاستن گروه یا ملتی را می گویند که ممکن است خونین و دگرگون کننده باشد و ممکن است فقط موجب تغییراتی شود و ممکن است سرکوب شده و از بین برود. قیام هر نوع حرکت مبارزاتی است اعم از اینکه خونین و انقلابی باشد یا حرکتی آرام و قانونی باشد و یا حرکتی تهاجمی و یا تدافعی باشد مانند قیام مسجد گوهرشاد علیه کشف حجاب و قیام پانزده خرداد سال 42 در تاریخ معاصر ایران.

همان طور که گفته شد، انقلاب معنای حرکتی توفنده را می دهد که سیستم و نظام سیاسی و حکومت موجود را دگرگونه کند و روابط و معیارها و ضوابط موجود را نفی و تخریب کرده و در جهت اهداف آرمانی مطلوب تغییر و تحول بنیادی ایجاد کند. اله را نفی کند و الله را

حاکمیت بخشید. دیورا بیرون کند و فرشته را حاکم نماید. و سرانجام به طاغوت کفر ورزد و به الله ایمان آورد تا از ظلمات متعدد بیرون آید و به وادی نورگام گذارد. حرکت انقلابی اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سپس علی علیه السلام، هر چند در ابتدا آرام و با تدریج و مدارا شروع شد، اما سرانجام نه تنها در عربستان بلکه در همه دنیا، همه بنیان ها را در هم ریخت و نظامی نو با اصول و ضوابط و ارزش های جدید برپا کرد.

علی علیه السلام در خطبه 16 نهج البلاغه بهترین توصیف را در مورد انقلاب ارائه نموده، می فرماید:

«همانا گرفتاری شما به همان شکل که در روز بعثت پیامبر اسلام بود برگشته است. سوگند به آنکه این پیامبر را به حق برانگیخته است که به نوع خاصی در هم می ریزید و به نحوی خاص غربال می شوید و مانند دیگی می باشید که با کفگیر به هم زده می شود تا پایینی ها و پست ترین شما، برترین و بالاترین شوند و بالاترهای شما، پایین ترین گردند».

همین اوضاع در زمان امام حسین علیه السلام پدید می آید، آن حضرت می فرماید:

«آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل نهی و جلوگیری نمی گردد؟» یا می فرماید: «سنت را کشته و بدعت را زنده کرده اند» (1).

ص: 43

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَدْعُوهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

همانا که از فرستاده «خدا» پیامبر امی پیروی می کنند، پیامبری که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می یابند، آنها را به معروف دستور می دهد و از منکر باز می دارد، اشیاء پاکیزه را برای آنها حلال می شمرد و ناپاکی ها را تحریم می کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آنها بود (از دوش و گردنشان بر می دارد، پس کسانی که به او ایمان آوردند، و حمایت ویاری اش کردند، و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگارانند.

این آیه شریفه حرکت متابعت انبیاء را ترسیم می فرماید که به پیروی از نبی ای امی، امر به معروف و نهی از منکر می کنند و چیزهای پاک و طیب را که در نظام قبلی یا موجود، حرام به حساب می آمدند، حلال و پاکیزه می سازند و پلیدی ها و زشتی ها که حلال و جایز شده بودند، حرام می نمایند و بارهای سنگین را از دوش ها برمی دارند و غل و زنجیرهایی که بر انسان ها بسته اند پاره می کنند و به دور

می ریزند. یعنی یک دگرگونی بنیانی در نظام و سیستم و روابط و اصول و معیارها و مسائل اجتماعی به وجود می آورند که با مفهوم انقلاب مطابقت دارد.

بنابراین انقلاب با مفهوم رایج امروزی که در فرهنگ اسلامی بدون عنوان «انقلاب» وجود دارد و می توان گفت بهترین تعریف همین تعریف به دست آمده می باشد. (1)

انقلاب روحی :

به معنای پیدایش انسان نو از نظر اندیشه و شیوه عمل و عواطف و احساسات و آرمان ها، از آن تعبیر کرده اند.

ایجاد انقلاب روحی به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله :

هدف بعثت و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله از نظر فردی تزکیه جان ها و پالایش آنها از رذایل اخلاقی و تعلیم و تربیت آنها، و از نظر اجتماعی و سیاسی برانداختن حاکمیت طاغوت و برقراری عدالت اجتماعی بود و بسیار روشن است که برقرار عدالت اجتماعی بدون تشکیل حکومت الهی و براندازی حکومت طاغوت امکان پذیر نیست. بنابراین می بینیم که آیات کریمه قرآن در هدف بعثت آن حضرت، هر دو را بیان نموده اند.

حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از آنکه خانه کعبه را با کمک پسرش اسماعیل بنا کرد دعا کرد و گفت:

«خدایا در بین ذریه من (که در این سرزمین ساکن و متولد می شوند) پیامبری از خود آنها برانگیز تا آیات تو را بر

ص: 45

آنها تلاوت نماید، کتاب و حکمت را به آنها تعلیم و آنها را پالایش دهد و تزکیه نماید». (1)

و می بینیم در سوره آل عمران، همین حقیقت را با اضافه بیان نموده است:

«به تحقیق خداوند منت نهاد بر مؤمنین به خاطر اینکه برانگیخت در میان آنها از خود آنها پیامبری را تا آیات خداوند را بر آنها تلاوت نماید و آنها را پالایش دهد و کتاب و حکمت را به آنها تعلیم دهد، زیرا آنها پیش از بعثت پیامبر در گمراهی آشکار بودند». (2)

و همین معنا در آیه 2 از سوره مبارکه جمعه بیان شده است؛ و اما از نظر عدالت اجتماعی قرآن کریم این هدف را برای رسالت همه انبیا و پیامبران بیان می کند. در سوره حدید خداوند می فرماید:

«ما محققاً پیامبرانمان را با دلایل روشن و با آنها کتاب و میزان فرستادیم تا قسط و داد در بین مردم به پا داشته شود، یعنی حکومت قسط و عدل در بین مردم حکومت نماید». (3)

و در سوره مبارکه شوری می فرماید:

«بگو من ایمان دارم به همه کتاب هایی که خداوند نازل فرموده و مأمور هستم تا دادگری نمایم بین شما». (4)

از مجموعه آیاتی که آورده شد هدف بعثت پیامبر اسلام به طور

ص: 46

1- سوره بقره، آیه 129.

2- سوره آل عمران، آیه 164.

3- سوره حدید، آیه 25.

4- سوره شوری، آیه 15.

فشرده روشن شد، که اولاً از نظر فردی با خواندن آیات خداوند بر مردم تزکیه و پالایش جان مردم از بدی ها و ایجاد انقلاب در فکر و اندیشه آن ها است. لذا به دنبال تزکیه، تعلیم کتاب و حکمت بیان شده؛ زیرا مردم پیش از آن در گمراهی روشنی بودند.

ثانیاً از نظر اجتماعی انقلاب سیاسی بود که با ایجاد حکومت الهی حاکمیت طاغوت را نابود و در سایه حکومت الله، دادگری و دادگستری نماید و لازمه آن انقلاب اجتماعی می باشد که در سایه برقراری حکومت الله روابط و اخلاق اجتماعی مردم بر اساس دستورات خداوند و پیامبر تنظیم می گردد.

با توجه به این که یکی از تقسیمات انقلاب، انقلاب روحی است، می توانیم به طور جزم ادعا نماییم که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله، از آغاز دعوت، دست به ایجاد یک انقلاب روحی در میان مردم زد که ما این مدت را به زمان سازندگی و زمینه سازی برای انقلاب سیاسی و اجتماعی تعبیر می نماییم که این مدت دقیقاً ده سال طول کشید. با توجه به اینکه تبلیغ علنی پس از گذشت سه سال از بعثت آن حضرت شروع شد، آن قدر کلمات آن حضرت نافذ بود که افراد غیر معاند تا دعوت را می شنیدند می پذیرفتند، به حدی که کفار قریش با راهنمایی ولید بن مغیره مخزومی که بزرگ و خردمند به حساب می آمد گفتند سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله سحر است و پیامبر صلی الله علیه و آله ساحر است.⁽¹⁾

ص: 47

به طور کلی و خلاصه می توان گفت انقلاب یعنی :

الف : انقلاب، تغییر و تحولات همه جانبه و عمیق (بنیادی) در جهت وصول به آزادی است. (در این دیدگاه، انقلاب به عنوان یک نظر سیاسی در فرهنگ غرب مدنظر است).

ب : معنای دیگر که در فرهنگ های سیاسی رایج است عبارت است از تغییرات و تحولات همه جانبه و عمیق در جهت وصول به رفاه اقتصادی (مانند فرهنگ شرق کمونیست).

ج : انقلاب، تغییرات و تحولات همه جانبه و عمیق است در جهت تغییر حاکمیت (رهبران سیاسی) یک کشور.

د: انقلاب، تغییرات و تحولات همه جانبه و عمیق است در جهت تغییر سیستم سیاسی یک مملکت (مثل تغییر رژیم سلطنت به جمهوری).

ه: انقلاب، تغییرات و تحولات همه جانبه و عمیق است در همه شئون فردی - اجتماعی - سیاسی - نظامی - فرهنگی و اقتصادی در یک جامعه در جهت حاکمیت بخشیدن به عقاید و آرمان های دینی (اعتقادی) مردم.

که تقریباً انقلاب اسلامی ایران بر اساس این تعریف به وقوع پیوست؛ انقلاب ایران، انقلابی بود با اندیشه و آرمان الهی و عقاید دینی مردم و هدفش هم این بود که ارزش های دینی در جامعه به وجود آید چه ارزش فرهنگی و ... و حاکمیت آن اتکا به روح امامت و ولایت بود.

مقام معظم رهبری در مقاطع مختلفی بر لزوم انقلابی بودن تأکید داشته و دارند، از جمله فرمودند: «انقلابی بمانید، روحیه انقلابی یعنی اسیر حدود تحمیلی نشدن، قانع به گیرندگی قطره چکانی نشدن، با امید دنبال هدف حرکت کردن و با انگیزه، با نشاط، با اصرار و پیگیری آن را به دست آوردن، این انقلاب و حرکت انقلابی است»⁽¹⁾.

«من دیپلمات نیستم، من انقلابی ام، حرف را صریح و صادقانه می گویم، دیپلمات یک کلمه ای را می گوید، معنای دیگری را اراده می کند. ما صریح و صادقانه حرف خودمان را می زنیم، ما قاطع و جازم حرف خودمان را می زنیم»⁽²⁾.

«انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی های شرایط زمانه را درک کند»⁽³⁾.

«اگر به اسم انقلابی گری امنیت را از بخشی از مردم سلب کنیم، این هم از مصادیق انحراف از خط امام عزیزمان است... به فرموده قرآن، مخالفت با یک قوم نباید موجب بی تقوایی و بی عدالتی شود و همه باید در این زمینه ها هوشیار و مراقب باشند»⁽⁴⁾.

ص: 49

1- در جمع مسئولان جهاد کشاورزی، 83/4/1.

2- در دیدار فرماندهان و جمعی از کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، 91/11/19.

3- خطاب به طلاب، در تاریخ 89/7/29.

4- در حرم امام خمینی، مورخ 90/3/14.

«باید در هر شرایطی در اتخاذ مواضع انقلابی صراحت داشت و صریح و بدون رودربایستی در مقابل دشمن، مواضع انقلاب و مبانی امام بزرگوار را بدون ترس و خجالت بیان کرد».⁽¹⁾

بنابراین، انقلابی گری یعنی :

1- داشتن روحیه انقلابی.

2- داشتن انگیزه انقلابی.

3- داشتن استقلال فکری و فرهنگی از بیگانه و ترویج آن.

4- اعتقاد به عدالت در همه ابعاد آن از جمله عدالت اقتصادی و عدالت در توزیع ثروت.

5- تلاش برای کاستن فاصله فقیر و غنی به طور جدی .

6- اعتقاد به افکار و آرمان ها و ارزش های انقلاب و فرهنگ انقلابی در جامعه بر اساس محتوای نورانی دین مبین اسلام و اندیشه های نورانی امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب (مدظله).

7- پیروی نمودن کامل و جامع از اندیشه ها و آرمان ها و فرامین امام خمینی قدس سره و رهبر معظم انقلاب (مدظله) و اطاعت و پیروی و تلاش در حفظ و حراست آن اندیشه ها و آرمان و افکار برجسته و پرهیز از هرگونه افراط گرایی نامعقول و نامشروع و حرکت بر اساس صراط مستقیم اسلامی.

ص: 50

1- در دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران، 94/6/4.

8- انقلابی بودن، قانون‌گرایی و وحدت‌گرایی لازم دارد، اطاعت و پیروی از رهبری لازم دارد.

9- انقلابی بودن صبر و تقوا لازم دارد، حق‌طلبی و عدالت‌خواهی لازم دارد.

10- انقلابی بودن، ارزش‌گرایی و اسلام‌گرایی و در صحنه بودن لازم دارد.

شاخص‌های اصول‌گرایی

1- اصالت‌دادن و اولویت‌دادن به افکار، اندیشه‌ها، آرمان‌ها و آثار علمی و فرهنگی و فکری و دینی و انقلابی امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری (مدظله).

2- پای‌بندی و اعتقاد به ولایت مطلقه فقیه.

3- انقلابی‌گری در خط امام رحمه الله علیه و رهبری (مدظله).

4- قانون‌گرایی و طرفدار قانون اساسی بودن.

5- ساده‌زیستی و نفی اشرافیت و اشرافی‌گری.

6- حمایت از مستضعفین در مرحله عملی.

7- حمایت از آرمان‌های مستضعفین جهان.

8- استکبار‌ستیزی، استبداد‌ستیزی و ظلم‌ستیزی.

9- پاسداری از آرمان‌های انقلاب و امام‌الله‌رهبری (مدظله).

10- تلاش برای پیشرفت‌های علمی و فنی و صنعتی کشور عزیز.

11- تلاش برای پیشرفت عدالت و تحقق قسط و عدل همه جانبه و در همه سطوح در جامعه.

12- تلاش برای حفظ وحدت و امنیت و تمامیت ارضی کشور.

13- تلاش برای تحقق ارزش های اسلامی و نفی ضد ارزش ها در همه ابعاد و جنبه ها.

14- توسعه روابط خارجی مبتنی بر حفظ استقلال و عزت و حکمت و مصلحت منافع ملی و تعمیق روابط با همسایگان و جهان اسلام.

15- تأکید بر اصل مردم سالاری و انتخابات طبق قوانین جاری کشور و تلاش در جهت حفظ مردم در همه صحنه ها.

16- توجه به جامعه روحانیت انقلابی و طرف مشورت بودن با آنها.

بنابراین می توان مهمترین وظایف مسئولین نظام انقلاب اسلامی را چنین برشمرد:

1- احترام به ملت و نظام سیاسی حاکم بر کشور و حفظ استقلال و امنیت کشور.

2- توسعه و آبادانی کشور و رشد تولید و رفع بیکاری.

3- تلاش جدی در حل مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم.

4- توجه جدی به مسائل فرهنگی و اجتماعی، ایجاد انگیزه و امید و نشاط در جامعه.

ص: 52

از قدیمی ترین دانشمندانی که در مورد انقلاب بحث کرده است ارسطو می باشد که کتابی دارد به نام سیاست .

نظریات ارسطو پیرامون انقلاب، در مقایسه با نظریات دانشمندان امروز، نظریاتی بی ارزش است. ارسطو معتقد است انقلاب معانی و تعاریف مختلفی دارد؛ زیرا انقلاب گاهی ایجاد تغییر در شکل یک حکومت است و گاهی اوقات انقلاب شکل حکومت را عوض نمی کند، بلکه هدف تغییر مهره های قدرت و تغییر افراد اداره کننده یک جامعه است و گاهی ممکن است یک انقلاب به جهت به دست آوردن سود و منفعت صورت پذیرد (ریشه سودجویانه دارد). و گاهی انقلاب ریشه در ترس دارد به این معنی که از دو گروه ستمگر و مظلوم، جامعه ستمگران به خاطر ترس از عقوبت سعی می کنند انقلاب کنند و خودشان به حکومت برسند که مجازات نشوند و مظلومین هم به خاطر ترس از ظلم سعی می کنند انقلاب کنند و ظلم را از بین ببرند.

بعد از ارسطو، در یونان و روم نظریه دیگری به وجود آمد و آن نظریه این بود که به وسیله دانشمند و مورخ رومی به نام پنی بیوس مطرح شد و او معتقد بود که انقلاب یعنی پایان دوره یک حکومت و آغاز حکومتی جدید.

در انگلستان پس از جنگ های داخلی یک اندیشه جدیدی در

مورد انقلاب به وجود آمد و این اندیشه توسط دانشمند انگلیسی به نام کلارندون ارائه شد. وی معتقد بود که انقلاب یعنی ایجاد تغییر در سرنوشت عمومی یک ملت در هنگامی که منابع ملی یک جامعه به خطر می افتد. او معتقد بود انقلاب جنبه ملی گرایی (ناسیونالیستی) دارد. پس انقلاب از این نظر حرکتی است در جهت حفظ منافع ملی یک جامعه .

در قرن هجدهم در فرانسه انقلاب شد که از مهم ترین انقلابات تاریخ بشر بود و وقوع این انقلاب سبب شد که یک دیدگاه تازه ای در مورد ماهیت انقلاب مطرح شود. انقلاب فرانسه انقلابی بود علیه نظام استبدادی و حاکمیت جبارانه کلیسا و نتیجه انقلاب این شد که برای اولین بار در تاریخ بشریت، سلطه استبدادی و همچنین استبداد کلیسایی شکسته شد و از بین رفت و به جای آن یک نظام دموکراتیک و یک نظام پارلمانی بر اساس رأی و نظر مردم به وجود آمد و دموکراسی از همین جا آغاز شد. (دموکراسی یعنی حکومت بر اساس رأی و نظر مردم که مظهرش پارلمان است، یعنی قانون گذاری).

از نظر پیروان این نظریه، انقلاب فرانسه جنبه آزادی خواهانه و ضد استبدادی دارد که موجب رهایی مردم از قید و بندها و اسارت های حکومت های استبدادی می شود و موجب شد که آرمان های ملی یک ملت تحقق پیدا کند و یک جامعه از نظر سیاسی، اخلاقی و آزادی به یک عظمت ملی دست پیدا کند.

دیدگاه دیگر، دیدگاه آنارشیست ها است. آنارشیست به کسانی گفته می شود که نسبت به همه حقایق و پدیده ها و حوادث، بدبینانه نگاه می کنند. از جمله به آزادی خواهی و دموکراسی هم با بدبینی کامل نگاه می کنند. آنها معتقدند که دموکراسی و آزادی خواهی یک شعار پوچ و توخالی و مایه فریب انسان ها است.

معروف ترین آنارشیست، دانشمند فرانسوی است به نام پرودن، او می گوید که درست است انقلاب ها با هدف تحقق آزادی و عدالت آغاز می شود، اما همه آنها در عمل استبداد جدیدی را جایگزین استبداد قبلی می کنند. بنابراین به هیچ انقلابی نباید معتقد بود. لغت آنارشیست به معنی نفی هرگونه ظلم، قانون و مقررات است.

دیدگاه دیگر در مورد انقلاب، دیدگاه فاشیست ها می باشد. از معروف ترین فیلسوفانی که این نظریه را پایه ریزی نمودند، نیچه آلمانی می باشد. فاشیست ها معتقدند حق یعنی قدرت و زور. بنابراین حق حیات از آن کسی است که قدرتمند باشد، از آن جامعه ای است که قدرتمند باشد؛ زیرا در نظام طبیعت موجوداتی می توانند به حیات خود ادامه دهند که قوی و قدرتمند هستند و می توانند موجودات ضعیف را نابود سازند. پس انقلاب از دیدگاه فاشیست ها ریشه در توحش و وحشیگری دارد، یعنی انسانهای وحشی، انقلاب می کنند و انقلاب انفجاری است و حشیانه علیه نظام حاکم بر جامعه که جامعه را به بی نظمی و هرج و مرج می کشاند، چون ضعیفان انقلاب می کنند

پس می خواهند انقلاب را ضعیف و زایل کنند.

نظر عده دیگری از علمای غرب این است که انقلاب ریشه روانی دارد، یعنی معتقدند انقلاب یک پدیده روحی و روانی است و زمانی به وجود می آید که روان مردم از دردهای روانی پر شده باشد به طوری که افراد احساس سردرگمی و از خودبیگانگی داشته باشند. در چنین صورتی برای غلبه بر این دردهای روانی و نجات از سردرگمی و نجات از خودبیگانگی انقلاب می کنند تا بر درون دردهای روانی غلبه پیداکنند و هویت انسانی خود را مجدداً باز یابند.

بعضی دیگر از علمای غرب ریشه انقلاب را در مسائل اجتماعی می یابند. آنها انقلاب را یک پدیده اجتماعی می دانند و معتقدند انقلاب معلول تحولات اجتماعی یک جامعه می باشد و هدف انقلاب آرام کردن احساس های طغیانگر انسان هاست.

بعضی دیگر ریشه انقلاب را سیاسی میدانند و معتقدند انقلاب راهی است برای انتقال قدرت حکومت از شخصی به شخص دیگر یا از گروهی به گروهی دیگر و شعارهایی هم که در انقلاب داده می شود همه ابزارها و وسایلی هستند در جهت رسیدن به قدرت.

اما پیروان مارکسیسم ریشه انقلاب را در اقتصاد می دانند و معتقدند که انقلاب یک پدیده اقتصادی است و هدف انقلاب مبارزه با فقر و محرومیت مردم و در جهت رسیدن به آسایش و رفاه مادی می باشد. مبنای فکری مارکسیسم بر تضاد طبقاتی استوار است و از

ص: 56

طرف دیگر مارکسیسم ها اقتصاد را زیربنای همه امور می دانند و هرگونه تغییر و تحولی را معلول تضاد طبقاتی و سیستم اقتصادی و رشد ابزار تولید می دانند. به همین دلیل معتقدند پیوسته باید تضاد طبقاتی را تشدید کرد و بر روحیه و تنفر و خشونت محرومین نسبت به استعمارگران افزود تا مرحله ای که نهایتاً در دل محرومین کینه انقلابی به وجود آید، بر این اساس علیه استثمارگران، انقلابی خونین و قهرآمیز انجام خواهند داد.

از نظر مارکسیسم ها انقلاب حرکتی است قهرآمیز و کینه جویانه به طوری که می گویند: بدون خشم و قهر انقلابی و بدون استفاده از اسلحه و تجهیزات مخرب، هیچ انقلابی به وجود نمی آید. هدف انقلاب از نظر مارکسیسم نفی استثمار و نفی طبقات اقتصادی و رسیدن به جامعه بدون طبقه و بدون استثمار است. از نظر مارکسیسم ها حرکت انقلابی حرکتی خشن و قهرآمیز است. بنابراین تمام تحولات مسالمت آمیز هرچند در جهت رفاه محرومین باشد عللی ضد انقلابی به شمار می رود که خود مارکسیسم ها چنین اعمالی را در اصطلاح رفرم می گویند و معتقدند که اعمال رفرمیستها تضاد موجود بین طبقات جامعه را خنثی می کند و بنابراین از به وجود آمدن خشم و کینه انقلابی جلوگیری می کند. بنابراین باید از هرگونه اصلاحات جزئی پرهیز کرد تا بر محرومیت محرومان بیشتر افزوده شود و آنان عمیق تر نسبت به استثمارگران خشم و کینه پیدا کنند تا به

ناگهان علیه استثمارگران قیامی قهرآمیز را به وجود آورند و بدین وسیله یک انقلاب به وجود آید.

لیبرالیسم به معنی آزادی خواهی و طرفداری از آزادی و آزادی خواهی می باشد. این مکتب معتقد به کمترین دخالت دولت ها و هیئت حاکمه در آزادیهای سیاسی و اقتصادی هستند. لیبرالیسم نقطه مقابل حکومت های استبدادی و سلطنت مطلقه می باشد. لیبرالیسم بر پایه انسان گرایی و انسان محوری و عقل گرایی و پیروی از اصالت عقل است. گاهی مقصود از لیبرالیسم، لیبرالیسم سیاسی است و گاهی مقصود لیبرالیسم اقتصادی می باشد.

انقلاب اسلامی ایران به جهت اسلامی بود، ماهیت آزادی خواهانه و دفاع از آزادی های معقول و مشروع را دارد اما هرگز تابع لیبرالیسم بشری نیست؛ زیرا اسلام یک مکتب الهی است در نتیجه قطعا از مزایای مکاتب بشری بهره مند و از معایب آنها مبرا و منزه و به دوراست.

ماتریالیسم مکتبی است که به طور آشکار، خصم ادیان و مذاهب الهی و توحیدی می باشد. پیروان این مکتب، ماتریالیسم را زمینه و پایگاهی برای حمله شدید به دین و مذهب توحیدی و الهی قرار داده اند. در نتیجه می توان گفت مکتب ماتریالیسم ذاتاً یک مکتب دنیوی و دنیاگرا و سکولار می باشد. زیربنای فکری مکتب کمونیسم

ص: 58

هم ماتریالیسم است. ولی ما مدعی هستیم انسان بالطبع نمی‌بایست گرایش مادی پیدا کند. مادی‌گری یک جریان مخالف طبیعت و فطرت انسان است؛ بنابراین، چون بر خلاف اصل است باید به دنبال علت آن رفت.

به عبارت ساده‌تر، اعتقاد به خدا، حکم سلامت را دارد و گرایش مادی، حکم بیماری را. هیچ‌گاه از سر سلامت نباید پرسید زیرا سلامت بر طبق مسیر و جریان طبیعی نظام خلقت است. اما اگر دیدیم فردی با جمعیتی بیمارند آنجا باید پرسید چرا این افراد بیمار هستند؟ چه موجباتی سبب بیماری آنها شده است؟⁽¹⁾

نتیجه اینکه: با توجه به تمامی تحلیل‌هایی که غرب و شرق در باب انقلاب گفته‌اند، به این نتیجه می‌رسیم که تمامی این تحلیل‌ها و تعریف‌ها همه صرفاً انسانی و مادی هستند و در هیچ‌یک از آنها ارزش‌های الهی و عقیدتی مطرح نیست و کلاً در بینش آنها هرگاه از ارزش سخن به میان آید ارزش‌ها از محدوده مادی‌گری و کسب قدرت و یا نهایتاً ارضای وجدان فراتر نمی‌روند. حال اینکه انقلاب اسلامی ایران صرفاً برای تحقق ارزش‌های الهی به وجود آمده است و به همین دلیل با هیچ‌یک از انقلاب‌های جهان قابل مقایسه نیست.

ص: 59

1- علل گرایش به مادی‌گری، استاد مطهری، ص 45 تا 54.

علل و عوامل انقلاب

انقلاب ها به طور کلی دو نوع هستند:

1- انقلاب های الهی، 2- انقلاب های غیر الهی.

انقلاب های غیر الهی انواعی دارند از جمله: الف - انقلاب های نفسانی، ب - انقلاب های انسانی غیر الهی.

انقلاب های الهی با انگیزه خداخواهی شروع می شوند و مقصد آنها حاکمیت خدا بر جامعه است و علت اصلی آنها، خواست خداوند متعال و خداخواهی انسان ها می باشد. انقلاب هایی که با نام و شعار خدا، ولی با اغراض شخصی و غیر الهی شروع و انجام می پذیرند جزو این انقلاب ها نیستند؛ زیرا انقلاب خدایی بر مبنای توحید است و این انقلاب های شعاریک نوع شرک هستند و فریب دهنده می باشند و نمی شود آنها را خدایی نامید.

انقلاب های غیر الهی با انگیزه رفاه مادی برای فرد یا گروه یا طبقه

و یا جامعه و مقصد آنها رسیدن به حاکمیت و قدرت است. علت اساسی این نوع انقلاب ها به هر صورت که می خواهد باشد و هر شعاری را انتخاب نماید، مادیات و خواست ها و آرمان های مادی می باشند. و شعارها هر چه می خواهد باشند از شعارهای انسانی، عدالت خواهی، عرفانی، بیشتر برای پیشبرد آن هدف اساسی مادی انتخاب می شوند و حتی اگر شعارهای معنوی هم داده شود بیشتر به خاطر جذب طرفدار یا پوشش برای اهداف نهایی است و یا به طور خلاصه مرحله ای مطرح می گردند. انقلاب الهی یک نوع بیشتر نیست؛ زیرا در آن فقط خدا در نظر است و بس.

انقلابهای نفسانی :

هدف در این انقلاب ها، خوردن و پوشیدن بهتر و برآورده شدن غرایز بشری است. شعار این نوع انقلاب ها، نان، مسکن، کار و از این قبیل می باشد و زمانی شروع می شود که فشارهای اقتصادی زیاد می شود و یا زیاده طلبی ها پدید می آید.

شعارهای دیگر این نوع انقلاب ها بیشتر جنبه پوشش و وسیله تهییج افراد می باشد و در عمق این شعار و یا در پشت پرده، همان مسائل مادی و نفسانی به چشم می آید.

انقلاب های انسانی غیر الهی :

هدف در این انقلاب ها تحقق ارزش های انسانی است به هر تعبیر و فلسفه ای که در جوامع مختلف بشری رایج است؛ منتها این ارزش ها، برخاسته از افکار انسان هاست چه با ارزش های الهی مطابق باشد و چه نباشد. شعارهای این نوع انقلاب ها بسته به شرایط و اهداف و ارزش هایی که مطرح می کنند،

تعیین می شوند. مثلاً افلاطون شعار مدینه فاضله را سر می دهد و برای پیدایش این جامعه معیارها و ارزش هایی را به فکر خویش طرح می نماید. و یا سقراط در پی شعار احترام به قانون، خودش موقعی که به ناحق زندانی و محکوم به مرگ می شود جهت حفظ «ارزش احترام به قانون» حاضر به فرار از زندان نمی شود و جام شوکران را سر می کشد و می میرد. و یا بسیاری از مبارزاتی که توسط انسان های غیر معتقد به خدا انجام می شود برای اینکه ارزش های مورد علاقه شان حاکمیت یابد. علت اساسی در این نوع انقلاب، روحیه و فطرت تعالی جوی انسانی است و در این نوع انقلاب ها از تمام اقشار مردم از هر گروه و صنف، خرد و کلان، فقیر و ثروتمند و از اداری و بازاری و از بی سواد و باسواد شرکت دارند و حتی جوامعی هم هست که افراد آن گرسنه نیستند ولی در جهت حاکمیت آزادی و ارزش هایی که به آنها معتقدند دست به قیام یا انقلاب می زنند و حتی اگر فشارهای اقتصادی و اجتماعی هم در قیام و انقلاب آنها مؤثر باشد، اما انقلابیون همین ها را هم بر اساس ارزش هایی مثل عدالت اجتماعی و اقتصادی مطرح می نمایند. ممکن است گفته شود که مگر ارزش های انسانی، همان ارزش های الهی نیستند؟

البته آنچه ارزش الهی است، ارزش انسانی هم هست. اما هر ارزش انسانی (اگر از غیر دین برخاسته باشد) نمی تواند ارزش الهی باشد. مانند انقلابی که در کنگو توسط لومومبا رهبری شد، با انقلاب فرانسه.

در انقلاب اسلامی که انقلابی الهی است، علت اساسی، خواست خداوند و خداخواهی انسان ها است یعنی خداوند متعال بنابر اساس هدایت بندگانش در هر عصر با عنایت به مقتضیات جوامع بشری، پیامبران را که انقلابی ترین عناصر عالم هستند، همراه با دین که دگرگونی بنیادی در فرد و جامعه پدید می آورد فرو فرستاده است. آخرین پیامبر، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله کامل ترین دین خدا، یعنی «اسلام» را برای همه زمانها و تمام بشریت به ارمغان آورده است. پس انقلاب اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جهت تحقق خواست خداوند متعال بوده است. اهداف انقلاب های اسلامی نیز بر اساس اراده خداوند است: 1- حفظ دین از انحراف ها، 2- پیروزی حق بر باطل از راه سرکوبی باطل، 3- برای ائمه الارض شدن مستضعفین، 4- اجرای سنت های الهی در عالم هستی، 5- برقراری سنت تداول ایام، 6- سنت در هم کوبیده شدن ظالمین و له شدن آنها، 7- جریان دائمی مقاتله مؤمنان با کافران. (1)

بنابراین علت اساسی انقلاب های اسلامی، اراده و سنت خداوند است که خواسته، دین خود را برای هدایت انسان ها از دستبردها و انحراف ها برکنار نگه دارد تا امتحان الهی صورت پذیرد. لذا در هر سده، انسانی بزرگوار برای تجدید حیات دینی دست به قیام و انقلاب

ص: 64

1- آیه 9 سوره حجر - آیه 18 سوره انبیاء - آیه 55 سوره نور - آیه 105 سوره انبیاء - آیه 23 سوره فتح - آیه 11 سوره رعد - آیه 140 سوره آل عمران - آیه 76 سوره نساء - آیه 5 سوره قصص.

می زند و او مؤید من عند الله می باشد. و همچنین خداخواهی انسان هاست که به حکم وظیفه الهی موظف به جهاد و قیام و در صورت لزوم انقلاب برای پاسداری از دین خدا و مبارزه با کفر و شرک و ظلم و جهل و هواهای نفسانی هستند و باید برای برقراری حاکمیت دین الله، در سراسر زمین و بر تمام ابعاد انسانی و اجتماعی و نجات انسان ها از تاریکی ها و پلیدی ها تلاش نمایند و با هر نوع حاکمیت غیر الهی به هر صورت که باشد بچنگند و اگر در جامعه ای افرادی نبودند که حاضر به جهاد در راه خدا باشند طبعاً خواست الهی این است که آن جامعه دچار ذلت و بدبختی بماند. انقلاب در اسلام چون مردمی و از روی اختیار و اراده می باشد و اگرایی نیست لذا اگر حضور حاضر نبود و حجت خدا بدون ناصر ماند قیام و انقلاب انجام نمی شود. (1)

پس علاوه بر خواست خداوند، خداخواهی مؤمنین نیز جزو علل اساسی انقلاب اسلامی است گرچه به عبارتی دیگر باید گفت که خداخواهی مؤمنین نیز بر اساس خواست و سنت الهی است. این موضوع هنوز جایی در مباحث جامعه شناسی و علم سیاست ندارد و ضرورت دارد که به طور مبسوط از طرف دانشمندان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. علت اساسی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، همین خواست خداوند و خداخواهی رهبر و امت است و آحاد نسل حاضر هر یک به تناسب خود از آغاز این انقلاب در موارد متعدد

ص: 65

امداد غیبی و خواست الهی را مشاهده کرده اند و ایمان یافته اند که خداوند اراده فرموده است: مستضعفین ایران، ائمه الارض بشوند و بهترین عبارت متعلق به امام بزرگوار است که فرمودند: «این انقلاب الهی است»⁽¹⁾. خداخواهی و اراده و استقامت و ایثار و شهادت طلبی این امت هم بر احدی پوشیده نیست.

انقلاب اسلامی ایران و روحانیت

روحانیت به لحاظ پیوند عمیق جامعه ایرانی با دین، از دیر باز در این کشور از اقتدار و نفوذ زیادی برخوردار بوده است. در دوره صفویه با گسترش مذهب شیعه در ایران، روحانیت به عنوان عالی ترین نهاد مردمی و تنها نهاد قدرتمند غیردولتی مطرح شد. تحولات فکری در حوزه های علمیه که چندی قبل از ظهور قاجارها صورت گرفت و به پیروزی جریان طرفدار اجتهاد و اصولیان، بر اخباریان منجر شد، اقتدار مجتهدان و مراجع را افزایش داد و نهاد مرجعیت در شیعه، هر فرد معتقدی را به روحانیت پیوند می داد. ظهور سیاسی علماء در تاریخ معاصر ایران به اوایل قرن 13 هجری

(19 میلادی) باز می گردد.

در این دوره اندیشه ولایت فقیه توسط علمای بزرگ چون میرزای قمی، ملا- احمد نراقی و کاشف الغطاء به طور گسترده ای مطرح می شود. روحانیت با توجه به نفوذ و اقتدارش در جامعه، تنها نیرویی

ص: 66

1- شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص 62 و 63.

بود که می توانست در مقابل ظلم و ستم دولت های مستبد مقاومت کند و به عنوان یک عامل بازدارنده و کنترل کننده سیاست های دولتی عمل نماید. به همین جهت در طول سالیان دراز حاکمیت استبداد، روحانیت به عنوان تنها پناهگاه مردم در برابر ظلم و ستم حاکمان به شمار می رفت. مهم ترین عامل قدرت سیاسی روحانیت، پایگاه وسیع مردمی آنان بود، بر خلاف حکومت خودکامه که مردم فقط با مأموران مالیاتی آن ارتباط داشتند، روحانیت همیشه با مردم مرتبط بود و حل و فصل بسیاری از امور زندگی روزمره آنان را بر عهده داشت. تماس دائمی با مردم و نفوذ مردمی، ویژگی منحصر به فرد روحانیت در تاریخ معاصر ایران بوده است. نه دربار و نه روشنفکران نتوانستند چنین پایگاهی در میان مردم بیابند.

این پایگاه اجتماعی گسترده به روحانیت اجازه می داد در مواقع لزوم به بسیج گسترده مردم دست زند و در این صورت مقابله با روحانیت در توان هیچ کدام از نیروهای موجود نبود. هر چند سابقه مخالفت روحانیت با رژیم پهلوی به دوره رضاخان باز می گردد، اما

ظهور امام خمینی رحمه الله در صحنه سیاسی ایران، از اوایل دهه چهل، نقطه عطف و فصلی جدید در مبارزه با محمدرضا پهلوی پدید آورد. در واقع قیام 15 خرداد 1342 به رهبری امام خمینی رحمه الله سبب پیدایش نسلی از روحانیون انقلابی شد که در سال های پس از تبعید امام خمینی رحمه الله هدایتگر نهضت وی به شمار می آمدند و از پدید آمدن فضایی که قبل از ظهور امام خمینی رحمه الله بین قم و تهران حاکم بود،

جلوگیری می کردند. حوزه های علمیه از سال 1343 به بعد در لیست سیاه رژیم قرار داشت و هیچ مرجع طراز اولی حداقل در ظاهر نمی توانست با رژیم ارتباط داشته باشد.

این نسل از روحانیت فاقد یک حزب و تشکیلات منسجم بود، اما با بهره گیری از شبکه گسترده مسجدها و تکیه ها و مراسم و شعائر دینی، محرم و صفر و عاشورا و مجالس عزاداری امام حسین علیه السلام توانستند گروه های متعددی از طرفداران امام رحمه الله را سازماندهی کند و گردونه انقلاب را به حرکت در آورد. در این مدت بسیاری از روحانیون مبارز، تبعید، زندانی و یا اعدام شدند. اما سرانجام این انقلاب با یاری خدای متعال و حضور مردم در صحنه های مختلف و به یمن برکت خون شهدا، به رهبری بزرگ ترین روحانی و مرجع و فقیه بی نظیر عصر ما، یعنی امام خمینیرحمه الله در 22 بهمن ماه 1357 به پیروزی رسید. و در حال حاضر نیز تحت رهبری مقتدرانه، خلف صالح امام یعنی رهبر معظم انقلاب اسلامی آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) به حیات پاک و الهی خود ادامه می دهد. (1)

سه رکن اصلی و مهم انقلاب اسلامی ایران

1- مردم:

اشاره

در انقلاب اسلامی ایران، تقریباً تمامی مردم همزمان و هماهنگ،

ص: 68

1- کتاب پیرامون انقلاب اسلامی شهید مطهری، گفتار ششم، قسمت چهارم با عنوان روحانیت و انقلاب اسلامی و کتاب پیرامون جمهوری اسلامی، بخش چهارم

قیام کردند و یکپارچه و هم صدا خواستار تحول و تغییر اساسی و سقوط رژیم شاه و برقراری حکومت اسلامی شدند.

پدیده حضور و نقش مردم در انقلاب اسلامی ایران از هر جهت و بخصوص از جهت وسعت و گستردگی، بی نظیر بوده است. نکته دیگر این که همه اقشار ملت ایران در این انقلاب حضور فعال داشتند. همه طبقات و اقشار جامعه اعم از کشاورز، کارگر، اصناف، کارکنان دولت، دانشجویان و دانش آموزان شهری و روستایی، زنان و مردان و حتی اقشار مختلف نظامی و ارتشی در همه نقاط کشور با هم قیام کردند. و با وحدت و هم صدایی و شعارهای واحد، تحت رهبری واحد امام خمینی رحمه الله به حرکت درآمدند. در ایام و مناسبت های دینی و مذهبی مانند ایام محرم و صفر و روزهای عید فطر و تاسوعا و عاشورا در تظاهرات های باشکوهی در سراسر کشور آرمان های انقلابی و دینی و مذهبی خود را ابراز و اعلان می کردند. حتی اقلیت های دینی و مذهبی نیز به طور قوی در این اراده جمعی ملت ایران تحت رهبری امام خمینی رحمه الله و ارشاد و هدایت روحانیت مبارز و آگاه و شجاع، با شعارهای واحد شرکت و حضور فعال داشتند. سلطه و نفوذ بیگانگان، استعمار خارجی، استبداد داخلی، تنفر از غارت و چپاول منابع ملی، وابستگی به بیگانه، نفوذ آشکار آمریکا و انگلیس، تحقیر دین و دین داری و ارزش های دینی و ده ها موضوع دیگر، موجب ایجاد چنین وحدت و اتحاد و اراده جمعی میان همه اقشار ملت ایران شده بود.

ص: 69

با جریحه دار شدن احساسات دینی و مذهبی ملت مسلمان ایران، دیگر جایی برای صبر و تحمل وجود نداشت. همه شعارها و خواسته های مادی و اقتصادی و سیاسی، تحت لوای شعارهای دینی و مذهبی به وحدت رسیدند و از مساجد و معابد اسلامی و حسینیه ها و تکایا و تحت رهبری روحانیت مبارز، به کوچه ها و خیابان های سراسر ایران سربرآوردند. پیوند مردم و مسجد و روحانیت مبارز پیوندی دیرینه و حساس و مهم بر علیه ظلم و ستم و سلطه اجانب و بیگانگان بوده است. مسجد، هم محل عبادت و تعلیم و تربیت دینی است و هم محل سیاست و مشورت و تصمیم گیری و مبارزه با طاغوت.

مسجد مأمن همه مردم است. خانه خدا و خانه مردم است. لذا در طول تاریخ، مسجد سنگر بوده و محل اعزام سپاه و لشکر به میادین جنگ بوده است. در این میان نقش روحانیت آگاه و مبارز بسیار اساسی می باشد؛ زیرا رهبریت انقلاب یک روحانی مجاهد و مبارز و فقیه و شجاع و بیدارگر بود.

از سوی دیگر، اکثریت روحانیون، مردمی و دلسوز و مرتبط و متحد با مردم بودند که از متن مردم برخاسته اند. لذا هم هادی و مرشد و هم تکیه گاه مردم به شمار می آمده اند. روحانیت شیعه هرگز به دولت ها وابسته نبوده اند. آنها ساده زیست بوده و با معنویت و آزادگی زندگی می کرده اند.

از جمله وظایف روحانیت، پاسداری از ایمان و اصول و فروع دین مقدس اسلام و مذهب تابناک شیعه، تعلیم و تبلیغ، پاسخگویی به نیازها و سؤالات و مجهولات و شبهات، تعلیم و تدریس و تحقیق، تدریس در سطوح پایین، میانی و عالی و رسیدن به حد اجتهاد و فقاہت، حفظ فرهنگ، انتقال فرهنگ، باروری و طراوت فرهنگ، تغذیه فرهنگی و تکامل فرهنگ در مسیر تکامل جامعه، تولید کالاهای فرهنگی با ارزش، آن هم فرهنگ ناب توحیدی الهی - معنوی در حوزه های مختلف فلسفه، اخلاق، عقاید، فقه، حقوق، مسائل روانی و اجتماعی و سیاسی، تربیتی و خانوادگی می باشد.

روحانیت حامی معنویت است و عامل پیشرفت جامعه اسلامی معنوی. روحانیت شیعه همواره در کنار مردم بوده و همواره به سود مردم قیام و حرکت کرده است. در حال حاضر و در آینده، انقلاب نیاز زیادی به روحانیت دارد به شرط آنکه روحانیت وظایف خودش را به خوبی درک کند و از عهده مسئولیت هایی که دارد به خوبی برآید. لازم

است روحانیت، دهها برابر گذشته خود را تجهیز کند و خود را با یک برنامه و کار منظم و حساب شده تقویت کند.

در برابر روحانیت، مردم قرار دارند که بیش از پیش نیازمند هدایت و راهنمایی و ارشاد هستند. مساجد از جمله مهم ترین پایگاه های روحانیت هستند. در طول تاریخ، حوزه ها پایگاه های اسلام در برابر حملات، انحرافات و کج رویها و خرافات بوده اند. حافظ قرآن و اسلام و حلال و حرام برآمده از سنت و سیره معصومین علیهم السلام، کتب

اربعه، حدیث، فقه و کلام و فلسفه و ریاضیات و نجوم و اصول و رجال و تفسیر و عرفان و جهاد علمی، آن هم فی سبیل الله بوده اند.

روحانیت اسلام تکیه گاه محرومان بوده و در راه مجاهدات علمی و فرهنگی و دفاع از مقدسات دینی و میهنی رنج های فراوانی کشیده اند. در نشر معارف و احکام الهی با شیوه های غنی اجتهادی و بحث و تدریس فیضیه، مسجد، محراب، سنگرهای جبهه های دفاع مقدس، سنگ فرش دانشگاه ها، شاهد خون روحانیت است. استعمار جهانی پیوسته مخالف روحانیت بوده و هست. علمای اصیل زیر بار سرداران، پول پرستان و خوانین نرفته اند. آنها با زهد و تقوا در ریاضت درس خوانده و با همان شیوه زندگی کرده اند. روح آزاده و آزادگی و قناعت و بزرگواری، صفت روحانیت اصیل شیعه است. صداقت و تعهد هر روحانی است که مردم آنها را برگزیده اند. روحانیت سد راه اجانب و فرهنگ مبتذل اجنبی، ضد استعمار و ضد استبداد است. قناعت، شجاعت، صبر، زهد، علم و عدم وابستگی به قدرت ها و احساس مسئولیت در برابر توده ها، روحانیت را زنده، پایدار و محبوب ساخته است.

تفکر اسلام ناب، فقه و فقاہت روحانیت پیوسته از سوی استعمار تعقیب می شده، پس حيله و مکر جهانخواران را باید شناخت. البته روحانیون وابسته، مقدس نما، و تحجرگرا کم نبوده و نیستند و علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعال هستند. آنها با ژست تقدس مآبی، ریشه دین و انقلاب و نظام را هدف گرفته اند. این ها مروج

اسلام آمریکایی و دشمن رسول الله می باشند که ملت عزیز ما باید در مقابل این افراد، آگاهانه برخورد کنند و با هم متحد باشند.

این قشر از روحانیون با ارباب و زور و خدعه و نیرنگ و روش های استعماری، هم در گذشته و هم در زمان حال به تضعیف روحانیت اصیل و اسلام ناب پرداخته و عوام را فریب می دهند.

از جمله به ترویج این افکار می پرداختند که شاه شیعه است، حکومت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. فقاهت همان احکام فردی و عبادی است. این گونه بود که عوام گرایی روحانیت با مردم، فضیلت شد. فلسفه و عرفان کفر بود و به وضع کلیسای قرون وسطی شبیه می شد. عالم و روحانی سیاست منفور بود و شعار جدایی دین از سیاست به مردم القا می شد و ضربات روحانیت ناآگاه و آگاه وابسته، در این بین نیز مؤثر بوده است.

اما علمای مجاهد دین باور، صفوف خود را از دیگران جدا کردند و قیام بزرگ اسلامی ایران ناشی از همین بارقه است. پس باید مراقب بود اندیشه جمود و جدایی دین از سیاست به جوانان سرایت نکند، جلوی نفوذ مقدسین متحجر و ساده لوحان بیسواد را باید گرفت. آن زمان شعار ترس و تقیه و باطل بودن حکومت قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و صدها ایراد دیگر به امام خمینی رحمه الله و پیروان امام مطرح می کردند، اما خدای متعال نصرت خود را به علمای متعهد نثار فرمود. در عاشورای 15 خرداد 1342 گلوله های شاه و گلوله های حيله و مقدس ما بی و تحجر و زخم زبان و نفاق و دورویی، جانها را

می سوزاند (شایعات، تهمت ها و دروغ ها رایج بود).

روحانیت متعهد باید اینها را بدانند و شکست خوردگان از قیام امام او را بشناسند؛ در این راستا وظایفی را بر عهده دارند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

حفظ اتحاد و یکپارچگی طلاب انقلابی و علمای متعهد.

شناخت دشمنان واقعی و ابر قدرت ها و عدم غفلت از مسائل اصلی.

جلوگیری از دخالت بی دردها و بی تفاوت ها.

بیان این نکته که انقلاب در هیچ زمینه ای مغلوب نشده و در اکثر اهداف موفق بوده است.

برکات خون های شهدای هشت سال دفاع مقدس را باید شناخت و ترویج نمود.

تکیه بر این مسئله که بیداری اسلامی و بیداری دنیای مستضعف از آثار انقلاب است.

و توجه به این موضوع که امام به به اصالت تکلیف و وظیفه معتقد بود نه به نتیجه و آثار و دستاوردها.

2- رهبری:

اشاره

بدون شک هیچ گروه و جامعه و امتی بدون رهبری به وحدت و انسجام و به اهداف خود نمی رسد. رهبری انقلاب اسلامی ایران از آغاز تا پایان به عهده فقیه مجاهد، روحانی مبارز، حکیم و عارف

ص: 74

سترگ، مرجع عالیقدر شیعه، امام خمینی رحمه الله بود. ایشان نمونه کامل یک عالم و فقیه سنتی شیعه است. جامعیت و کمالات علمی و اخلاقی و سیاسی وی کاملاً ممتاز می باشد. امام خمینی رحمه الله مبارزی نستوه و مجاهدی قاطع و شجاع و سیاستمداری مدبر و ژرف اندیش بود. او مجتهدی عالی مقدار و مرجعی ذی نفوذ بود و در تهذیب نفس و خودسازی نیز قدمی راسخ داشت. سابقه مبارزاتی او به سال 1323 برمی گردد که با نوشتن کتاب کشف الاسرار، صراحتاً رژیم رضاخان را مورد نقد و حمله قرار دادند. امام رحمه الله به تجربیات علمی و عملی فراوانی از مبارزه و مبارزین داشتند. حوادث نهضت تنباکو، نهضت جنگل، ملی شدن نفت و نهضت مشروطیت و شناخت کامل شیوه های علمای مجاهدی چون شیخ فضل الله نوری، بهبهانی، طباطبایی و آیت الله کاشانی و مدرس و دیگران موجب کمال اندیشه و سیره سیاسی امام شده بود. به همین سبب امام هرگز نگذاشت که انقلاب اسلامی دچار اعوجاج و انحراف گردد. احزاب و گروه های کمونیستی و ملی گرا و لیبرال و التقاطی، هرگز نتوانستند از رهبری امام و ثمرات مبارزات مردم بهره برداری کنند. امام با درایت و سادگی کلام و قاطعیت کامل تنها مردم را مخاطب قرار می داد و در اعماق قلوب انسان های مؤمن و مسلمان نفوذ و فطرت آنان را بیدار و هوشیار می کرد. او همچون پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه شیعه، به مردم شخصیت داد، کرامت آنها را احیا کرد، دین داری و تدین و ارزش های انسانی آنها را بیدار نمود، عزت نفس و آزادگی روح آنها را به ارمغان آورد و

چنین شد که به خواست خدا و به اذن و یاری پروردگار قاطبه ملت به طور طبیعی به رهبری امام خمینی رحمه الله اعتراف و اقرار کردند و رهبری او را از جان و دل و از روی ایمان پذیرفتند.

امام رحمه الله تقیه را تحریم کرد. مبارزه را به قلب حوزه علمیه قم کشانید و عملاً اندیشه منحط جدایی دین از سیاست را نفی کرد. رژیم سلطنتی و شخص شاه را مورد حمله مستقیم قرار داد و به شیوه های محافظه کارانه رفرمیسم خط بطلان کشید. امام قدرت های استعماری و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل غاصب را مورد حمله آشکار قرار داد و بارها و بارها از ملت ایران و قیام آنان حمایت کرد. تبعید نیز از روحیه و شیوه و هدف انقلابی امام چیزی کم نکرد. زندان و زندانی و شکنجه و شهید و شهادت همه از عوامل تقویت انقلاب و مردم و امام بودند. امام از رخنه و نفوذ فرصت طلبان شدید جلوگیری می کرد. در هر موقعیتی و از هر تریبون و با هر رسانه ای پیام انقلاب را به گوش پیروان خود و ایرانیان و جهانیان می رسانید. در طول یک سال پس از پیروزی انقلاب، امام پایه های نظام و حکومت اسلامی را با انتخابات متعدد از جمله رفراندوم جمهوری اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان تدوین قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و رفراندوم قانون اساسی، تحکیم بخشید. وی به مدت بیش از ده سال با رهبری خود انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران را از انواع توطئه ها، انحرافات و موانع و خطرات سهمگین و هولناک محافظت کرد و با حل بسیاری از

معضلات دینی و فقهی، موجبات تحکیم و تثبیت و تداوم انقلاب و نظام را برای دوران پس از خود فراهم ساخت. (1)

انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی قدس سره

پس از آرای فقهی بزرگان و استادان حوزه علمیه اراک و قم، آنچه در ساختن شخصیت امام نقش به سزایی داشت، آموزه های فکری، سیاسی مرحوم شاه آبادی و شهید مدرس و آیت الله کاشانی بود. نظریه ولایت فقیه در میان علمای شیعه سابقه ای کهن دارد. مرحوم علامه نراقی در کتاب «عوائد الایام» و میرفتاح حسینی مراغی در کتاب «عناوین» به تفصیل در باره نظریه «ولایت فقیه» سخن گفته اند. در اندیشه امام، تجربه شکست مشروطیت، لزوم تأکید بر ناکارآمدی دولت شاهنشاهی را نشان می داد. امام خمینی رحمه الله با چنین پیش زمینه ای در نجف اشرف حکومت اسلامی را در درس فقه مورد بررسی قرار داد. امام تشکیل حکومت را امری ضروری می داند. او با توجه به ماهیت سیاسی، اجتماعی و قضایی احکام اسلامی که اجرای آنها بدون تشکیل حکومت ناممکن است، از نظر عقلی لزوم حکومت اسلامی را اثبات می کند و معتقد است حاکم اسلامی باید از دو شرط اساسی علم به احکام خدا و عدالت و درستکاری برخوردار باشد. هم چنین امام روایات ولایت فقیه را به طور گسترده مورد بررسی فقهی قرار می دهد. حدود اختیارات فقیه عادل حاکم را

بر

ص: 77

اساس این روایات تحقیق می کند و چنین نتیجه می گیرد :

«از آنچه گذشت دلایل عقلی و نقلی ولایت فقیه به این نتیجه می رسیم که از سوی معصومین علیه السلام برای فقیهان ولایت ثابت است در هر آنچه که برای خود آنان ولایت ثابت بوده است».

در این نظریه، ولایت فقیه به معنای حاکمیت قانون الهی بر جامعه است. ولی این به معنای عدم مشروعیت قوانین وضع شده از سوی انسان ها نیست. قوانینی که انسانها وضع می کنند، باید در جهت مصالح اسلام و مسلمانان بوده و با موازین استنباط شده از وحی الهی منطبق باشد. به طور کلی، شرط های رهبری در فلسفه سیاسی اسلام سخت ترین و دقیق ترین شرط هاست و حاکمان تنها باید بر اساس اصول و مبانی اسلامی حکومت کنند.

امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «حکومت اسلامی نه استبدادی است نه حکومت مطلقه، بلکه مشروطه است، البته نه مشروطه به معنای متعارف فعلی آن که تصویب قوانین تابع آرای اشخاص و اکثریت باشد، مشروطه از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره مقید به یک مجموعه شرط هستند که در قرآن کریم و

سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله معین گشته است.»

نظام ولایت فقیه بر بینهش خاص از انسان و جامعه استوار است. در این بینهش انسان وظایفی بر عهده دارد که در احکام دین متجلی شده است. البته انسان در تشخیص بسیاری از مصالح خود آزاد است و در مورد آنها حکم دینی خاصی که بر نفی و ایجاب آنها دلالت کند،

وجود ندارد. جامعه نیز در انتخاب خط مشی خود، اگر با روح کلی قوانین اسلامی منافات نداشته باشد، آزاد خواهد بود. بدین ترتیب، عدم منافات نظام ولایت فقیه با شکل دمکراتیک حکومت آشکار می شود. به همین سبب، نظریه ولایت فقیه امام خمینی رحمه الله در قالب نظام جمهوری اسلامی ایران به اجرا درآمد. (1)

نظام سیاسی مبتنی بر محوریت ولایت فقیه طرحی نو و ابتکاری از سوی امام خمینی رحمه الله به شمار می آید. این طرح بدیع در مجموعه نظام های سیاسی جهان، پاسخ شایسته انقلاب اسلامی به نیازهای مهم بشری در حوزه اجتماع و سیاست و حکومت می باشد. امروز، انقلاب اسلامی و ولایت فقیه، معرف یکدیگر و پیوسته با همدیگر هستند، همان طوری که انقلاب اسلامی و امام خمینی رحمه الله با یکدیگر پیوندی عمیق و ناگسستگی یافته اند. بحث ولایت فقیه بر دلایل متقن دینی، عقلی، اجتماعی و تاریخی استوار می باشد و بدون تردید ضامن مشروعیت و اقتدار انقلاب اسلامی است. مراد از این سخن، سعی و تلاش رهبران بزرگوار انقلاب اسلامی در وضع و اجرای قوانین منطبق با احکام نورانی قرآن و فقه و شریعت عظیم و الهی اسلام می باشد.

امام خمینی رحمه الله در تکوین و تأسیس و تحقق یافتن و استقرار بخشیدن به انقلاب اسلامی سهمی ویژه و به سزا دارند، لذا توجه به اندیشه ها، آرمان ها و افکار و آثار علمی ایشان در استمرار و عمق

ص: 79

بخشیدن به انقلاب و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی ایران برای همیشه ضروری است.

نگاه حضرت امام به انقلاب و نظام اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، بینش ایشان در مورد حاکمیت خدا و قرآن بر جامعه، اندیشه ایشان در مورد جامعیت و پاسخگویی اسلام به همه نیازهای بشر و اندیشه عمیق ایشان در مورد فقه و گستردگی و شمول آن و خلاصه دیدگاه ایشان در مورد روحانیت، مرجعیت، فقاہت و رهبری، ولایت و مردم، عزت مردم، حضور مردم، کرامت مردم، خدمت به مردم و دهها مقوله دیگر از این باب را عمیقاً باید بررسی کرد و نشر و آموزش و گسترش داد تا همه نسل‌ها با این دریای عمیق معارف پاک و راه‌گشا پیوند یابند و یادگار سترگ آن امام راحل را با آگاهی و بصیرت عمیق‌تر پاسداری کنند.

رهبری معظم انقلاب (مد ظله) خلف صالح و بی بدیل امام خمینی رحمه الله اینک در راستای همان اندیشه‌ها، افکار و آرمان‌های تابناک، هدایت و رهبری انقلاب و امت بزرگوار ایران اسلامی را با صلابت و درایتی ویژه بر عهده دارند، ایشان با عنایات خدای متعال (جل جلاله) کشتی انقلاب و نظام اسلامی را از طوفان‌های مخوف به سلامت به ساحل امنیت و عزت هدایت کرده‌اند و با کفایت و لیاقت انحصاری خود راه امام خمینی رحمه الله با استحکام پیموده‌اند. ولایت و رهبری امانتی الهی و وظیفه‌ای دینی، سیاسی و اجتماعی است که صیانت از آن در عصر

غیبت به نیابت از حضرت امام زمان علمای صیانت از ولایت الهی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت غدیری امیرالمؤمنین علیه السلام و همه صاحبان ولایت الهی می باشد. بنابراین، چنین امانت و وظیفه ای را جز فقهای وارسته و بصیر و سیاست و مدیر و شجاع و ایشارگر و از خودگذشته ای چون امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مد ظله) نمی توانند تحمل کرده و بارگران آن را بر دوش بکشند.

ابلاغ و نشر و گسترش پیام الهی، اجرای احکام الهی، نفی بدعت ها و تحریف های فکری، فرهنگی و عملی، ایستادگی در برابر دشمن خارجی و داخلی، تقویت روحیه پر نشاط و فعال امت در همه بخش ها و حوزه ها، هدایت کلی و رهبری جامع بر همه قوای متعدد و متکثر کشور، مراقبت از سلامت حرکت انقلاب و نظام اسلامی، توجه کامل بر ترفندهای عمیق، پیچیده و ظریف استعمار جهانی و سرانجام آشکار نمودن عزت اسلام و مسلمین در سطح بین الملل، تلاش در جهت بیداری و وحدت مسلمین با این همه موانع و دشمنی آشکار و پنهان و دفاع از حقانیت مکتب امامت و اجرای ابعاد عملی دین در عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی، نظامی و داخلی و خارجی و اثبات کارآیی اسلام در مقابل سایر مکاتب، از مهم ترین وظایف رهبری دینی و اسلامی به شمار می رود که به حمد و ثنای الهی تا کنون رهبران ایران با اقتدار و صلابت به این مهم اقدام سرفرازانه نموده اند و بر همه دعاوی باطل باطل سرایان متنوع و رنگارنگ داخلی و خارجی مهر بطلان زده اند.

ولایت و رهبری، ستون خیمه انقلاب و محور وحدت و اتحاد و مهم ترین عامل عزت و سربلندی ملت بزرگوار و انقلابی ایران بوده است؛ زیرا همه اقوام ایرانی به ایران و جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه علاقمندند و با افتخار ایران را میهن خویش می دانند و عزت و سربلندی خود را در پیوند با امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب به دست آورده اند. همه ایرانیان عزت و سربلندی خود را در ایران اسلامی و سرافراز و آزاد و مستقل مشاهده می کنند و در حمایت از انقلاب اسلامی پیوسته از کلیت نظام دفاع کرده و از اصل مترقی ولایت فقیه و شخص و شخصیت معنوی و روحانی و انقلابی امام راحل رحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) در همه حوادث و شرایط تلخ و شیرین انقلاب با جان و دل حمایت کرده اند؛ زیرا معتقدند که رهبری در نظام اسلامی یک مسئولیت الهی سنگین و در خدمت مردم و نظام و کشور است. می دانند رهبری و ولایت الهی همه توان و حتی جان و آبروی خود را در حفظ نظام و حفظ عزت و سربلندی ملت در طبق اخلاص گذاشته است. لذا با جان و دل و با تمام اعتقاد همگان از سنگر ولایت رهبری دفاع کرده و در استحکام پیوند با امام و رهبری که ضامن عزت و سربلندی ملت و کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران است روز به روز کوشا تر هستند.

3- مکتب:

مکتب انقلاب برای برخورداری از مقبولیت وسیع مردمی باید در

ص: 82

برگیرنده طرد و نفی نظام سیاسی و ارزش های نامطلوب موجود بوده و از سوی دیگر باید مشتمل بر محتوای نظام سیاسی و ارزش های ایده آل و مطلوب برای مردم و رهبری انقلاب باشد، (بر اساس محتوای عبارت طیبه لا اله الا الله که مشتمل بر نفی نامطلوب و اثبات مطلوب می باشد).

در ایران قبل از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی سه مکتب و اندیشه سیاسی مختلف مطرح بوده و هر یک حامیان و طرفداران و پیروانی داشتند. یکی ناسیونالیسم یا ملی گرایی، دیگری کمونیسم یا مارکسیسم، و سوم اسلام. غایت دعوت هر یک، جامعه آرمانی و مطلوب و کامل برای مردم ایران بود.

بی شک ناسیونالیسم در عمل و عقیده با اعتقادات عمیق اسلامی مردم مغایرت داشته و دارد. ملی گرایی بر امتیازات آب و خاک و خون و نژاد استوار است یعنی همان چیزی که اسلام آن را در ردیف خرافات و موهومات شمرده است. در عمل هم ملی گرایی در نهضت مشروطه و ملی شدن نفت، نتوانست بر استعمار غرب پیروز شود، بلکه مقدمه دیکتاتوری های خشن شد.

کمونیسم یا مارکسیسم هم که شعارش استقرار حکومت سوسیالیستی بود، در ایران مسلمان هرگز توفیقی نیافت، مکتب وابسته به مسکو، استقلال و عزت نمی آورد، مکتب مادی و الحادی که نمی تواند مطلوب مردم موحد و مؤمن و مسلمان واقع شود. بدیهی است این مکتب نیز از نظر مسلمین، از اساس باطل و کفر

است. مسلمان، به خدا، آخرت، عالم غیب، عالم روح، عالم قبر، وحی، نبوت، ملائکه، امامت، عصمت، ابدیت، آزادی و مسئولیت معتقد است؛ لذا هرگز نمی تواند کمونیسم را قبول کند. بنابراین تنها مکتب مقبول در ایران، اسلام بوده و هست.

رهبری انقلاب خود از برترین علمای اسلام و از مراجع دینی بودند. ایشان طرح و برنامه و آرمان انقلابی خود را بر اساس اسلام و تشیع طراحی و اجرا کردند، با دعوت به توحید و نفی طاغوت، دعوت به نبوت، امامت، ولایت فقیه، قرآن و سنت و نفی ارزش ها و قوانین شرقی و غربی، دعوت به اسلام و نفی سلطنت و شاهنشاهی، دعوت به راه سید الشهداء علیه السلام و نفی سلطنت ولایت عهدی، دعوت به حکومت دینی و اسلامی و نفی سکولاریسم و لیبرالیسم غربی. ایشان با طرح اصل ولایت فقیه به طور مستند و مستدل ثابت کرد که احکام اسلام در هیچ شرایطی، حتی در دوران غیبت کبری هم تعطیل بردار نیست و اجرای احکام الهی مسئولیت و شأن علما و فقها است. البته فقیهی که عالم و آگاه به احکام دین باشد و در عمل راه عدالت را طی کند، او جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است و وظیفه دارد جامعه اسلامی را بر اساس احکام دین اداره کند. اطاعت از وی به عنوان ولی امر همچون اطاعت از رسول خدا واجب است. امام خمینی رحمه الله سه مسئله مهم را اساس کار خود قرار دادند:

واژگونی حکومت طاغوتی سلطنت و شاهنشاهی.

تلاش جدی و انقلابی برای تشکیل حکومت اسلامی در قالب جمهوری اسلامی ایران.

تضمین و تحکیم و تثبیت چنین حکومتی با اعمال اصل ولایت فقیه و در نهایت خارج کردن وطن اسلامی از سلطه و تصرف و نفوذ استبدادگران داخلی و استعمارگران خارجی و رسیدن به آزادی و استقلال در سایه اسلام و تشکیل حکومت اسلامی. (1)

حکومت اسلامی از نظر امام، نه استبدادی و نه مطلقه، بلکه مشروطه است. از این جهت که حکومت کنندگان در اجرا و اداره، مقید به یک مجموعه مشروطه هستند که در قرآن کریم و سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله معین گشته است. مجموعه مشروطه همان احکام و قوانین اسلام است که باید رعایت و اجرا شود، پس حکومت اسلامی حکومت قانون الهی بر مردم است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خداست و قانون، فرمان و حکم خدا است. (2)

امام شیوه مبارزه و نیل به حکومت اسلامی را در حرکت انقلابی مردم می بیند و برای این کار اولین وظیفه روحانیت مبارز را آگاهی دادن به مردم می داند. او در آغاز شیوه مبارزه مسالمت آمیز و توأم با اعتراض دسته جمعی را توصیه کرده و هرگز حرکت مسلحانه را تجویز نمی کند. تظاهرات و اعتصاب، تلگراف نمودن، تبلیغات کردن، قلدری ها و زورگویی ها را محکوم کردن، ملت را بیدار و آگاه ساختن

ص: 85

1- ولایت فقیه امام، ص 36.

2- همان، ص 45 - 47.

و به صحنه آوردن و به صورت عملی این برنامه را مطرح کردند:

روابط خود را با مؤسسات دولتی قطع کنیم.

با آنها همکاری نکنیم.

از هرگونه کاری که کمک به آنها محسوب می شود پرهیز کنیم.

(خودمان) مؤسسات قضایی، مالی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به وجود آوریم. (1)

بدین سان در جریان تغییرات و تحولات سیاسی - اجتماعی کشور ایران، سه رکن اصلی انقلاب یعنی مردم، رهبری و مکتب با همه توان، هماهنگ و منسجم، کاربردی وسیع و موفقیت آمیز داشت. حضور فعال و گسترده امت مسلمان ایران در صحنه مبارزه به رهبری مرجع تقلید انقلابی خود و تحت لوای مکتب زنده و حیات بخش و جهان شمول اسلام موجبات پیروزی شگرف انقلاب اسلامی را فراهم کرد. (2)

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی است در جهت احیای ارزش ها و اصالت های اسلامی؛ انقلابی است که :

نظام استبداد سلطنت شاهنشاهی را ریشه کن ساخت و به جایش نظام جمهوری اسلامی را مستقر کرد.

سیستم ها و ارتباطات کلی در نظام قبلی را در هم ریخت و به تدریج به جای آن ها سیستم جدیدی را حاکم ساخت.

اصول و معیارهای ارزش واقعی را که در نظام شاهنشاهی به

ص: 86

1- همان، ص 151 - 179.

2- تحلیلی بر انقلاب اسلامی، ص 120.

صورت ضد ارزش جلوه داده می شد به جایگاه راستین خود برگردانده و ضدارزش ها را که به صورت ارزش های کاذب تبلیغ می شد رسوا ساخت.

رجال و مقامات رژیم طاغوت را به پست ترین ها مبدل ساخت و افراد پایین جامعه را به مقامات بالای کشور رساند.

تصفیه ناخالصی ها و رسوبات گذشته و فرهنگ های بیگانه وارداتی را با شدت و قدرت انقلابی آغاز کرد و استمرار بخشید.

این انقلاب به طور خلاصه تمام ویژگی های یک انقلاب را در خود جمع کرده است.

این انقلاب مطابقت خود را با مکتب اسلام به صورت یک انقلاب اسلامی حفظ کرده و تداوم بخشیده و شعارها و برنامه ها و اهداف خویش را منطبق با اسلام نموده و می نماید. (1)

ریشه های انقلاب اسلامی ایران

ریشه های انقلاب اسلامی ایران عبارت اند از:

مکتب اسلام

مذهب تشیع سرخ علوی

امامت و رهبری

مسئولیت پذیری فردی

مسئولیت فردی، عمومی، اجتماعی و همگانی

ص: 87

اطاعت و پیروی کامل از رهبری

در یک کلام در رأس همه این ریشه ها، اراده و خواست خاص و مشیت خداوند متعال و خداخواهی مردم مسلمان و مؤمن ایران قرار دارد. اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ریشه اصلی انقلاب اسلامی ایران است. اسلام همانند کلمه و شجره طیبه ای است که اصل آن ثابت و فرع آن در آسمان است و پیوسته به اذن خدا میوه هایش را به فراوانی بر همگان فرو می ریزد. (1)

اسلام انسان را به عبودیت و توحید و پیروی از وحی و نبوت و امامت و تلاش مسئولانه در جهت حاکمیت عدالت و نفی ظلم و ستم فرامی خواند.

تشیع علوی که همان اسلام همراه با امامت و عزت است ریشه مهم دیگر انقلاب اسلامی ایران است. تشیع در طول تاریخ با دورکن عدالت و عزت پیوسته از کوران فتنه ها و آزمایش های بسیار سخت نجات و رهایی یافته است و با انواع حرکت های اصلاحی و انقلابی علیه ظلم و ستم مبارزه کرده است.

داشتن ملاک ثابت و روشن در تشیع، یعنی امام معصوم علیه السلام به عنوان محور حق و ملاک حقیقت. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله در این مورد فرموده اند: «علی مع الحق والحق مع علی». بنابراین داشتن

ص: 88

ملاک پیوسته موجب شده که شیعه در طول تاریخ مسیر حق را گم نکند.

پیروی و تبعیت از امام حق و دقت در اسلام امامت، پیوسته موجب این بوده که شیعیان اصالت اسلامی و ارزش های توحیدی را درک کنند و در جهت بازگشت به اصالت های اسلامی در مواقع ضروری قیام و نهضت برپا کنند. شیعه درس جهاد و شهادت و فعالیت های مخفی و مستمر و تلاش خستگی ناپذیر را از ائمه علیهم السلام آموخته و این است که به راحتی از عهده انقلاب عظیمی مثل انقلاب اسلامی ایران برآمده است.

ولایت فقیه به عنوان استمرار اصل امامت معصوم علیه السلام یکی دیگر از ارزش های انقلاب اسلامی ایران است. مکتب تشیع بر این باور است که در عصر غیبت امام معصوم، امامت و ولایت امت به نیابت از معصوم علیه السلام به عهده ولی فقیه عادل است و فقیه عادل بر جامعه ولایت و رهبری شرعی دارد. همین تفکر بوده که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون مهم ترین محور انقلاب و ستون خیمه نظام اسلامی را تشکیل داده است. البته بدیهی است که پیروی و تبعیت از ولایت فقیه از دیدگاه شیعه به عنوان نایب امام معصوم علیه السلام امری شرعا واجب می باشد.

احساس وظیفه فردی و اجتماعی آحاد ملت ایران، یکی دیگر از ریشه های مهم عقیدتی در انقلاب اسلامی است. احساس وظیفه دینی و اسلامی، احساس وظیفه ای که بر اساس آن باید امر به معروف

و نهی از منکر کرد، در مقابل ظالم سکوت نکرد، در مقابل فساد و تباهی قیام کرد و اگر چنین قدرتی نیز وجود ندارد باز هم فرد و جامعه شیعی مسئول است. مسئول است که حداقل در مقابل بدکاران چهره ای خشمگین و ناخشنود داشته باشد و به دل آن ها انکار و طرد نماید.

عوامل مؤثر در تسریع انقلاب اسلامی ایران

علاوه بر ریشه هایی که گفته شد، یک سری علل و عوامل دیگر در انقلاب اسلامی ایران به عنوان علل تسریع کننده و زمینه ای وجود داشته اند که به طور فهرست گونه و فشرده آنها را معرفی می کنیم :

وابستگی کامل رژیم سلطنتی شاهنشاهی به استکبار غرب و مزدوری برای آن، استبداد خشن و بی رحم داخلی و نقض آشکار همه قوانین و مقررات فردی و اجتماعی و ملی و بین المللی.

بی کفایتی و بی لیاقتی مسئولین حکومتی و حاکمیت متملق و چاپلوسی و اطاعت کورکورانه به جای حاکمیت حق و عدالت و قانون.

دین زدایی آشکار از سوی حاکمیت طاغوت و ضدیت با افکار و عقاید معنوی و سنت های دینی و مخالفت با روحانیت و مرجعیت و سایر مقدسات دینی که سرانجام احساسات مذهبی مردم را جریحه دار ساخت.

سلطه اجانب و بیگانگان و مشرکین و بی دینان و عوامل مزدور اجانب به عنوان مستشار و یا به عنوان کاپیتولاسیون که یکی از

ذلت بارترین فرازهای تاریخ رژیم طاغوت است.

دشمنی آشکار حکومت شاهنشاهی با نهضت های آزادی بخش و قیام های مردمی در کشورهای مختلف جهان و حتی همکاری در سرکوب آنها.

حمایت جدی طاغوت از اشاعه و ترویج فرهنگ غرب و ترویج بی بندوباری و برنامه های اسلام زدایی و سعی در احیای فرهنگ منحط و پوسیده جاهلیت پیش از اسلام ایران و حتی تغییر تاریخ هجری اسلامی.

نارضایتی نیروهای مبارز و مردم از وضع موجود، همراه با آرمان وضع مطلوب: نارضایتی نیروهای مبارز، آن ها را به مبارزه مستمر می کشاند و نارضایتی مردم زمینه را برای مبارزین فراهم می سازد، و آرمان وضع مطلوب به مردم و مبارزین روحیه و امید و توجه به برنامه ریزی می بخشد.

احساس قطعی از به خطر افتادن عقیده و مکتب: یعنی اگر در جامعه عده زیادی احساس کنند مکتب و عقیده آنها به خاطر افتاده است ولو از وضع موجود ناراضی نباشند باز دست به قیام و انقلاب خواهند زد.

عدم تحمل ظلم و ستم، حتی اگر جامعه ای مرفه باشد و مردم دارای امکانات مناسب زندگی باشند، ولی ظلم و ستم و تبعیض های ناروا رایج باشد. زمینه برای انقلاب، موجود است چه برسد به جامعه ای فقیر و اسیر مشکلات اقتصادی که حکومتی ظالم و ستمگر

دارد. این نوع حکومت ها و جامعه ها ولو در اوج قدرت ظاهری باشند، به دلیل ظلمشان همواره در معرض سقوط هستند.

نارضایتی مردم از رواج فساد و فحشا و فسق، در حکومت و جامعه ای که فساد رواج یابد، آن حکومت و جامعه از درون می پوسد و به زودی سرنگون و ساقط می شود.

مقابله مردم با اسراف، وجود فقر مفرط در کنار ثروت فراوان و تضييع حقوق افراد جامعه باعث نارضایتی می شود.

ترویج فساد و فحشا به اشکال مختلف و برگزاری جشن ها و مهمانی های آلوده و هرزگی های شرم آور مانند جشن هنر شیراز.

وضعیت نابسامان اقتصادی و گرانی و تورم و حیف و میل اموال ملت و عدم توازن صادرات و واردات و غارت ثروت نفت و پیدایش قطب های ثروت و اسراف و باز شدن پای سرمایه داران غربی و خلاصه از بین بردن اقتصاد کشور به نفع اجانب که در نهایت، ذلت و حقارت و مستعمره شدن همه جانبه را به دنبال داشت.

تبدیل نیروی نظامی کشور به ابزار استعمار و استکبار.

همه این ها موجبات نارضایتی و خشم مردم را فراهم کرد و زمینه ساز برای انقلاب اسلامی شد.

آگاهی، اگر ملتی آگاهی نداشت، شناخت وضع موجود و وضعیت مطلوب برای او میسر نیست و چون بی خبر است یا تصور می کند که در بهترین وضع ممکن است و یا خیال می نماید که بهتر از این وضع میسر نمی باشد و یا اینکه سرنوشتش را تقدیر این طور رقم زده است،

این چنین مردمی، اگر رهبری مانند حضرت علی علیه السلام هم داشته باشند نه تنها قیام نمی کنند بلکه دل او را پر از خون می کنند و به جایی می رسانند که استخوان در گلویش و خار در چشمش گیر نماید و چاره ای نداشته باشد و در حقیقت باید گفت که انقلاب، ملتی آگاه به رهبری و رهروی اصول انقلاب را می خواهد.

اراده قیام و ایثار و مقاومت، اگر ملتی آگاهی یافت ولی دارای روحیه تمکین و ظلم پذیری بود این آگاهی به تنهایی علتی برای حرکت انقلابی نخواهد بود. مانند برخی از مسلمانان در دوران رژیم طاغوت که همه چیز را می دانستند و مخالف با وضعیت موجود بودند ولی اهل مبارزه نبودند.

رهبری، داشتن رهبری آگاه و مدیر و مدبر و قوی و مسلط، که اگر نباشد قیام و انقلاب مردم بدون رهبر به جایی نمی رسد و اصولاً شروع نمی شود تا به جایی برسد. حضرت علی علیه السلام می فرماید: مردم ناگزیر باید رهبر و فرماندهی داشته باشند.

ممکن است بعضی بگویند اگر در انقلاب الهی خواست خداوند، علت اصلی و اساسی انقلاب است، دیگر نیازی به علل دیگر نیست. پاسخ این است که علت اساسی و اصلی همان خواست خداست؛ ولی خداوند اراده فرموده است که امور عالم بر اساس علل و عوامل و ابزار و اسباب، جریان یابد. و این علل و عوامل، ابزار و اسباب تحقق اراده الهی می باشند و گاهی هنگامی که اراده الهی بر اثر طغیان و عصیان مردم بر هلاکت آنها تعلق می گیرد می فرماید:

«وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا» (1)

یعنی اجرای اراده الهی بر اثر فسق مترفین میسر می گردد و یا تحقق اراده الهی بر تغییر سرنوشت مردمی را در گرو خواست آن مردم به تغییر سرنوشت خود می داند و یا وراثت زمین که متعلق به بندگان صالح خدا (عباد الله الصالحون) است به شرطی به دست می آید که عبدالله و صالح بشوند. و یا برای تحقق انقلاب الهی، نه تنها انبیا و رسولان را می فرستد، بلکه از قول قومی که می خواهند در راه خدا مقاتله نمایند می فرماید:

«إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَّهُمْ إِنْبَعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (2)

آن ها به پیامبر خود گفتند برای اینکه در راه خدا بتوانیم مقاتله داشته باشیم از خداوند بخواه، رهبری و حاکمی برای ما بفرستد. و خداوند طالوت را برای آنان از بین خودشان برانگیخت. در آیه 40 سوره حج خداوند می فرماید:

«خداوند به وسیله برخی از مردم، برخی دیگر از آنها را دفع می کند تا جلوی انهدام عبادتگاهها و مساجد و ضایع شدن معیشت مردم گرفته شود».

به عبارت دیگر می توان گفت: هنگامی که حیات معنوی اماکن

ص: 94

1- سوره اسراء، آیه 16.

2- سوره بقره، آیه 246.

مقدس و حیات و معاش مردم به خاطر نزدیک می شود، امکان انقلاب پدید می آید.

نکته مهمی که باید متذکر شویم این است که گاهی در تحلیل انقلاب ها، به یک یا چند علت توجه می شود و بقیه نکات در نظر گرفته نمی شوند و در نتیجه تحلیل ها دچار تناقض و دوگانه گویی ها می شود، لذا لازم است در تحلیل یک انقلاب به کلیه علل و عوامل مؤثر توجه شود. گاهی دیده می شود که انقلاب اسلامی را با علل و عوامل انقلاب های غیر الهی تحلیل میکنند، برداشتی این چنین کاملاً غلط است و اگر این تحلیل بنخواهد راه گشای مسائل و معضلات انقلاب گردد به جای راه گشایی، ایجاد مشکل و انحراف می کند و کار را به بن بست می کشاند. (1)

اسلام زدایی، در رأس همه علل و انگیزه ها، به خاطر افتادن دین و مبانی احکام و ارزش های دینی مردم یعنی اسلام بود که بر اثر جریحه دار شدن عواطف دینی و احساس خطر جدی مردم بر دین و حاکمیت دینی، مردم را به طغیان و عصیان واداشت. در انقلاب اسلامی ایران آن عاملی که موتور محرک اجتماع بود و مردم را وادار به طغیان و عصیان می کرد و در برابر همه سختی ها مقاوم و خستگی ناپذیر کرده بود، انگیزه دینی و دفاع از دین بود و اساساً ویژگی مکتب سرخ تشیع همین است که بعد از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کناره گیری امام مجتبی علیه السلام و شهادت ایشان و فاجعه

ص: 95

1- شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، درس 8 و 9.

خونبار کربلا و شهادت سیدالشهدا علیه السلام و یاران و همراهان باوفایش، حکومت‌ها را فاسد و غاصب می‌داند و امامت و رهبری و زعامت را تنها حق صالحان و شایستگان می‌داند، همان‌هایی که قرآن در موردشان تصریح می‌فرماید: «زمین را البته بندگان شایسته من به ارث می‌برند»⁽¹⁾.

از این نظر همواره در ذهن پیرامون مکتب تشیع این مطلب به نحو برجسته، خودنمایی می‌کند که باید حکومت را صالحان و شایستگان اداره کنند و در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام مرجع و پناهگاه مردم در حوادث و پیشامدها، علما و فقها و مراجع تقلید می‌باشند و فرمان آنها واجب‌الاطاعه است. لذا روشن می‌شود که بزرگ‌ترین عامل و انگیزه در به حرکت درآوردن مردم، انگیزه دینی و پیروی از علما و مراجع دینی است. اگر در طول تاریخ شیعه که جدا از تاریخ اسلام نیست نگاه بکنید می‌بینید مسئله مهم برای غاصبین و ستمکاران این بوده که همواره می‌خواستند از اهمیت این مسئله بکاهند و خطر را از خود دور بنمایند.⁽²⁾

شهید مطهری در این مورد می‌فرماید: «جریحه دار شدن عواطف اسلامی، عامل اصلی هماهنگ‌کننده نیروهای مردم بود، به قول یکی از اساتید که در تاریخ دوره مغول تخصص دارد، در بررسی تاریخ دوره مغول، که مغولان همه جا را ویران کردند، نقل می‌کند که مردم نمی‌گویند ایران از دست رفت، بلکه همه جا می‌گویند اسلام از دست

ص: 96

1- سورة انبياء آیه 105.

2- انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص 71.

رفت. یعنی برای مردم، ایمان عزیزتر از وطن بود و این جمله از مواردی است که برای غربی ها فهمش دشوار و شاید غیر ممکن باشد»⁽¹⁾.

استاد مطهری آنجا که عوامل انقلاب ها را دسته بندی می کند می گوید: «عامل سوم ایجاد انقلاب ها، عامل آرمان خواهی و عقیده طلبی است، انقلاب های اصطلاح ایدئولوژیک، جنگ عقاید هستند نه جنگ اقتصادی در مظهر عقاید. جنگ های مذهبی نمونه خوبی از نبردهایی است که بر سر عقیده و آرمان برپا می گردد. قرآن نیز بر این نکته تکیه می کند. در آیه سیزدهم سوره آل عمران نکته ظریفی بیان شده است. این آیه مربوط به جنگ مسلمانان با کفار در غزوه بدر است، آنجا که آیه از مؤمنان نام می برد جنگ آنان را جنگ ایدئولوژیک و جنگ عقیده می نامد، حال آنکه جنگ کافران را به جنگ عقیده تعبیر نمی کند و می فرماید: «در برخوردی که میان دو گروه روی داد عبرت و نشانه ای برای شما وجود دارد، یک گروه از اینان در راه خدا (یعنی برای ایمان و عقیده شان) می جنگند و اما گروه دیگر کافر بودند»⁽²⁾.

در جبهه مبارزین و انقلابیون نیز علل و عواملی وجود داشت که هم زمینه ساز انقلاب بوده اند و هم انقلاب اسلامی را تسریع بخشیدند. اهم این علل و عوامل عبارت اند از:

رهبریت مرجع تقلید به عنوان نایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آن هم

ص: 97

1- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 146.

2- سوره آل عمران، آیه 13.

مرجعی انقلابی و مخلص که هم فرزند شهید است و هم پدر شهید و هم انقلابی ترین و مبارزترین فرد در تاریخ معاصر کشور ایران است.

حضور روحانیت مبارز و متعهد در پیشاپیش مبارزه و در تمام صحنه ها که موجب می شد مردم تهییج شده و آمادگی ایثار بیشتری را داشته باشند.

نقش مسجد و مکان های دینی و مذهبی و زمان های ویژه دینی و مذهبی و اربعین های متوالی برای یادمان شهدای انقلاب نیز از دیگر علل است.

مردمی بودن انقلاب، به طوری که همه قشرها را در بر می گرفت و هر کس به اندازه توانش هر خدمتی را که می توانست انجام می داد.

استفاده از روش های خاص و غیرقابل تصور و غافلگیر کننده برای رژیم طاغوت مانند: الف - اعتصاب های سرتاسری بازارها و صنعت نفت و کارخانه ها.

ب - میتینگ ها و تظاهرات بسیار شکوهمند مردمی در سراسر کشور.

ج - تشییع جنازه شهدای انقلاب همراه با شعارهای انقلابی و ایجاد شور شهادت در دیگران.

د- به کارگیری فرایض و شعارهای مذهبی به طرز بی سابقه و نوین مانند اقامه نماز جماعت در سطح خیابان ها، سردادن شعار الله اکبر بر پشت بام ها.

صلوات و تکبیر برای احترام به رهبر انقلاب، ساختن سرودهای انقلابی که رژیم می کوشید به هر طریقی از این اعمال جلوگیری کند و

یا رهبری را در میان مردم تضعیف نماید.

ه- کوشش در داشتن کمترین برخورد با عوامل و ارکان حکومتی رژیم طاغوت به خصوص نیروهای مسلح و ارتش. در این راستا گل دادن مردم به نیروهای مسلح و ارتشی و نیز تشویق آنها به فرار از پادگان‌ها مثال زدنی است، با شعار: «ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست».

و- ضایع کردن منابع مالی رژیم طاغوت از طریق عدم پرداخت مالیات و عوارض و تعلل در امور جاری اداری و انواع اعتصابات به خصوص بستن شیرهای نفت برای صدور به خارج، در عین همکاری و تعاون در تأمین نفت و بنزین برای مصارف داخلی و محلات و مساجد.

ز- حمله به اماکن فساد و تخریب و شکستن شیشه‌ها و اشیای موجود در عین احترام به اموال عمومی مردم. (1)

ماهیت انقلاب اسلامی ایران

در انقلاب اسلامی، آرمان‌خواهی و اعتقادات دینی و مکتبی اولین انگیزه و محرک مبارزان به شمار می‌آید. انقلاب اسلامی نوعی جهاد داخلی است که در آن گروهی برای خدا و فی سبیل الله می‌رزمند و گروه دیگر مانع راه خدایند و به خاطر کفرشان می‌جنگند. (2)

ص: 99

1- شناخت انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص 23 - 24.

2- سوره آل عمران، آیه 13.

انقلاب اسلامی از درون آغاز می‌گردد. تا انسان‌ها از درون آزاد نشوند به آزادی بیرونی و پیروزی انقلاب اجتماعی و سیاسی، چندان امیدی نیست. روش انبیا پیوسته چنین بوده است که ابتدا انسان‌ها را از درون آزاد می‌کردند. بنابراین انقلاب اسلامی تک‌عنصری و تک‌عاملی نیست؛ بلکه عناصر و عوامل فراوانی در تکوین و پیروزی و استمرار آن نقش دارد که هر آنچه در این مورد گفته می‌شود به صورت قضیه جزئی است. مثلاً بی‌شک عوامل روحی، عاطفی، شخصیتی، تربیتی، دینی، مذهبی، اخروی، دنیوی، اقتصادی، معیشتی، فرهنگی، آزادی خواهی، استبداد ستیزی، استعمارستیزی و ارزشی در انقلاب اسلامی ایران نقش داشته است. بنابراین می‌توان گفت: «انقلاب اسلامی عبارت است از دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن منطبق بر جهان بینی و موازن ارزش‌های اسلام و نظام امامت و بر اساس آگاهی و ایمان مردم و حرکت پیشگام متقیان و صالحان و قیام قهرآمیز توده‌های مردم».⁽¹⁾

شهید مطهری می‌فرماید: «انقلاب اسلامی یعنی راهی که هدف آن، اسلام و ارزش‌های اسلامی است و انقلاب و مبارزه صرفاً برای برقراری ارزش‌های اسلامی انجام می‌گیرد».⁽²⁾

انقلاب صدر اسلام در همان حال که انقلابی مذهبی و اسلامی بود، در همان حال انقلاب سیاسی نیز بود و در همان حال که انقلابی

ص: 100

1- انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص 22 - 21.

2- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 57.

معنوی و سیاسی بود، انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود، یعنی حریت، آزادگی، عدالت و نبودن تبعیض های اجتماعی و شکاف های طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است. در واقع هیچ یک از ابعادی که به آنها اشاره کردیم، بیرون از اسلام نیستند. راز موفقیت نهضت ما نیز در این بوده است که نه تنها به عامل معنوی تکیه داشته، بلکه عامل مادی و سیاسی را نیز با اسلامی کردن محتوای آنها در خورد قرار داده است. (1)

گفتیم که انقلاب دارای اقسام متنوعی است: روحی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و هنری و جالب است که همه این اقسام می تواند در درون انقلاب اسلامی وجود داشته باشد، یعنی انقلاب اسلامی که خود ذاتا انقلابی دینی و مذهبی است، انقلابی همه جانبه و دارای ابعاد بسیار وسیع و گسترده می باشد؛ زیرا اسلام دینی کامل و جامع است و همه ابعاد وجودی و همه نیازهای واقعی بشر را پاسخ مثبت می دهد. در هر یک از انقلاب های رخ داده در تاریخ بشریت بعضی از این مفاهیم مطرح بوده است؛ مثلا در انقلاب اکتبر روسیه بعد مادی و اقتصادی و در انقلاب کبیر فرانسه، بعد سیاسی و آزادی خواهی و در رنسانس، انقلاب فرهنگی و هنری و علمی مطرح بود و گاه در نهایت، سعی در رسیدن به تمام دست آوردهای ادبی، هنری و علمی بوده است. (2)

ص: 101

1- همان، ص 41.

2- فرهنگ علوم سیاسی، ص 70.

انقلاب اسلامی ایران همه جانبه بوده، لذا با همه انقلاب‌ها متفاوت است. شهید مطهری منشأ انقلاب‌ها را یکی از این سه چیز می‌داند: اقتصادی و یا آزادی خواهی و انسانی و یا ایدئولوژیک و دینی. برای اولی انقلاب اکتبر روسیه و برای دومی انقلاب کبیر فرانسه را می‌توان مطرح کرد. برای سومی، نهضت‌ها و انقلاب‌انبیا و نیز انقلاب اسلامی ایران را می‌توان مثال زد.

شهید مطهری رحمه الله بعد از این که بیان می‌کند ممکن است انقلابی ماهیتاً اقتصادی و مادی باشد و ممکن است خصلت انسانی و ماهیتی آزادی خواهانه داشته باشد می‌گوید: «علاوه بر دو نوع ماهیتی که ذکر کردیم انقلاب می‌تواند ماهیتی اعتقادی و ایدئولوژیک داشته باشد، بدین معنی که مردمی که به یک مکتب ایمان و اعتقاد دارند و به ارزش‌های معنوی آن مکتب شدید وابسته هستند وقتی که مکتب خود را در معرض آسیب می‌بینند و وقتی آن را آماج حمله‌ها بنیان برافکن می‌بینند خشمگین و ناراضی از آسیب‌هایی که بر پیکر مکتب وارد شده، دست به قیام می‌زنند». انقلاب این مردم ربطی به سیری یا گرسنگی شکمشان ندارد و یا ارتباطی با داشتن و یا نداشتن آزادی سیاسی ندارد، چرا که ممکن است اینان هم شکمشان سیر باشد و هم آزادی سیاسی داشته باشند اما از آنجا که در آرزو و آرمان آن مکتبی هستند که استقرار نیافته، دست به انقلاب و قیام می‌زنند. (1)

ص: 102

امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه خود چنین می فرماید: «اگر نبود دست توانای خداوند، امکان نداشت یک جمعیت سی و شش میلیونی با آن تبلیغات ضد اسلامی و ضد روحانی به خصوص در این صدسال اخیر و با آن تفرقه افکنی های بی حساب قلم داران... در مطبوعات و سخنرانی ها و مجالس و محافل ضد اسلامی... این ملت با این وضعیت یکپارچه قیام کنند و سرتاسر کشور با ایده واحد و فریاد الله اکبر و فداکاری های حیرت آور و معجزه آسا تمام قدرت های داخل و خارج را کنار زده و خود مقدرات کشور را به دست گیرند. بنابراین نباید شک کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب ها جدا است، هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه و قیام، تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است».

امام خمینی رحمه الله در فرازی دیگر از وصیت نامه خود می فرماید: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می کند و قدرت آن را دارد که قلم سرخ بر ستم گری ها و چپاولگری ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسانها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که بر خلاف مکتب های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در

تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است»⁽¹⁾.

شهید مطهری رحمه الله نیز در این مورد می فرماید: «انقلاب ایران به اعتراف بسیاری یک انقلاب مخصوص به خود است. یعنی برای آن نظیری در دنیا نمی توان پیدا کرد. در مورد یگانه بودن انقلاب، گروهی که به وجود سه عامل مستقل معتقدند می گویند ما در دنیا هیچ انقلابی نداریم که این سه عامل در آن دوش به دوش یکدیگر حرکت کرده باشند. ما نهضت های سیاسی داریم ولی طبقاتی نبوده اند، نهضت های طبقاتی داریم اما سیاسی نبوده اند و بالاخره اگر این هر دو عامل وجود داشته باشند از عوامل معنوی و مذهبی خالی بوده اند. این حقیقت نه تنها در باره انقلاب فعلی بلکه در مورد انقلاب صدر اسلام نیز صادق است، انقلاب صدر اسلام در همان حال که انقلابی معنوی و سیاسی بود انقلابی اقتصادی و مادی نیز بود یعنی آزادی، عدالت، نبودن تبعیض های اجتماعی و شکاف طبقاتی در متن تعلیمات اسلامی است»⁽²⁾.

هر انقلابی بدون استثناء وابسته به دو عامل اساسی می باشد که این دو عامل عبارتند از :

نارضایتی و خشم مردم از وضع موجودشان و داشتن یک آرمان و ایده آل مطلوب.

ص: 104

1- انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص 134.

2- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 41 - 40.

در جوامعی که مردم از حاکم ابراز نارضایتی نداشته باشند، هرگز به ارکان آن حکومت آسیبی وارد نمی شود، چون رکن، مردم هستند و بر عکس در طول تاریخ حکومت هایی ساقط شدند که با خشم مردم مواجه بودند و به قول حضرت امام رحمه الله با در صحنه بودن مردم رو به رو شدند.

حال باید دید که چه موقع مردم از وضع موجودشان ناراضی می شوند، وقتی که بفهمند و درک کنند که حاکم کارهایی از قبیل ظلم و استبداد، نفی نظام ارزشی، نفی دیانت مردم و رواج قوانین غیر عادلانه انجام می دهد. این امور سبب خشم مردم می شود، پس عنصر آگاهی ضرورت اصلی است. تمام سقوطها از جهل می باشد و تمام محاسن و خوبی ها از شعور و آگاهی سرچشمه می گیرد. آن چه سبب می شود مردم به نهایت خشمبرسند درک و آگاهی آنها از وضع موجود است، پس آگاهی عنصر آزادی است. حال سؤال پیش می آید که آیا انسان به صرف اینکه از وضع موجود ناراضی شد انقلاب می کند؟ جواب اینکه خیر، مگر اینکه یک هدف و برنامه قبلی داشته باشد. نارضایتی و خشم موقعی منجر به انقلاب می شود که صاحبان خشم دارای یک آرمان، هدف و برنامه تعیین شده باشند که هرگاه وضع موجود را از بین بردند یک وضع مطلوب جایگزین آن کنند چون در غیر این صورت انقلابیون به بن بست می رسند.

انقلاب به عبارت دیگر دو جنبه و دو بعد دارد: 1- نفی، 2- اثبات.

گام اول هر انقلابی نفی و نابودی و تخریب وضع موجود است، پس گام اول گام مبارزه است و باید وضع موجود را از بین برد تا بتوان وضع دیگری را جانشین آن کرد.

گام دوم اثبات می باشد که مرحله سازندگی است، یعنی به وجود آوردن نظامی نوین، نظامی کامل تر و جدید به جای آن نظام پوسیده قبلی، یعنی وضع مطلوب را تحقق بخشیدن.

انقلاب اسلامی ایران از نظر ماهیت و حقیقت با سایر انقلاب ها متمایز است به دلیل اینکه ماهیت این انقلاب یک ماهیت مکتبی و عقیدتی و ایدئولوژیک می باشد. به این معنی که این انقلاب بر اساس جهان بینی و موازین ارزشی اسلامی به وقوع پیوست و تکیه اساسی این انقلاب بر پایه علم و ایمان و بر مبنای مکتب اسلام و اساس امامت بوده است. و از سوی دیگر آرمان نهایی و ایده آل ملت انقلابی و رهبر انقلاب ایران، آرمان و ایده آل دینی و اسلامی بوده است. و به همین دلیل به این انقلاب «انقلاب اسلامی» می گویند. این قید اسلامی خود بهترین دلیل و بهترین گواه بر محتوای فکری و فرهنگی و عقیدتی انقلاب اسلامی است. البته از اینکه می گوئیم این انقلاب فرهنگی و عقیدتی است و هدفش تحقق بخشیدن به آرمان های دین مقدس اسلام است، به هیچ وجه با آزادی خواهی، عدالت اقتصادی، مبارزه با فقر و نظایر اینها منافات ندارد.

انقلاب اسلامی صرفاً به معنای جایگزینی یک نظام نو نیست. این

انقلاب تنها به معنای انتقال قدرت از گروهی به گروه دیگر نیز نمی باشد. و هم چنین این انقلاب تجلی و ثمره قهر و خشونت مردم محسوب نمی شود و از سوی دیگر این انقلاب معلول رشد ابزار تولید و تضاد طبقاتی به تنهایی هم نمی باشد و هم چنین تنها معلول اختناق و خفقان سیاسی نیست، بلکه انقلابی است عقیدتی و ایدئولوژیک و مبتنی بر آرمان خواهی و اعتقاد دینی مردم به مکتب اسلام، به این معنی که هرگاه پیروان و معتقدان به یک دین یا مذهب پی بردند که آرمان ها و اهداف و عقاید و ارزش های دینی و معنوی آنها در حال نابودی است در چنین صورتی آن مردم متدین و آرمان خواه برای حفظ آرمان ها و اهداف و اصول و ارزش های دینی خود انقلاب می کنند و انقلاب اسلامی ایران نیز از این سنخ انقلاب ها می باشد. بدیهی است که این امر ربطی به فقر اقتصادی و محرومیت و یا تضاد طبقاتی و گرسنگی به تنهایی ندارد بلکه انقلابی است به انگیزه استقرار و تحقق و حاکمیت بخشیدن به آرمان های عقیدتی و مکتبی.

انقلاب اسلامی ایران از نظر ماهیت و حقیقت، همه ابعاد سیاسی، اقتصادی و معنوی را دارا است؛ زیرا همه این عناصر یعنی حریت و آزادی و عدالت و قسط و اخلاق و معنویت همه در متن اسلام اند. در اسلام همان طوری که بر عامل اخلاق و معنویت تکیه شده بر عوامل مادی و اقتصادی و سیاسی و اجتماعی نیز تأکید شده است و اصولاً تعالیم اسلام، پرورش دهنده و شکوفا کننده روح آزادی و

حریت و عدالت خواهی در وجود انسان است لذا بهترین نام برای این نوع انقلاب همان انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی در جوهر و ذات خود انقلابی است ضد طبقاتی، آزادی خواهانه، سیاسی، اخلاقی و معنوی. بنابراین روح و جوهر و هویت این انقلاب، اسلامی است یعنی صرف مادی و اقتصادی نیست، همان گونه که صرفاً سیاسی و اجتماعی و آزادی خواهانه نمی باشد و همان گونه که صرفاً اخلاقی و معنوی محض نیز نیست، بلکه انقلابی است که همه این جنبه ها را توأماً دارا می باشد.

ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران

انقلاب به دلیل اینکه در هر فرهنگ سیاسی وجود دارد، پس در هر فرهنگ معنا و کاربرد معین و ویژه آن فرهنگ را دارا می باشد. به عنوان مثال در فرهنگ غرب انقلاب عبارت است از تحول اجتماعی و تغییرات عمیق اجتماعی که موجب رسیدن جامعه به آزادی می شود، پس در این بینش روح انقلاب و حقیقت انقلاب فقط وصول به آزادی می باشد، به عبارت ساده تر در این بینش انقلاب یک تحول می باشد علیه استبداد (مانند انقلاب کبیر فرانسه). معمولاً پیامدهای چنین انقلاب هایی آزادی در همه ابعاد می باشد. مانند آزادی در روابط، اندیشه ها، قلم، رفتارهای اجتماعی و ... پس روح آزادی خواهی ملت منجر به انقلاب می شود. در یک معنای دیگر که در شرق کمونیسم مطرح است، انقلاب مفهوم و کاربرد دیگری دارد. عامل و محرک

اصولی انقلاب در این گونه جوامع مسئله اقتصادی می باشد، یعنی در این دیدگاه آنچه موجب حرکت عمیق در افشار مختلف جامعه می شود مبارزه علیه فقر اقتصادی (نظام طبقاتی) می باشد.

در انقلاب اسلامی ایران، اساس و ریشه و جوهر و محرک حقیقی، عقیده و ایمان بوده یعنی یک انقلاب عقیدتی - ایدئولوژیکی و دینی می باشد. به این معنا که آنچه موجب این انقلاب شد رواج بی دینی و رواج ضد ارزش ها بوده است. در حقیقت این انقلاب در جهت احیا و حفظ و پاسداری از معتقدات مردم و به عبارت بهتر دین مردم بوده، به همین دلیل به آن اسلامی گویند. یعنی انقلابی که بر اساس عقیده اسلام به وجود آمده است.

فرق انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب ها در این است که در سایر انقلاب ها مبنا انسان است، یعنی انسان ها تصمیم می گیرند ولی در انقلاب اسلامی مبنا الهی می باشد و مبتنی بر وحی و فرمان خداست.

اسلامی بودن انقلاب :

ویژگی های انقلاب اسلامی از اصول و فروع دین اسلام و از اخلاقیات و روابط اجتماعی و ارزش های اسلامی سرچشمه می گیرند. بی شک اولین ویژگی انقلاب اسلامی خدایی بودن آن است؛ یعنی عامل ایمان و عقیده به توحید؛ بر این اساس هدف انقلاب اسلامی برقرار حاکمیت الله بر همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی است که جز با نفی هرگونه حاکمیت اله ها و طاغوتها، تحقق نمی یابد.

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ ...» (1)

بندگی خدا عزت آفرین است، بندگی خدا رهایی بخش است. بندگی خدا، انسان را از اسارت و ذلت بندگی طاغوت های بیرونی و درونی نجات می دهد، از ظلمات کفر و شرک و نفاق خارج می کند و به عالم نور توحید و علم و معنویت و عدالت و آرامش می رساند. (2)

اطاعت از خدای واحد، عالم، حکیم و عادل موجب سعادت بشر در دنیا و آخرت می گردد. پیروی از احکام و قوانین الهی است که کمال و فلاح و نجات را برای همه افراد در پی دارد؛ زیرا این احکام و قوانین کاملاً بر حق و عدل و فطرت انسان مبتنی هستند و به همه نیازهای جزئی و کلی، فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، ثابت و متغیر انسان در همه زمان ها و مکان ها تا برپایی قیامت پاسخ مثبت می دهند.

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود

ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

بله توحید، آزادی است، آزادی حقیقی، آزادی معنوی و آزادی انسانی.

ص: 110

1- سوره نحل، آیه 36.

2- سوره بقره، آیه 255.

بنابراین در این انقلاب، همه آرمان‌ها و شعارهای انقلابی مردم، ریشه در ارزش‌های اسلامی داشت و از محتوای مکتب اسلام ناب سرچشمه می‌گرفت.

نیروهای انقلابی در حقانیت اسلام و به حاکمیت رساندن قوانین و ارزش‌های اسلامی همدل و هم‌سخن بودند و انگیزه‌ای جز تحقق آرمان‌های اسلامی نداشتند، شعارهای مردم در سراسر کشور ایران و در طول انقلاب آشکارا مبین اسلامی بودن انقلاب است.

معنویت دینی، اخوت، برادری، محبت، مسئولیت‌پذیری و آزادگی انسان که از عبودیت او در برابر خدا و اطاعت او امر الهی متجلی می‌شود، از ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران است. معنویت همراه با گذشت و ایثار، عبادت و ایمان، لطف و محبت توأم با قهر و خشم انقلابی.

اعتقاد به نبوت و رسالت و وحی الهی :

پیروی و اطاعت از اصل نبوت و خاتمیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن کریم به عنوان کتاب وحی و اینکه انبیا و رسولان الهی سیاستمداران بندگان خدا هستند و پیروی از رسول خدا و قرآن، همان اطاعت از خداست، که از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب ایران می‌باشد.

قرآن در آیات مختلفی از جمله «سورۀ اعراف، آیه 157» و «سورۀ نساء، آیه 80» خط و راه پیروی از رسول خدا یه و سرانجام تعالی بخش آن را تأکید فرموده است. لذا پیروی از وحی و نبوت و

داشتن تعهد دینی و روحیه عبودیت و تقوا و مسئولیت پذیری الهی از نشانه های مهم و صحت حرکت دینی و اسلامی در انقلاب اسلامی ایران است.

امامت و رهبری و ولایت الهی :

انسان مؤمن شیعه بر این باور است که حکومت بر زمین و انسان باید در اختیار صالحان و متقین و فقهای عادل باشد. فلسفه امامت و تداوم آن در شکل ولایت فقیه در زمان غیبت امام معصوم علیه السلام متجلی می شود. یعنی در زمان معصوم علیه السلام امامت و رهبری و ولایت بر امت به عهده او می باشد (چه هر یک از انبیاء و چه هر یک از ائمه اطهار علیهم السلام). اما در زمان غیبت کبری بنابر حدیث مشهوری که می فرماید: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواه أحادینا» این امر مهم یعنی رهبری امت به عهده فقیه عادل سیاسی و مدیر و مدبر و شجاع می باشد. آری در حوادث واقعه باید به فقها رجوع کرد. (1)

امام خمینی رحمه الله از قلب فرهنگ و از اعماق تاریخ و از ژرفای روح ملت ایران برخاست. مردمی که در طول چهارده قرن حماسه محمد صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام، زهرا علیها السلام، حسن علیه السلام، حسین علیه السلام، زینب علیها السلام، سلمان، ابوذر و... صدها هزار شخصیت اسلامی دیگر را شنیده بودند، و این حماسه ها با روحشان عجین شده بود، بار دیگر همان ندای آشنا را از حلقوم این مرد بزرگ شنیدند، علی علیه السلام و حسین علیه السلام را

ص: 112

در چهره او مشاهده کردند. او را آینه تمام نمای فرهنگ و هویت اسلامی خود که تحقیر شده بود دیدند. مردم در امام ذوب شدند، و امام در برابر لبیک بزرگ تاریخ چه کرد؟ او به این ملت گمنام شخصیت داد و هویت اسلامی از دست رفته شان را به آنها بازگرداند، و ایران را وارد صحنه سیاست جهان کرد و اسلام را چون صدر اسلام به صورت یک قدرت مستقل در برابر قدرت های جهان خوار تحمیل نمود. (1)

برقراری عدالت :

انقلاب اسلامی بر اساس عدالت خواهی شروع و تکمیل و استمرار یافت و روش ها و معیارهای عدالت را حتی در رابطه با دشمن یک اصل قرار داد. عدالت اسلامی از متن دین و شریعت و فقه و عقاید اسلامی برخاسته است. جامعه اسلامی، جامعه ای است که باید مردم بر اساس تعالیم قرآن، قسط و عدل را در آن برپا کنند. محور جامعه اسلامی عدل است، عدل همه جانبه و در همه زمینه ها. عدل و قسط اسلامی بدون قوانین اسلامی و بدون عمل به کتاب و سنت و بدون رعایت قوانین و احکام فقهی و بدون معنویت قابل اقامه و برپا شدن نیست. حال آنکه قرآن به طور صریح یکی از اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را قیام و برپاداشتن قسط و عدل توسط مردم دانسته است. (2)

معادباوری :

یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی ایران این است که

ص: 113

1- پیرامون انقلاب اسلامی، ص 122.

2- سوره حدید، آیه 2.

مردم انقلابی با ایمان به معاد و روز جزا به قیام و انقلاب پرداختند. با این تفکر که اگر پیروز شدند جامعه ای موحد و معتقد به معاد ایجاد می کنند و در اصل توحید و معاد را پیوسته در همه امور خویش رعایت می کنند، به خصوص مسلمان انقلابی با اعتقاد به معاد هرگز سازش و خیانت و سستی نمی کند، برای او دنیا گذرگاه بوده و آخرت خانه بقا و جاودانگی است.

مسئولیت پذیری :

انسان موحد معاد باور و معتقد به نبوت و امامت و عدالت، پیوسته خود را مسئول می داند. اصولا اسلام با این عقاید و ارزش ها و اخلاقیات، انسان مسئولیت پذیر تربیت می کند. مؤمن در برابر خدا و در برابر خویشتن و در برابر جامعه مسئول و پاسخگو است و لذا از بهانه تراشی و توجیه گری به شدت پرهیز می کند؛ زیرا معتقد است هر کس در گروه اعمال خویش است. بی شک یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی ایران مسئولیت پذیری

فرد فرد جامعه ایران در برابر این تحول عظیم بوده است.

فروع دین :

انقلاب اسلامی در راستای برپایی نماز تحقق یافته است. از بعد فردی، نماز معراج مؤمن است و از بعد اجتماعی، نماز مانع فحشا و منکر است. در راستای انقلاب اسلامی خمس و زکات و سایر مالیات های اسلامی در مجرای صحیح افتاده و به مصرف به جا و حق می رسند. روزه و حج و جهاد نیز همچون امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری، آن چنان که باید اعمال و اجرا می گردد و

اصولاً یکی از نشانه های استقرار انقلاب اسلامی این است که هر یک از فروع دین اسلام به درستی و در کمال صحت و در مسیر صحیح اجرا شوند تا در نتیجه جامعه ای موحد، مؤمن، قوی، عادل و مستقل و آزاد به وجود آید.

قیام یکپارچه مردم:

وحدت و یکپارچگی مردم در روند انقلاب اسلامی ایران به گونه ای بود که باید گفت امت به مفهوم قرآن آن تحقق یافت. وحدت مردمی ایران در جریان انقلاب اسلامی، وحدتی بود که در فریاد «الله اکبر» متجلی می شد. وحدتی بود که با انگیزه های عمیق دینی در روز عید فطر و تاسوعا و عاشورای سال 57 در سراسر کشور تحقق یافت. اسلام تنها چیزی بود که این وحدت را به وجود آورد. این انقلاب به سبب برخورداری از باور مردم به یک مکتب و یک رهبر و شعار واحد و اهداف و انگیزه های واحد بود که توانست همچون رعد و برق و طوفان، کاخ ستم و حامیان آن را به خاک ذلت بکشد.

نقش مراکز آگاهی بخش:

سه مرکز عمده در روند انقلاب اسلامی ایران در آگاهی دادن به مردم نقش تعیین کننده داشتند. این سه کانون عبارت بودند از: مسجد، حوزه علمیه و دانشگاه. نقش این مراکز که پایگاه ها و کانون های اصلی مبارزه و انقلاب بودند در تعمیق و گسترش آرمان ها و شعارهای انقلاب اسلامی در میان اقشار مختلف مردم آن چنان بود که پیروزی انقلاب را سال ها به جلو

انداخت و قدرت دستگاه حاکم و توطئه های عوامل آن را خنثی نمود و به مردم وحدت و یکپارچگی بخشید.

وحدت پیام انقلاب :

وحدت پیام انقلاب همچون وحدت مردم و وحدت رهبری از ابتدا هرگونه توطئه ای را خنثی کرد. هماهنگی مراکز آگاهی بخش در این زمینه بسیار مؤثر بود به طوری که همه مردم از پایگاه های مختلف مبارزه و کانون های متعدد انقلاب اسلامی فقط یک پیام و یک رسالت را شنیدند و تکالیف اسلامی و انقلابی خود را بر اساس یک پیام دریافت کردند. وحدت پیام در حفظ اسلامی بودن انقلاب ایران، نقشی بسیار اساسی داشت، به طوری که دیگر گروه ها و احزاب غیر اسلامی مانند کمونیسم ها و ملی گراها نمی توانستند این انقلاب را در جهت اهداف خود تغییر و تحریف نمایند. این است که اسلامی بودن انقلاب ایران هرگز مورد خدشه و شک و تردید واقع نشد.

انقلاب اسلامی ایران ویژگی های بسیار دیگری هم دارد که به خاطر جلوگیری از تطویل مطلب به طور فهرست گونه بعضی از مهم ترین آنها را بیان می کنیم:

الف - مشخص بودن راه آینده انقلاب از همان آغاز حرکت.

ب - عنصر ایثار و شهادت و روحیه جهادگری و شهادت طلبی در مردم.

ج - پیشتاز بودن روحانیت مبارز و پیرو امام خمینی رحمه الله از نخستین

ص: 116

روزهای نهضت و انقلاب اسلامی ایران که خود یکی از عوامل تحریک و تهییج و دلگرمی و کشاندن مردم به صحنه های انقلاب بود.

د- هماهنگی خشم انقلابی و مهر و عطوفت ایمانی و وحدت و یکپارچگی اسلامی برای استمرار حکومت عدل اسلامی که مهم ترین شاخصه آن بر اساس اسلام، عدالت اجتماعی است. (1)

ابعاد و جنبه های انقلاب اسلامی

بنابراین طبق آنچه گفته شد می توان مهم ترین ابعاد و جنبه های انقلاب اسلامی را چنین برشمرد:

انقلاب اعتقادی: یعنی ایجاد تغییر و تحول در جهان بینی ها و ویش ها و اندیشه ها و افکار مردم در جهت الهی شدن.

انقلاب اخلاقی: یعنی ایجاد تغییر و تحول در خلق و خوی، عادات، رفتار و کردار افراد در جهت الهی شدن.

انقلاب سیاسی: یعنی ایجاد تغییر و تحول و دگرگونی در روش حکومت و روابط مردم با مسئولین و مسئولین با مردم بر اساس آرمان مکتب اسلام.

انقلاب اقتصادی: یعنی ایجاد تغییر و تحول و دگرگونی در روابط اقتصادی، شیوه مالکیت، کسب و کار، تجارت، تولید و توزیع و مبادله

ص: 117

1- شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، درس های 14 و 15 و انقلاب اسلامی و ریشه های آن، ص 23 - 56.

و مصرف در جهتی که مطلوب دین مقدس اسلام باشد.

انقلاب فرهنگی: یعنی ایجاد تغییر و تحول و دگرگونی در محتوا، شیوه‌ها، اهداف و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی مملکت.

انقلاب نظامی: یعنی ایجاد تغییر و تحول در برنامه‌ها و شیوه‌ها و اهداف دفاع و تشکیلات دفاعی مملکت.

خلاصه اینکه ابعاد و جنبه‌های انقلاب اسلامی، همان ابعاد و جنبه‌های وجودی انسان می‌باشد.

بررسی شعارهای مردم در انقلاب اسلامی ایران

یکی از راه‌های شناخت هر انقلابی، توجه و دقت و بررسی در مورد شعارهایی است که مردم انقلابی، آن شعارها را مطرح ساخته‌اند. در انقلاب اسلامی ایران، شعارهای مردم شعارهایی خودجوش بود که از ذهن و فکر خود مردم تراوش می‌شد و به هیچ وجه ارگانی و دستگاه یا گروهی خاص شعارها را به مردم دیکته نمی‌کردند. بنابراین، همه شعارها بیان آرمان‌ها و مطلوب‌های مردم بوده است. لذا با نگاهی به آنها می‌توانیم انگیزه مردم را دریابیم و درک کنیم. شکی نیست که شعارهای مطرح شده مردم در طی مراحل مختلف انقلاب اسلامی، همه شعارهای قرآنی و اسلامی بوده‌اند، و مهم‌ترین آرمان مردم در این شعارها برقراری حکومت اسلامی بوده است. البته هدف در اینجا تحلیل شعارهای مردم در دوران انقلاب

اسلامی نیست و فقط به بیان آنها اکتفا می کنیم. به عنوان نمونه برخی از همگانی ترین شعارها عبارت اند از :

«استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی»، «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی»، «برابری، برادری، حکومت عدل علی»، «ما حامی قرآنیم، ما شاه نمی خواهیم»، «اسلام پیروز است، چپ و راست نابود است»، «الله اکبر، خمینی رهبری»، «لا اله الا الله»، «مرگ بر شاه»، «ما همه سرباز توایم خمینی، گوش به فرمان توایم خمینی»، «برادر ارتشی، چرا برادر کشی»، «مرگ بر این سلطنت پهلوی...».

لازم به ذکر است که اساسی ترین شعار مردم شعار مقدس الله اکبر بود. با نگاهی به این شعارها به این نتیجه می رسیم که هدف ملت مسلمان ایران از انقلاب، حاکمیت بخشیدن به قوانین و ارزش های الهی بوده است و از سوی دیگر این مردم خواهان ایجاد روابط عادلانه و نفی ظلم و ستم و محرومیت بوده اند. همچنان که خواهان نفی حکومت های شاهنشاهی و خواهان نفی فساد و فحشا از جامعه و تحقق بخشیدن به ارزش های اخلاقی و معنوی بوده اند.

در بعد خارجی نیز آرمان ملت ایران از انقلاب، نفی استعمار و سلطه بیگانه از این مرز و بوم است و به عبارت دیگر خواهان استقلال همه جانبه مملکت خویش در دنیا بوده اند.

به هر حال، این انقلاب، توبه های عمومی و اجتماعی از پذیرش ظلم و ستم و استکبار و فحشا می باشد، به طوری که این ملت متحد و

یکپارچه علیه اقلیت ظالم قیام کردند و آنان را به مجازات رساندند و انتقام مظلومیت‌ها و محرومیت‌های خویش را از ظالمین و مستکبرین گرفتند. بنابراین انقلاب اسلامی ایران عملی بوده است انسانی، ارادی، آگاهانه، مقدس و متعالی در جهت تحقق فرامین و احکام قرآن و اجرای توحید در جامعه و الهی شدن نظام و حکومت این مملکت.

بعثت انبیاء و انقلاب

هر پیامبری که مبعوث شده است، بدون استثنا در هر برهه از زمان و در هر مکان، مبشر شعار مبارک و مقدس توحید بوده است. انبیا که آمدند با شمشیر «لا» به مبارزه با بت پرستی و نظام‌های مبتنی بر شرک او بت پرداختند و بر این اساس خدا را بر انسان حاکم فرمودند و انسان را از قید اسارت غیر خدا رها کردند.

خدا به انسان عزت و آزادی می‌دهد و این است که انبیا، اولین هدفشان آزادی بشر بود. توحید حقیقی، یعنی انسان تسلیم یک قطب یعنی «الله» شود و انسان تا وقتی که از اسارت آزاد نشود مورد ولایت خدا قرار نمی‌گیرد. پس گام اول مبارزه است علیه خود و آزادی از هر گونه اسارت.

در سوره قصص در یک آیه، خداوند کیفیت سقوط فرعون را مطرح نموده است؛ اگر با تأمل در این آیه نگاه کنیم می‌توانیم عوامل سقوط حکومت‌ها را ببینیم. در این سوره خداوند می‌فرماید: فرعون

کسی بود که خود را از همه مردم برتر می دانست و این ادعای علق، حتی به جایی رسید که ادعای ربوبیت کرد، به این معنا که همه چیز را از آن خود می دانست. در مرحله دوم، فرعون به خاطر اینکه در مقابل او قدرتی و مخالفتی پیدا نشود در بین مردم تفرقه انداخت و وحدت جامعه را بر هم زد. چون وقتی که وحدت یک جامعه از بین رفت دیگر نمی تواند از خود دفاع کند. هر حاکم جابری برای اعمال سلطه خود، اتحاد بین مردم را نابود می کند، چون اگر در یک حکومت کلیه مردم متحد باشند، حاکم نمی تواند استبداد کند. پس تفرقه در بین مردم، یک خصیصه حکومت جابران است. در مرحله و گام بعد، فرعون مردم را به استضعاف کشانید، یعنی آنها را ضعیف نگه داشت و نگذاشت که رشد کنند و به قدرت برسند. فرعون سد راه رشد و تعالی و قدرت مردم بود.

در هر جامعه حکومت اگر جابرانه باشد، نیروهای مخالف آن جوانان هستند؛ پس فرعون در مرحله بعد، یعنی مرحله چهارم، جوانان را از بین برد و نیروهای جوان و بالنده جامعه را یک به یک نابود کرد. (استعمار در هر جامعه ای بخواهد نفوذ کند، اول از جوانان آغاز می کند یا از طریق فکر و معنویات آنها را پوچ می کند و یا آنها را به طرف فحشا و... سوق می دهد یعنی آن ها را به بعد منفی و بی خیالی گرایش می دهد).

فرعون، در مرحله بعد زنان را زنده نگه می داشت به سبب اینکه به

وسیله عنصر زن می توانست جامعه را به انحراف و فساد اخلاقی بکشاند و برای خدمت از زن استفاده کند و آن را به بیگاری بگیرد. سپس قرآن می فرماید: فرعون از تبهکاران است، پس هر حکومتی مبتنی بر این مراحل باشد آن حاکم فاسد است.

یک حاکم الهی، حاکمی است متواضع، هدف حاکم الهی ایجاد وحدت بین مردم است. حاکمیت الهی با هر استضعافی مبارزه می کند. از کارهای حاکم الهی این است که تربیت نیروهای جوان را در دست بگیرد و آنها را باور کرده و به حیات معنوی، اخلاقی و الهی احیا کند.

یکی از اهداف اسلام، احیای شخصیت زن است. یعنی اسلام احیاگر یک نیروی سازنده، هدایت کننده و تربیت کننده می باشد.

یک حاکمیت الهی حاکمیت صالح است؛ یعنی حاکم باید از صالحین باشد نه از مفسدین تا بتواند جامعه را اصلاح کند. در هر حکومتی ویژگی های حکومت فرعون باشد نهایتش سقوط است.

مخالفین نهضتها و انقلاب های انبیا

مخالفین انبیا گروه های مختلفی هستند از جمله :

مترفین : مترف یعنی خوش گذران، عیاش، کسی که به فکر تجملات و شکم خود است و در هر عصری که انبیا حضور داشتند، آنها مخالف انبیا بوده اند؛ مثل اصحاب قریش، بعضی هایشان که موقعیت دارند عملاً اقدام می کنند و بعضی ها کارشکنی می کنند.

متکبرین : کسانی که هم از نظر روحی و هم از نظر شخصیتی و اقتصادی، خود را از دیگران برتر می دانند. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هیچ کجا ثروتی جمع نمی شود مگر اینکه در کنارش حقی ضایع شده باشد».

ملاً : یعنی درباریان رژیم طاغوتی - رژیم های ضد پیامبر و ضد دین. ملا به آن دسته از افراد بله قربان گو گفته می شود.

مصرفین و مبدزین : یک فرد مسرف روحش ضد اسلام است. پس به همین خاطر یک دسته از مخالفین پیامبر، مصرفین می باشند، تجملات نیز نوعی اسراف است.

به طور کلی در یک کلام مخالفین انبیا مخالفین عدالت هستند چون منفعت طلب ها نمی توانند این کارها را ترک و عادلانه زندگی کنند مگر اینکه توبه نمایند.

گروههای موافق انبیا در طول تاریخ

مستضعفین و محرومین : کسانی که داغ ظلم جابران بر پشت آنها بوده است. اکثر یاران پیامبر ع از محرومین بودند. محرومینی که حتی کفش نداشتند، برهنگانی که هیچ نداشتند جز الله.

بردگان : آنها از یاران پیامبر یه بودند. آنها نیز از نظر وضعی مالی در مضیغه بوده اند.

فقرا : کسانی که ثروتمندان و اشراف به آنها طعنه می زدند چون از

نظر اقتصادی فقیر بودند و به پیامبر می گفتند این ها را از خود برانید تا ما به طرف شما بیاییم.

کسبه جزء : هرگز تجار به پیامبر یا ایمان نیاوردند، بلکه کسبه جزء به پیامبر گرویدند.

یاران پیامبران کسانی هستند که هیچ وابستگی مادی و دنیوی نداشته اند و فطرت آنها پاک بوده چون چیزهایی از قبیل ثروت و مادیات فطرت را آلوده می کنند. مخاطبین پیامبران فطرت انسان بوده است و نه گوش آنها چون گوش را حیوانات نیز دارند و این فطرت پاک است که به سوی حق و حقیقت جذب می شود.

ابزار و شرایط انقلاب انبیا

با توجه به آیه 25 سوره حدید، ابزار انقلاب پیامبران عبارت اند از :

1- بینات، 2- کتاب، 3- میزان، 4- قسط، 5- حدید.

انبیا که آمدند، گام اول آن ها بینات (روشنگری) و آوردن برهان بود؛ پیامبران با مهر و محبت و به هدایت مردم می پرداختند. انبیا آمدند تا شعور و آگاهی به انسان ها دهند و افکارشان را از تاریکی خارج و به سوی نور هدایت نمایند. برای اینکه پیامبران روشنگری کنند و بینه شان محکم باشد کتاب نیز آوردند که این کتاب مشتمل است بر برنامه های عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی. پس با این ابزار، پیامبران روشنگری می کردند. هر انقلابی نیاز به معیار و میزانی دارد. انبیا پس از روشن کردن مردم و ارائه دادن کتاب به آنها معیار و میزان نیز

می دهند که این میزان نشانه تعادل اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی و آرم انقلاب انبیا است.

انبیا میزان دادند تا خود مردم بر اساس قسط زندگی کنند. تربیت باید طوری باشد که خود مردم عامل و قوام بخش به قسط باشند. اما از آنجایی که همگان قسط را انجام نمی دهند و قائم به قسط نیستند، پس حاکم باید از قدرت قهریه استفاده کند که این قدرت قهریه هم برای نابودی نظام کهنه است و هم برای حفظ و پاسداری از انقلاب نوین و هم برای خنثی کردن فتنه مخالفین پس از انقلاب.

کار حاکم (پیامبر) این است که شرایط را فراهم کند یعنی (بینه و کتاب و میزان آورد) ولی خود مردم هستند که باید عمل کنند.

در آستانه پیروزی هر انقلابی، بنابر نظر قرآن، یکی از شرایطی که به وقوع می پیوندد «استیناس» نامیده می شود. استیناس یعنی به قدری فشارها و سختی ها فراوان است و برای نیروهای انقلابی و رهبران مشکل می شود که گاهی از پیروزی مأیوس می شوند؛ زیرا تمام نیروهای حکومت جبار با شدید ترین صورت با نیروهای انقلابی مبارزه می کنند و مسلماً آن ها از همه قوا استفاده می کنند تا نگذارند انقلاب پیروز شود. در اینجا است که اگر توسل و توکل به خداوند نباشد حقیقتاً ممکن است نهضتی که در آستانه پیروزی باشد به شکست برسد. (1)

ص: 125

1- سوره انعام، آیات 40، 41 و 63 و 64 - سوره اعراف، آیه 95.

یکی دیگر از موارد، عدم امکانات لازم و کافی در دست نیروهای انقلابی است. یعنی همیشه امکانات یک مملکت در دست هیئت حاکمه است؛ مثلاً امکانات تبلیغاتی که خیلی مؤثر است و همچنین امکانات اقتصادی، درمانی، بهداشتی و ... به خصوص امکاناتی که در کوران مبارزه نیاز است، مانند امکانات مالی، غذایی و دارویی. و هیئت حاکمه برای اینکه شکست نخورد اینها را به شدت تحت کنترل قرار می دهد که به دست انقلابیون نیفتد.

نکته سوم این است که از آنجایی که معمولاً توده ها و طبقات محروم هستند که با انقلابات همکاری می کنند، فاقد امکانات مبارزاتی (اسلحه) برای دفاع از خود هستند. بنابراین، در سخت ترین شرایط می باشند ولی آنها با توکل به خدا سعی کردند به اهداف خود برسند. با توجه به اینکه اکثر در آستانه انقلاب نیروهای مبارزاتی اندک اند و اکثریت مردم تماشاگرند و می خواهند ببینند چه می شود تا بعد انتخاب کنند. کم بودن نیروهای انقلاب خود عامل دیگری است برای افزایش سختی هایی که باید تحمل شود. و از سوی دیگر کمی افراد از نظر روحیه، ضعف به وجود می آورد. پس تضعیف روحیه، نشانه قلت افراد انقلابی است. با توجه به اینکه انواع بلاها برای این افراد محدود و کم به وجود می آید، مثل زندان، شکنجه، تبعید و ... کسی که وارد مبارزه می شود از همه آسایش ها و نعمت ها چشم پوشی می کند و به آغوش سختی و بلا می رود تا بتواند به اهداف خود برسد. (1)

ص: 126

1- سوره مائده، آیه 27 - سوره شعراء، آیات 52 تا 60- سوره یوسف، آیات 109 و 110.

قطع روابط سیاسی با هیئت حاکمه : (در زمان پیامبران قطع رابطه با کفار و مشرکین): انبیا و پیروان آنها سعی می کردند که وابستگی های خودشان را از نظر سیاسی به تدریج به طوری که ضربه نخورند و نابود نشود با کفار و مشرکین قطع کنند تا از این نظر از وابستگی به آنها آزاد شوند. مثل نپذیرفتن شرکت در گروه های هیئت حاکمه و یا تحریم جشن های 2500 ساله توسط امام خمینی رحمه الله.

قطع رابطه نظامی با هیئت حاکمه : مثلا تحریم سربازی رفتن، تحریم عملیات نظامی هیئت حاکمه و عدم شرکت نیروهای مؤمن در امور نظامی هیئت حاکمه.

قطع روابط اقتصادی با هیئت حاکمه : در اینجا است که کمر رژیم می شکند مثل رواج اعتصابات در کارخانجات و در کارهای اقتصادی و عدم پرداخت مالیات و یا عدم شرکت در خرید و فروش بعضی از کالاهایی که منافعش صرفا برای هیئت حاکمه بوده است مانند اعتصابات شرکت نفت در دوران انقلاب اسلامی ایران.

قطع رابطه عادی با هیئت حاکمه : در زندگی عادی و معمولی یک تاکتیک این بود که با کفار و مشرکین (یا همان هیئت حاکمه) سلام علیک، رفت و آمد و نشست و برخاست نداشته باشند.

هجرت : این مهم ترین تاکتیکی است که در شرایط ضروری صورت می گیرد، یعنی هرگاه قطع روابط نظامی، سیاسی و عادی در به

ثمر رساندن مبارزه مؤثر نباشد، چاره ای جز هجرت نیست. هجرت پیامدهای بسیار عالی و ارزنده ای دارد که عبارت اند از :

الف - وقتی که هجرت پیش می آید خود به خود آزادی به همراه دارد، که گروه مبارز از اختناق و دیکتاتوری گروه مخالف خود را آزاد می کند.

ب - قشر عظیمی که از یک کشور هجرت می کنند خود به خود کار تبلیغاتی انجام می دهند و افکار و عقاید خود را به سایر ملل منتقل می کنند و به همین وسیله مردم عقاید خود را مطرح می کنند و ایده های خود را به دیگران می رسانند.

ج - به وسیله هجرت، گروه مخالف می تواند علیه هیئت حاکمه افشاگری کند و چهره کریه آن را برملا سازد تا استبدادهای آن مشخص شود.

د- وقتی یک گروه زیادی از یک مملکت خارج می شوند بسیاری از کارها و امور مملکت مختل می شود و در آن مملکت هرج و مرج به وجود می آید. در بازار، تجارت و کشاورزی اختلال پیش می آید.

در قرآن در سوره هود، آیات 80 و 81 و سوره دخان، آیات 17 تا 23 در مورد هجرت سخن گفته شده است. از دیدگاه قرآن، هجرت بر دو نوع است:

1- هجرت درونی و باطنی و معنوی و به قول قرآن «انفسی».

2- هجرت برونی و آفاقی.

ص: 128

آنچه در مورد هجرت بیان شد هجرت برونی و آفاقی و عینی است. همان طوری که در اجتماعات، استبداد، ظلم و خفقان و دیکتاتوری است و برای گریز از این مسائل چاره ای جز هجرت نیست. درون انسان هم همین طور است؛ در درون انسان کبر، حسد، جهل، غرض، هوا، شهوت و... وجود دارد. در درون انسان ظلم و استبدادی است بسیار ظالمانه تر از هر استبدادی در خارج، این عوامل منفی به قول قرآن فجور، عقل انسان را به اسارت می کشند و عقل انسان را در زندان شهوت، غرض، هوا و هوس و... اسیر می کنند. این عوامل فطرت انسان را خنثی و تخدیر کرده و به عبارت دیگر انسان را زایل می کند و ایمان و تقوا و عفت او را از بین می برند.

اینجاست که انسان باید هجرت کند؛ هجرتی از پلیدی هوا و هوس به سوی عقل و دیانت، فطرت و انسانیت و خلاصه هجرت به سوی خدا (معنویت) و این سخت ترین هجرت هاست. این هجرت ارزش آفرین است، چون هجرت بیرونی، تنها حکومت و ظاهر را عوض می کند ولی هجرت درونی، انسان و حقیقت وجودی او را عوض و متحول می کند. خلاصه همان چیزی است که به آن توبه می گویند و توبه یعنی هجرت درونی.

لذا انقلاب هم دو نوع است؛ درونی و بیرونی. پس انبیا در دو جهت انسان ها را راهنمایی می کردند. اگر انقلاب شود ولی درون افراد فرعون گونه و متکبرانه باشد، این انقلاب خود به خود در عرض

چند سال از بین می رود. بنابراین انسان باید در افکار و اندیشه و باطنش هم انقلاب ایجاد شود.

تفاق یعنی این که جامعه الهی است و افراد شیطانی. و این است که شهید مطهری رحمه الله می گوید: تا زمانی که انقلاب در درون افراد رسوخ نکرده، هر آن احتمال سقوط (انقلاب) است. مولوی هم در رابطه با فقدان هجرت درونی می گویند:

ای شهان کشتیم ما خصم برون

زان بتر مانده است ما را در درون

نفست اژدرهاست او کی خفته است

از غم بی آلتی افسرده است

پس باید نگرش ها متحول شوند تا انقلاب هیچ آسیبی نبیند، اگر درون انسان ها ساخته شده باشد، انقلاب هم استوار می ماند.

عوامل ایجاد سلطه

هرگاه در محیطی، خانواده ای یا جامعه ای سلطه ای ایجاد شود، راه های اعمال سلطه از سه ناحیه است:

زور یا استبداد و استعمار: استبداد تهدید داخلی و اعمال زور در داخل یک مرز است ولی استعمار تهدید خارجی و اعمال زور از خارج یک مرز است. استبداد و استعمار به وسیله قوه غضبیه یا قوه نظامیه و قهریه که یک خوی حیوانی است بر مردم مسلط می شوند.

ص: 130

زر (رشوه): به قول امروزی ها تطمیع و به عبارت دیگر از طرق استثمار، بعضی ها را می شود از طریق پول به خفقان کشید که به این عامل قوه شهویه نیز گفته می شود و این هم یک صفت حیوانی است. این سلطه از طریق نیروی اقتصادی است.

تزویر: به وسیله قوه تحمیق، دیگران را به حماقت کشیدن و به عبارت دیگر اختناق. یک جامعه احمق خود به خود زیر سلطه می رود و متأسفانه این بعد انسانیت بشر است و از آن دو سلطه بدتر می باشد؛ چون بر اساس عقل است. بنابراین عوامل سلطه را می توان به صورت زیر بیان کرد:

زور - تهدید - استثمار - قوه غضبیه : قوه نظامی.

زر - تطمیع - استثمار - قوه شهویه : قوه اقتصادی.

تزویر - تحمیق - اختناق - قوه عقل : قوه فرهنگی.

سیره سیاسی پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام

سیره سیاسی پیامبر اسلامی صلی الله علیه و آله مطابق با هدف واقعی اسلام که همان استفاده از جنبش، تلاش، جهاد و ایثار برای تحقق بخشیدن به حاکمیت قوانین الهی است می باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با وجود فشار و شکنجه و اختناق حرکت سیاسی خود را در مکه آغاز نمود، بعدها با تشکیل حکومت در مدینه این جنبش های سیاسی پیچیده تر شد و در اوج خود به مرحله نظامی نیز

رسید. فعالیت های سیاسی و نظامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت ریشه کن کردن عوامل عمده سد راه خدا و ایجاد زمینه مساعد برای استقلال حاکمیت قوانین الهی تا آخرین سال رسالتش ادامه پیدا کرد. به این ترتیب پیامبر اسلام در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان علاوه بر ابلاغ وحی به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشت تا دولت اسلامی را به وجود آورد.

موضع گیری های سیاسی ائمه علیهم السلام در برابر قدرت های حاکمه

رهبری سیاسی جامعه اسلام که از بارزترین ابعاد امامت می باشد، در مدت کوتاه خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه اسلام تحقق و عینیت یافت ولی سایر ائمه معصومین علیهم السلام هم با وجود دور بودن از مرکز خلافت و رهبری، نقش سیاسی خود را ایفا کرده و به عنوان قطب سیاسی در برابر سیاست های حاکمان زور محسوب می شدند.

حضرت علی علیه السلام در دوران خلافتش تصویر کلی مقاومت و نحوه موضع گیری در برابر عناصر نفاق و عوامل فشار سیاسی و قدرت های نامشروع را ترسیم کرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام در دوران کوتاه زمامداری، شیوه افشاگری چهره دشمن فریبکار و مقاومت توأم با انعطاف و همراه آن حفظ ارزش ها را عملاً روشن نمود.

امام حسین علیه السلام استراتژی یک قیام و انقلاب سرنوشت ساز را طی خروج شکوهمندش از مدینه تا کربلا ارائه نمود.

امام سجاد علیه السلام مقاومت امام حسین علیه السلام و یارانش و چگونگی به ثمر رساندن قیامی که همه شخصیت های آن برای پیشبرد اهداف و اصولش به شهادت رسیده اند در برابر پیروزی ظاهری قدرت حاکمه به تصویر کشید و در این تصویر دردهای اجتماعی را در غالب دعا و مناجات بازگو کرد و مردم را از عمق سیاسی این قیام آگاه نمود.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام این دو امام بزرگوار در جامعه ای که قدرت های حاکم، اختناق کامل به وجود آورده بودند، در سنگر علم و دانش به طور غیر مستقیم در غالب اشاعه علم، رشد سیاسی جامعه را بالا بردند و توجه مردم را نسبت به موضع حق خود افزایش دادند.

امام کاظم علیه السلام در جامعه ای که قدرت حاکمه علاوه بر ایجاد فشار و اختناق سعی در منزوی نمودن امام که قطب مخالف حکومت است زندگی می کردند. حضرت با وجود زندان های طویل المدت، موضع گیری سیاسی خود را عملی ساختند.

امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام، در زمان این دو امام بزرگوار، خلفای عباسی به ظاهر می خواستند با نرمش و سازشی که نسبت به آنها داشتند، با جذب امامان معصوم، پایگاه مردمی برای خود درست کنند و این پایگاه مردمی را حفظ نمایند، یعنی خلفای عباسی موضع انفعالی داشتند و می خواستند ائمه را جذب خود کنند. اما این دو امام،

در این شرایط سعی کردند که به مردم آگاهی دهند تا اسیر این سیاست انفعالی نشوند. هارون و مأمون خود را جای ائمه نشان می دادند تا حکومت خود را تثبیت کنند، ولی امام رضا علیه السلام به مردم آگاهی می داد و با سیاست فرهنگی که در پیش گرفته بود سعی می کرد تا رسالت امامت را در جامعه و بین شیعیان ترویج دهد.

امام هادی علیه السلام در دوران زندگانی ایشان، در حالی که طاغوت در سیاست اغفال مردم و منزوی کردن امام توفیق کامل داشت، اما موضع گیری امام علیه السلام در غالب تقیه و با پوشش های مختلف در کمال استتار انجام می شد.

امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت در دشوارترین شرایط و پیچیده ترین وضعیت سیاسی قرار داشت که می فرمود: هیچ کدام از پدران من گرفتاری من را نداشتند. ولی با این حال، ایشان رسالت امامت خود را انجام دادند.

تفاوت ظاهری در سیره ائمه علیهم السلام

با مطالعه سیره ائمه و علیهم السلام این نکته به ذهن می رسد که هر کدام از ایشان در برخورد با شرایط زمان موضع گیری های متفاوتی داشتند و فلسفه این اختلافات را باید در نکات زیر جستجو کرد:

هر کدام از قدرت هایی که در زمان ائمه علیهم السلام حکومت را در دست داشتند در تحکیم سلطه جابرانه، شیوه خاصی داشتند.

شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در اتخاذ موضع گیری صحیح و منطقی نقش تعیین کننده دارد و واقع بینی ایجاب می کند که هر نوع موضع گیری متناسب با شرایط موجود در جامعه باشد.

موضع گیری سیاسی امام علیه السلام مانند هر نوع رفتار و عملکرد معصومین علیهم السلام دارای دو بعد مشخص است:

الف - بعد مسئولیت شخصی امام علیه السلام در موضع انجام وظایف خویش در برابر خدا و شرع است که در این موضع مانند هر فرد مسئول، مسئولیت هایی به عهده دارد.

ب - بعد تعلیمی و ارشادی عمل امام علیه السلام است که در این موضع، امام برای امت یک اسوه است و عمل او در هر مورد بیانگر قانون و روشنگر شرع می باشد.

هر یک از امامان علیهم السلام نقش و ابتلا و سرنوشت از پیش تعیین شده ای دارند که در علم مکنون الهی و مشیت خداوند محفوظ بوده و از طریق وحی به پیامبر صلی الله علیه و آله ابلاغ و توسط آن حضرت به امیرالمؤمنین علیه السلام انتقال یافته و به این ترتیب از هر امامی به امام دیگر رسیده است.

خطوط کلی موضع گیری های سیاسی ائمه علیهم السلام

هر چند تفاوت هایی در ظاهر سیره ائمه علیهم السلام دیده می شود، ولی همه آنها در خطوط کلی مشترک هستند و یک موضع گیری دارند.

از جمله مهمترین خطوط و روش های کلی در مواضع سیاسی ائمه علیه السلام موارد زیر را می توان بیان کرد:

برخورد و درگیری با طاغوت.

تقیه و پوشش دادن به شکل مبارزه و کتمان اسرار نهضت.

استقامت و صلابت در برابر اعمال فشار و تحمل شیوه های سرکوبگرانه طاغوت.

واقع بینی و انعطاف پذیری در برابر موانع غیر قابل رفع، بدون سازش و سستی در مبارزه که موجب قاطعیت در موضع گیری است.

بهره گیری از همه امکانات موجود و همه جانبه کردن مبارزه و برتر دانستن مبارزه از زندگی و ایثار به معنی کامل آن.

اصالت و حاکمیت داشتن اهداف و اصول و ارزش های مکتب در پیشبرد مبارزه.

حفظ اولویت ها و مراعات (الأهم فالأهم).

مقدم شمردن رهبری و ولایت امام که در همه اختیارات فردی و حقوقی و اجتماعی و حتی احکام و مسئولیت های شرعی باید این نظام رعایت شود.

شور و مشورت و احترام گذاشتن به افکار کسانی که در مبارزه نقش دارند.

حفظ پیوند مردمی و توسعه و تعمیق پایگاه های مبارزه در میان مردم.

ص: 136

شیعه به پیروی از سیره سیاسی ائمه اهل بیت علیهم السلام در طول تاریخ خونبار خود، تنها به موضع گیری سیاسی در برابر خلفا و زمامداران جبار زمان اکتفا نکرده بلکه در عمل نیز به قیام و مبارزه علیه باطل پرداخته است. پس از دوران امامت حضرت رضا علیه السلام حاکمیت دشمن ائمه علیهم السلام یعنی خلفای بنی عباس بسیار قوی شد. و به ناچار ائمه پس از این دوران اکثرا خط مشی تقیه و پنهان کاری را در پیش گرفتند اما با این همه در طول دوران امامت، شیعیان حقیقی و مخلص حتی در شرایط بسیار دشوار و اختناق آمیز از حقانیت امامت و ولایت و تشیع دفاع کردند و قیام هایی را در سراسر بلاد اسلامی بر علیه حکومت های طاغوت به وجود آوردند. مهم ترین این قیام ها عبارت اند از:

1- قیام توابین: این قیام پس از نهضت عاشورا به وسیله سران و بزرگان شیعه اهل کوفه و به رهبری سلیمان بن صرد خزاعی به وجود آمد. اینان هر چند امام حسین علیه السلام را در روز عاشورا تنها گذاشتند، اما پس از عاشورا از کار خود پشیمان شده و توبه کردند و قیامی را با اهداف زیر برپا کردند:

الف - انتقام از قاتلین سیدالشهدا و یاران او.

ب - نابودی بنی امیه و حکومت شام.

ج - بازگرداندن حکومت و خلافت به اهل بیت علیهم السلام.

اما این قیام شکست خورد و همه توابین به شهادت رسیدند.

2- قیام مختار ثقفی: مختار نیز به نام انتقام از قاتلین سید الشهداء و تحت حمایت محمد حنفیه قیام کرد و قیام وی موجب شد که فرقه ای به نام کیسانیه به وجود آید. لازم به ذکر است که قیام مختار را امام سجاد علیه السلام تأیید نمود، به همین دلیل، مختار از محمد حنفیه تأیید گرفت. آنچه مسلم است مختار قبل از قیام خود، در ماجرای ترور امام حسن علیه السلام در مدائن دست داشته است و همچنین نسبت به مسلم بن عقیل فرستاده امام حسین علیه السلام در کوفه بی اعتنا بوده ولی بعداً توبه می کند و عملاً قیامی برای انتقام از قاتلین امام حسین علیه السلام راه می اندازد که این قیام به پیروزی منتهی می شود و مختار می تواند از قاتلین امام حسین علیه السلام و اصحابش انتقام بگیرد.

3- قیام زید بن علی: زید پسر امام سجاد علیه السلام است و در تاریخ اسلام از برجسته ترین شهدا بعد از امام حسین علیه السلام به شمار می رود که جسدش، 40 روز بر دار بود و بدن آن بزرگوار را لاشخورها خوردند. زید در زمان امامت حضرت باقر علیه السلام قیام کرد و امام قید زید را تأیید فرمود و حتی ابوحنیفه رهبر حنفیها که فرقه ای از اهل سنت هستند از قیام زید حمایت کردند، چون زید از نظر علمی از بزرگان و علمای اهل بیت علیهم السلام محسوب می شد و پس از شهادتش، امام صادق علیه السلام مستقیماً خانواده او را سرپرستی کرد و پیوسته قیام او را به شیعیان گوشزد می فرمود.

4- قیام محمد بن عبدالله بن حسن، معروف به «نفس زکیه»: وی از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام می باشد و چون از جهت جسمی و

اخلاقی یادآور حضرت امام حسن علیه السلام است به او حسن مثنیٰ نیز می‌گویند. و از جهت زهد و تقوا و علم برجسته ای که داشت به او نفس زکیه می‌گویند. وی در دوران عباسیان در حجاز قیام کرد اما عملاً از حمایت مردم بهره‌مند نشد، به همین دلیل خود و یارانش پس از دستگیری و شکنجه شدید به شهادت رسیدند.

5- قیام ابراهیم بن عبدالله: وی نیز در عراق قیام کرد و ابوحنفیه معروف از قیام او حمایت کرد.

6- به طور کلی فرزندان زید بن علی همه بدون استثنا بنابر وصیت نفس زکیه هر یک پس از دیگری علیه عباسیان قیام کردند که از جمله آنها می‌توان از عیسی بن زید و یحیی بن زید نام برد.

7- قیام صاحب فح: در زمان عباسیان به موازات خفقان و دیکتاتوری فراوان خلفا قیام‌های متعددی از سوی شیعه برپا شد که معمولاً این قیام‌ها به وسیله سادات حسنی انجام گرفت از جمله قیام‌هایی که تا حدودی در آن عصر به پیروزی رسید، قیام حسین بن علی از نوادگان امام حسن مجتبیٰ علیه السلام می‌باشد که به صاحب فح معروف است. «فح» نام محلی است که ایشان را قربانی نمودند و سر او را بردند به همین دلیل او را صاحب فح گفتند. در قیام ایشان فقط سادات شرکت داشتند و توانستند مدینه را تصرف کنند و یک حکومت موقت تشکیل دهند، آنان هر چند در نهایت شکست خوردند، اما عملاً ثابت کردند که برپایی سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله از خلفای غاصب عباسی ساخته نیست.

8- قیام محمد بن ابراهیم حسنی : ایشان در دوران خلافت مأمون قیام کرد و خود و یارانش علیه ظلم و تعدی و حق کشی ها و به خصوص علیه فشار حکومت مأمون بر محرومین به افشاگری پرداختند و نهایتاً محمد بن ابراهیم توانست محرومین شیعه را در عصر خود در کوفه گردآوری کند و قیامی به وسیله محرومان برپا نماید. از این رو قیام وی به نام قیام محرومان معروف است.

فرزندان حضرت علی علیه السلام پیوسته و در هر فرصتی قیامها و شورش هایی مسلحانه علیه حکومت امویان و عباسیان برپا داشتند و پیوسته با حکام غاصب و ظالم در کمال ایثار و تا حد شهادت مبارزه کردند و همیشه در این مسیر رهبری توده های مسلمان مظلوم و ستمدیده را به عهده داشتند. شیعه در طول حیات مظلومانه و خون بار خود به رهبری فرزندان علی علیه السلام در جهت حاکمیت ائمه علیهم السلام قیامها و شورش های خونباری برپا کردند و نهایتاً در طول چهارده قرن مبارزه برای حاکمیت سیاسی اجتماعی قرآن و عترت در عصر امام خمینی رحمه الله توانستند با عنایت خداوند متعال و توجهات حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادامه همان مبارزات الهی، ریشه دارترین حکومت سلطنتی جهان را با انقلابی الهی و مردمی سرنگون کنند و حکومت الهی و اسلامی را بر پایه احکام قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و اصل امامت و ولایت به وجود آوردند.

ص: 140

1- اصالت داشتن اسلام ناب محمدی و ارزش های متعالی آن و پیروی از منبع انوار الهی و تاسی از خاندان عصمت و طهارت، یعنی اتکای کامل به قرآن و سنت معصومین علیهم السلام و عقل و اندیشه و تفکر و بصیرت و اجتهاد مصطلح و رایج در حوزه های علمیه بر اساس شیوه فقہات و استنباط فقهی موجود در فرهنگ تشیع و نفی هر گونه تحجر و سکولاریسم به هر اسم و عنوانی که باشد.

2- نفی استبداد داخلی و استعمار خارجی و نفی هر گونه استکبار و ظلم و ستم و استثمار و استعمار به هر شکل و به هر عنوانی که باشد. این اصل، مبنای قیام و نهضت امام خمینی رحمه الله و پیروان ایشان بود.

3- مردم سالاری و تکیه بر قدرت و اراده و نیروی مردم و حضور مردم در همه عصرها و صحنه ها و اعتماد کامل به اراده و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای حکومتی و دولتی به این معنی که مردم در همه مسائل اقتصادی، نظامی، سازندگی، تبلیغات و در رأس همه در انتخابات قانونی باید مشارکت کامل و حقیقی و عینی داشته باشند. قرآن کریم، مشاوره با دیگران و استفاده از عقل جمعی را در کارها همیشه مورد تأیید و تأکید و سفارش قرار داده است. (1)

ص: 141

1- سوره آل عمران، آیه 159 - سوره شوری، آیه 38.

از طرف دیگر اسلام بر این باور است که این مردم هستند که باید در امور مربوط به خودشان سهیم و بر همه امور اجتماعی نظارت و کنترل و مراقبت داشته باشند. و به اصطلاح امر به معروف و نهی از منکر را به پا دارند و در اقامه آن کوشا باشند. (1)

4- اعتقاد و ایمان عمیق و اتکال و توکل به ذات مقدس الهی و وعده های خداوند متعال در همه شئون و مراحل و مراتب زندگی و بی اعتمادی کامل به قدرت های متکبر و شیطانی و قلدر و زورگوی جهانی و بین المللی همچون صهیونیست ها و امپریالیست ها و سایر ابرقدرت های جنایتکار. بدون شک اساسی ترین عنصر حاکمیت دینی، باور داشتن به قدرت الهی و نصرت الهی است. اعتماد کامل به خدا و وعده های الهی مبنی بر نصرت اهل ایمان و خذلان و خواری و شکست مستکبران، به پیروزی رسیدن جبهه حق و حق طلبان و ناپایداری جبهه باطل و پیروان خط باطل.

5- حمایت از محرومان و مستضعفان و فقرا و تلاش برای نجات و رهایی آنها از انواع مختلف فقر و محرومیت و استضعاف از جمله فقر فکری، اعتقادی، اقتصادی، سیاسی، تربیتی، فرهنگی و امنیتی. در نظام اسلامی باید همه تلاش کنند که اقشار مختلف محرومان را از محرومیت خارج کنند؛ زیرا که این مهم، از مقدمات بدیهی تحقق عدالت است.

ص: 142

1- سوره آل عمران، آیات 104 و 110 - سوره توبه، آیه 71 - سوره هود، آیه 116 - سوره حج، آیه 41.

6- به رسمیت شناختن همه حقوق شرعی و قانونی تک تک افراد جامعه همچون حق آزادی بیان، حق آموزش و پرورش، حق تعلیم و تربیت، حق آزادی سیاسی، حق آزادی اجتماعی، حق آزادی اقتصادی، حق آزادی دینی و مذهبی و احترام به همه مردم و رعایت کرامت ذاتی انسان ها و رعایت آزادی های مشروع و قانونی و انسانی مردم که البته همه آزادی ها، مسئولانه و متعهدانه است. نه آزادی مطرح در مکتب لیبرالیسم؛ بلکه همه انواع آزادی باید بر اساس مبانی قرآن و سنت و سیره معصومین علیهم السلام و نفی هر گونه لیبرالیسم در همه زمینه های فکری، عقلی، عملی و علمی باشد.

آزادی فکر و اندیشه، کسب و کار، حق حیات و حقوق اولیه زندگی، حق برخورداری از مواهب الهی و طبیعی، صرف نظر از رنگ، دین، نژاد و مذهب. (1)

7- اهتمام ورزیدن به وحدت اسلامی و وحدت ملی، امری بسیار ضروری است زیرا موجب می شود از هرگونه توطئه تفرقه افکنان به هر نامی که باشد جلوگیری شود. از جمله تفرقه مذهبی میان شیعه و سنی و تفرقه قومی میان اقوام مختلف و تفرقه دینی میان ادیان مختلف، پس در یک کلام تأکید بر وحدت ملی و وحدت دینی مهم ترین پیام اسلام است که قرآن آن را به عنوان یک نعمت الهی قلمداد کرده و نسبت به هرگونه اختلاف افکنی و تفرقه هشدار داده است. (2)

ص: 143

1- سوره حجرات، آیه 13.

2- سوره آل عمران، آیه 103- سوره انفال، آیه 46.

به هر صورت انواع تفرقه و نزاع و کشمکش هم قدرت اجتماعی را از بین می برد و هم حیثیت اجتماعی را خدشه دار می کند. بنابراین هیچ نقشه و طرح و برنامه و قانون و سیاستی نباید وحدت و همبستگی ملی و دینی را دچار تزلزل کند.

8- اعتقاد و اعتماد کامل به استقلال ملی و امنیت ملی و تمامیت ارضی، به این معنا که همیشه استقلال و آزادی باید در مقیاس ملی مورد توجه باشد یعنی نباید به نام آزادی های فردی، استقلال و امنیت ملی به خطر بیفتد، بلکه همه باید در گفتار و اعمال و افکار خود به گونه ای سلوک کنند که هرگز استقلال و امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور، کوچکترین آسیبی نبیند و در معرض کمترین تهدیدی واقع نشود. (1)

بدیهی است که اسرار حکومتی و دولتی نیز همانند امنیت ملی و تمامیت ارضی کشور و استقلال و آزادی میهن و ملت به شمار می آید و بلکه بسیار حساس تر و مهم تر است.

انواع اسرار حکومتی و دولتی همچون اسرار نظامی، اسرار اقتصادی، اسرار علمی، فنی و تکنولوژیکی و اسرار سیاسی و اطلاعاتی آن چنان اهمیت دارند که اهل ایمان پیوسته باید مواظب و هوشیار باشند تا مورد انواع نفوذ دشمن واقع نشوند و به بیگانه اعتماد نکنند که در آن صورت مورد سوء استفاده دشمن قرار خواهند

ص: 144

گرفت. بنابراین پایبندی و اعتقاد به ضرورت حفظ اسرار حکومتی و دولتی بسیار مهم است.⁽¹⁾

9- موضع گیری صریح و روشن در مقابل جبهه ظالمان و ستمگران و قلدران و مستکبران و شیاطین جهانی و در رأس آنها، شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار و صهیونیسم بین المللی و طفیلی ها و وابسته های جیره خوارشان، چنان امر مهمی است که قرآن کریم نسبت به آن هشدار داده است و می فرماید: «با ستمگران سازش و همکاری نکنید که آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت».⁽²⁾

10 - پاسخگو بودن حکومت و دولت اسلامی امری است ضروری که نشانه مردمی بودن و برخوردار بودن از پایگاه قوی مردمی است. حکومت و دولت و نهادهای دولتی موظف هستند به درخواست ها و سؤالات برحق و معقول و منطقی و قانونی مردم به طور مستمر پاسخگو باشند، این امر اعتماد مردم را پیوسته نسبت به حکومت و دولت افزایش می دهد، در نتیجه همکاری مردم را با مسئولان عمیق تر خواهد کرد. در حکومت اسلامی پاسخگو بودن یک تکلیف و وظیفه الهی است. خداوند متعال در سوره نحل، آیه 93 تأکید می کند که انسان ها در قبال اعمال خویش متعهد و مسئولند و در این امر هیچ فردی استثنا نیست، یعنی همه انسانها در هر مقام و موقعیت و شغل و منصبی که باشند مسئول هستند و باید مورد سؤال

ص: 145

1- سوره آل عمران، آیه 118.

2- سوره هود، آیه 113.

قرار گیرند و نسبت به درخواست ها و سؤالات مردم پاسخگو باشند، این امر از یک سو از شایعات و دروغ پردازی ها جلوگیری می کند و از سوی دیگر از گمراهی و انحراف جامعه نیز پیشگیری می کند. بنابراین پاسخگویی یکی از مهم ترین وظایف حکومت و دولت است.

11- مبارزه با فساد از لوازم شفافیت و مردمی بودن حکومت است مبارزه مستمر با انواع فساد از جمله فساد اداری و مالی و اقتصادی قرآنکریم در آیات متعددی به اهمیت مبارزه با فساد و ضرورت آن تأکید کرده است. (1)

قرآن کریم فسادگری و نصیحت ناپذیری را از نشانه های نفاق و دورویی می داند. (2) بنابراین حاکمیت و دولت اسلامی باید پیوسته در از میان بردن زمینه ها و ریشه های فساد در جامعه کوشا باشد و در این راستا از هشدار دهندگان و بیدارگران و اصلاحگران حمایت لازم را بنماید، زیرا از نظر قرآن کریم وجود هشدار دهنده، بیدارگر و اصلاح گر در جامعه، ضامن بقای مُلک، ملت و جامعه می باشد. (3) در نتیجه قانون و حاکمیت و دولت اسلامی باید از ناصحان و بیدارگران و هشدار دهندگان با رعایت اصول شرعی و قانونی حمایت لازم را همیشه به عمل آورد.

ص: 146

-
- 1- سوره بقره، آیات 27 و 60 و 250 - سوره هود، آیه 85 - سوره اعراف، آیه 74 - سوره عنکبوت، آیه 6 - سوره شعراء، آیه 183.
 - 2- سوره بقره، آیه 111.
 - 3- سوره هود، آیه 116.

12- توسعه و گسترش عدل و قسط یکی از بنیادی ترین اهداف و وظایف حکومت و دولت اسلامی، اجرای قسط و عدل به طور گسترده و وسیع است. اصولاً امنیت و تربیت و عدالت و آزادی، چهار رکن اصلی و جدایی ناپذیر حاکمیت اسلامی است. در همه سطوح فردی و اجتماعی، همگان محتاج آزادی، امنیت، عدالت و تربیت هستند.

در اسلام، عدل از اصول دین و از اجزاء اصلی ایمان است و بنابراین، مسلمان ها در همه گفتار و کردار و روابط خود باید بر اساس عدالت رفتار کنند. از سوی دیگر اجرای عدالت یکی از اهداف و غایت های بعثت انبیا و حکومت دینی است؛ و این امر آن چنان واضح و بدیهی است که می توان گفت تنها شاخص عینی تحقق حاکمیت و دولت اسلامی، اجرای عدالت است. (1)

13- حق گرایی و حق جوئی و حقیقت طلبی و مبارزه با باطل (باطل گریزی و باطل زدایی) یکی از ارزش های متعالی اسلامی در همه حوزه های فکری و اعتقادی و عملی است. اسلام، خداوند را حق مطلق دانسته و معاد و نبوت و قرآن و آفرینش را نیز حق می نامد. بنابراین، بی شک حکومت اسلامی و دولت قرآنی یکی از مبانی ثابت نظری و عملی خود را حق جوئی و حقیقت طلبی می داند و همگان را

ص: 147

1- سوره حدید، آیه 25 - سوره غافر، آیه 20 - سوره نساء، آیه 58 - سوره نحل، آیه 90 - سوره مائده، آیه 2 - سوره اعراف، آیه 157.

به حق گرایی، هدایت به راه حق و پرهیز و گریز و ستیز با باطل می خوانند. حکومت اسلامی همان گونه که عدالت محور و ظلم ستیز است، همان گونه نیز حقیقت طلب و باطل گریز و باطل ستیز است. تلاش همه مسئولین نظام اسلامی باید بر اساس احقاق حق و ابطال باطل باشد؛ زیرا اگر راهی جز حق پیموده شود قطعاً آن راه، باطل و ضلالت و گمراهی است. خداوند پیروزی حق و محو شدن باطل را سنتی الهی و اراده ربانی حق می داند که باطل به طور کلی نابود می شود و سرانجام نهایی از آن متقین و اهل حق خواهد بود. (1)

14- احترام و رعایت حریم خصوصی انسان ها، بدون شک اسلام دینی است که معتقد به اصل کرامت و رعایت حرمت حریم انسانیت و انسان ها می باشد، همان گونه که با آزادی و حریت و عزت نفس انسان ها کاملاً موافق است به همین سبب حریم خصوصی انسان ها را یکی از حقوق اساسی افراد بشر می داند. شریعت مقدس اسلام برای حریم خصوصی افراد احترام خاصی قائل است و از حاکمان و دولت مردان مؤمن می خواهد که وارد حریم خصوصی افراد نشوند مگر به ندرت و به حکم قانون و در شرایط ویژه که احتمال خیانت به نظام و ملت وجود داشته باشد. بنابراین، اصل اولی این است که ورود به حریم خصوصی افراد ممنوع است. قرآن کریم حریم خصوصی را با

ص: 148

1- سوره عنکبوت، آیه 69 - سوره روم، آیه 8 - سوره انفال، آیه 8 - سوره بقره، آیه 24 - سوره نجم، آیه 28 - سوره انبیاء، آیه 18.

ممنوعیت و حرمت تجسس در احوال و زندگی خصوصی دیگران برجسته کرده است و تجسس و کنجکاوی در عیوب و کاستی های زندگی مؤمنان را هم ردیف گناه کبیره غیبت قرار داده و نشانه بی تقوایی اعلام کرده و نیازمند توبه به درگاه الهی می داند. (1)

15- حاکمیت و حکومت اسلامی باید برخوردار از قوت و قدرت باشد. قوت و قدرتی بر پایه حق و عدل و به دور از هرگونه باطل و ظلم. دولت اسلامی باید از نیروهای نظامی و انتظامی و دفاعی و امنیتی قوی برخوردار باشد تا بتواند مقتدرانه از حریم امت و ملت مسلمان دفاع کند. دولت اسلامی باید نیروهای دفاعی و نظامی و امنیتی را به پیشرفته ترین و مجهزترین و مدرن ترین تجهیزات مجهز کند تا بتواند از آزادی و استقلال و تمامیت ارضی و عزت و کرامت ملت مسلمان و سایر هموطنان بزرگوار به گونه ای که موجب قطع طمع دشمنان خدا و ملت گردد با صلابت دفاع کند. (2)

16- احترام به مالکیت فردی و مادی و معنوی و رعایت آن یکی از ویژگی های برجسته نظام اسلامی است که در مسئله اقتصاد و مالکیت نه تابع سوسیالیسم و کمونیسم است و نه تابع لیبرالیسم. بلکه مالکیت در اسلام در عین اینکه دارای اقسام مختلفی از جمله دولتی و تعاونی می باشد، برای مالکیت خصوصی نیز بر اساس ضوابط شرع مقدس اسلام، احترام و حرمت ویژه قائل است. اسلام و قرآن بر حرام بودن

ص: 149

1- سوره حجرات، آیه 12.

2- سوره انفال، آیه 60.

استفاده از مال مردم بدون رضایت آنها تأکید می‌کند. اسلام مالکیت خصوصی مقید به قعود شریعت را کاملاً محترم می‌داند، چه مادی و چه معنوی. هیچ‌کس حق دخل و تصرف در اموال و مالکیت مشروع دیگران را از طریق نامشروع و به ناحق ندارد. بر همین اساس غصب کردن و تجاوز به امور دیگران به هر گونه که باشد باطل و ناروا و نامشروع و حرام خواهد بود.

به طور کلی در اسلام حق مالکیت فردی هم در حوزه اقتصادی و مادی و هم در حوزه فکری و معنوی به رسمیت شناخته شده است؛ البته همان گونه که بیان شد مالکیت فردی مقید به قعود و ضوابط شرعی ویژه می‌باشد. (1)

17- آفت بدعت گذاری در دین و قوانین و حرمت آن در نظام دینی بدعت به معنای وارد کردن اموری در دین و ترویج آنها به نام دین است که دینی نیستند.

بدعت در دین یعنی مسائل جدید اجتماعی و فکری و اعتقادی که خارج از دین به دست می‌آیند وارد دین کرده و به نام دین ترویج دادن. بدعت، ناب و خالص بودن دین را تهدید می‌کند و در باورهای مردم شک و تردید ایجاد می‌کند و حتی ممکن است موجب دین‌گریزی و دین‌ستیزی گردد. بنابراین، بر حکومت و دولت اسلامی واجب است که بر اساس حرمت بدعت در دین، به طور قوی با آن

ص: 150

مبارزه کند، به خصوص در حوزه قانون گذاری باید از تصویب و اجرای قوانین غیر دینی به طور جدی ممانعت و جلوگیری به عمل آورد. قرآن مجید، بدعت گذاری را که نوعی افترا به خداست از گناهان کبیره دانسته و حرام می داند و آن را ظلم به خدا می خواند. (1)

از آن جایی که منبع معارف و احکام و قوانین دینی باید از طریق وحی و سنت و عقل و اجتهاد به اثبات برسد، پس هرگونه قانون و حکم و معرفتی که از منابع نام برده ناشی نشده باشد بدعت در دین است و نامشروع و حرام می باشد و گناه بسیار عظیمی محسوب می شود؛ زیرا اگر راه بدعت در دین گشوده شود هر کس با سلیقه شخصی و فکر خاص خود می کوشد چیزی را به دین خدا بیفزاید و یا از آن بکاهد و در این صورت، دین بازیچه دست هواپرستان و سودجویان و سیاست بازان قرار می گیرد. بنابراین، بی شک بر حاکمیت اسلامی و نظام مقدس دینی و دولت اسلامی واجب است که از حریم معارف و احکام الهی و قوانین شرعی به درستی پاسداری کرده و هرگز اجازه ندهد که از سوی بدعت گزاران در دین و عقاید دینی و مذهبی مردم و در معارف به احکام و قوانین اسلامی چیزی افزوده یا کاسته شود.

18- یکی دیگر از آفات مهم و بسیار اساسی که در حکومت اسلامی ممکن است رخ دهد، انواع تبعیض است؛ همچون تبعیض

ص: 151

1- سوره یونس، آیه 59 - سوره انعام، آیه 93.

نژادی، قومی و قبیله‌ای، تبعیض اقتصادی و تبعیض در مورد گروه‌های اجتماعی. در این مورد حضرت علی علیه السلام مواضع بسیار روشن و آشکاری دارد. آن حضرت در خطبه 192 نهج البلاغه که به خطبه قاصعه معروف است، خودبرتربینی و وسوسه‌های شیطانی و قیاس و مقایسه خویشتن با دیگران را اساس همه تعصبات باطل و تبعیض‌های ناروا دانسته و شدیداً مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد و تعصب و تکبر را به شدت محکوم می‌کند.

آن حضرت شیطان را پیشوا و سرسلسله نژادپرستی و خودبرتربینی و تفاخر و تحقیر دیگران معرفی می‌کند و همه عصبیت‌ها و کبر و غرورها را ناشی از وسوسه‌های شیطان می‌داند.

به نظر حضرت علی علیه السلام: پیروی کورکورانه از بزرگان و رفاه زدگی اشراف و ناز پروردگی و خوشگذرانی‌های ثروتمندان و توانگران از دیگر عوامل ایجاد و رواج تبعیض و نابرابری‌های گوناگون اجتماعی و اقتصادی می‌باشد. (1)

19- بر اساس تعالیم نورانی اسلامی، برترین ویژگی و ملاک راستین برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر فضیلت‌های اخلاقی به خصوص تقوا است. (2) بنابراین، حکومت توحیدی و دولت اسلامی باید شرایط و زمینه‌های رقابت در فضایل را در جامعه اسلامی ایجاد

ص: 152

1- خطبه قاصعه - سوره احزاب، آیه 67 - سوره سبأ، آیه 35.

2- سوره حجرات، آیه 13.

کند و انسان ها را به سوی کسب تقوا و فضیلت های اخلاقی و اعمال حسنه و پسندیده سوق دهد. امام علی علیه السلام در این مورد می فرماید: «در خصلت های نیکو تعصب و ورزید و از حمایت کردن پناهندگان و بر سر پیمان بودن و به سرانجام رساندن پیمان ها و آراسته بودن به تقوا و ایمان تعصب داشته باشید که تعصب ورزیدن در خوی های نیک و گزیده و شایسته است».(1)

حضرت علی علیه السلام با استناد به آیه 68 سوره آل عمران می فرماید: «دوست محمد صلی الله علیه و آله کسی است که خدا را اطاعت کند هر چند نسبش به حضرت محمد صلی الله علیه و آله نرسد و دشمن محمد صلی الله علیه و آله کسی است که خدا را نافرمانی کند هر چند خویشاوند محمد صلی الله علیه و آله باشد».(2)

همچنین شعری منسوب به آن حضرت علیه السلام در مورد نفی نژاد پرستی و اصل شرافت انسانی نقل شده که ترجمه آن چنین است: «به جانت سوگند که ارزش انسان تنها به دین اوست، از این رو، با تکیه بر حسب و نسب، تقوا را رها مکن، اسلام، سلمان فارسی را بالا برد و حال آن که شرک، ابولهب دارای نسب شریف را پایین کشید».

بله، بی شک حکومت اسلامی، حکومتی است که در آن معیارهای حقیقی فضیلت همچون دیانت و تقوا و شرافت و کرامت انسانی مورد شناسایی و تایید و عمل همه جانبه قرار می گیرد.

20- حکومت اسلامی به موازات دفاع از شئون دینداری و ولایت

ص: 153

1- نهج البلاغه، خطبه 192.

2- نهج البلاغه، خطبه 192.

الهی و پیروی از قرآن و عترت و دوری از دنیا پرستی و جاه طلبی و کنار گذاشتن رذایل اخلاقی و ترویج بصیرت و آگاهی و تلاش در راه وحدت و انسجام امت، باید پیوسته از شیاطین در کمین نشسته و هواهای نفسانی و امیال راحت طلب و بی بند و باری های اومانیستی و لیبرالیستی مراقبت کند. مراقب باشد که اسلام و ارزش های آن فراموش نشود. ضعف معنوی و سیاسی و اجتماعی و مادی و روحی و شخصیتی گریبانگیر مردم نشود. همچنین نظام دینی و دولت اسلامی باید از هرگونه عقب گرد و سیر قهقرایی جلوگیری کند و طبق آیات شریفه قرآن کریم از روی آوردن به تفرقه و قبیله گرایی و انتقام گرفتن و کینه توزی و راحت طلبی و فرصت طلبی و بی تفاوتی و بی التفاتی و سستی و بدعهدی و مسئولیت گریزی و عهدشکنی و سکوت و ترس نابجا و محافظه کاری و تن آسایی و پیروی از هوای نفس و قدرت طلبی و فریبکاری و صحنه سازی و سیاست بازی و جعل و تحریف و پشت کردن به معارف قرآن و عترت و روی آوردن به گناه و عدم درک و مراعات قرآن و سنت و کهنه شدن و فرسوده شدن جامعه دینی به شدت پرهیزد. (1)

ص: 154

1- سوره یوسف، آیه 108 - سوره آل عمران، آیات 103 و 144 - سوره توبه، آیه 13.

فصل سوم: علل پیروزی و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

1- مراحل و جنبه های انقلاب اسلامی ایران

هر انقلابی به طور کلی دارای دو مرحله است:

مرحله قبل از پیروزی که همان جنبه تخریب نظام طاغوت و نفی آن می باشد.

مرحله پس از پیروزی یا مرحله سازندگی که جنبه اثبات نظام مطلوب می باشد و به قول شهید مطهری هر انقلاب دو جنبه دارد: یکی جنبه تخریب و دیگری جنبه سازندگی؛ و قرآن کریم هم به این دو جنبه در بیان هدف بعثت انبیاء اشاره فرموده است:

«وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (1)

ص: 155

1- سوره نحل، آیه 36.

در انقلاب اسلامی نیز این دو مرحله وجود داشته است:

الف - نمونه هایی از آنچه انقلاب اسلامی نفی و تخریب نموده است:

- 1- نفی و تخریب اندیشه های باطل و التقاطی مانند نفی برداشت غلط از قضا و قدر الهی، نفی اندیشه حکومت شاهنشاهی، تخریب تفکر غرب زدگی و شرق زدگی، نفی اندیشه ترس و زبونی و تجمل گرایی و مصرف گرایی و... .
- 2- نفی و تخریب سنن و شیوه های غلط مثل نفی سنت جدایی دین از سیاست.
- 3- نفی و تخریب روحیه یأس و ناامیدی از افراد علاقمند به مسائل سیاسی و اجتماعی.
- 4- نفی و تخریب روابط استعماری با دولت های خارجی.
- 5- نفی و تخریب روابط سرسپردگان رژیم طاغوت در جامعه.
- 6- نفی و تخریب ارکان حکومت طاغوت.
- 7- نفی و تخریب شعارها و سنن و مراسم مربوط به رژیم طاغوت.
- 8- نفی و تخریب روابط سیاسی، اقتصادی به جای مانده از رژیم طاغوت.
- 9- نفی و تخریب اندیشه هایی که برای مبارزه با دین در این جامعه به وجود آمده بود؛ مانند نفی و تخریب اندیشه مارکسیسم و اندیشه بهائیت و اندیشه لیبرالیسم و ملی گرایی.

ص: 156

ب- اما در مرحله سازندگی و اثبات پس از انقلاب امور زیر را می توان به عنوان نمونه بیان کرد:

- 1- ساختن اندیشه های صحیح اسلامی و رشد استعداد های دینی.
- 2- رواج فرهنگ صحیح اسلامی و انقلابی.
- 3- برپایی سنت ها و روش های صحیح دینی.
- 4- سازندگی روحیات و ایجاد روحیه سالم در افراد ساده اندیش.
- 5- ایجاد روابط صحیح و سالم با ممالک و مردم و مستضعفین و مسلمانان جهان.
- 6- ایجاد رابطه صحیح اسلامی میان افراد جامعه.
- 7- تربیت افراد و شخصیت های مفید برای تداوم انقلاب.
- 8- ایجاد پایگاه های فکری، فرهنگی و تبلیغاتی در داخل و خارج کشور برای نشر آرمان های دینی و انقلابی ملت ایران.

ارکان بقا و دوام انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی رحمه الله در مورد رمز بقاء انقلاب فرموده است: بی تردید رمز بقاء انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسل های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن 1- انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی است و 2 اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد عالی.

ص: 157

از بیان فوق به دست می آید که همان عللی که موجب پیروزی انقلاب شد همان علل نیز در بقا و تداوم انقلاب نقش اساسی را ایفا می کند. البته ناگفته نماند که امام رحمه الله به خاطر تواضعی که داشتند یکی از مهم ترین ارکان اصلی انقلاب را که رهبری و نقش آن باشد را در بیانشان نفرمودند. به همین دلیل و با توجه به نقش رهبری در پیدایش هر انقلابی، می توان ارکان اصلی بقاء و دوام انقلاب را در سه رکن زیر خلاصه کرد.

1- انگیزه الهی ملت مسلمان و مؤمن ایران در جهت برپایی حکومت اسلامی که در حقیقت این انگیزه الهی داشتن و به عبارت دیگر اخلاص الهی داشتن در همه کارها، پیام و موعظه خدا به همه مسلمان هاست، چنانکه در قرآن می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى» ؛ ای رسول به مؤمنین بگو که من شما را به یک چیز سفارش و موعظه میکنم و آن این است که دو تایی و یا به تنهایی برای خدا قیام کنید. (1)

به هر حال همین انگیزه الهی است که ملت ایران را مصمم نمود برای تحقق بخشیدن یک حکومت دینی و قرآنی و مهم ترین رکن به وجود آمدن و بقاء و دوام انقلاب اسلامی ایران بوده است.

2- وحدت کلمه و اتحاد و همدلی ملت در سراسر کشور و حضور

ص: 158

1- سوره سبأ، آیه 46.

علنی و عملی مردم در صحنه برای رسیدن به آن مقصد عالی دومین رکن از ارکان بقاء و دوام انقلاب اسلامی ایران می باشد. بدیهی است که اگر ملتی با وحدت کلمه و هدف واحد در امری قیام کنند و آن قیام خالصانه و برای خدا باشد، مسلماً پیروز خواهند شد. بنابراین تداوم این انقلاب نیز وابسته به همین وحدت کلمه و حضور ملت با انگیزه الهی در صحنه می باشد، یعنی حضور در صحنه اگر برای خدا باشد، حافظ انقلاب است، اما اگر برای به دست آوردن پست و مقام و جمع مال و سایر اغراض مادی و دنیوی باشد، باعث آسیب به انقلاب می شود.

3- رهبری حکیمانه و قاطعانه ولی فقیه یعنی حضرت امام خمینی رحمه الله از دیگر ارکان اصلی بقاء و پیروزی و دوام انقلاب بوده است.

پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید سه چیز است که دل هیچ مسلمانی حق ندارد نسبت به آن سه چیز تقلب نماید: اولی آن است که عمل و کار برای خدا خالصانه انجام شود و دوم آن است که مسلمان (مسلمانان) خیرخواه مسلمانان باشد و نصایح رهبر خود را بپذیرد و سوم ملازم و همراه جماعت و جمعیت ملازم و همراه رهبر خود باشند. البته رهبری و پیشوایی از نظر اسلام زمانی می تواند جامعه و امت را رهبری و هدایت کند که امت در صحنه حضور داشته باشند و خالصانه از رهبرشان اطاعت کنند و از آنجایی که انگیزه حضور مردم به خاطر خداست و به خاطر تحقق بخشیدن به احکام خدا و قرآن

است و از سویی این مردم چون رهبر و امام خود را منادی اسلام و قرآن و مدافع از حریم خدا می یابند مسلماً به خاطر خدا و اسلام از او اطاعت می کنند. به همین دلیل پس از رحلت امام رحمه الله چون انگیزه خداخواهی و اسلام خواهی مردم زنده بود لذا ملت مسلمان ایران به سادگی و با انگیزه عقیدتی در مراسم تشییع حضرت امام حمایت خود را به طرز بی سابقه ای از ولایت حضرت آیت الله خامنه ای اعلام کردند. به هر حال فراموشی هدف و غفلت از انگیزه الهی و تفرقه در صفوف مردم و عدم اطاعت از مقام ولایت از عواملی هستند که این انقلاب را به بن بست و شکست خواهد کشانید.

از دیگر ارکانی که می توان برای بقاء و دوام انقلاب بعد از پیروزی نام برد عبارتند از:

الف - عدالت اجتماعی : عدالت اجتماعی یکی از ارکان بقاء انقلاب است به معنای نفی اشرافیت و نفی محرومیت و فقر در یک جامعه، به عبارت دیگر عدالت اجتماعی یعنی جلوگیری از حیف و میل اموال عمومی ملت، جلوگیری از رشد رفاه و زراندوزی و سیری گروهی خاص. ارزش عدالت اجتماعی در این است که اگر عدالت اجتماعی نباشد حتی افراد صالح هم نمی توانند اداره امور مملکت را به دست گیرند، تا چه رسد به اینکه امور به نحو مطلوب صورت پذیرد. تغییر مهره ها و کارگزاران بدون تحقق عدالت فایده ندارد. کافی است به تاریخ صدر اسلام نگاه کنیم جامعه مبتنی بر عدالتی را که پیامبر صلی الله علیه و آله را تأسیس کرد در ظرف 25 سال یعنی زمان خلیفه سوم

ص: 160

عثمان مبدل به جامعه ظالمانه و طبقاتی شد، در عصر عثمان گروه خاصی در رفاه و زراندوزی بودند و در مقابل، اکثریت جامعه مسلمین آن روز در فقر و محرومیت به سر می بردند. ابوذرها که علیه بی عدالتی عثمان سخن می گفتند تبعید و کشته می شدند و نهایتاً کار به جایی رسید که همین مردم محروم فقیر گرسنه علیه عثمان قیام کردند و او را کشتند.

هر حاکمیتی که در آن عدالت اجتماعی نباشد به سقوط خواهد انجامید. البته عدالت به معنی مساوات نیست بلکه عدالت به معنی نفی تبعیض و رعایت حق هر صاحب حق می باشد.

نکته دیگری که در مورد عدالت از دیدگاه اسلام باید در نظر داشت این است که عدالت اجتماعی در اسلام با معنویت آمیخته و ممزوج است، زیرا بدون معنویت هرگز عدالت قابل تحقق نیست، بنابراین، عدالت از نظر اسلام همانند عدالت سوسیالیستی که مبتنی بر نفی حق فرد است نمی باشد. در عدالت سوسیالیستی عدالت اجتماعی منهای فرد است. و در این گونه عدالت حق و حق فردی و مالکیت فردی نادیده گرفته می شود. از سویی دیگر عدالت اجتماعی اسلام عدالت صوفیانه و زاهدانه نیست؛ زیرا شعار صوفی درون گرایی و معنویت محض و نفی تعلقات مادی و اقتصادی است، این گونه معنویت را در اصطلاح رهبانیت می نامند و از نظر اسلام باطل و حرام است. در نتیجه می توان گفت عدالت اجتماعی اسلام عدالتی است مبتنی بر رعایت حقوق و مالکیت های فردی در عین رعایت

حقوق و مالکیت های اجتماعی زیرا اسلام هم برای فرد و هم برای جامعه اعتبار قائل است و ضمانت این گونه عدالت روحیه معنویت و ایثار و عبودیت است. اخلاق اسلامی ضامن تحقق عدالت اجتماعی است.

ب - استقلال: استقلال به معنی تحت سلطه بیگانگان نبودن است و به عبارت دیگر یک کشور مستقل کشوری است که از هیچ جهت تحت ولایت کشور دیگر نباشد. معنی دیگر استقلال عدم وابستگی به بیگانه می باشد و آن به این معناست که در روابط با دیگران از موضع قدرت و منطبق بر قوانین بین الملل برخورد نماید. هر کشور و دولت و حکومتی که مستقل نباشد به ناچار دارای قیم و ارباب است و به عبارت روشن تر عدم استقلال برابر است با بردگی و تحت سلطه بیگانه بودن؛ در نتیجه یک کشور مستقل کشوری است که در همه ابعاد و در همه شئون سیاسی، اقتصادی، نظامی، فکری و فرهنگی و ایدئولوژیکی و مکتبی به هیچ دولت و سیاست و حاکمیت و کشور دیگری وابسته نباشد.

یکی از اساسی ترین ارکان بقا و دوام انقلاب اسلامی ایران استقلال همه جانبه آن است، به این معنی که راه نفوذ و سلطه بیگانگان بر اداره و سیاست و اقتصاد و فرهنگ این مملکت باید برای همیشه بسته بماند.

قرآن کریم برای حفظ استقلال یک مملکت اسلامی چنین می فرماید:

ص: 162

«وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (1) «خداوند هیچ راهی را برای تسلط کفار نسبت به مؤمنین قرار نداده است».

طبق این آیه قرآن یک جامعه اسلامی باید پیوسته تمامی راه ها و طرق سلطه کفار را بر خود مسدود کند و در همه ابعاد استقلال خود را حفظ نماید، به همین سبب قرآن کریم دستور فرموده است که امت مؤمن می توانند برای حفظ استقلال خود از نیروی جنگ و جهاد و اسلحه استفاده کنند، به هر حال استقلال نیز همانند سایر ارکان قبلی که گفته شد باعث حفظ و بقاء و دوام انقلاب اسلامی خواهد شد.

ج - آزادی: آزادی به معنی نفی اسارت است و به عبارت دیگر آزادی یعنی این که استعدادها و نیروهای فعال و برتر و حتی عواطف و عقاید و گرایشات متعالی انسان در اسارت هیچ عاملی نباشد. آزادی دارای ابعاد گوناگونی است اما به طور کلی می توان برای آن دو بعد قائل شد: 1- آزادی بیرونی (عینی) 2- آزادی درونی (باطنی).

آزادی عینی یا اجتماعی عبارت است از نفی و مبارزه با عوامل اسارت آور اجتماعی و عینی مانند مبارزه با حکومت های استبدادی و زورگویی هایی که در درون یک جامعه وجود دارد. بنابراین یک کشور آزاد کشوری است که مردمی آزادی خواه و رهبرانی حافظ آزادی دارد به طوری که در چنین مملکتی هیچ مانعی بر سر راه

ص: 163

1- سورة نساء، آیه 141.

شکوفایی و تربیت و رشد استعدادهای علمی، فرهنگی، سیاسی و هنری مردم آن وجود ندارد.

فرق استقلال و آزادی در این است که استقلال متضاد وابستگی است ولی آزادی متضاد اسارت است. آزادی جنبه درون مرزی دارد ولی استقلال جنبه برون مرزی دارد و رهایی از استعمار و استبداد خارجی است.

د. معنویت: معنویت همان آزادی درونی و باطنی است؛ به عبارت دیگر، معنویت یعنی عدم اسارت درونی که از ابعاد اصیل حیات انسانی محسوب می شود زیرا تنها راه عبودیت و اتصال وجودی به وجود مطلق خدای متعال معنویت است. انسان آزاد چه در بعد بیرونی و چه در بعد باطنی، انسانی است حاکم بر اشیاء نه محکوم آنها، انسانی است حاکم بر امیال و شهوات و اموال خودش نه محکوم و برده آنها، به عبارت دیگر معنویت یا آزادی باطنی یعنی حاکمیت ابعاد الهی وجود انسان بر ابعاد حیوانی او. شاید بتوان گفت از میان همه ارکان یادشده معنویت از همه با ارزش تر است، زیرا روحیه معنویت است که محرک انسان در تحقق عدالت است و بدیهی است که فرد یا جامعه بدون معنویت متمایل به اشرافیت و رفاه و تجملات است. و این امر ضد عدالت اجتماعی است و معنویت بدون عدالت اجتماعی مردود و باطل است و عدالت اجتماعی بدون معنویت هم قابل تحقق نیست یعنی این دو با هم توأمند.

استقلال و آزادی نیز معلول روحیه معنویت می باشند؛ زیرا فرد و

جامعه معنوی می تواند آزاد باشند و با عوامل بردگی و اسارت آفرین مبارزه کنند، بدیهی است کسی که از درون آزاد و مستقل نباشد هرگز از برون به آزادی و استقلال نخواهد رسید. به همین دلیل است که در مکتب مقدس اسلام جهاد درونی را که جهاد با نفس می باشد و نتیجه آن معنویت و تقوی و عبودیت خداست جهاد اکبر نامیده شده است.

تداوم انقلاب اسلامی ایران

مراد از کلمه انقلاب، دو چیز است: 1. حرکت و نهضت انقلابی 2- تحولات تکاملی حاصل از آن نهضت، یا کیفیت های مطلوبی که عقاید، اخلاق و رفتار مردم، حکومت، نظام دفاع ملی، اقتصاد، نظام فرهنگی و تربیتی و نظایر آن می یابند.

تداوم انقلاب در معنای دوم آن، عبارت است از تثبیت کیفیت های مطلوب و تکاملی حاصله. و اما تداوم انقلاب در معنای اول آن، عبارت است از استمرار چندین حرکت، فعالیت و کاری که نهضت انقلابی از آنها تشکیل می شود و با رشد، گسترش، تعمیم و تقویت آنها تعادل نیروی حق و باطل، به زیان باطل و طاغوت بر هم می خورد. تداوم انقلاب به معنای اخیر، تداوم چند حرکت زیر بنایی است بدین قرار:

تکوین اوضاع نفسانی طیبه.

اعمال صالحه.

تفقه در دین، یا مکتب شناسی و تعلیم و تعلم آن.

ص: 165

امر به معروف: الف) فرهنگ دهی و روحیه بخشی، ب) فرهنگ پذیری و روحیه گیری، ج) حق پذیری و آمادگی برای قبول نصایح.

نهی از منکر: الف) تولی و تبری، ب) مقاومت در برابر انحراف و ارتجاع، ج) فساد زدایی.

تکوین اوضاع نفسانی طیبه: عامل پیروزی انقلاب، و برقراری حاکمیت اسلامی، تقوی و ایمان و تسلیم و توکل است. طبعه دوام آن مستلزم تداوم تکوین اوضاع نفسانی طیبه خواهد بود. به همین جهت است که امام جمعه مردم را به تقوا دعوت می کند، همه مسئولان، روحانیت و مؤمنان موظف اند در رشد تقوا در خویشتن و در دیگران ام بکوشند. در غیر این صورت، انقلاب رو به ضعف و زوال خواهد رفت.

اعمال صالح: رشد تقوا و ایمان بستگی به انجام کارهای شایسته دارد. به مردم باید میدان و امکان داد تا در کارهای خیر و در خدمات عمومی شرکت کنند و مجال انفاق داشته باشند.

باید بتوانند کار داوطلبانه کنند، اندیشه ها و خدمات خود را عرضه و تقدیم بدارند. اگر فقیر یا محتاجی هست مردم باید به کمک او بشتابند نه دولت. کمیته امداد تنها در حالتی باید اقدام کند که آن خدمت زمین مانده باشد. فرق کار مردم در این مورد با کار دولت در این است که اولی علاوه بر رفع نیاز موجب رشد ایمان و تقوا می شود ولی دومی فقط رفع نیاز می کند بی آنکه فضیلتی ببار آید یا تعالی ای حاصل شود.

در نظام های غیر اسلامی چنین نیازهایی از طریق دولت رفع می شود، ولی شیوه رفع نیاز در نظام جمهوری اسلامی شیوه ای

مردمی و همراه کسب فضیلت و ثواب است. حکومت اگر به راستی علاقه ای به رشد و تعالی مردم داشته باشد باید بگذارد از طریق اعمال صالحه، از راه خیرات و مبرات، رشد و تعالی پیدا کنند. دولت های سلطه گر و مستکبر، به انسان بدگمان اند. تعالی را افسانه می دانند، نیکوکاری و نیت خیر را دروغ می شمارند. برای فضیلت و عمل صالح ارزشی قائل نمی شوند.

حکومت اسلامی که به دوش انسانهای مؤمن و متعالی، نیکوکار، ایثارگر و جهادگر پیا گشته است، تعالی را اصل و هدف نهایی و فضیلت و عمل صالح و کار خیر را ارزش می داند و بر اساس این دانسته، عمل می کند. (1)

تفقه در دین، مکتب شناسی، تعلیم و تعلم آن : انقلاب توحیدی نه تنها در جریان رشد تقوی و ایمان بلکه در جریان بالا رفتن سطح معرفت مردم به مکتب یا رشد حکمت به پیروزی می رسد. اسلام شناسی پایه انقلاب توحیدی و مایه پیروزی آن است. حتی رشد ایمان و تقوی منوط به اسلام شناسی و ارتقاء علمی می شود.

«يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (2) تا خداوند کسانی از شما را که ایمان آوردند و کسانی را که علم دریافت داشته اند مرتبه ها بالا برد.

ص: 167

1- فلسفه انقلاب اسلامی، ص 426 تا 428.

2- سوره مجادله، آیه 11.

ملت مسلمان اگر روحانیتی اسلام شناس و مرجعی فقیه و راهنما و آموزگار نداشته باشد رشد نمی یابد و انقلابی کامل و تمام عیار نمی شود و به پیروزی نائل نمی آید. همه این ها لازم و ملزوم یکدیگرند. ولی نکته اساسی این است که رابطه مردم با مکتب باید رابطه ای آگاهانه باشد، هر چند با مکتب از طریق اشخاص، کتاب ها و رسانه ها می توان آشنا شد ولی پذیرفتن آن باید با دید نقد و ارزیابی و تمیز و با اندیشه و از ته دل باشد نه یک نوع تقلید و پذیرفتن کورکورانه، پذیرفتن اساس تقلیدی نمی شود. تقلید تکرار و تأیید ناآگاهانه و پوچ است. تقلید در اصول و عقاید، کفر است نه ایمان، بزرگترین مانعی که بر سر راه هدایت مردم در بعثت ها وجود دارد تقلید در عقاید، و خودداری از اندیشه، ارزیابی، استدلال و قضاوت و گزینش منطقی می باشد.

لازمه تحول تکاملی اعتقادی، اخلاقی، گسستن از طاغوت فرهنگی پیشینیان است، اگر کسی قید هم‌رنگی با پیشینیان و طاغوت فرهنگی حاکم بر محیط را از گردن خویش فرونگذارد راه به حقیقت و هدایت نخواهد برد. مردم ایران در جریان انقلاب، هنگامی از نظام شاهنشاهی جدا می شوند که هر چه را او مطرح، پیشنهاد، تبلیغ و تأیید می کند و به عنوان یک عقیده یا ارزش و ضابطه عرضه می دارد، مورد شک و تردید قرار می دهند، و در آن چون و چرا می کنند. نتیجه مجاهدت عقلی مردم این می شود که نظام را رد و طرد می نمایند.

در جریان آموزش های اسلامی، با مطالعه کتاب های گرانمایه،

روشنگر مستدل و مستند، به حقایق اسلام پی می برند و به باوری آگاهانه و اندیشمندانه می رسند. ارتقا در مراتب کمال با ارتقای سطح اسلام شناسی همراه است، چنانکه انحطاط با پستی سطح معرفت و کسری علمی ملازمت دارد. «ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» (1) این است حدی از علم که به آن رسیده اند.

مکتبی و مرجعی: مردم از لحاظ درک و باور دین، دو دسته کاملاً متمایز را تشکیل می دهند. اول مردمی که با مطالعه کتاب ها و مقالات حضور در مساجد و پای منبر، و شرکت در سخنرانی ها و کنفرانس ها و با اندیشه ای مدید و از راه مقایسه اسلام با سایر مسلک ها و فلسفه ها و مکاتب و آشنایی با انقلاب ها و سیستم های حکومتی مختلف دنیا به آن ایمان می بندند. دوم مردمی که تحت تأثیر محیط خانوادگی به عالم و فقیه و مرجعی دست می یابند و در عقاید اسلامی کمتر مطالعه و تأمل می کنند، در عین حال متشرعند و حلال و حرام را می شناسند، و به رساله عمل می نمایند. گروه اول را مکتبی و دومی را مرجعی می نامیم. ارزش انقلابی مکتبی با ارزش مرجعی به شرطی که مرجع وی واجد شرایط باشد، فرق می کند. اولی تابع مکتب است و مرجع تقلید خویش را از روی مکتب برگزیده و اگر لازم باشد به دیگری رجوع می کند. دومی تابع مرجع است و با تحولات اخلاقی، سیاسی مرجع دستخوش تغییر رفتار اخلاقی و موضع سیاسی می شود. دشمن در نیرویی که از دو می ترکیب یافته باشد می تواند تأثیر بگذارد

ص: 169

و آن را کم اثر یا خنثی گردانند. اما از تأثیر در نیروی متشکل از عناصر نوع اول عاجز است. نیروی متشکل از انسان های مکتبی، رهبر و مرجع تقلید خویش را دائماً ارزیابی می کند. با وی در تبادل نظر و در یک فرهنگ دهی و فرهنگ پذیری است. او را یک مؤمن دانای وارسته عالی مقام می داند و به حکم «وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ» سفارش به عقاید، اصول، احکام و آرمان های اسلامی می کند و به شکیبایی و استقامت بر طریق حق می خواند. این امر به صورت تضمین های صلاح رهبری و مرجعیت در می آید. پیوند مؤمنان مکتبی با رهبر و مرجع، مکتب است و دوام آن پیوند مستلزم شناختن، بازبینی و بازفهمی مکتب و تفاهم بر سر آن می باشد. چنین ارتباط و پیوند متقابلی سازنده و بارور، و خود از عوامل رشد و تعالی می شود. این امر از رموز تداوم انقلاب اسلامی است و به طور کلی افراد عقاید، اوضاع نفسانی، اخلاق و رفتار خود را با قرآن تطبیق می دهند و در مورد جامعه و امت هم به همین معنا است که همه امور، روابط و نظامات و شئون خود را بر قرآن تطبیق دهند. تحقق این هر دو انقلاب به معنای مطابق بودن با قرآن است. همان طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه بوده، از یکی از همسران حضرت در مورد اخلاق و رفتار حضرت سؤال می شود؟ ایشان جواب می دهد (اخلاق و رفتارش قرآن بود.) یعنی مطابق با قرآن بود. (1)

ص: 170

بنابر تعریف مولایمان از انقلاب، انقلابی کسی است که کارهای موضع گیری ها و احوال خود را پیوسته مورد ارزیابی قرار می دهد تا آنچه را مطابقت با قرآن ندارد مطابق آن گرداند. رهبری و مسئولان حکومتی در صورتی انقلابی خواهند بود که نسبت به آنچه می گذرد به ویژه آنچه به نام اسلام و با مسئولیت آنان جریان دارد حساس باشند، رویه، عملکرد، احوال و سیاست های خویش را همین گونه ارزیابی و نقد و اصلاح نمایند، نصایح و راهنمایی مشفقان را در این زمینه بر دیده قبول نهند و به گوش جان بشوند، اشخاص تحت امر خود، همچنین مردمی را که محتاج هدایت و کمک فکری و معنوی هستند ارشاد و راهنمایی کنند. انقلابی بودن از تعالی جدایی ناپذیر است. هرکس همان قدر انقلابی است که در مراتب تقوی، ایمان، تسلیم و توکل فرورفته باشد. و بالا رفتن در این مراتب بستگی به مرتبه او در حکمت و حجم و تداوم عمل صالح وی دارد. (1)

امر به معروف : نصیحت، انتقاد، راهنمایی مشفقانه و ارشادی که صاحب نظران و پرهیزکاران صالح چه نسبت به مردم و چه نسبت به مسئولان حکومت و رهبری، می کنند صور گوناگون امر به معروف است. در جریان ادای این تکلیف زیبا و حیات بخش الهی، فرهنگ دهی و روحیه بخشیدن و تقویت روحی و فرهنگ پذیری و روحیه گیری رخ می دهد. مخاطبان، خواه از مردم باشند و خواه از مسئولان حکومتی و کارمندان دولت و روحانیون به همان مقدار که از تعالی

ص: 171

1- همان منبع، ص 435.

بهره داشته و در حیات طیبه پیش رفته باشند پذیرای حق می شوند، نصیحت و راهنمایی و نظر مشورتی دلسوزانه را با جان و دل می پذیرند و کار و حال و رویه و سیاست خویش را تصحیح می نمایند و به صلاح می آورند. بدین ترتیب امور، شئون و احوال شخصی و اجتماعی، با قرآن مطابقت پیدا می کند. تبادل نظرها و طرح سؤال مردم و پاسخگویی مسئولان و رهبری از شروط تداوم انقلاب است.

نهی از منکر : مایه روحی نهی از منکر، حساسیت ایمانی است آن حساسیت ایمانی که محصول اوضاع نفسانی طیبه بوده و به تضاد با طاغوت و به جریان جهاد براندازی و آزادی بخش می انجامد در مرحله سازندگی متوجه انحرافات از اصول، ارزش ها، احکام و آرمان های مکتب می شود. عمدتاً به دو شکل ظهور می یابد: 1- مقاومت در برابر انحراف و ارتجاع، 2- فساد زدایی، مقاومت بدین صورت است که هرکس در هر جا هست و با هر توان و امکان و اختیارات و مسئولیتی که دارد باید جلو انحراف و بازگشت به جاهلیت و وضع طاغوتی و احوال و نظامات و رویه و سیاست های شرقی یا غربی را بگیرد، نگذارد فساد و انحطاط روی دهد یا توسعه یابد. اگر مسئول دستگاه یا نهادی است یا عضویکی از قوای حکومت می باشد باید از انحراف و فساد در محدوده وظیفه خویش جلوگیری کند. یا اگر نهاد و دستگاهش اساساً برای جلوگیری از نوعی از مفاسد در سراسر کشور یا بیرون از آن است باید در ادای این

مسئولیت نهایت جدیت را به خرج دهد. وگرنه معلوم می شود حساسیت ایمانی او اندک است. اگر در برابر مفاسد و انحرافات و سوء انجام وظیفه، بی تفاوت و لابلالی بود مسلم است که حساسیت ایمانی ندارد. کاهش حساسیت ایمانی، بی غیرتی و بی تفاوتی تا وقوع انحرافات و تخلفات و روی دادن مظالم و جنایات، علائم انحطاط انقلاب است که می تواند به سقوط آن بیانجامد. (1)

اهداف، دستاوردها و نتایج عملی انقلاب اسلامی ایران

هدف نهایی انقلاب های همه انبیا و به دنبال آنها هدف نهایی انقلاب اسلامی ایران تعالی و تکامل و تحول و رشد انسان در همه ابعاد وجودی اوست. لذا در این پیش انقلاب عقیدتی و اخلاقی توأم بوده و هست چنانکه پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله هدف بعثت خود را همین دانسته و فرموده: «بعثت لأتمم المکارم الأخلاق» پس رشد فضایل اخلاقی و کرامت های معنوی انسان و تربیت انسانی و الهی افراد مهم ترین هدف در هر انقلاب دینی می باشد چنانچه قرآن می فرماید:

«وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (2)

همچنین قرآن در سوره مبارکه بقره، هدف بعثت انبیاء را این می داند که بشریت را از ظلمات که همان جهالت، کفر، استبداد، ظلم و حاکمیت

ص: 173

1- فلسفه انقلاب اسلامی، ص 439 - 437.

2- سوره آل عمران، آیه 164.

طاغوت است بیرون آورده و به منزل نور هدایت کنند، «يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ...» (1) و برعکس خداوند متعال در قرآن حکومت های طاغوتی را حکومت هایی می داند که مردم را از منزل نور خارج می کنند و وارد منزل ظلمت و بیداد و کفر و جهالت می نمایند. (2)

از دیگر اهدافی که می توان برای انقلاب اسلامی بیان کرد نفی خرافات و مبارزه با خرافه پرستی است یعنی همه انبیاء برای عقل ها و استخراج ذخایر عقلی و فکری بشر مبعوث شدند. همچنین هدف دیگر این انقلاب ها، نجات و رهایی انسان ها از عبودیت غیر خداست یعنی نجات از خود پرستی، شخص پرستی، گروه پرستی، جامعه پرستی، پول پرستی، مقام پرستی، شهوت و بت پرستی، شرک، کفر، جهل و خرافه پرستی می باشد.

و همچنین خداوند در قرآن بیان فرموده است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَحْدُوهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (3)

ص: 174

1- سوره بقره، آیه 257.

2- سوره بقره، آیه 257.

3- سوره اعراف، آیه 157.

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امّی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می گرداند، و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده اند از آنان بر می دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می آورد.) پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و باری اور کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالم اند.

و داشتن مردم و امر آنها نسبت به معروف.

باز داشتن مردم و نهی آنها از منکر.

حلال نمودن آنچه طیب است.

تحریم کردن آنچه خبیث است.

هدف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این بوده که بارهای سنگین و طاقت فرسا را از روی دوش انسانها بردارد یعنی بار گناه، آلودگی ها، کفر، جهالت، شرک، عقاید پوچ، و تحمیلات فکری را از پشت بشریت بردارد. برداشتن غل و زنجیرها از گردن بشریت، البته منظور قرآن نفی قانون های ظالمانه و نظام های جابرانه و سنن و فرهنگ احمقانه و اقتصاد مبتنی بر ظلم و رشوه و اسثمار و تمامی آن چیزهایی است که موجب اسارت بشریت می شود.

ص: 175

حضرت علی علیه السلام در مورد حاکمیت یک انقلاب چنین می فرماید: «قسم به خدایی که محمد را به حق مبعوث فرمود، همه شما را، همه افراد جامعه را، به بلا و آزمایش می اندازد و تک تک شما را غربال می کند. همانند حبوبات درون یک دیگ شما را می جوشاند».

حضرت علی علیه السلام انقلاب را به یک دیگ جوشان تشبیه کرده است. خداوند آن قدر شما را غربال می کند، آن قدر شما را مانند حبوبات و محتویات یک دیگ می جوشاند، تا آن طبقات پایین دست و حقیر و زبون و مستضعف بالا بیایند و به آنچه حق خودشان است برسند و آنهایی که با قلدری و چپاول و تحمیل در طبقات بالا جا گرفته اند پایین روند و از موقعیت تحمیلی خودشان طرد شوند تا آن کسانی که در دین و سیاست سابقه دارند و سبقت در پذیرش دین مقدس اسلام دارند اینها مصادر امور را عهده دار شوند و در رأس امور قرار بگیرند. و برعکس آنهایی که در دیانت و پیروی از دین کوتاهی کردند مناصب را از این ها باز پس بگیریم چون حقشان نیست. (1)

از نظر اسلام حکومت هدف نیست بلکه ابزاری است برای هدایت و تربیت بهتر برای اینکه راه قرب به خدا را عمومی تر می کند. از اهداف دیگر برای انقلاب اسلامی حفظ و نگهداری دین از تحریف است. یکی دیگر از اهداف انقلاب اسلامی سرکوبی و مبارزه با باطل می باشد و غالب نمودن حق و حاکمیت بخشیدن به آن. از

ص: 176

اهداف دیگر آن اجرای وعده الهی است مبنی بر به خلافت رسیدن محرومین و مستضعفین.

انقلاب اسلامی ایران به جهت تحقق اهدافی مقدس صورت گرفت. اهدافی که تمام معنوی و ارزشی و منطبق بر ارزش ها و تعالیم شریعت پاک نبوی اسلامی بودند. از جمله:

1- براندازی حکومت سفاک و جبار پهلوی.

2- ایجاد جمهوری اسلامی ایران.

3- حاکم نمودن ارزش ها و مقررات و احکام دین مبین اسلام.

4- برچیدن مظاهر فساد و تباهی.

5- قطع نمودن دست استعمارگران از ذخایر طبیعی کشور.

6- حمایت و امید دادن به سایر مسلمانان و ممالک مظلوم و مستضعف جهان و ...

شناخت و ارزیابی ماهیت هر انقلابی، بدون توجه به نتایج آن امکان پذیر نمی باشد و اهمیت این امر وقتی بیشتر رخ می نماید که بدانیم حفظ انقلاب اسلامی ارتباط بسیار مستقیمی با شناخت دستاوردهای آن دارد. لذا مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی را به بررسی می نشینیم.

مهم ترین دستاورد انقلاب اسلامی ایران از میان بردن نظام شاهنشاهی 2500 ساله در ایران بوده است. به طوری که این عمل با موفقیت کامل انجام شد و موجب گردید که نظام حکومتی جدیدی که همان نظام جمهوری اسلامی است، با یاری خداوند تبارک و تعالی

تحقق پیدا کند.

دستاورد مهم دیگر این انقلاب تحقق آرمان و ایده آل مسلمانها در این جامعه بوده است؛ زیرا با این انقلاب، حکومتی با آرمان ها و اهداف دینی و اسلامی مرکب از شخصیت هایی برجسته، مردمی، مؤمن و خداخواه به وجود آمد.

از دیگر نتایج عملی انقلاب اسلامی ایران، نفی قانون اساسی دوران مشروطه که خود از قوانین اساسی ممالک اروپایی اقتباس شده بود، است و به جای آن قانون اساسی جدیدی بر مبنای اسلام و فقه اسلامی و مصلحت جامعه اسلامی تدوین شد به طوری که بی شک یکی از مترقی ترین قوانین اساسی جهان در حال حاضر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

تحقق بخشیدن به استقلال سیاسی ایران به گونه ای که هم از اسارت و استعمار ممالک شرقی و هم از اسارت و استعمار ممالک غربی رها شد و به ارزش های دینی و مکتبی و ملی خودش با عنایت و لطف خدا پی برد و در نهایت از خودباختگی در مقابل ملل دیگر رها شد. اما متأسفانه هنوز این مملکت به استقلال اقتصادی نرسیده است؛ زیرا تا زمانی که نظام تولید به خودکفایی نرسد، استقلال اقتصادی تحقق نمی یابد. و از سوی دیگر استقلال اقتصادی وابسته به یک نظام، توزیع عادلانه است.

به هر حال، از این نظر کشور ما در مرحله شعار است. اما از بعد نظامی بحمدالله مملکت ما مستقل است به گونه ای که همه نیروهای

نظامی و انتظامی ایران اسلامی کاملاً به وسیله خود ایرانیان مسلمان اداره می‌شود.

از نظر فرهنگی نیز، مسلماً جامعه انقلابی ایران مستقل است و بهترین گواهر این ادعا این است که به وسیله فرهنگ، این انقلاب صورت گرفته است و منظور این است که فرهنگ حاکم بر سیاست و مدیریت جامعه، فرهنگی خالص غیر التقاطی و غیر شرقی و غیر غربی و تابع قرآن و حدیث و سنت و اجتهاد است. هر چند افرادی یا اقشاری هنوز در عمل مقلد فرهنگ‌های غیر دینی و بیگانه هستند.

آزادی، از مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی می‌باشد. از نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هر فرد و گروهی در بیان و ارائه نظر و اندیشه و عقیده خویش کاملاً آزاد است؛ مشروط بر اینکه آزادی، ابزاری برای توطئه نباشد که در چنین صورتی از نظر هر مکتبی چنین آزادی‌هایی مردود و باطل است.

این انقلاب در کنار تغییر عمومی فرهنگ مردم و نجات آنها از غرب زدگی و احیاء فرهنگ دینی و ملی مردم مهم‌ترین بخش جامعه را نیز که زنان باشند مد نظر داشت. احیای شخصیت زن و تکریم نهاد خانواده همراه با تحکیم مبانی آن از دیگر برکات انقلاب اسلامی است.

زن با الگو گرفتن از حضرت زهرا علیها السلام و حضرت زینب کبری علیها السلام و سایر زنان اسوه در مکتب قرآن و اهل بیت علیهم السلام در جامعه اسلامی و انقلابی ایران در بزرگ‌ترین و مهم‌ترین صحنه‌های علمی سربلند و مفتخر است و در سایه انقلاب اسلامی ایران به شخصیت حقیقی

خودشان بازگردانده شد و در عین حال با دادن امکان فعالیت سیاسی، فرهنگی به آن‌ها، ارزش‌ها و اصالت‌ها و شخصیت اسلامی آنان را نیز احیا نمود که با شخصیت والای انسانی و ایمانی خود الگویی برای سایر زنان منطقه و جهان شدند.

از دستاوردهای بسیار مهم و ارزشمند این انقلاب از میان برداشتن مظاهر و اماکن ترویج فساد و فحشا بوده است.

از دیگر دستاوردهای عملی انقلاب می‌توان به وجود آمدن ارگان‌های جدید را بیان کرد، که همه آنها مصدر خدمات و فداکاری‌های فراوانی بوده‌اند ارگان‌هایی مثل: جهاد سازندگی، سپاه پاسداران که به گفته امام خمینی رحمه الله: «اگر سپاه نبود مملکت هم نبود».

بنابراین به طور کلی می‌توان دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران را در پنج بعد کلی بیان کرد:

1- سیاسی: در بعد فرهنگ سیاسی.

در بعد سیاست داخلی، سرنگونی حکومت دو هزار و پانصد ساله ستم‌شاهی مهم‌ترین واقعه محسوب می‌شود. تشکیل حکومت اسلامی، استقرار نهادهای مدنی کشور با انتخابات مبتنی بر رأی مستقیم مردم، از بین بردن سازمان‌های مخوف و غیر انسانی همچون ساواک، تعیین و تصویب قانون اساسی اسلامی، تأسیس سازمان‌ها و نهادها و ارگان‌های انقلابی و مردمی (همچون نیروی مقاومت بسیج، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بنیاد مستضعفان و جانبازان، بنیاد

شهید و نظایر اینها) تلاش در جهت وحدت بین شیعه و سنی، مقابله اصولی با توطئه های عناصر فریب خورده و تجزیه طلب داخلی و حفظ انسجام و تمامیت ارضی کشور در شرایط بحرانی، از مهم ترین دستاوردهای حائز اهمیت انقلاب اسلامی ایران محسوب می شوند. اما در بعد سیاست خارجی، مقابله با جنگ تحمیلی ناخواسته، اصلی ترین دستاورد به شمار می آید. افشای چهره واقعی کشورهای به اصطلاح پیشرفته استعماری، سرفرود نیاوردن به هنگام تحریم ها و محدودیت های ناعادلانه اقتصادی، بیدار نمودن سایر ملل اسلامی در جهت مبارزه همه جانبه با رژیم نامشروع صهیونیستی، اتخاذ مواضع اصولی و منطقی به هنگام بحران ها و چالش های پیش رو، صدور پیام انقلاب به سایر ممالک و توجه دادن آنها به نیرو و سرمایه وجودی خود، سایر دستاوردهای مهم انقلاب را در حوزه سیاست خارجی تشکیل می دهند.

2- دفاعی

نهادینه کردن اندیشه دفاع مشروع به هنگام تجاوز نیروهای متجاوز دشمن، طراحی و ساخت ادوات نظامی با بهره گیری از توان فکری متخصصان و مبتکران داخلی در بحبوحه جنگ تحمیلی، خنثی نمودن توطئه ها و کودتاها و اندیشه های براندازانه دشمن، حراست از مرزهای کشور به بهترین وجه ممکن، بخشی از با اهمیت ترین دستاوردهای دفاعی انقلاب اسلامی ایران را در بر می گیرند.

از میان بردن بنگاه های فاسد اقتصادی مبتنی بر ربا و شرط بندی رژیم ستم شاهی، ضابطه مند نمودن اکتشاف، تولید و صادرات نفت، تلاش برای رهایی از اقتصاد تک محصولی، رشد و توسعه و راه اندازی هر چه بیشتر بنگاه های زودبازده اقتصادی، تلاش در جهت خودکفایی در تولیدات کشاورزی، ساخت سدها و مهار آب های روان و توسعه و راه اندازی نیروگاه های برق آبی، گسترش شبکه مخابرات و گاز حتی به صعب العبورترین روستاها، تشکیل تعاونی ها و حمایت از آنها به منظور نهادینه کردن فعالیت های اقتصادی جمعی، مهار تورم و افزایش بهره وری، جایگزین نمودن قدرت فکری جوانان به جای صنایع فاقد ارزش و بعضا مونتاز غربی، از شاخص ترین دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران به حساب می آیند.

4- علمی

پاکسازی محیط دانشگاه ها از عناصر وابسته به رژیم ستم شاهی و افکار غربی و الحادی آنان، توسعه کمی و کیفی دانشگاه ها، تلاش در جهت تحقق وحدت حوزه و دانشگاه، توجه به دانش های جدید و بنیادین همچون نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی، رشد ورود بانوان در مراکز علمی و پژوهشی همراه با رعایت شأن و منزلت آنان، ضابطه مند کردن اعزام دانشجو به خارج از کشور، افزایش کسب

رتبه های علمی در المپیادهای جهانی، کامل شدن چرخه تولید سوخت هسته ای در مقیاس آزمایشگاهی، بالا رفتن اعتبارات پژوهشی مراکز علمی، تنها بخشی از دستاوردهای علمی انقلاب اسلامی ایران را به خود اختصاص می دهند.

5- فرهنگی

برچیدن مظاهر فساد اجتماعی و اخلاقی رژیم ستم شاهی، پاکسازی عرصه های مهم فرهنگی (تلویزیون، رادیو، سینما، تئاتر، موسیقی، کتاب، مجله، روزنامه) از آلودگی و فساد، احیای منزلت و هویت مساجد به عنوان مکان پالایش روحی و تهذیب نفس، شناساندن قدر و ارزش واقعی زنان به دور از ناهنجاری های ملحدانه غربی، اتخاذ مواضع مناسب در برخورد با جریانات ضد فرهنگی در اقصی نقاط عالم، توجه دادن افکار عمومی به ظرفیت بالای فرهنگ اسلامی ایرانی، گسترش فرهنگ ایثار و شهادت، احیای نماز جمعه، امر به معروف و نهی از منکر، از جمله دستاوردهای برجسته انقلاب اسلامی ایران در حوزه فرهنگ می باشند.

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در جهت اهمیت حفظ انقلاب و دستاوردهای آن می فرماید: «و امروز بر ملت ایران، خصوصا و بر جمیع مسلمانان، عموما، واجب است این امانت الهی را، که در ایران به طور رسمی اعلام شده و در مدتی کوتاه نتایج عظیمی به بار آورده، با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع

لازم به ذکر است که نتایج عملی این انقلاب بیش از آن است که به ذهن انسان خطور کند. انقلاب اسلامی ایران اثرات بین المللی بسیار شایانی داشته است، به طوری که در ملل محروم دنیا روحیه قدرت به وجود آورده است و ممالک مسلمان را به تحرک و فعالیت و نهضت واداشته است و برعکس استعمارگران دنیا را به بن بست کشانیده و منافع آنها را در خاورمیانه به خطر انداخته است و در عوض با نهضت های آزادی بخش جهان به خصوص نهضت های اسلامی مساعدت و همکاری برقرار نموده و همه اینها آغاز راه است؛ زیرا هدف نهایی این انقلاب ایجاد حکومت الهی واحد در سراسر جهان می باشد؛ حکومتی که در آن، همه انسان ها در سایه عدل الهی و در پناه اخوت ایمانی زندگی کنند. حکومتی که در رأس آن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اداره امور مردم را بر عهده بگیرد. انشاء الله.

انقلاب اسلامی ایران الگوی رهایی همه ملت ها

انقلاب اسلامی ایران بر اساس فرهنگ غنی قرآن و سنت بنیاد نهاده شده و بر این فرهنگ، استوار است. پس بدیهی است که همه آموزه های انقلاب اسلامی ایران از قرآن و سنت سرچشمه می گیرد. محتوای دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله در قرآن کریم چنین بیان شده است:

ص: 184

1- حضرت امام خمینی وصیت نامه سیاسی - الهی، تدوین علیرضا اسماعیلی، مؤسسه چاپ و نشر عروج، 1375، ص 23.

الف - دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله ، با فرمان عقل کاملاً سازگار است، به نیکی ها و آنچه خرد آن را می شناسد و نزدش معروف است دعوت می کند و از بدی ها و زشتی ها و آنچه خرد، ناشناسان می شمرد نهی می نماید. محتویات دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله با عقل و خرد سازگار است؛ زیرا او دعوت به معروف و نهی از منکرات و زشتی ها می کند. این موضوع با مطالعه تعلیمات ایشان به خوبی روشن است.

ب - دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله با فطرت سلیم هم آهنگ است، طیبات و آنچه را طبع سلیم می پسندد برای آنها حلال می شمرد و آنچه خبیث و تنفر آمیز می باشد بر آنها تحریم می کند.

ج - پیامبر صلی الله علیه و آله بسان مدعیان دروغین نبوت و رسالت که هدفشان به زنجیر کشیدن توده های مردم و استبداد و استعمار و استثمار آنها است، نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها بندی بر انسان ها نمی گذارد بلکه بارها را از دوش آنان بر می دارد و غل و زنجیرهایی را که بر دست و پا و گردنشان سنگینی می کند، می شکند. اگر او از طرف خدا نبود، حتماً به خاطر منافع خودش دست به چنین کاری نمی زد. نه تنها نباید غل و زنجیرها را از مردم بگشاید بلکه باید آنها را همچنان در جهل و بی خردی نگه می داشت تا بهتر بتواند آنها را استثمار کند؛ ولی پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف خدا آمده است.

انقلاب اسلامی ایران هم بر اساس اعتقاد به مبانی فوق، پایه گذاری شد و سرانجام به پیروزی رسید و به همین سبب پیام انقلاب اسلامی ایران به همه ملت های در بند جهان برای رسیدن به نجات و رهایی،

لیک گفتن به تعالیم و دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.

جوهره و ماهیت انقلاب اسلامی ایران

آنچه به عنوان یک عنصر کلی و اساسی باید در مجموعه انقلاب اسلامی و آرمان ها و اهداف و شعارهای آن در نظر گرفت و هرگز از آن غافل نشد «عنصر فرهنگ اسلامی» است، که خود جوهره اسلام می باشد و امور دیگر نتایج و ثمراتی است که بر فرهنگ مترتب می شود.

منظور از فرهنگ هم همان معنایی است که مقام معظم رهبری (دام ظلّه) در یکی از بیانات خود صریحاً فرمودند که منظور ما از فرهنگ، الهجه و هنر و رقص و این چیزها نیست، منظور ما از فرهنگ، اعتقادات و اخلاق و به تعبیر دیگر باورها و ارزش ها است. زمانی یک جامعه، جامعه اسلامی، یک دولت، دولت اسلامی و یک نهاد، نهاد اسلامی است که بینش آنها که منشأ حرکت است، بینش اسلامی و مبتنی بر باورهایی باشد که اسلام بر آنها تأکید دارد و اساس اسلام را تشکیل می دهد. اگر این را باور کردیم و سعی کردیم که چنین فرهنگی را ترویج کنیم، کار ما تلاشی است در جهت اسلامی شدن جامعه، عدالت، گسترش تعالیم الهی، رفع تبعیض و امثال اینها.

بی شک برجسته ترین اهداف انقلاب اسلامی ایران را می توان همان اهداف امام حسین علیه السلام از قیام خود دانست. به عبارت دیگر ماهیت و آرمان ها و عصاره آرمان های انقلاب اسلامی همان ماهیت و

اهداف و آرمان های متجلی در بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ولایت ائمه

طاهرین علیهم السلام و اهداف متعالی عاشورایی سید الشهداء علیه السلام و برترین اعمال ناشی از انتظار فرج می باشد. که می توان گفت: آزادی پیام زیبایی توحید است که همه انبیا و اولیای خداوند، رسولان پیام آزادی انسانیت انسان ها بوده اند و برای رهایی بشر از انواع اسارتها مبعوث شده اند.

انقلاب اسلامی ایران نیز در راستای بعثت انبیاء با ارمغان آزادی و کرامت انسان ها به میدان مبارزه با طاغوت ایران زمین آمد و با سرنگونی آن، آزادی الهی و فطری و مشروع همه شهروندان کشور بزرگ ما را احیا نمود.

از دیگر اهدافی که امام حسین علیه السلام داشت و انقلاب اسلامی ایران هم به دنبال آن است، موارد زیر را می توان بیان کرد:

ایجاد اصلاح در امور امت اسلامی؛

اجرای فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر؛

تحقق بخشیدن به سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ؛

تحقق بخشیدن به سیره امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛

بازگرداندن نشانه های محو شده دین خدا؛

انجام اصلاح اساسی و آشکار و تحولی بنیادین و عمیق در اوضاع زندگی خلق خدا؛

امان یافتن بندگان مظلوم خدا از شر ظالمان و ستمگران و تحقق امنیت همه جانبه؛

ص: 187

بر پا داشتن مقررات تعطیل شده خدا و اجرای قانون های نقض شده اسلام؛

نفی شرک و چندگانه پرستی در اشکال مختلف آن و حاکمیت بخشیدن به توحید و یگانه پرستی ؛

اجرای قسط و عدالت در ابعاد مختلف آن و رشد و تقویت معارف اعتقادی همراه با معنویت عمیق و راستین.

انقلاب اسلامی ایران رویدادی عظیم و پرجاذبه

انقلاب اسلامی ایران ادامه دهنده خط و حرکت الهی پیامبران است و ریشه اصلی آن در اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و تشیع علوی و عاشورای حسینی علیه السلام و انتظار مهدوی است. لذا امامت و ولایت که ملاک حقانیت دیانت است از عناصر ذاتی و اختصاصی انقلاب اسلامی ایران می باشد، که در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در ولایت فقیه تبلور یافته است و با پیروزی این انقلاب الهی، دینی و معنوی ولایت الهی جایگزین ولایت طاغوتی شد. انقلاب اسلامی ایران نقطه عطفی در تاریخ اسلام و رویدادی مهم در این آئین توحیدی است؛ زیرا نشان داد که اسلام پس از گذشت هزار و چهار صد سال، همچنان می تواند انقلابی عظیم برپا کند و در افکار و اندیشه ها،

نظام ها و سیستم ها، در برخوردها و ارتباط ها در سطح جوامع و عمق جان ها، تحولات شگرف و تعیین کننده ایجاد نماید.

انقلاب اسلامی ایران با پیروزی خود نه تنها بر مکاتب باطل

کمونیسم و لیبرالیسم خط بطلان کشید بلکه سکولاریسم و اندیشه منحط و ارتجاعی جدایی دین از سیاست را نیز افشا و رسوا نمود و ثابت کرد اسلام پیوسته زنده و حرکت آفرین و بیدارگر است و قدرت اداره بشریت در همه ابعاد فردی، اجتماعی، تربیتی، سیاسی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی را دارد.

انقلاب اسلامی ثابت کرد که اسلام با پیشرفت و تمدن مخالف نیست؛ با سیاست و اقتصاد مخالف نیست؛ با کار و تلاش و سازندگی دنیا مخالف نیست؛ با حکومت مخالف نیست؛ با علم و صنعت مخالف نیست؛ با شعر و ادبیات و هنر مخالف نیست؛ بلکه اسلام در پی تعالی و سعادت بشریت در همه ابعاد و حوزه های زندگی اوست. اسلام در پی تکامل مادی و معنوی بشریت است، تعالی و تکاملی همه جانبه، متعادل، ارزشی، انسانی، همراه با معنویت و عدالت و کرامت همگان.

انقلاب اسلامی ایران واقعه ای سرنوشت ساز در کشور کهن سال ماست؛ زیرا با ریشه کن کردن یکی از قدیمی ترین رژیم های فرد پرستی شاهنشاهی، نظام توحیدی که همان وحدت کلمه بر اساس کلمه توحید است را به ارمغان آورد. و آن را الگوی دیگر ملل محروم و در بند جهان ساخت.

انقلاب اسلامی ایران در تاریخ معاصر جهان نیز رویدادی عظیم و پرجاذبه است؛ زیرا با گذر از مرزبندی های جغرافیایی در هر دو قطب مستکبرین و مستضعفین تحولاتی پدید آورد. همچون زلزله ای مهیب

کاخ مستکبرین را به لرزه در آورد و مانند نسیمی خنک، دل و روح مستضعفین را نوازش داد. از آن پس رویدادهای ایران اسلامی بیشترین حجم اخبار منتشره از سوی خبرگزاری های جهان را به خود اختصاص داد و مناسبات و روابط جهانی و معادلات سیاسی و اجتماعی جهان را به زیر تأثیر انکارناپذیر خود گرفت. (1)

انقلاب اسلامی ایران و مردم سالاری دینی و محرومیت زدایی

یکی از ریشه های مهم عقیدتی در انقلاب های اسلامی، احساس وظیفه اسلامی است که در عمق جان هر مسلمان جای دارد و چنانچه همه جهانیان مشرک شوند و یا در مقابل ظلم ساکت بمانند، او خود را موظف می داند که با حرکت و رفتار و گفتار و درون دل خویش با ظلم و بی خدایی بجنگد و بر حسب موقعیت و به اندازه توان به مقابله با فساد و تباهی برخیزد و اگر نتوانست حداقل این است که در مقابل بدکاران، چهره خشمگین و ناخشنود داشته باشد و به دل، آنها را انکار و طرد نماید.

حضور مردم در همه عرصه های انقلاب اسلامی ایران یکی از مهم ترین ارکان پیروزی و تداوم انقلاب پرشکوه ایران است به طوری که بی شک مردمی ترین نظام سیاسی جهان در عصر ما نظام جمهوری اسلامی ایرانمی باشد. مردم بیدار و آگاه ایران اسلامی از مرحله آغاز نهضت و پیروزی و استقرار نظام و سپس انتخاب مسئولان و انجام

ص: 190

همه پرسی نظام جمهوری اسلامی ایران و انتخاب خبرگان قانون اساسی و شرکت در نظر خواهی پیرامون قانون اساسی و انتخاب رهبر، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، نمایندگان خبرگان رهبری و انتخاب اعضای شوراهای اسلامی شهر و روستا پیوسته حضور فعال داشته و دارند؛ به طوری که می توان گفت قوی ترین نقطه قوت و اتکا و حفظ استقلال و امنیت همه جانبه جمهوری اسلامی ایران همین حضور فعال، آگاهانه و متعهدانه همه اقشار ملت ایران در حمایت از اصل نظام و اصل حکومت و دولت اسلامی ایران و پاسداری از آب و خاک و فرهنگ کهن و عمیق و ریشه دار ایران می باشد.

همان طور که گفته شد انقلاب اسلامی ایران با همت و وحدت و اتحاد مردم، حول محور رهبری امام خمینی رحمه الله به پیروزی رسید. نظام سیاسی کشور، جمهوری اسلامی است، جمهوری همان مردم سالاری است. حضور مردم در همه عرصه ها و صحنه های انقلاب و نظام اسلامی جای هیچ تردیدی باقی نگذاشته است که مردمی ترین حکومت در دنیا، جمهوری اسلامی ایران است.

حضور مردم، خشم انقلابی مردم، اطاعت پذیری مردم، فداکاری مردم، ایثار مردم، شهادت طلبی مردم و خلاصه، مردم و رأی مردم و آراء مردم، همه دلالت بر حاکمیت مردم سالاری در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دارد. مردم خواهان اسلام و حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی و عاشق و پیرو ولایت فقیه بوده و هستند تا

احکام اسلامی و قرآنی اجرا شود، و فقر و محرومیت و استضعاف برچیده شود، قوانین شرعی اجرا گردد و در سایه آن حق و عدالت پیاده گردد، همان چیزی که هدف بعثت است. قیام مردم به قسط و عدل خواسته مردم بزرگوار ایران و امام خمینی رحمه الله از تلاش برای پیروزی انقلاب، نفی طاغوت و تحقق توحید و عدالت بوده است. حکومت بندگان صالح خدا غایت این انقلاب الهی است و برداشتن بارهای سنگین از دوش مردم هدف این نظام مقدس توحیدی است. نجات مردم محروم و مظلوم از هرگونه محرومیت و هر نوع ظلم، آرمان شهدای انقلاب و امام شهیدان بوده است؛ نفی تمرکز ثروت و تکاثر اموال و اجرای اصل اعتدال و عدالت اجتماعی، انگیزه اصلی انقلابیون مسلمان و پیرو امام خمینی رحمه الله به شمار می رفته و محرومین پشتوانه و پایگاه اصلی انقلاب اسلامی بوده اند، همان ها که حضرت امام رحمه الله آنان را ولی نعمت نامیدند.

لذا بدیهی است تحقق عدالت اجتماعی اصلی ترین شاخص اسلامی بودن حکومت است و محرومیت زدایی نیز بدون تحقق عدالت اجتماعی حاصل نمی شود. باید روحیه انقلابی مردم و مسئولان تقویت و حفظ شود؛ زیرا بدون روحیه انقلابی و بدون ایثارگری، تعدیل اقتصادی و محرومیت زدایی انجام نمی گیرد و به سامان نمی رسد.

یکی از مهم ترین آرمان های انقلاب اسلامی ایران که برگرفته از بعثت انبیا و قرآن و سنت و همه اهل ایمان است، اقامه عدل و قسط و

تأمین عدالت اجتماعی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی و سیاسی و غیره در تمام سطوح جامعه می باشد؛ و در همین راستا فراهم آوردن رفاه و آسایش عمومی و تحقق کفاف و عفاف در معیشت مردم و در زندگی برای همگان، دادن سهم ها و بهره های افراد به آنان، افزایش و توزیع عادلانه درآمدها و ثروت ها و تأمین نیازهای اساسی امت است. و انقلاب اسلامی باید در مسیر عدالت اجتماعی مستحکم تر گام بردارد؛ زیرا تحقق عدالت اجتماعی نتیجه نهایی انقلاب اسلامی است و بدون عدالت اجتماعی، انقلاب به نتیجه نهایی خود نرسیده است.

باید دانست اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه های معنویت و اخلاق و دیانت متزلزل خواهد شد. پس همگان باید تلاش کنند تا معنویت توأم با عدالت در همه سطوح جامعه برقرار شود.

امیرالمؤمنین علیه السلام پیشوای اول مکتب شیعه، مظهر عدالت، بلکه شهید راه مبارزه با قاسطین و ضد عدالت ها است. سید الشهداء علیه السلام یکی از اهداف قیامش را عمل نکردن یزیدیان به حق و عدالت دانسته است و آرمان مهدویت و انتظار، چیزی جز توحید، حق و عدل نیست.

مقام معظم رهبری (مدظله) این دهه را دهه پیشرفت و عدالت نامیده و بر همه مسلمانان و بر همه ایرانیان و همه شیعیان و خاصه همه پیروان امام رحمه الله و رهبر معظم انقلاب فرض عین است که در عمل، گفتار و نوشتار و امر و نهی خود مسئله جوهری عدالت را که روح

حکومت اسلامی است، احیاء، نشر و آموزش و یادآوری و اجرا نمایند.

به امید روزی که فقر و محرومیت و استضعاف در کشور عزیز ایران و در ظل حکومت توحیدی جمهوری اسلامی ایران وجود نداشته باشد.

انقلاب اسلامی ایران، وحدت و احیای ارزش های قرآن و عترت

همان طور که گفته شد، انقلاب اسلامی ایران ادامه دهنده خط و حرکت بعثت انبیا و پیامبران است، اگر بعثت را انقلاب بدانیم پیامبران رهبران انقلاب توحیدی می باشند. رهبرانی که با بعثت و انقلاب خود جوامع را به وحدت و اتحاد دعوت و با اختلاف و تفرقه مبارزه کردند. در این میان پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله با آیین جهانی اسلام تا ابد ندای وحدت و همبستگی را به گوش جهانیان رسانیده، اختلاف را حربه شیطان و برادری و وحدت را معیار ایمان خوانده است.

از افتخارات بزرگ ملت شیعه و ولایت مدار ایران این بوده است که پیوسته حول محور قرآن و عترت علیهم السلام زیسته اند. اساس اندیشه تشیع اعتقاد عمیق به این باور است که پس از وجود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تمسک و اعتصام به قرآن و اهل بیت علیهم السلام تنها راه سعادت و فلاح و رستگاری در دنیا و آخرت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مکان های متعددی فرموده است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَعِترَتِي». لذا ما شیعیان که افتخار تولای ائمه اطهار علیهم السلام را داریم،

پیروی از قرآن و عترت علیهم السلام را لازم و ملزوم همدیگر می دانیم و هیچ یک را از دیگری جدا نمی دانیم، و با کمال افتخار معتقد به تعظیم قرآن و تعظیم عترت علیهم السلام هستیم و مقصود از این تعظیم اطاعت و پیروی از قرآن و عترت علیهم السلام است، سرمشق قرار دادن قرآن و عترت علیهم السلام است و محبت و دوست داشتن قرآن و عترت علیهم السلام است و بر این اساس بوده که غدیر و عاشورا، امام صادق علیه السلام و امام باقر علیه السلام و امام رضا علیه السلام و انتظار و مهدویت بزرگ ترین نقش را در افکار و اعمال و انگیزه ها و آرمان های ما داشته است.

و بر این اساس، روحانیت بزرگوار شیعه در طول تاریخ، فرهنگ قرآن و اهل بیت علیهم السلام را زنده نگه داشته است و سرانجام بر اساس همین فرهنگ امام راحل رحمه الله انقلاب عظیم و شکوهمند اسلامی ایران را پایه گذاری نموده و به پیروزی رساند و حکومت جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بزرگترین ارمغان انقلاب تأسیس نمود.

بنابراین تمام هویت ما قرآن و عترت است. تمام عزت و افتخار دنیا و آخرت ما قرآن و عترت علیهم السلام است تا آنجا که معتقدیم عامل ارتجاع و قهقرای اکثریت امت اسلامی به سبب جدایی انداختن میان قرآن و عترت علیهم السلام می باشد، زیرا این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله است که اگر می خواهید گمراه نشوید باید به قرآن و عترت تمسک جوید. پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر این صدها ارزش دیگر را به بشریت تقدیم کرده، وفاداری، ایثار، محبت، زهد، تقوا، طهارت، تواضع، ادب، عبادت، رعایت حقوق دیگران، امر به معروف، نهی از منکر، جهاد، حق طلبی،

عدالت خواهی، ظلم ستیزی، توبه، بخشش، عزت، کرامت، انصاف، علم، ایمان، امانت داری، عفت، حیا، حجاب، صداقت، تعاون بر خوبی، مشورت، انفاق، و ده ها مورد دیگر که همه ارزش های متعالی اسلام هستند و پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همگان را به داشتن، کسب و تقویت آنها در فرد و جامعه دعوت کرده و از اضداد آنها، همگان را نهی کرده و بر حذر داشته اند.

انقلاب اسلامی ایران نیز در راستای همین ارزش ها به وجود آمده است. ارزش هایی چون رسیدن به حق و عدل و عزت و استقلال و محبت و ایمان و پاکی و عبودیت خدا و نفی کامل طاغوت، اساس تکوین و پیروزی انقلاب اسلامی ایران هستند و استمرار انقلاب نیز بر همین اساس استوار است.

وحدت اسلامی، وحدت دینی و وحدت ملی یکی از ارکان انقلاب به شمار می آید، وحدت و اتحاد، استحکام می آورد، بیداری و تحرک می آورد، عزت و اقتدار می آورد. ندای ملکوتی امام و رهبری پرهیز از اختلاف و تفرقه بوده و هست، دعوت به اخوت و همدلی و اتحاد و یکپارچگی بوده و هست. تفرقه ندای شیطان است، اختلاف نقشه شوم استعمار است. فرمان خدای بزرگ (جل جلاله) دعوت قرآن و سنت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بر وحدت مبتنی است، ائمه بزرگوار علیهم السلام نیز همگان را به وحدت فراخوانده اند. وحدت پیام همه مصلحان و خیرخواهان است.

ملت بزرگوار ایران اسلامی نیز با پیروی از همین دعوت

رهایی بخش، گرد شمع وجود امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب مجتمع شدند و به آزادی و استقلال رسیدند و انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند.

ایرانیان غیرتمند با حریت و برادری، با همیاری و تعاون اجتماعی، با مشارکت عمومی و مسئولیت پذیری همگانی، برای خود و آینده کشور و فرزندان خود عزت آفرین شدند.

ایرانیان بیداردل هر ندای تفرقه آمیز را شیطانی می دانند، هر دعوت اخلاف انگیز را استعماری می خوانند و با کمال بصیرت بر چنین دعوت ها و دعوت کننده هایش پاسخ منفی می دهند.

وحدت، همدلی، اجتماع، جماعت و حضور، حضور در صحنه، هر صحنه ای که انقلاب را تحکیم می بخشد، یکی از سنت های زیبای ایرانی عزتمند پس از انقلاب تاکنون شده است.

آری به حق انقلاب ما، انقلاب ارزش ها بوده است. ارزش هایی ایمانی، قرآنی، اسلامی، انسانی، فطری، بیدارگر و عزت آفرین، استقلال آفرین، هویت بخش، ارزش هایی که اینک هر ایرانی آگاه و با بصیرت به آن ها افتخار و مباهات می کند.

انقلاب اسلامی، ایمان، جهاد، پایداری، ایثار، شهادت

ایمان، کانون دین داری در وجود انسان است، ایمان، از انسان دین دار مجاهد فی سبیل الله می سازد. فردی صبور و صابر در مقابل مشکلات و مصائب می سازد. ایمان است که مجاهدان و شهیدان و

یاوران امام خمینی رحمه الله را در مسیر پیروزی انقلاب اسلامی موفق نمود. ایمان و جهاد و شهادت است که اساس طاغوت را ویران کرد و استکبار جهانی را به عجز و عقب نشینی وادار کرد. در سایه ایمان، شجاعت و ایثار جلوه گر شد و دارندگان این فضایل، منادیان آرمان های مقدس انقلاب اسلامی شدند. شهدای بزرگوار انقلاب اسلامی و دفاع مقدس جانبازان عزیز و ایثارگران شریف در سایه ایمان، الگوهای همیشه جاوید مقاومت تا پیروزی شدند و استوانه های مستحکم و حامیان حقیقی و ثابت قدم انقلاب اسلامی و اسوه های صبر و پایداری گشتند. تداوم و استمرار انقلاب اسلامی وابسته به وجود و استمرار و تقویت روحیه ایمان، جهاد و شهادت است. از همین جهت، تجلیل و تکریم شهیدان و ایثارگران تکلیفی اسلامی، انسانی و انقلابی است که موجب دمیدن روحی تازه در کالبد انقلاب اسلامی خواهد شد.

ایمان یعنی انجام واجبات و دوری از محرّمات. ایمان یعنی صدق و وفای به عهد و ادای امانت. ایمان یعنی رازداری، صبر و مدارا با مردم. جهاد یعنی راه عزت و عظمت یک امت. جهاد مایه روشنی چشم پیامبر صلی الله علیه و آله است. بهشت دری دارد که تنها به روی مجاهدان باز است. گردش امت مسلمان را پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در جنگ و جهاد دانسته است. یکی از تعالیم بسیار ارزشمند دین مبین اسلام و قرآن کریم و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام که عالی ترین جلوه آن حادثه شکوهمند و

حماسه آفرین عاشورای حسینی است، آموزه‌هایی بخش‌ایثار و جهاد و شهادت می‌باشد.

انقلاب اسلامی ایران نیز از آغاز بر اساس این آموزی ارزشمند و در قالب امر به معروف و نهی از منکر در مراتب مختلفش شکل گرفت. قرآن کریم همگان را به توأصی به حق و توأصی به صبر دعوت می‌کند.

امام راحل رحمه الله بر اساس همین دعوت قرآنی، ملت بزرگ ایران را دعوت کرد که با استعمارگران مبارزه کرده و از احکام و قوانین آنان تخلف نمایند.

امام راحل رحمه الله، وظیفه ملت غیور ایران را این می‌دانست که از منافع آمریکا و اسرائیل در ایران جلوگیری کرده، آن را مورد هجوم قرار دهند و در راه استقلال و ریشه کن کردن سرطان استعمار، هم فکر و هم پیمان شوند. امام رحمه الله می‌فرمود: «انظلام نکنید، انظلام (تن به ظلم دادن) از ظلم بدتر است. بگوئید، استنکار کنید. برای فرار از مسئولیت عذر تراشی و بهانه جویی نکنید. در مقابل ستمکاران سکوت نکنید و هرگز مأیوس نشوید. باید ایستادگی کرد و با قدرت روحی و عزمی قوی و با استقامت و ایستادگی و اظهار حقایق و فریاد مظلومانه به وحشی‌گری‌ها و آدم‌کشی‌ها و قانون شکنی‌ها و دیگر جنایات دستگاه جبار اعتراض کنید».

بر اساس همین تعالیم عزت آفرین عاشورایی و حسینی بود که هشت سال دفاع مقدس در تاریخ شکوهمند انقلاب اسلامی ایران به

عالی ترین نماد ایثار، جهاد و شهادت تبدیل گردید. ایثار و جهاد و شهادت موجب قرب الهی می گردد و جهاد و شهادت قداستی دارد مافوق همه قداستها. نیکی دیگری مافوق شهادت وجود ندارد. گناهان شهید آمرزیده می شود؛ از لباس های بهشتی می پوشد و سرانجام شهید به وجه الله نظر می کند و نظر کردن به وجه الله برای هر شهیدی مایه آرامش است. مجاهد فی سبیل الله اگر کشته شود شهید است و اگر زنده بماند، اجرش بر عهده خداوند است و از گناهان خارج گردیده، فیض الهی او را فرا می گیرد. پس از اسلام آوردن و مسلمان شدن، جهاد در راه خدا برترین اعمال است. مجاهد مؤمن، فردی است که از محرّمات خود را حفظ کرده، واجبات را انجام می دهد آنگاه برای چنین مسلمانی، جهاد برترین اعمال به شمار می آید.

خداوند دین را به وسیله جهاد آشکار ساخته و به وسیله آن از دین دفاع نموده است و به سبب آن، جان و مال مؤمنان را در مقابل بهشت خریداری کرده است. جهاد موجب عزت و شرف مؤمن است و تمام نیکی ها در سایه جهاد به دست می آید و انقلاب اسلامی ایران عالی ترین محصول ایمان، جهاد و شهادت در عصر حاضر می باشد. محصولی بی نظیر که پیامد ایمان و جهاد مؤمنان و مجاهدانی نستوه همچون امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مدظله) بوده و از مسیر شهادت، شهیدانی بزرگ همچون شهدای محراب، شهید مطهری شهید بهشتی، شهید مفتاح و هزاران شهید و مجاهد و مؤمن دیگر

پیروز گردیده و به نام خدا و اسلام و قرآن و ولایت، اینک در جهان نورافشانی می کند. شهدای روحانیت، شهدای ارتش، شهدای سپاه، شهدای بسیج، شهدای کارگر، شهدای کشاورز، کارمند، استاد، دانشجو، معلم، فرهنگی، دانش آموز، شهدای نیروی انتظامی، شهدای دولت، شهدای مجلس، و ده ها، بلکه صدها قشر دیگر جامعه همه مفتخرند که در قشر آنها و در صنف آنها شهیدان و الامقامی وجود دارد که تقدیم اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران گردیده اند.

به همین دلیل است که همه جوامع و انسان ها و همه مسلمین و همه ملت بزرگوار ایران مدیون شهدا هستند، زیرا شهید، با ایمان و هجرت و جهاد خود بیدارگر، حماسه آفرین و احیاگر است. همه اولیاء الهی آرزومند شهادت بوده اند، زیرا شهادت اوج تکامل یک مؤمن است. شهادت بالاترین درجه عمل صالح است. شهادت افشاگر جریانات غلط، باطل، انحرافی و نامطلوب است و یکی از اسرار زنده بودن شهید و شهادت همین است. قرآن کریم، شهدا را زندگانی می داند که در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند. انقلاب اسلامی ایران از یک جهت مدیون ایثار و جهاد و شهادت است و همین ایثارها و جهادها و شهادت ها، انقلاب را بیمه کرده و تا فرهنگ جهاد و شهادت و ایثار و فداکاری که همان فرهنگ کربلا و عاشورا است در میان ملت ما زنده و پویا می باشد، هیچ آسیبی به کیان این انقلاب الهی و نظام مقدس جمهوری

اسلامی ایران وارد نخواهد شد. پس بر همگان واجب است که پیوسته از این فرهنگ معنوی، الهی و پویا به هر شکلی که می توانند دفاع و پاسداری نمایند.

انقلاب اسلامی ایران و بیداری و وحدت اسلامی، حمایت از مستضعفان و استکبارستیزی

رکن هر حرکت و تحول انقلابی از جمله انقلاب اسلامی ایران بیداری و آگاهی عمیق و همراه با بصیرت مردم می باشد. آگاهی و بصیرت نسبت به واقعیت ها و اهداف و آرمان ها و مقاصد دینی و اعتقادی به گونه ای که این آگاهی موجب پیروی از رهبران دینی و مکتبی شده، همگان را حول محور آن رهبریت برجسته و بر اساس تعالیم مکتب و ارزشها و اهداف مشترک به وحدت و همدلی می رساند. هم چنانکه ملت سلحشور ایران بر اساس تعالیم نورانی اسلام و مکتب اهل بیت علیهم السلام حول محور شخصیت معنوی و روحانی و مذهبی و انقلابی امام راحل رحمه الله اجتماع کرده، به وحدت رسیدند و با لبیک به ندای آن بزرگوار که همان ندای پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و قرآن و ائمه اطهار علیهم السلام و ندای امام حسین علیه السلام در کربلا بود، توانستند یک نظام مستکبر تا بن دندان مسلح را که مظهر کامل استبداد داخلی و نمود عینی وابستگی به استعمار خارجی بود را به زانو در آورده و از پای در آورند و دل و جان و روح مستضعفان جهان را شاد نمایند.

آری به قول حضرت امام رحمه الله: «اگر مسلمان ها با هفتصد میلیون

جمعیتی که دارند با هم بودند، آمریکا نمی توانست از این غلطها بکند. اگر مسلمان ها با هم بودند چهارتا یهودی نمی توانست با کمک آمریکا این قدر بر آن ها بتازد. دست اتحاد و برادری به هم بدهید تا زنده بمانید، تا احکام خدا پایدار بماند. لازم است از اختلافات داخلی جده احتراز کنید و کسانی را که به اختلافات دامن می زنند تقبیح نمایید. اسلام پشتیبان همه مستضعفان جهان است. اسلام برای همه است. مهم ترین ویژگی این نهضت که اسلامی است این است که مبین خواسته های مستضعفین است. یکی از اهداف مهم اسلام حمایت از طبقه محروم و نجات آنها از چنگال مستکبران است. این پابرهنه ها بودند که فریاد کردند و جوان دادند و خون دادند و پیروز شدند. همین کارگر، کشاورز و نظایر اینها هستند که مملکت را نجات دادند. شما طبقه جوان و برومند و زاغه نشین بر آن اشخاص کاخ نشین شرافت دارید و شما باید که اسلام را حفظ کردید و نهضت را پیش بردید. این طبقه محروم چه دانشگاهی و چه روحانی و چه دیگران و کارگرها بودند که این طور با وحدت کلمه و بانگ الله اکبر پیش بردند. مستضعفین محبوبان درگاه باری تعالی، چهره های نورانی اسلام، یاوران صدیق دین خدا و وارثان حقیقی زمین بوده و اولیاء نیز جزء همین ها هستند. علمای اسلام موظفند دشمن ستمگر و پشتیبان ستم دیده باشند و با انحصارطلبی و استفاده های نامشروع ستمگران مبارزه کنند. اقلیت های حاکم و دستگاه های حکومتی جابر مانع این هستند که مظلومان و محرومان و گرسنگان عالم به حق خود برسند. این

امیرالمؤمنین علیه السلام است که می فرماید: من حکومت را به این علت قبول کردم که خداوند تبارک و تعالی از علمای اسلام تعهد گرفته و آنها را ملزم کرده که در مقابل پرخوری و غارتگری ستمگران و گرسنگی و محرومیت ستمدیدگان ساکت ننشینند و بیکار نایستند».

انقلاب اسلامی ایران، انتظار فرج و زمینه سازی حکومت جهانی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

مکتب نورانی تشیع مفتخر به پیروی از قرآن و عترت است؛ مفتخر است که راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سنت و سیره پاک آن حضرت را و برگزیده و طبق حدیث شریف ثقلین، پس از وجود مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به قرآن و عترت تمسک نموده است. در همین راستا، به صاحب غدیر حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اقتدا کرده است؛ ولایت و امامت امامان از عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله را به جان و دل پذیرفته و بر آن پذیرش افتخار می نماید.

انقلاب اسلامی نیز از جهتی محصول قرآن و نبوت است و از جهت دیگر دستاورد پیروی از عترت و اهل بیت علیهم السلام است. همان طور که از جهتی دیگر نتیجه انتظار فرج می باشد. پیوند عاشورا و انقلاب اسلامی از بدیهیات است، کربلاهای مکرر ایران اسلامی گواهی آشکار بر این مدعا است. مسیر و روند انقلاب اسلامی ایران همیشه در محرم و صفر شتابان تر، عمیق تر، وسیع تر و گسترده تر می شده است.

اولین جرقه های انقلاب اسلامی از مساجد و منابر و از مراسم مذهبی آغاز گردید و پانزده خرداد سال 42 مصادف با محرم بود. شعار انقلاب اسلامی، پیروزی خون بر شمشیر بوده، شعاری که از عاشورای سیدالشهدا علیه السلام گرفته شده است. آرمان های انقلاب اسلامی، آرمان های برگرفته از قرآن، عترت و مهدویت است، آرمان های برگرفته از قیام اباعبدالله علیه السلام است. نفی طاغوت، نفی ذلت، نفی زندگی همراه با ستم و ظلم، استقبال از مرگ، شجاعت، ایثار، سبقت در مبارزه با طاغوت، عزت طلبی، توبه های حُرگونه، پشت کردن به طاغوت، روی آوردن به صف و خط امام خمینی رحمه الله در جهت تحقق قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سنت اهل بیت علیهم السلام، همه از قیام سیدالشهدا علیه السلام است که در نهضت امام خمینی رحمه الله تأثیر عمیق داشت.

یکی از ارزش های بسیار والای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام، اعتقاد به مهدویت و ارزشمند دانستن انتظار فرج می باشد. انتظار فرج، وظیفه عینی هر شیعه ای است، انتظار فرج به معنی راستین آن، مسئولیت پذیر بودن، تحرک و بیداری و بیدارگری، امر به معروف و نهی از منکر، توبه کردن و اصلاحگری و مبارزه و جهاد در راه خدا و در راه دین و مذهب است.

انتظار فرج، زمینه سازی است، پاک سازی فردی و جمعی، تبلیغ و نشر اندیشه قرآن و عترت است؛ و همه اینها در عمل به رهبری فقیهی برجسته، مبارز و انقلابی، موجب برپایی انقلاب اسلامی ایران

و در نهایت پیروزی آن گردید.

انتظار فرج به معنی معقول آن، عمل به تکالیف شرعی، اقامه نماز و اقامه عدل و قسط، اجرای احکام نورانی قرآن، پیروی از فقهای بزرگوار و پیروی از ولایت فقیه و تقویت و حمایت جدی از انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی دقیقاً در راستای انتظار فرج حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف جان گرفت و در پرتوی انقلاب اسلامی ایران فرهنگ انتظار به شکل خالص و واقعی خود احیاء گردید. مفهوم محرک و سازنده انتظار به برکت انقلاب روحی تازه در کالبد جامعه ایران اسلامی دمید. روحی سرشار از امید به آینده، روحی که هرگز در برابر مصائب و مشکلات به ظاهر سنگین مأیوس نمی شود، بلکه آبدیده تر، زنده تر، محرک تر و کوشا تر می گردد.

در کنار همین بیداری و جهاد و کوشش است که فرهنگ مهدویت توسعه می یابد و به تدریج همگان بر اساس این فرهنگی تربیت می شوند. تربیتی که غایت آن پذیرش یک حکومت واحد جهانی است. بنابراین حکومت جمهوری اسلامی ایران که بر اساس ولایت فقیه استوار می باشد، حکومتی است که عالی ترین رهبریت آن به نیابت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، رهبریت جامعه اسلامی را به عهده دارد. در نتیجه مشروعیت ولایت فقیه در نظام جمهوری اسلامی ایران ناشی از اتصال و ارتباط طولی این حکومت و این نوع از ولایت با ولایت ولی مطلق خدا (جل جلاله) یعنی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. و بدیهی است که چنین حکومتی زمینه ساز حکومت جهانی

ص: 206

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود ان شاء الله. همه ارکان چنین حکومتی باید در این جهت افکار و آمال و برنامه های خود را هماهنگ نمایند و در اعمال و امور اجرایی خود به خصوص در زمینه های گوناگون فرهنگی به این مهم توجه نمایند و پیوسته فرهنگ مهدویت را بسط و گسترش دهند تا به تدریج همگان اعم از مسلمان و غیر مسلمان، ایرانی و غیر ایرانی، شیعه و غیر شیعه با حقیقت ناب عدالت مهدوی و حکومت مهدوی آشنا شده و به آن دل بسته و علاقمند شوند به طوری که همگان طالب ظهور آن حضرت باشند.

انقلاب اسلامی ایران و رشد و شکوفایی فرهنگ و هنر اسلامی ایرانی

از آنجایی که انقلاب اسلامی ایران انقلابی است که در ذات و ماهیت خود مکتبی، دینی، مذهبی، ایدئولوژیکی و فرهنگی است، لذا پیروزی این انقلاب شکوهمند موجبات رشد و شکوفایی روزافزون فرهنگ و هنر اسلامی و ایرانی را نیز با خود به ارمغان آورده است. این انقلاب، فرهنگ و هنر اسلامی را در مسیر اهداف متعالی و انسانی راهبری نموده است و موجب شده که هنرمند، هدایت آفرین و لذت بخش روح و روان مردم باشد. امام راحل عظیم الشان رحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی) بارها هنرمندان را به هنر اسلامی و تعهد انسانی دعوت نموده اند و از هنرمندان خواسته اند که به افزایش مایه هنری خود بپردازند و ذوق

هنری خود را در مسیر و بستر و تفکر اسلامی رشد دهند. هنرمندان متعهد ایران اسلامی تلاش کرده اند که در هنر خود تفکر انقلاب اسلامی را عمق بخشند و جهت گیری هنر خود را بسیار دقیق و روشن و درست و متعهدانه و مسئولانه قرار دهند. هنرمندان بزرگوار تلاش کرده اند که با هنر خود در مقابل حملات فرهنگی دشمن پاسخگو باشند و با حفظ اصالت هنری خود از نظر محتوا و پیام های هنری، در خدمت انقلاب و نظام و استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی باشند.

امروزه بزرگ ترین مسئولیت اصحاب فرهنگ و هنر این است که از آرمان های امام رحمه الله و ارزش های متعالی اسلام و انقلاب اسلامی به خصوص ارزش های رهایی بخش و عزت آفرین دفاع مقدس در قالب های جذاب و ماندگار هنری پاسداری کنند و هنر خود را بیش از پیش در خدمت این ارزش های متعالی قرار دهند.

انقلاب اسلامی و آزاداندیشی و تعالی تمدن اسلامی

انقلاب اسلامی، بر فرهنگ و تمدن اسلامی استوار است، فرهنگ اسلامی غنی ترین تمدن و فرهنگ است این فرهنگ دینی، حاوی ارزش های والای الهی، معنوی، فکری و در برگیرنده سنت های ملی ما ایرانیان است. فرهنگ و تمدن اسلامی یکی از عظیم ترین و فرهنگ ها و تمدن ها است.

فرهنگ و تفکر آزاداندیشی در کنار تعلیم و تربیت یکی از

مهم ترین عوامل رشد و پیشرفت و ترقی و توسعه و تکامل جوامع بشری است. نظام حکومتی و سیستم سیاسی و اجتماعی هر کشوری وابسته به فرهنگ و تمدن و اعتقادات و تفکرات پذیرفته شده از سوی مردم آن کشور است. انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نیز وابسته به فرهنگ و تمدن اسلامی و اعتقادات و تفکرات دینی مردم مسلمان ایران است.

اصول و مبانی اخلاقی و ارزش های فردی و اجتماعی جامعه، تعلیم و تربیت و عقاید دینی ملت بزرگ ایران همه از فرهنگ و تمدن متعالی اسلامی ناشی شده به همین سبب، ماهیت انقلاب ما، ماهیتی کام دینی و اسلامی است.

قرآن کریم یکی از اهداف بعثت نبوی را تعلیم و تربیت معرفی کرده، بر اساس اصول تربیت اسلامی، تربیت عقلانی از جایگاه بسیار متعالی برخوردار است. تفکر، تعقل، آزاداندیشی، پیروی از برهان، دوری از جهل و نادانی و کسب علم و دانش و در رأس همه اینها، تربیت در همه ابعاد وجودی انسان، به طوری متوازن و هماهنگ از اجزای تربیت اسلامی به شمار می آید.

اسلام دین انسانیت، اعتدال، عقلانیت و تسلیم در برابر حق متعال است، احکام عمده اسلامی برای زندگی فردی و اجتماعی، اخلاقی و سیاسی بشر راه گشا و هدایتگر و سعادت آفرین است.

در نظام اجتماعی و سیاسی اسلام، همه روابط، عادلانه و مبتنی بر محبت و معنویت و تزکیه و طهارت تنظیم و به بشریت تقدیم شده

است. فرهنگ و تمدن اسلامی، بر اساس واقع نگری استوار است، در این فرهنگ همه نیازهای بشر مورد توجه قرار گرفته و با شیوه ای متعادل، عقلانی و عادلانه به آنها پاسخ مثبت داده شده است. تمدن اسلامی، همگان را به سوی معنویت، توحید، عبودیت، صفا، یکرنگی و ایثار فرامی خواند و از هرگونه افراط و تفریط، ظلم و ستم، تبعیض و زیاده خواهی، شهوت گرایی و دنیا پرستی بر حذر داشته است.

امت اسلامی از صدر اسلام تاکنون توانسته، فرهنگ و تمدن خود را بر سه تمدن باستانی ایران، بین النهرین و مصر حاکمیت ببخشد و سایر فرهنگ ها از جمله مسیحیت و یهودیت و فرهنگ امروز غرب را شدیداً تحت تأثیر خود قرار دهد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران بار دیگر جهان متوجه فرهنگ و تمدن اسلامی شده است. این انقلاب شکوهمند و توحیدی بار دیگر شکوه و عظمت فرهنگ و تمدن اسلامی در قرون سوم و چهارم هجری را احیا نموده و بر اساس مقتضیات امروز بشر، باز آفرینی کرده و ان شاء الله این تمدن و فرهنگ اسلامی در عصر ما توسط علما و اندیشمندان مسلمان و ایرانی بار دیگر فرهنگ و تمدن جهانی را تحت الشعاع خود قرار خواهد داد و تحولی عظیم و بی سابقه در عرصه علم و فرهنگ و تمدن به وجود خواهد آورد.

رهبر معظم انقلاب، دولت محترم و همه مسئولان و همه اهل علم، علما، دانشمندان، اساتید، پژوهشگران، مدرسان، طلاب و دانشجویان و همه دلسوزان حوزه علم و فرهنگ و تمدن، با برخورداری از توکل

به خدا و اعتماد به نیروهای علمی و فرهنگی داخلی، همه تلاش های خود را صرف این همت عالی نموده اند که ایران اسلامی بار دیگر پرچم فرهنگ و تمدن اسلامی را در سطح جهان به اهتزاز در آورد. به درستی این امر یک مسئولیت مهم جهانی و یک مسئولیت عظیم تاریخی است که همگان در جهت کسب عزت و اقتدار علمی و فرهنگی و در مسیر استقلال کامل امت اسلامی از قبل هماهنگ تر و صمیمانه تر یا در میدان عمل بگذارند.

انقلاب اسلامی و خودباوری جوانان و نهضت علمی و نوآوری

از ابتدای انقلاب تا کنون پیوسته بزرگترین نیروی انقلابی و در صحنه، جوانان غیور و با ایمان بوده اند. جوانان در روند پیروزی انقلاب نقش بسزایی داشتند و حوادثی ماندگار را در تاریخ انقلاب اسلامی به وجود آوردند که برای همیشه موجب افتخار و مباهات است، همچون سیزده آبان، نبرد خیابانی، تسخیر پادگانها، تسخیر لانه جاسوسی، مقابله با گروهک های ضدانقلاب، حضور فعال و مستمر در مراکز بسیج، به دوش کشیدن پرچم بسیج در همه صحنه های کار، فعالیت، سازندگی در جهت تداوم انقلاب اسلامی و به طور کلی در همهمراحل انقلاب عظیم اسلامی، این جوانان بوده اند که با مشکلات و خطرات مواجه بوده و از کیان میهن اسلامی و استقلال و عزت دینی و ملی دفاع کرده اند.

ص: 211

جوانان در همه سنگرهای گوناگون انقلاب همچون انواع نظاهرات و تجمعات انقلابی و تمامی صحنه های دفاع مقدس و سازندگی و نوآوری و شکوفایی علمی، حضوری جدی و نقش آفرین داشته اند؛ زیرا به خوبی می دانند که مقاومت و ایستادگی در مقابل هر ظلم و بیدادگری و هر استبداد و استعمارگری موجبات استقلال و عزت خود و کشورشان خواهد بود. جوانان غیور و شجاع و مؤمن و با بصیرت ایران زمین بر اثر ایمان قوی و ولایتمداری عاشقانه و خودباوری ژرف خود، پیوسته موجب یأس و وحشت استکبار جهانی و شور و امید حامیان انقلاب بوده اند. جوانانی که در عرصه مدیریت، در میدان سازندگی، در جبهه علم و دانش و فن آوری، در صحنه ایمان و معنویت و در اثر تربیت و آموزش صحیح و انقلابی، بهترین آثار و نتایج و دستاوردها را به کشور بزرگ خود و انقلاب اسلامی ایران هدیه کرده اند. پیشرفت و توسعه و استقلال علمی و فنی و صنعتی و تکنولوژیکی کشور در گرو تلاش و کوشش علمی همین جوانان است.

امام و رهبری بارها فرموده اند که: «امید من به جوانان است». جوانانی تحصیل کرده، مؤمن، متخصص و متعهد، جوانانی که ریشه استکبار و استعمار در سایه کوشش آنان از کشور بزرگ ایران برکنده شد. جوانانی که از بزرگترین ذخایر نیروی انسانی محسوب می شوند او شکوفایی آنها موجب شکوفایی کشور خواهد بود. جوانان با

همت و مسئولیت پذیر و خلاق پیوسته در مسیر اهداف مقدس انقلاب اسلامی و حول محور ولایت فقیه و با اعتمادی که مسئولان در سپردن کارهای بزرگ به آنان نموده اند، در عالی ترین سطوح خودباوری شکوفا شده و چشم و دل همگان را در جهت عزت آفرینی برای مملکت و مردم و انقلاب اسلامی و رهبری معظم انقلاب روشن کرده اند.

جوانانی که با امید سرشار هرگز یأس را به خود راه نمی دهند و در سخت ترین شرایط در اوج امیدواری برای سربلندی و عزت و استقلال کشور خود در سنگرهای گوناگون علمی و فنی و صنعتی به تلاش و جهاد می پردازند؛ تا سرانجام دست همه اجانب را از سرنوشت میهن عزیز اسلامی ایران قطع کرده و به بسط عدالت اسلامی در همه سطوح جامعه، تحت تعالیم عزت بخش اسلام و پیروی از ولایت دست یابند.

البته همگان به خصوص مسئولان مختلف در امور جوانان باید جدی تر از پیش از جوانان عزیز کشور در برابر شیاطین و حربه های فریبنده تبلیغاتی آنها مراقبت نمایند، ابزارهای پرجاذبه فرهنگی و هنری را برای تخدیر افکار و تحریف اذهان و استعداد های جوانان به کار می گیرند و در برابر فرهنگ رو به رشد اسلامی سد و مانع ایجاد می کنند تا با سیطره بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست کشورهای سرمایه های مادی و معنوی آنان را غارت کنند.

اقشار به خصوص مسلمین و جوانان مسلمان است. تربیت توحیدی است که از انسان و هویت انسانی و ارزش های اخلاقی انسان حراست می کند، حرمت، کرامت و عزت نفس و آزادمنشی و آزادگی را در انسان شکوفا می نماید، ارزش های فطری و الهی و معیارهای عقلی و شرعی زیستن را باید به طور جدی به جوانان آموزش داد تا آنان نیز آنها را به کار بگیرند.

امروز، تهاجم فرهنگی دشمن، جوانان را هدف گرفته است و می خواهد خودباختگی، ابتذال و بی هویتی را جایگزین ارزش های مقدس اسلامی کند. لذا بر همه مسئولان و تک تک افراد ملت ایران واجب است کهزیربنای فکری نسل آینده را الهی و توحیدی ترسیم کنند، هویت پاک انسانی و اسلامی فرزندان خود را بر اساس تعلیم و تربیت قرآنی احیا و شکوفا کنند، نسل آینده، آینده ساز کشور و انقلاب است، آنان را فراموش نکنیم. جوانان را باید بر اساس حس اطمینان و حرمت نهادن و تکریم شخصیت جذب و هدایت کرد، جوانان محتاج معرفت و آگاهی و شناخت ریشه ای اعتقادات و باورهای دینی و مذهبی هستند، آنان در پی کشف مجهولات و یافتن پاسخ سؤالات و شبهات خود می باشند، باید اولیاء تعلیم و تربیت در همه سطوح، تلاش کنند که جوانان را از شک و تردید رهانیده، در رسیدن آنان به علم و یقین یاریشان نمایند. در این جهت اگر تنها به

نظرات و اندیشه های نورانی رهبر در مورد جوانان و تعلیم و تربیت آنان توجه شود کافی است.

و اما در مورد موارد علمی، به فرمان رهبر معظم انقلاب با جنبش نرم افزاری، تلاش و خیزشی همگانی در عرصه های گوناگون علمی به جود آمده است که امید است به زودی جامعه و امت اسلامی را به طور قوی و جدی در معادلات علمی و صنعتی و فنی و تکنولوژی در منطقه و جهان وارد سازد و ایده ها و ابتکارات جدی را به بشریت هدیه نماید.

انقلاب اسلامی، آمادگی دفاعی و توانمندی بسیج و نیروهای مسلح با امنیت و اقتدار ملی

امام راحل رحمه الله با بنیان گذاری بسیج، نهادی قدرتمند به وجود آورد که در کنار سایر نیروهای مسلح اعم از ارتش جمهوری اسلامی و سپاه مقتدر و سایر قوای مشابه در برابر نظام سلطه جهانی تاکنون قدرتمندانه و شکوهمند و مقتدرانه ایستادگی کرده است. نیروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و بسیج مستضعفین در پناه تعالیم مقدس اسلام مظهر ایثار، جوانمردی، غیرت، صلابت همراه با تواضع و فروتنی و اخلاص و رشادت می باشند.

از برکات این نیروهای عظیم، فداکاری و رزم بی امان در هشت

سال دفاع مقدس و ارزانی کردن پیروزی به ملت قهرمان ایران بوده است. البته نقش بسیج و سایر نیروهای مسلح در دفاع مقدس خلاصه نمی شود بلکه در صحنه هایی چون سازندگی کشور و ارائه خدمات عمرانی و سایر خدمات همچون خدمات فرهنگی و دفاع از ارزش های متعالی اسلام نیز فعال بوده اند.

اوج مشارکت مردمی را می توان در هشت سال دفاع مقدس و در همه عرصه های آن مشاهده کرد. ارگان های انقلابی و نیروهای مردمی پس از دیگری بعد از انقلاب تأسیس شدند و اما نهایتاً بسیج سلحشور را می توان مردمی ترین نهاد دانست و آن نماد مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی ایران است.

امروزه یکی از تکیه گاه های مستحکم امنیت ملی در کشور عزیز ما ایران، وجود بسیج قهرمان است. در همه صحنه هایی که به نوعی، انقلاب ممکن است تهدید شود، همه نیروهای مسلح به خصوص بسیج حضوری فعال و تعیین کننده داشته و دارد.

استکبار جهانی که از همان اول با انقلاب اسلامی دشمنی دیرینه دارد، پس از ناتوانی در جلوگیری از تحقق انقلاب اسلامی، در همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، دشمنی و توطئه های خود را آشکار کرد و به تضعیف توان دفاعی و نظامی کشور پرداخت و یک جانبه به حملات گسترده اقدام کرد، جنگ تحمیلی را طراحی کرد و در پی فروپاشی نظام اسلامی ایران بود، از این جا ضرورت تقویت همه جانبه نیروهای مسلح و بسیج اقشار مختلف و آمادگی دفاعی روشن

گردید. رشد و تقویت آمادگی دفاعی بسیج و نیروهای مسلح بسیاری از مشکلات اجتماعی و سیاسی داخلی و بین المللی را که ناشی از توطئه استکبار جهانی می باشد رفع کرده و از وقوع بسیاری دیگر جلوگیری خواهد کرد.

ملت ایران در هر یک از دوران ها و مقاطع گوناگون انقلاب اسلامی تحت رهبری های حکیمانه امام خمینی رحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مدظله) با برخورد مناسب و درخور هر دوران به حرکت انقلاب اسلامی شتاب و جهت دادند. در این میان نیروهای بسیج، پیشتازان حرکت های سرنوشت ساز در جمهوری اسلامی به راستی شخصیتی قابل احترام و باعزت از ملت در ذهن جهانیان ایجاد کردند. از این رو است که بسیج همواره در تاریخ پر عزت ملت ایران جاودانه خواهد ماند. بسیج در کنار سایر نیروهای مسلح ضامن مقاومت و اقتدار و صلابت ایران و انقلاب اسلامی بوده است. البته بسیج نامی عام، گسترده و فراگیر است به طوری که همه اقشار، اصناف، گروه ها و دستجات ملت بزرگوار ایران را در بر می گیرد، حتی می توان گفت تمامی پرسنل قهرمان نیروهای مسلح و سایر نیروهای مدافع نظام مقدس اسلامی، بسیجی هستند، اصولا انقلاب اسلامی ایران یک حرکت کاملا بسیجی بود زیرا این تحول عظیم از خدمات صادقانه و خالصانه ملت ایران در همه عرصه ها پیوسته برخوردار بوده است.

در هر صورت همه دستاوردهای انقلاب اسلامی و پاسداری از کیان و ارزش های این انقلاب به خصوص در دوران دفاع مقدس و

سپس در دوران سازندگی و تحولات علمی، فنی و صنعتی مرهون نقش آفرینی بسیج مقتدر و نیروهای متعهد بسیجی در همه ارگان‌ها، سازمانها، ادارات، مدارس، حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، نهادها و در درون نیروهای مسلح و وزارتخانه‌ها می‌باشد.

بسیج مظهر حضور ملت در صحنه است، پاسداری از ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی، ترویج فضایل اخلاقی در جامعه، پاسداری از اصل نظام جمهوری اسلامی و اصل انقلاب اسلامی، دفاع از کشور، ملت و نظام در برابر هر بیگانه تجاوزگر و استعمارگران جهانی، در ایران اسلامی بانام مقدس بسیج صورت می‌گیرد.

امروزه مفاهیمی چون فرهنگ بسیجی، ارزش‌های بسیجی، کار بسیجی، بسیجی خدمت‌کردن و بسیجی عمل‌کردن برای همه ایرانیان آرمانی پاک و ایده‌آلی مطلوب به شمار می‌آید. و این همه به خاطر ایمان، اخلاص، صفا و صداقت نیروهای بسیجی است، کار بسیجی، کاری است همراه با عشق و ایمان و اخلاص و ایثار و صداقت و حضور همیشگی، به همین سبب بسیج مظهر وحدت، اتحاد، همدلی و یکپارچگی ملت هم محسوب می‌شود.

خلاصه اینکه در مشارکت‌های سیاسی و مدنی و فرهنگی و در مواردی که نیاز به عامل بازدارنده می‌باشد و در خنثی‌سازی توطئه‌ها و جنگ روانی دشمن و نهایتاً در حفظ و تثبیت و پاسداری از نظام جمهوری اسلامی ایران در همه عرصه‌ها، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران نماد اقتدار ملی بوده و هستند.

انقلاب اسلامی و بصیرت دینی، انسجام ملی و استکبارستیزی

انقلاب اسلامی با تکیه بر ولایت محوری و بصیرت دینی و انسجام و اتحاد ملی به پیروزی رسید، با پیروزی این انقلاب شکوهمند، انواع دشمنی‌ها، توطئه‌ها و ترفندها از سوی استکبار جهانی و وابستگان خارجی و داخلی آن بر این انقلاب نوپا تحمیل گردید، اما باز هم توانست سرفراز و قدرتمند به حیات مبارک خود ادامه دهد، زیرا رهبریت انقلاب، حکیم، با درایت، ژرف اندیش و الهی بود، مردم انقلابی بیدار، آگاه، با بصیرت، متحد، منسجم و مطیع و پیرو رهبر و امام خود بودند و به همین سبب پیوسته در مبارزه با دشمنان رنگارنگ انقلاب به سرکردگی استکبار جهانی با لطف و عنایات الهی پیروز و سربلند بوده اند.

حرکات مرموز و دشمنی‌های استکبار جهانی نسبت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران دارای ابعاد مختلفی بوده، در ابعاد سیاسی و تبلیغات سیاسی سوء در سطح وسیع جهانی به کمک محافل خبری و سیاسی بیگانه، تحریک و تطمیع و ترغیب گروه‌های وابسته به خود در ابراز مخالفت و دشمنی و ستیز با انقلاب اسلامی، ترورهای داخلی و خارجی، کمک‌های متنوع به همسایگان و تحریک آنها، در ابعاد اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و نظامی نیز استکبار جهانی به مقابله با انقلاب اسلامی ایران مبادرت نمود که شرح هر مورد آن بسیار مفصل است در این میان آنچه مهم است بصیرت دینی

و آگاهی انقلابی مردم بزرگوار ایران است، اتحاد، همبستگی و انسجام ملی این ملت آگاه و هشیار و دشمن شناس است و از همه مهم تر ولایتمداری و ولایت پذیری مردم مقتدر و عزتمند ایران است که پیوسته با وحدت و همدلی در اطاعت و حمایت و پیروی از ولایت فقیه، در مقابله با دشمن مرئی و نامرئی پیروز و سربلند بوده اند.

به همین سبب استکبار جهانی از گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی و بیداری مسلمانان وحشت داشته و لذا سعی در جلوگیری از گسترش این بیداری کرده است. کینه توزی استکبار جهانی به خصوص امریکا نسبت به انقلاب اسلامی بسیار کهن است زیرا سال ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امریکا در مصاف با روحانیت انقلابی شیعه، خصوصا امام خمینی رحمه الله شکست خورده، از جمله در بحث انقلاب سفید، در بحث کاپیتولاسیون و در بحث انجمن های ایالتی و ولایتی، و سرانجام در سرنگونی رژیم استبدادی و ظالمانه پهلوی، امریکا تمام ابهت خود را از دست داد. این است که دشمنی و عداوت و کینه و عصبانیت استکبار جهانی و آمریکای جهان خوار از انقلاب اسلامی و ولایت فقیه و روحانیت انقلابی و مبارز شیعه جای هیچ شک و تردیدی ندارد، پس باید هم صدا با روحانی برجسته و انقلابی، آیت الله شهید دکتر بهشتی به امریکا بگوییم: «از ما عصبانی باش و از این عصبانیت بمیر».

امروز خیزش و بیداری، جهان اسلام را فراگرفته، انقلاب اسلامی در بعد آرمان ها و ارزش هایش جهان اسلام را به بصیرت و آگاهی

رسانده است، امروز در حقیقت ایران اسلامی، أم القرای جهان اسلام شده است. توطئه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی استکبار موجود است اما شکست خورده، ضعیف و بی بنیان، پس باکی نیست؛ زیرا امروز اقلیت های مسلمان در قلب اروپا و امریکا نیز به هویت دینی و اسلامی خود توجه کرده اند، مطالبات فرهنگی و اعتقادی خود را خواهان شده اند، حجاب را، عدالت را، حق شهروندی و آزادی در داشتن مسجد و انجام مناسک عبادی را. این همان خیزش و بیداری اسلامی در جهان است که با لطف الهی به تدریج رو به گسترش و عمق یافتن است.

شاخصه های تفکر امام خمینی رحمه الله در مورد استکبارستیزی

حضرت امام رحمه الله می فرماید: اگر بندبند استخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله آتشان بسوزانند... هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم.

واژه «استکبار» که در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی به طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است از تعالیم قرآن کریم مایه می گیرد. این واژه که مفهوم آن اظهار علو و برتری در زمین و بر دیگران بزرگی فروختن و خود را قاهر و مسلط دانستن است در آیات مختلف قرآنی و برای نمایاندن ماهیت قدرت های استکباری در هر عصر و زمان و معرفی خصال و صفات و روحیات و عملکردهایشان مطرح می گردد.

«فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرًا»: «نیست در دل‌هایشان مگر تکبر و احساس بزرگی». (1) «فَأَسَّ تَكْبُرْتُمْ»: «شما استکبار و گردن کشی کردید». (2) «كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَسَّ تَكْبُرُوا عَنْهَا»: «آیات ما را دروغ شمردند و از روی تکبر از آنها رخ برتافتند». (3) اینها از جمله آیاتی است که به صراحت واژه «استکبار» را در باره جبهه کفر و شرک و نفاق به کار برده و این خصلت و صفت شیطانی و نفسانی را در همه اعصار و به تمام دشمنان و مخالفین دین مبین حق تعمیم داده است.

یکی از مشخصه های بارز اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رحمه الله تلاش برای وارد کردن واژه ها و مفاهیم قرآنی و اسلامی در ادبیات سیاسی انقلاب اسلامی بود که از جمله مهم ترین آنها واژه استکبار است.

حضرت امام رحمه الله از همان آغاز نهضت، نوک حمله تهاجم خود را به سوی استکبار جهانی و در رأس آن امریکای جنایتکار نشانه رفت و نهضت اسلامی خود را مبتنی بر «دکترین استکبارستیزی» بنیان نهاد.

حضرت امام رحمه الله تنها در مقام توصیف ویژگی های استکبار جهانی باقی نمی ماند و با بصیرت و آگاهی و شجاعت تمام امریکای جنایتکار را به عنوان رأس استکبار جهانی معرفی و مورد خطاب قرار می دهد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی با فریاد بر آوردن آنکه: «همه

ص: 222

1- سوره غافر، آیه 56.

2- سوره جاثیه، آیه 31.

3- سوره اعراف، آیه 40.

بدبختی ما از آمریکا است» از خوی تجاوزطلبی و ضرورت مبارزه و عدم رابطه با استکبار چنین سخن می گوید: «خیال نکنید که روابط ما با آمریکا و روابط ما با نمی دانم شوروی و روابط ما با اینها یک چیزی است برای ما یک صلاحی دارد. این مثل رابطه بره با گرگ است! رابطه بره با گرگ، رابطه صلاح مندی برای بره نیست، این ها می خواهند از ما بدوشند، اینها نمی خواهند به ما چیزی بدهند».(1)

ایشان با صراحت تمام آمریکا را «شیطان بزرگ» می نامند و اعلام می دارد: آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است و از ملت ایران و ملت مسلمان و محروم جهان چنین می خواهد که: «هرچه فریاد دارید سر آمریکا بکشید». و همه مبارزان جبهه توحید در سرتاسر جهان را این گونه بشارت میدهند: «اگر دقیقا به وظیفه مان که مبارزه با آمریکای جنایتکار است ادامه دهیم فرزندانمان شهید پیروزی را خواهند چشید».(2)

حضرت امام رحمه الله در این مسیر تلاش کرد تا با نمادسازی، جبهه مبارزه با استکبار جهانی را تثبیت کرده و بسط دهد. حمایت از اقدام انقلابی دانشجویان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی و یاد کردن از آن به عنوان «انقلاب دوم» (انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول) و تثبیت آن به عنوان مبارزه با استکبار جهانی، معرفی آخرین جمعه ماه

ص: 223

1- صحیفه امام، ج 10، ص 360.

2- صحیفه امام، ج 13، ص 212، ج 11، ص 121، ج 15، ص 171.

مبارک رمضان به روز جهانی قدس، و دعوت از همه مسلمانان و آزادی خواهان جهان برای تبدیل این روز به روز مبارزه با رژیم اشغالگر قدس و صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی، و احیای سنت ابراهیمی و محمدی برائت از مشرکین در مراسم حج و فریاد بر آوردن شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل در این مراسم به عنوان فریضهای محوری و کلیدی که لازمه پذیرش حج واقعی است، نمونه هایی از تلاش همه جانبه حضرت امام رحمه الله در تحقق عملی دکترین استکبارستیزی است.

حال که مسئله چگونگی مواجهه جمهوری اسلامی با آمریکا بار که دیگر به یکی از موضوعات مهم روز بدل گردیده و برخی اظهار نظرات و نقل قول ها از حضرت امام رحمه الله نیز ابهام آفرین شده، خوب است تا شاخصه های کلیدی دکترین استکبارستیزی مرور و مورد بازخوانی قرار گیرد تا معیار و مبنایی برای قضاوت و تشخیص پیروان حضرت امام به در شرایط پیش رو باشد.

حضرت امام رحمه الله در طول مبارزه و بالأخص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و شکل گیری نظام اسلامی که نظام استکبار جهانی به طور تمام قد در برابر نهضت اسلامی ملت ایران قرار گرفت و آن را بزرگترین تهدید قلمداد کرد، به تبیین ابعاد و شاخصه های دکترین استکبارستیزی پرداختند که مهم ترین آن را می توان چنین مورد مطالعه قرارداد:

یکی از مؤلفه های مهم مبانی اندیشه ای حضرت امام رحمه الله در مسئله مبارزه با استکبار، مسئله ماهیت الهی مبارزه و قیام برای خداست. تاریخی ترین سند مبارزاتی حضرت امام رحمه الله با آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدِهِ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى» آغاز می شود. ایشان در ابتدای پیام که خطاب به همه مسلمانان و علما و وحنیون نوشته اند آورده اند:

«خدای تعالی در این کلام شریف، از سر منزل تاریک طبیعت تا منتهای سیر انسانیت را بیان کرده، و بهترین موعظه هایی است که خدای عالم از میانه تمام مواعظ انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه تنها راه اصلاح دو جهان است... خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران در آورده» (1).

این عبارات اولین گام های حضرت امام رحمه الله در آغاز حرکت بزرگ استکبارستیزی ایشان می باشد، که مبتنی بر آموزهای قرآنی و دکتین «قیام لله» شکل گرفته است. توریق در صحیفه حضرت امام رحمه الله نمونه هایی فراوان دیگر از تأکید و توجه حضرت امام به به مفهوم قیام لله را آشکار می سازد و نشان می دهد که قیام و مبارزه برای خدا

ص: 225

جزء کلید واژه های اصلی گفتمان ایشان و روح و جوهره دکترین استکبارستیزی می باشد.

حضرت امام رحمه الله بارها در طول مبارزه با یادآوری این نکته که «این نزاع و مبارزه ای که الآن بین کفر و اسلام است، این منازعه بین ما و آمریکا نیست، بین اسلام است و کفر» تلاش نمود تا ماهیت اسلامی و الهی استکبارستیزی را به ملت ایران گوشزد کند تا بر اثر غفلت، سطح مبارزه با کسب منافع مادی و غیر الهی تنزیل نیابد.

2- سازش ناپذیری

ایشان امکان هرگونه تلاش برای نزدیکی و سازش و مصالحه با استکبار را نفی می کند و آن را نافی عزت مسلمین می داند. ضمن آنکه این حرکت را ثمربخش ندانسته و بر این باور است که استکبار از موضع خود کوتاه نخواهد آمد. این نگاه برآمده از آموزه های قرآنی است که خداوند در شرح وضعیت جبهه حق و دشمنان بدان اشاره کرده است.

خداوند متعال مؤمنین را از هرگونه دوستی با دشمنان نفی می کند و می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (1)

«ای کسانی که ایمان

ص: 226

1- سوره مائده، آیه 51.

آورده اید، یهود و نصاری را دوستان خود مگیرید چراکه آنان دوستان یکدیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی نماید».

و در آیه ای دیگر یادآوری کرده، می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ»⁽¹⁾ «ای کسانی که ایمان آورده اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برنگیرید به طوری که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرنند».

خداوند در ادامه همین آیه آنهایی که تلاش دارند تا پنهانی با دشمنان ارتباط برقرار کنند را به عنوان منحرف معرفی می کند و خطاب به آن ها هشدار می دهد:

«أَلَمْ أَعْلَمْ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»⁽²⁾ «من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید داناترم. و هرکس از شما چنین کند، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است».

حضرت امام رحمه الله مبتنی بر این آیات و روایات متعددی که در نفی

ص: 227

1- سوره ممتحنه، آیه 1.

2- سوره ممتحنه، آیه 1.

پذیرش ولایت کفار و مستکبر آمده، آنهایی را که به دنبال مذاکره و کنار آمدن با دشمنان خدا هستند را به عنوان خائن معرفی می کند. ایشان با صراحت در نفی هرگونه سازش با استکبار جهانی فریاد بر می آورد :

«کسی تصور نکند که ما راه سازش با جهان خواران را نمی دانیم. ولی هیئات که خادمان اسلام به ملت خود خیانت کنند!... اگر بنده استخوان هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده زنده در شعله های آتشان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی مان را در جلوی دیدگانمان به اسارت و غارت برند هرگز امان نامه کفر و شرک را امضا نمی کنیم»⁽¹⁾.

3- دائمی بودن

اصل اساسی دیگر برای مبارزه با استکبار جهانی در نگاه ژرف و دقیق حضرت امام خمینی رحمه الله «تداوم و همیشگی بودن» مبارزه است. این پیشوای بزرگ الهی مبارزه با کفر و شرک و نفاق را که جبهه متحد نظام استکباری دنیا را به وجود می آورند فصلی و مقطعی و محدود و محصور به عصر و زمان خاصی نمی دانست که در این صورت هیچ تضمین و پشتوانه ای برای تامین صلح جهانی وجود نخواهد داشت و جهان هر لحظه آستان حوادثی خواهد بود که توسط سران نظام های سیاسی و حکومتی استکبار و مطابق با خواست و اراده و صلاحدید و

ص: 228

مطامع و منافع ضد انسانی آنها به وقوع خواهد پیوست.

در باور امام جنگ ما با استکبار جهانی (جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد)، «جنگ حق و باطلی که تمام شدنی نیست» و «این جنگ از آدم تا ختم زندگی وجود دارد».

حضرت امام رحمه الله در تعیین این خط مشی اساسی و زیر بنایی با قاطعیت و صراحت و صلابت با نفی نگاه های انحرافی اعلام می نماید:

«ملی گراها تصور نمودند ما هدفمان پیاده کردن اهداف بین الملل اسلامی در جهان فقر و گرسنگی است. ما می گوئیم تا شرک و کفر هست، مبارزه هست. و تا مبارزه هست، ما هستیم. ما بر سر شهر و مملکت با کسی دعوا نداریم. ما تصمیم داریم پرچم «لا اله الا الله» را بر قلل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز در آوریم»⁽¹⁾.

این خط مشی اساسی در اندیشه سیاسی امام خمینی نیز همچون دو اصل و خط مشی قبلی از تعالیم سیاسی قرآن کریم مایه می گیرد.

خداوند متعال می فرماید:

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً»⁽²⁾، «با کفر و شرک و نفاق مقاتله و مبارزه کنید تا فتنه از روی کره زمین بر طرف و مرتفع گردد».

ص: 229

1- صحیفه امام، ج 21، ص 88 و ص 284 و ج 1، ص 21.

2- سوره بقره، آیه 193.

حضرت امام (رحمه الله) با استاد به این آیه شریفه و در شرح آن می فرمایند: این هایی که گمان می کنند که اسلام نگفته است «جنگ جنگ تا پیروزی»، اگر مقصودشان این است که در قرآن این عبارت نیست، درست می گویند، و اگر مقصودشان این است که بالاتر از این با زبان خدا نیست، اشتباه می کنند. قرآن می فرماید: قاتلوهم حتی لا تکن فتنه، همه بشر را دعوت می کند به مقاله برای رفع فتنه؛ یعنی «جنگ تا رفع فتنه در عالم»، این غیر از آنی است که ما می گوییم، ما یک جزء کوچکش را گرفته ایم، برای این که خوب! ما در یک دایره خیلی کوچکی از این دایره عظیم واقع هستیم و می گوییم که: «جنگ تا پیروزی» مقصودمان هم پیروزی بر کفر صدامی است. با پیروزی بر فرض کنید بالاتر از آنها. آنچه قرآن می گوید این نیست، او می گوید: «جنگ جنگ تا رفع فتنه از عالم»؛ یعنی، باید کسانی که تبعیت از قرآن می کنند، در نظر داشته باشند که باید تا آن جایی که قدرت دارند ادامه به بردشان بدهند تا این که فتنه از عالم برداشته بشود. این، یک رحمتی است برای عالم و یک رحمتی است برای هر ملتی، در آن محیطی که هست»⁽¹⁾.

4- تهاجمی بودن

یکی دیگر از شاخصه های قابل توجه در گفتمان استکبارستیزی، تهاجمی بودن آن است. بدان معنا که برای مقابله با استکبار جهانی

ص: 230

1- صحیفه امام، ج 19، ص 112.

باید طرح ریزی کرد و همه راه ها و ایده ها را مورد بررسی قرار داد. شیوه مبارزه انفعالی و آرایش دفاعی در برابر استکبار نه تنها مناسب نیست، بلکه اندیشه ای که نابودی استکبار را در سر می پروراند، حتما نیازمند اتخاذ استراتژی تهاجمی است.

حضرت امام رحمه الله ماه با همین نگاه، از شکل گیری هسته مقاومت در جهان چنین سخن می گوید: «بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد». (1)

ایشان در جایی دیگر از راه اندازی «بسیج بزرگ سربازان اسلام» چنین سخن می گوید: «امروز جهان تشنه فرهنگ اسلام ناب محمدی است. و مسلمانان در یک تشکیلات بزرگ اسلامی رونق و زرق و برق کاخهای سفید و سرخ را از بین خواهند برد. امروز خمینی آغوش و سینه خویش را برای تیرهای بلا- و حوادث سخت و برابر همه توپ ها و موشک های دشمنان باز کرده است و همچون همه عاشقان شهادت، برای درک شهادت روزشماری می کند. جنگ ما جنگ عقیده است، و جغرافیا و مرز نمی شناسد. و ما باید در جنگ اعتقادی مان بسیج بزرگ سربازان اسلام را در جهان به راه اندازیم». (2)

حضرت امام رحمه الله و مبتنی بر این نگاه با صراحت اعلام می دارد: «ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود

ص: 231

1- صحیفه امام، ج 21، ص 195.

2- صحیفه امام، ج 21، ص 88.

تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است. و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روش های مبارزه علیه نظام های کفر و شرک آشنا می سازد»⁽¹⁾.

5- تکلیف گرایی و شکست ناپذیری

شاخصه دیگر در دکترین استکبارستیزی حضرت امام امید به پیروزی همیشگی جبهه حق و عدم شکست در میدان مبارزه با استکبار است. مبتنی بر باور امام، ما مکلف به انجام وظیفه ایم و نتیجه فرع آن است :

تکلیف ما این است که در مقابل ظلم ها بایستیم، تکلیف ما این است که با ظلم ها مبارزه کنیم، معارضه کنیم، اگر توانستیم آنها را به عقب برانیم که بهتر، و اگر نتوانستیم به تکلیف خودمان عمل کردیم. این طور نیست که ما خوف این را داشته باشیم که شکست بخوریم. اولاً که شکست نمیخوریم؛ خدا با ماست، و ثانیاً بر فرض اینکه شکست صوری بخوریم شکست معنوی نمی خوریم، و پیروزی معنوی با اسلام است، با مسلمین با ماست»⁽²⁾.

ص: 232

1- صحیفه امام، ج 21، ص 19.

2- صحیفه امام، ج 21، ص 284 و ج 12، ص 306.

در نگاه حضرت امام رحمه الله به بخش عمده اردوگاه جبهه مبارزه با استکبار جهانی را توده های محروم و مستضعف که از رفاه و آزادی برخوردار نبوده اند، تشکیل خواهند داد. چرا که رفاه طلبی و مبارزه در این نگاه قابل جمع نبوده و مرفهان بی درد در اردوگاه جبهه حق جای ندارند. حضرت امام رحمه الله به این حقیقت را چنین شرح می دهند:

«ملت عزیز ما که مبارزان حقیقی و راستین ارزش های اسلامی هستند، به خوبی دریافته اند که مبارزه با رفاه طلبی سازگار نیست؛ و آنها که تصور می کنند مبارزه در راه استقلال و آزادی مستضعفین و محرومان جهان با سرمایه داری و رفاه طلبی منافات ندارد با الفبای مبارزه بیگانه اند. و آنهایی هم که تصور می کنند سرمایه داران و مرفهان بی درد با نصیحت و پند و اندرز متنبه می شوند و به مبارزان راه آزادی پیوسته و یا به آنان کمک می کنند آب در هاون می کوبند. بحث مبارزه و رفاه و سرمایه، بحث قیام و راحت طلبی، بحث دنیا خواهی و آخرت جویی دو مقوله ای است که هرگز با هم جمع نمی شوند. و تنها آنهایی تا آخر خط با ما هستند که درد فقر و محرومیت و استضعاف را چشیده باشند. فقرا و متدینین بی بضاعت گردانندگان و برپادارندگان واقعی انقلاب ها هستند»⁽¹⁾.

حضرت امام له که بعد از نصرت الهی به نصرت مؤمنین و

ص: 233

مستضعفین امیدوار است خطاب به سردمداران استکبار جهانی فریاد می زند: «قدرت ها و ابرقدرت ها و نوکران آنان مطمئن باشند که اگر خمینی یکه و تنها هم بماند به راه خود که راه مبارزه با کفر و ظلم و شرک و بت پرستی است ادامه می دهد و به یاری خدا در کنار بسیجیان جهان اسلام، این پابرهنه های مغضوب دیکتاتورها، خواب راحت را از دیدگان جهان خواران و سرسپردگانی که به ستم و ظلم خویشتن اصرار می نمایند سلب خواهد کرد»⁽¹⁾.

7- مبارزه با تمام قوا

حضرت امام خمینی رحمه الله که به منظور تعیین یکی از اصول و خط مشی های اساسی برای مبارزه با استکبار جهانی اعلام می نماید:

«ما اگر قدرت داشته باشیم تمام مستکبرین را از بین خواهیم برد».

این اصل برای مبارزه با قدرت های استکباری جهان از اصول و مبانی قرآنی و تعالیم مربوط به تقابل با جبهه کفر و شرک و نفاق در هر عصر و زمان سرچشمه می گیرد. چنان که خداوند متعال در قرآن کریم جبهه توحید را مخاطب قرار می دهد و این گونه به خیزش و جهاد قهرآمیز با مستکبران زمین فرا می خواند:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»⁽²⁾ «هرچه در توان دارید

ص: 234

1- صحیفه امام، ج 20، ص 318.

2- سوره انفال، آیه 60.

بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان را بترسانید».

در این نگاه دیگر قدرت داشتن و تلاش برای کسب قدرت نه تنها مفهومی مذموم نیست، بلکه حرکتی متعالی است که باید به عنوان یک امر واجب بدان توجه شود و از این منظر است که تلاش برای تشکیل حکومت الهی، وظیفه همه انبیاء و اولیاء الهی قلمداد می شود.

حضرت امام رحمه الله به مسلمانان یادآوری می کند:

مسلمانان باید بدانند تا زمانی که تعادل قوا در جهان به نفع آنان برقرار نشود، همیشه منافع بیگانگان بر منافع آنان مقدم می شود؛ و هر روز شیطان بزرگ یا شوروی به بهانه حفظ منافع خود حادثه ای را به وجود می آورند. راستی اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان خواران حل نکنند و لاقبل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند، آسوده خواهند بود؟ هم اکنون اگر آمریکا یک کشور اسلامی را به بهانه حفظ منافع خویش با خاک یکسان کند، چه کسی جلوی او را خواهد گرفت؟ پس راهی جز مبارزه نمانده است، و باید چنگ و دندان ابرقدرت ها و خصوصاً آمریکا را شکست» (1).

8- مبارزه تا نابودی کامل

حضرت امام در تعیین استراتژی و خط مشی مبارزه با استکبار اولین اصلی که مورد توجه قرار می دهند این است که تا قدرت های

ص: 235

1- صحیفه امام، ج 6، ص 499 و ج 21، ص 83.

سیطره جو مستکبر جهان به اضمحلال و انقراض درنیايند محال است که صلح و آرامش و سلامت و سعادت در کرهٔ ارض حاکم گردد و محرومان و به بند کشیده شدگان به حقوق الهی خود نائل آیند و به وراثت زمین برسند. ایشان در بیاناتی اشاره دارند:

«سلامت و صلح جهان بسته به انقراض مستکبرین است و تا این سلطه طلبان بی فرهنگ در زمین هستند مستضعفین به ارث خود که خدای تعالی به آن‌ها عنایت فرموده است نمی‌رسند».⁽¹⁾

ایشان در ماجرای حمله به هواپیمای مسافربری ایران توسط ناو آمریکایی می‌فرمایند:

«مردم آزاده جهان همیشه از ابر قدرتها خصوصا امریکای جنایتکار صدمه دیده اند و تا عزم خود را برای رویارویی با کفر و شرک جهانی و امریکای سلطه گر جزم ننمایند، هر روز شاهد جنایتی تازه خواهند بود».⁽²⁾

مبتنی بر نگاه حضرت امام رحمه الله به حد یقنی برای فزونی خواهی و زیاد خواهی مستکبران عالم وجود ندارد و این زیاده خواهی جزء هویت اصلی آنها شده و تا دیگران را به بند و زنجیر و استثمار نکشانند، دست از تجاوزطلبی نخواهند کشید. به همین خاطر است که ایشان با صراحت به مسلمانان گوشزد می‌کند:

«نکته مهمی که همه ما باید به آن توجه کنیم و آن را اصل و اساس

ص: 236

1- صحیفه امام، ج 12، ص 44. (1358/11/19).

2- صحیفه امام، ج 21، ص 69. (1367/4/13).

سیاست خود با بیگانگان قرار دهیم این است که دشمنان ما و جهان خواران تا کی و کجا ما را تحمل می کنند و تا چه مرزی استقلال و آزادی ما را قبول دارند به یقین آنان مرزی جز عدول از همه خوبی ها و ارزش های معنوی و الهی مان نمی شناسند و به گفته قرآن کریم هرگز دست از مقاتله و ستیز با شما بر نمی دارند مگر این که شما را از دینتان برگردانند» (1).

به واقع مبتنی بر جهان بینی الهی حضرت امام رحمه الله به در نظام سلسله مراتبی که نظام سلطه ایجاد کرده است، یا باید غلام حلقه به گوش بود و از خود هویت و باوری مستقل نداشت و همواره در خوف و رجا زندگی کرد، و یا آنکه راه عزت و مقاومت و ایستادگی را برگزید و به مبارزه با استکبار جهانی روی آورد تا با نابودی آن صلح و امنیت و آرامش را به جهان بازگرداند و حضرت امام به راه دوم را به ملت ایران پیشنهاد داد که مورد انتخاب ایشان قرار گرفت.

انقلاب اسلامی، استحکام خانواده، رسالت و منزلت زن و حضور آگاهانه زنان در عرصه های اجتماعی و تحکیم بنیان خانواده

انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ ترین و جامع ترین قیام های الهی در دوران معاصر است با پیروزی خود در بسیاری از نظرها و ایده ها دگرگونی عمیق و تازه ای به وجود آورد. یکی از این موارد ایجاد زمینه نگرشی جدید و حقیقی به زن و زن مسلمان و خانواده

ص: 237

مسلمان می باشد. پس از تحقق انقلاب اسلامی، نظریات ناب اسلامی پیرامون زن و خانواده مطرح و بازگو گردید به طوری که توانست بر دیگر نظریات باطل در این مورد خط بطلان بکشد. بر اساس نظریات ناب اسلامی بر هویت انسانی و تعالی پذیر زن و نقش محوری او در بنیان خانواده تأکید می شود. در قرآن و سنت معصومین علیهم السلام عالی شخصیت زن مورد تکریم و تجلیل واقع شده و نسبت به پذیرش و رعایت حقوق زن اهمیت جدی داده شده است.

به تعبیر امام خمینی رحمه الله: «از دامن زن مرد به معراج می رود». زنان و بانوان مسلمان و انقلابی با تربیت صحیح فرزندان خود، سازنده و شکل دهنده فرهنگ و آینده انقلاب هستند. در مکتب اسلام، زن دارای حضور تاریخی و اجتماعی و دارای نقش بسیار سازنده و بیدارگر است. هم چنانکه نقش اساسی در نهاد مقدس خانواده را دارد. با حفظ تمام عواطف ارزنده و کرامت فردی و ذاتی خود، با اینکه خانه و خانواده را هرگز رها نکرده و فدا نموده است، در عین عزت نفس و کرامت در تاریخ و اجتماع نیز فردی مؤثر و سازنده است.

در نگاه مکتب الهی اسلام، زن مکمل مرد و مشوق مردانگی او بوده است و در عین حال حریم زنانگی خود یعنی عفت و حیا و نجابت را نیز پاسداری کرده است؛ آنان در سنگر حجاب، حافظ و ارزش های والای انسانی و مسئول استحکام خانه و خانواده بوده هستند. بنابراین نقش زن در ساختن خانواده و جامعه نقشی بسیار

مثبت می باشد. زن در طول تاریخ تنها مولد و زاینده و پرورش دهنده مرد نبوده است؛ بلکه الهام بخش و محرک و حماسه آفرین نیز بوده است.

در سایه فرهنگ اسلام، نقش زن در بسیاری از ابعاد ستودنی است، در روند توسعه و پیشرفت اجتماعی و سازندگی، در جریان علم و تحصیل علوم و فنون و معارف گوناگون، در مسیر کسب مهارت و تخصص و تصدی مسئولیت های مهم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زن پس از استحکام جمهوری اسلامی ایران، نقش مثال زدنی خود را ایفا کرده است.

در فرهنگ اسلامی، زن، محور و مهره اصلی کانون خانواده به شمار می رود، زن در نقش مادر مبدأ تولد و تربیت انسان و عهده دار برقرار کردن روابط مبتنی بر مهر و وفا و پاکی و صفا و معنویت در درون خانواده می باشد. تکریم مقام زن و مقام مادر از تأکیدات برجسته قرآن می باشد. زن مسلمان در محیط جامعه نیز وظایف برجسته ای بر عهده دارد، از جمله شرکت در صحنه های مختلف اجتماع از قبیل تظاهرات، نمازهای جمعه و جماعت، انتخابات، امر به معروف، نهی از منکر و غیره.

در تاریخ نورانی اسلام در صحنه های مقابله با ظلم حضور زن بسیار سازنده بوده. در صدر اسلام و در حماسه کربلا زنان برجسته ای ظهور کردند که بخش مهمی از تاریخ تابناک اسلام و کربلا را به خود اختصاص دادند. زنانی همچون خدیجه کبری علیها السلام، فاطمه زهرا علیها السلام،

سمیه، زینب کبری علیها السلام، فاطمه صغری و ده ها نمونه دیگر از این زنان وجود دارد که الگوی زنان بزرگوار ایران اسلامی بوده اند. حضرت زهرا عالیها السلام و زینب کبری علیها السلام در خطبه های خود، در عصر مظلومیت با شهادت تمام از ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت سیدالشهدا دفاع نموده اند.

شرکت بانوان در جبهه های جنگ برای مداوا و سایر خدمات موردنیاز، حضور بانوان در عرصه های علمی، تبلیغی، آموزشی، تربیتی و هنری و در دفاع از حقانیت اسلام و قرآن و ولایت، بسیار شکوهمند می باشد.

امام سجاده علیه السلام می فرماید:

«زن نعمتی است از سوی پروردگار و لازم است که انسان با نعمت خداوند، خوش رفتاری نماید، باید با او مدارا کند و او را گرامی بدارد، زن حق محبت و دوستی و حفظ و احترام و حق آسایش و امنیت دارد و این حق بزرگی است که باید شوهر آن را ادا کند»⁽¹⁾.

در انقلاب اسلامی ایران بانوان دارای سهم بزرگی بوده اند. به طوری که امام راحل رحمه الله و رهبر معظم (مد ظله العالی) بارها با تکریم و تحسین از نقش فعال بانوان در همه عرصه های انقلاب از آنان به عظمت یاد کرده اند.

ص: 240

امام امت رحمة الله و با تیزبینی و تیزهوشی خاص خود دریافته بودند که انقلاب اسلامی ایران بدون شرکت بانوان به ثمر نخواهد رسید. از این رو شرکت آنان را در همه مراسم انقلابی واجب و لازم شمردند. بانوان بزرگوار ایران در پی لبیک به فرمان امام بزرگوار رحمة الله ما با حفظ اصول و موازین اسلامی از هیچگونه فداکاری در راه به ثمر رساندن انقلاب خودداری نکردند و پا به پای مردان در راهپیمایی ها و تظاهرات های مختلف شرکت کردند. در دوران دفاع مقدس بخش عظیمی از مسئولیت های جبهه و پشت جبهه به عهده این بانوان قهرمان بود. در دوران انقلاب و قبل از آن و دوران دفاع مقدس بانوانی بودند که مبارزه کردند، شهید دادند، شهیدان را پرورش و تربیت کردند و در همه سختی ها و محرومیت هاشجاعانه و صبورانه وارد میدان شدند. شاید بتوان گفت چنین نقش تاریخی برای زن در جهان بی سابقه است، به جز در تاریخ صدر اسلام که بانوان نقش مؤثری از نظر سیاسی یا نظامی و فرهنگی ایفا کردند، در هیچ دوره دیگری نقش تاریخی زن همانند دوره انقلاب اسلامی ایران این همه شکوهمند نبوده است.

امروزه زنان ایران در پرتو انقلاب اسلامی از آگاه ترین، بیدارترین و فعال ترین زنان جهان در همه عرصه های تربیتی، فرهنگی، اخلاقی، دینی، اجتماعی، معنوی، اقتصادی، سیاسی، ورزشی و هنری به شمار می روند. زن مؤمن و مسلمان در پایگاه خانواده محیطی آرامش بخش

و امنیت آفرین و پر از عاطفه و صمیمیت به وجود می آورد و سعی در سالم سازی خانواده که زیر بنای سلامت جامعه است می نماید.

به هر صورت خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، تشکیل این واحد بنیادی و پاسداری از قداست آن و استواری و استحکام روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی از اصول مهم و اساسی دین مبین اسلام و جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید، به طوری که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل دهم بر آن تأکید کرده است.

مادر در درون خانواده، زنی است سرشار از ایمان و عشق وفاداری به طوری که خانواده خود را پرورشگاه روح و روان و ایمان اهل آن خانواده قرار می دهد و فرهنگ و ارزش های فرهنگی را او ابتدا در خانواده آموزش و تعلیم می دهد و فرزندان خود را با سلامت روحی و روانی و اخلاقی و اعتقادی مهیای ورود به جامعه می سازد. در عین حال این مسئولیت خطیر خانوادگی هرگز منافاتی با دیگر مسئولیت های او ندارد. زن مسلمان الگوهای برجسته و بی نظیری دارد، که قرآن و سنت و سیره و تاریخ نورانی اسلام آنها را فرا روی او قرار داده است. اسوه هایی مانند حضرت زهرا علیها السلام، حضرت خدیجه کبری علیها السلام، حضرت زینب علیها السلام، مریم علیها السلام و ده ها شخصیت برجسته بی نظیر در میان زنان تاریخ بشریت همیشه فرا راه زن مسلمان و ایرانی و انقلابی بوده و خواهد بود.

ص: 242

انقلاب اسلامی و حضور حماسی، استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی

محصول اصلی انقلاب اسلامی، تشکیل و تأسیس جمهوری اسلامی است. این حکومت یعنی جمهوری اسلامی موهبت الهی و مولود مبارک انقلاب اسلامی ایران می باشد. جمهوری اسلامی اولین حکومت الهی پس از هزاران سال سلطه طاغوتیان بر ایران و سرآغاز حکومت الله بر جهان معاصر و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. جمهوری اسلامی نور امید و تکیه گاه ستمدیدگان و مظلومان جهان و مایه یاس و شکست و اضمحلال مستکبران جهان است.

کشور ایران در سایه انقلاب اسلامی و توسط جمهوری اسلامی به استقلال و آزادی رسید و توانست از چنگال استبداد داخلی و استعمار جهانی رها شود. مردم ایران با انقلاب اسلامی نظام طاغوت را فروریختند و با حماسه باشکوه خود، طرحی نوبه نام جمهوری اسلامی را درآنداختند، این طرحو ایران و ایرانی را قهرمان استقلال و آزادی و عزت و سرافرازی نمود. اسلام، کامل ترین و جاودان ترین دین حق، آزادی را ارمغان خدای بزرگ می داند.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «هرگز بنده دیگری مباش که خدای سبحان، تورا آزاده آفریده است».

امام حسین علیه السلام در گرما گرم حوادث سهمگین عاشورا می فرماید:

«اگر دین ندارید و از روز جزا نمی ترسید، در دنیای خود آزاده باشید».

انقلاب اسلامی بر اساس محتوای اسلامی بودن معتقد به نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری است. بر همین اساس جمهوری اسلامی متکی بر استقلال همه جانبه خصوصاً استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این همه به همراه قسط و عدل، تأمین کننده همبستگی ملی ما ایرانیان می باشد.

در جمهوری اسلامی طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ و سلطه اجانب برای همیشه از وظایف اصلی دولت می باشد و مراد از اسلامی بودن در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی یک کلام بیش نیست و آن یک کلام عبارت است از: «رعایت و اجرای کامل و دقیق موازین و حدود شرعی و اسلامی در کلیه مقررات و قوانین و در تمامی سطوح حکومت و جامعه». همین یک کلام جوهر و روح نظام اسلامی و غایت الغایات انقلاب اسلامی و هدف از تاسیس جمهوری اسلامی است؛ زیرا استقلال در سایه قرآن و احکام نورانی قرآن معنا می یابد. آزادی در سایه اسلام و قوانین الهی اسلام تحقق می یابد. قسط و عدالت و رسیدن به حق و اجرای حق، فقط در پرتو اجرای احکام قرآن و اسلام قابل وصول است، و در یک کلام حقیقت جمهوری اسلامی در عمل به قوانین و دستورات و احکام مترقی اسلام و قرآن است، همان چیزی که هدف بعثت پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله و

ص: 244

هدف قیام اباعبدالله الحسین علیه السلام عالی می باشد.

اما مسئله عمده در انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی و حضور حماسی مردم ایران در همه لحظات انقلاب اسلامی بوده است. روح و هویت اسلامی امت ما در انقلاب اسلامی خود را شکوفا ساخت و به تدریج آن چنان رشد یافت و قوی شد که حماسه ای بی نظیر از پیروزی و استقلال و آزادی به وجود آورد. ملت سلحشور ایران به پیروی از مکتب مقدس اسلام و فرهنگ رهایی بخش عاشورا و در راستای لبیک به ندای امام امت رحمه الله آن چنان از جان گذشتگی و مبارزه خستگی ناپذیر از خود نشان داد که برای همیشه موجب مباهات است.

ملت ایران در ندای امام خمینی رحمه الله، ندای امیرالمؤمنین علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام را شنید. ندای زینب کبری علیها السلام، ندای سلمان و ابوذر را شنید و با لبیک به این ندا به هویت انسانی و اسلامی خود بازگشت. احساس شخصیت کرد. احساس عزت نفس کرد. خود واقعی و هویت اسلامی خود را به دست آورد و از خودباختگی و زبونی و ترس نجات یافت و در پرتو تعالیم مقدس اسلام جهاد و امر به معروف را سرلوحه کار خود قرارداد، نهی از منکر را به عنوان فعالیت های اجتماعی خود قرار داد و با همدلی و وحدت و اخوت دینی به رهبری زعیم عالی قدر خود بزرگترین منکر جامعه آن روز خود یعنی نظام طاغوت را سرنگون ساخت، و یک بار دیگر خاطره شهیدان کربلا و امام حسین علیه السلام را زنده کرده و با پیروی از آن اسوه

ص: 245

جاودانه تاریخ بر یزید زمان شورید و سلطنت ظالمانه و تاج و تخت غاصبانه او را سرنگون ساخت و نظامی الهی و دینی به نام جمهوری اسلامی ایران را بر اساس تعالیم دینی و مقاصد و اهداف اسلامی و بر پایه استقلال و آزادی همه جانبه و حقیقی در این سرزمین به وجود آورد.

استقلال یکی از شکوهمندترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران است و معنای آن برده دیگران نبودن است، وابسته به بیگانه نبودن است، مستقیماً در باره خود و سرنوشت خود تصمیم گرفتن است. کشور مستقل کشوری است که عملاً تحت سلطه و سیطره هیچ کشور دیگری نباشد. سرنوشت، منابع، ذخایر، مصالح و تمام آمال خود را خودش تصمیم گیری کند، برنامه ریزی، طراحی و اجرا کند.

کشور مستقل کشوری است که فرهنگ، اقتصاد، سیاست و نظام تعلیم و تربیتش در دست خودش باشد و هیچ بیگانه ای در آن امور دخالت نکند. جمهوری اسلامی ایران افتخارش به استقلال است. افتخارش به این است که هیچ استعمارگری در هیچ یک از شئون این مملکت و این نظام سیاسی هیچ گونه دخالتی ندارد.

از آنجایی که استقلال در تقابل با استعمار است، آزادی در تقابل با استبداد می باشد. آزادی نیز یکی از اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود و معنی آن این است که این نظام سیاسی هیچ گونه استبداد و ظلم و ستمگری داخلی را نمی پذیرد و اصولاً انقلاب برای این صورت گرفته تا جامعه مؤمن و مسلمان ایران از بند استعمار

و استبداد رهایی یابند. نظام ایران مبتنی بر ولایت است، یک نظام سیاسی مبتنی بر محبت و دوستی و نزدیکی بر آحاد مردم است و بدیهی است که چنین مفهومی در تقابل آشکار با هرگونه استبداد بوده و از لوازم آشکار آن آزادی به معنای حقیقی آن یعنی آزادی معنوی و آزادی در چارچوب قانون می باشد.

دستاوردهای اقتصادی انقلاب اسلامی ایران

یکی از مظلومیت های اساسی انقلاب اسلامی در حال حاضر، بی توجهی و عدم طرح دستاوردهای عظیم اقتصادی است.

جریان های خارج از نظام از ابتدا تمایلی به بیان دستاوردهای نظام نداشتند، اما جریان های درون نظام و جناح های اصلی انقلاب اسلامی ایران نیز به دلیل درگیری های سیاسی و جناحی خصوصا در سال های اخیر، بحث اقتصاد را به فراموشی سپردند. کاهش قدرت خرید و فشارهای تورمی و رکود فراگیر اقتصادی در طی سال های اخیر افزایش داشته و پذیرش و باور دستاوردهای اقتصادی را در معرض تردید قرار داده است. چنین فضایی این توهم را پدید آورده که گویی اوضاع اقتصادی تحول چشمگیری پیدا نکرده و حتی پس رفت داشته است.

با توجه به موارد مذکور در چنین شرایطی نسل سوم و چهارم انقلاب اسلامی نمی تواند برداشت درستی از توفیقات نظام در عرصه اقتصادی به دست آورند. این در حالی است که بهبود کیفیت زندگی و

سطح رفاه عمومی به هیچ وجه قابل مقایسه با قبل از انقلاب اسلامی نیست. قبل از انقلاب به طور متوسط بیش از 38 درصد مردم زیر خط فقر مطلق قرار داشتند، این رقم هم اکنون به 15 درصد تقلیل یافته است.

در گذشته تمام کارها و پروژه‌ها یا به صورت کلی در بست توسط خارجی‌ها بود و یا محصول آماده وارد کشور می‌شد، عمده کالاهای وارداتی نیز مصرفی بود و از یک سو منابع و ثروت‌های کشور به غارت می‌رفت.

مفاهیم اصیل و ارزشمندی همچون خودکفایی، خوداتکایی، خودباوری و ساخت داخل مفهومی نداشت. اگر انقلاب نمی‌شد مردم به صورت عینی با این واژه‌ها آشنا نمی‌شدند. در زمان گذشته کسی به خاطر ندارد که توسط نیروهای داخلی یک کارخانه سیمان و یا فولاد و یا یک سد و نیروگاه یا اتوبان و بزرگراه ساخته شده باشد؛ زیرا اصولاً اجازه انجام این کارها به متخصصین داخلی داده نمی‌شد. این اواخر بسیاری از مزارع مرغوب کشور را در اختیار عوامل اسرائیل غاصب قرار داده بودند. تجهیزات مورد نیاز نفت به طور کامل از خارج وارد می‌شد و حتی اجازه نمی‌دادند متخصصین و کارشناسان ایرانی این قطعات را تعمیر و یا تولید نمایند؛ زیرا همواره می‌خواستند به آنها وابسته باشیم. سلاح‌های دفاعی که امروز از اهمیت بیشتری برای دفاع از دستاوردهای انقلاب برخوردار شده، حتی سلاح‌های سبک از خارج وارد می‌شد و میلیاردها دلار از کشور

خارج می گردید. و تنها توسعه زرادخانه های امریکا و کشورهای غربی را در پی داشت.

چهره ای که امروز روستاهای کشور دارند با گذشته فاصله بسیار زیادی دارد. بسیاری از دهات به روستاها و بسیاری از روستاها در اثر این تحولات و پیشرفت ها به شهر تبدیل شدند. هرچند امروز هم با وضعیت مطلوب فاصله داریم. عمق محرومیت های دوره طاغوت را نمی توان در فرصت کوتاه جبران کرد. اگر کسی قصد ابتکار و خلاقیت و یا ثبت اختراع و اکتشافی داشت، یا با پیشنهاد ارقام کلان مهاجرت می کرد و در کشورهای غربی مورد استفاده قرار می گرفت و یا ملزم به سکوت می شد و اگر سر به راه نبود وی را از سر راه بر می داشتند.

امروز یکی از معضلات اساسی ایران وجود مفاسد مالی و اقتصادی است. اما اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، میزان و نحوه این فسادها به هیچ وجه قابل مقایسه با زمان طاغوت نیست.

همگان می دانیم که در اغلب مطبوعات و رسانه های خارجی در سال های آخر حکومت شاه، رژیم طاغوت را فاسدترین رژیم های جهان به لحاظ مالی و اقتصادی و اخلاقی معرفی می کردند. بخش عمده ای از درآمدهای نفتی بدون اینکه به حساب خزانه واریز شود، به حساب شخصی خاندان شاه و دربار واریز می شد و صرف خوش گذرانی ها و منافع نامشروع این ظالمان قرار می گرفت. در حالی که غالب مردم ایران در فقر زندگی می کردند. شکاف طبقاتی به شدت

گسترده بود. به اسم اصلاحات ارضی، کشاورزی ایران را به ورطه نابودی کشاندند و روستاهای کشور را خالی از سکنه کردند تا در مونتاژ کالاهای صنعتی و زندگی شهرنشینی مورد سوء استفاده قرار گیرند. این در حالی است که تا قبل از اصلاحات ارضی در بسیاری از محصولات مورد نیاز کشاورزی مستقل و خودکفا بودیم.

نتیجه سیاست های اقتصادی آمریکا و شاه افزایش وابستگی به مواد غذایی خارجی و اقتصاد نفتی بود. حتی برنامه و بودجه های کشور را کارشناسان آمریکایی از دانشگاه هاروارد تهیه و تنظیم می کردند.

بیان و تحلیل دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران به منظور آشنایی نسل سوم و چهارم انقلاب و تبیین این موضوع که قبلا کجا بودیم و اینک کجا هستیم و قدرشناسی از همه کسانی که در وقوع و تحقق انقلاب رنج کشیدند، شکنجه شدند، خون و شهید دادند باید مد نظر قرار گیرد.

دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران در سطح بین المللی

انقلاب اسلامی ایران در یکی از سال های اوج جنگ سرد تحقق یافت. قدرت های غرب و شرق با رهبری آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق، حتی در حفظ محدودترین مناطق نفوذ خود حساس بودند و اصولا از کشورهای کوچک و متوسط برای تأمین منافع خود در راستای جنگ سرد استفاده می کردند. و با انقلاب اسلامی ایران

پایگاه عمده غرب در مرزهای جنوبی شوروی سابق تعطیل شد؛ زیرا انقلاب اسلامی علاوه بر نفی استبداد داخلی، امریکا را نیز به عنوان استکبار خارجی طرح کرده بود. و از شوروی هم نفوذی نپذیرفته بود. و در واقع امریکا بیش از سایر قدرت های غربی از تحقق انقلاب ایران آسیب دید. این انقلاب شکاف عمده ای در کمربند (سد نفوذ) امریکا در مرزهای جنوبی شوروی بود. این کمربند که از پاکستان تا مصر امتداد داشت، در مرزهای ایران قطع گردید، و امریکا به سرسخت ترین دشمن انقلابیون ایران تبدیل گردید. بعد از انقلاب، امریکا علاوه بر حفظ پرده آهنین اطراف شوروی سابق، ایجاد پرده آهنین دیگری را نیز ضروری تشخیص داد. کمربند دوم باید در اطراف دولت انقلابی ایران تنگ شود، تا شکاف های بیشتری در ستون دوستان منطقه ای آمریکا ایجاد نشود. خطر صدور اندیشه انقلابی به منطقه دل مشغولی عمده آمریکا در خاورمیانه و خلیج فارس به شمار می رفت. لذا این قدرت برای رفع نگرانی خود، سیاست ها و تدابیر منطقه ای تازه ای را در پیش گرفت. در راستای این سیاست، پاکستان تقویت گردید، تلاش نمود تا مصر را به جامعه عرب بازگرداند، رایزنی برای حل مساله فلسطین و در سطح بالاتر، اختلافات اعراب و اسرائیل افزایش یافت. و سرانجام تلاش شد تا دولت های مرتجع عرب خلیج فارس در سایه سازمان شورای همکاری خلیج فارس از حالت تفرنی خارج شده و به انسجام توأم با راهکارهای دارای ضمانت اجرا دست یابند.

علاوه بر تدابیر منطقه ای مزبور، امریکا از هرگونه اقدامی که دولت انقلابی ایران را تضعیف و ملت آن را سرخورده کند، استقبال می کند. این حمایت در داخل، از گروههای مخالف و در خارج از دشمنان ایران صورت گرفت. زیرا با تحقق انقلاب اسلامی ثبات مدیریتی آمریکا در بحران های منطقه و وضع موجود آن در معرض خطر جدی قرار گرفت. در واقع صدور انقلاب اسلامی و اندیشه رهایی بخش آن به کشورهای منطقه و توده های مردمی که آمادگی پذیرش آن را دارند، می تواند رژیم های سنتی و فرسوده، سلطان، امیر، شیخ و شاه را در منطقه سرنگون کند، و در نتیجه همچون ایران منافع این کشورها را از چپاول نجات داده و نفوذ غرب را کاهش دهد. وقوع این حادثه می تواند به عدم دسترسی مداوم ابرقدرت ها به منافع نفت و بازار منطقه بیانجامد. شرایطی که در صورت وقوع، حیات اقتصادی غرب را در معرض خطر جدی قرار می دهد و انقلاب ایران راه های ارتباطی غرب را به مخاطره می اندازد.

از لحاظ نظامی نیز در آستانه انقلاب اسلامی ایران، خلیج فارس تحت سیطره تدابیر نظامی ستاد فرماندهی جنگ امریکا (پنتاگون) بود و ایران ستون سیاسی، نظامی آمریکا در منطقه قلمداد می شد. اما بعد از انقلاب اسلامی و فروپاشی ستون نظامی، سیاسی امریکا در منطقه، آمریکا تدابیر خود را برای جایگزینی این ستون با عربستان سعودی تغییر داد.

عربستان که پیش از این تنها ستون مالی و تقویت کننده ستون

نظامی ایران قبل از انقلاب محسوب می شد، از زمان تحقق انقلاب به خریدار تسلیحات پیشرفته آمریکایی و ستون بسیاری از تدابیر منطقه تبدیل شد. پایگاه های نظامی و نیروها و واکنش سریع امریکا در عمان و بحرین توسعه یافتند. مستشاران غربی به ویژه از آمریکا و انگلیس در درون ارتش های کوچک و ضعیف کشورهای حوزه خلیج فارس فعال شدند تا منافع غرب و امریکا را در خلیج فارس تامین کنند و هنوز جمعی از این مستشاران در کادر ارتش و حتی نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش اعراب فعال بوده و نقش عمده ای در سرکوب انقلابیون متأثر از انقلاب اسلامی ایران دارند.

انقلاب اسلامی، ایران را به دولتی قدرتمند تبدیل نموده و برخلاف گذشته، این کشور خارج از کنترل و هدایت آمریکا شده و این نگرانی عمده آمریکا و پنتاگون در خاورمیانه محسوب می شود. در شرایطی که دوران خمودگی و سازش کار اعراب به اوج خود می رسد، ایران انقلابی توانست خطر عمده ای برای رژیم صهیونیستی و ارتجاع طرفدار امریکا در منطقه باشد.

بعد از انقلاب، جمهوری اسلامی، مستشاران نظامی را اخراج کرد و با قطع هرگونه وابستگی، خریدهای نظامی را به حداقل رساند و بسیاری از قراردادهای خرید تسلیحاتی را معلق گذاشت. در چنین شرایطی جنگ عراق به ایران تحمیل گردید. در این جنگ، چراغ سبزیهای قدرت های غرب به صدام، نقش عمده ای داشتند. این جنگ ناعادلانه ترین برخورد استبداد منطقه و استکبار فرا منطقه ای با یک

ملت انقلابی بود، که در سالهای آخر آن به رویارویی کامل قدرت های غربی (شرق و غرب) و عراق در مقابل جبهه انقلاب تبدیل شد. اما مهم ترین حاصل آن، اثبات روحیه مقاومت ملت انقلابی ایران و تبدیل این کشور به قدرت بلامنازع منطقه بود، قدرتی که اینک به هیچ دولت بیگانه و مداخله جویی وابسته نیست.

به هر حال قدرت های غربی از هر راه چاره ای برای براندازی یا حداقل محدود و منزوی کردن کشور انقلابی ایران بهره بردند، ولی زمانی که همه تیرها به سنگ خورد، خواهان مذاکره و بهبود روابط شدند. روابط ایران با دولت های اروپایی علی رغم نوسانات بسیار، همواره با تلاش اروپایی ها برای حفظ و تقویت روابط همراه بوده است. و امریکا ده ها و شاید صدها بار پیشنهاد مذاکره و احیای روابط داده که بدون پاسخ مانده است.

امروزه در شرایطی که سیاستمداران غربی، تدابیر منطقه ای خود را بدون محاسبه ایران ناقص می دانند، استراتژیست ها و برخی از متفکران غربی با مطرح کردن مسئله برخورد تمدن ها دل نگرانی عمده خود را از اسلام گرایی ابراز می دارند که ریشه در انقلاب اسلامی ایران دارد. و این آوردگاهی است که دامنه آثار انقلاب را به قرن بیست و یکم می کشاند. مدیر مرکز مطالعات استراتژیک دانشگاه هاروارد با نوشتن مقاله بحث انگیز (برخورد تمدن ها) در فصلنامه فارین افرز شماره 1993 موضوع برخورد تمدن ها را به عنوان پارادایم تغییر کننده روابط بین المللی در عصر پس از جنگ سرد مطرح کرد... و

پیش بینی کرد که جنگ های آینده در امتداد خطوط گسل بین تمدن‌ها روی خواهد داد. (1)

بدون آنکه اصراری بر پذیرش نظریه برخورد تمدن‌ها داشته باشیم، توجه به این واقعیت ضروری است که آنچه برخی از محافل غربی از تمدن اسلامی در برخورد با تمدن خود خوانده و از آن بیم دارند، اسلام منفعل شده برخی کشورهای عربی یا لائیک نیست بلکه اسلام پویایی است که با انقلاب ایران جان تازه ای گرفت و زیر بنای اسلام گرایی و تمدن نوین اسلامی گردید. محافل واقع گرای غربی نگران اند که در قرن بیست و یکم، اسلام پویا سایر تمدن‌ها را تحت الشعاع خویش قرار دهد.

انقلاب اسلامی ایران در بعد سیاست خارجی

انقلاب اسلامی در دورانی از تاریخ سیاسی کشورمان به وقوع پیوست که اصل سکولاریزه شدن سیاسی و فرهنگی حکومت‌ها در دنیا جریان داشت و حکومت پهلوی به دلیل وابستگی شدید سیاسی، اقتصادی و نظامی به آمریکا کشور را تبدیل به مستعمره سیاسی و اشنگتن کرده و یکی از حلقه های مؤثر استراتژی های سیاسی و امنیتی بلوک غرب در مقابله با بلوک شرق کمونیسم به حساب می آمد. و خاندان پهلوی که برای جلب بیشتر آمریکا در چارچوب به

ص: 255

1- ساموئل هانتینگتون، «برخورد تمدن‌ها».

اصطلاح مدرنیزه کردن کشور، اقدام به اجرایی کردن سیاست های لائیسزم و جابه جا کردن ارزش ها و هنجارهای ملی و مذهبی کرده بود و در روابط خارجی نیز با اطاعت محض از سیاستهای کاخ سفید ستون فقرات استراتژیهای پیمان های سیاسی و امنیتی آمریکا در آن زمان به شمار می آمد. در آن زمان ایران به سبب داشتن سیاست خارجی وابسته به بلوک غرب علاوه بر این که رابطه خود را با ملت و اعتقادات آنها در داخل قطع کرده بود رابطه و تعامل با جهان اسلام نیز در قاموس خارجی وی جایی نداشت.

دگردیسی ناشی از انقلاب اسلامی فصل جدیدی از روابط حاکمیت با مردم در داخل و در روابط با جهان اسلام و جهان آزاد را به وجود آورد و به عبارتی انقلاب ایران را از حالت مستعمره سیاسی بیرون آورد و به کشور کاملاً مستقل در تصمیم گیری و سیاست سازی مبدل کرد و معادلات سیاسی امنیتی منطقه را دچار فروپاشی و به هم ریختگی جدی نمود.

در سایه رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله به عصر استراتژی دو ستون نیکسون - کیسینجر که ایران ستون نظامی آن را تشکیل می داد و به عنوان ژاندارم منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی عمل می کرد، به پایان رسید و به طور خودکار ایران از حالت اقماری بیرون آمد. در همین زمان بود که در چارچوب مصوبات شورای انقلاب، کشورمان از پیمان امریکا سنتو (ایران، ترکیه، افغانستان) خارج شد و این پیمان با خروج ایران از آن عملاً متلاشی شد.

از دیگر اقدامات انقلابی، اشغال لانه جاسوسی در سیزدهم آبان 1358 و ناتوانی کاخ سفید در تصمیم‌گیری مؤثر درباره چگونگی برخورد با این واقعه بود، که هیبت و اقتدار مصنوعی غرب را در افکار عمومی داخل و منطقه شکست. این تحول که امام از آن به عنوان انقلاب دوم یاد کردند از نوادر اقدامات در تاریخ سیاسی کشورهای محکوم جهان دوقطبی در آن زمان محسوب می‌شد، که فضای رعب و وحشت حاکم بر جهان اسلام را شکست و شهادت و انگیزه برخورد در آن را به وجود آورد.

از دیگر نتایج انقلاب اسلامی جابه‌جایی تهدیدات و معیارهای دوستی و دشمنی میان ایران با جهان اسلام بود که قطع رابطه با آمریکا و رژیم صهیونیستی و رژیم آفریقای جنوبی در همین راستا بود. انقلاب اسلامی نه تنها با آمریکا و رژیم اسرائیل قطع رابطه کرد، بلکه طرح جدی و عملی و عینی مبارزه با آنها را ارائه کرد که بعدها به عنوان الگوی استراتژی مبارزاتی ملت‌ها و نهضت‌های آزادی‌خواه در منطقه و جهان قرار گرفت. در فرایند دیپلماسی ایران شاهد رخداد‌های بزرگ با اشکال و بعضاً ماهیت متفاوت هستیم که نظام با اقتدار و حفظ استقلال به مبارزه با آن رفته و از مدیریت خارجی خود، برای دیگران الگوسازی کرده است.

در بحران‌های زنجیره‌ای پس از 11 سپتامبر در حالی که در قضیه افغانستان سکوت مرگباری بر جهان حاکم بود و دیپلماسی جهان چشم به کاخ سفید داشت و جهان یکپارچه سیاست دنباله‌روی را

پیشه کرده بود، مقام معظم رهبری (مدظله) در یک موضع حکیمانه مستقل و با لحاظ اصل عزت و مصلحت نظام، فضا را شکستند و جهان را به حیرت واداشتند و راهبرد انحصاری بوش مبنی بر اینکه کشورها یا با ما هستند یا علیه ما، را با اعلام این راهبرد که ما نه با شما هستیم نه با تروریست ها به چالش کشیدند.

شکست سیاست های سلطه طلبان امریکا و ایستادگی و پایداری در مقابل فشارهای غرب به ویژه آمریکا یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی است. ناکامی در سیاست تحریم آمریکا علیه ایران، چالش و ناکامی در استراتژی نظم نوین آمریکا در جهان پس از فروپاشی بلوک شرق، مانع سازی جدی در جهانی شدن امریکا، شکست طرح های آمریکا در خاورمیانه و در حوزه دریای خزر و آسیای مرکزی و قفقاز، عدم دستیابی به اهداف اساسی در حمله به افغانستان و عراق و ... از جمله تقابل موفقیت آمیز جمهوری اسلامی ایران در برابر سلطه جهانی امریکا بود.⁽¹⁾

به طور کلی، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، تحولات بسیاری ایجاد نمود، از جمله: تجدید حیات اسلام در افکار مسلمانان.

ظهور جنبش ها و نهضت های اصولگرا در منطقه.

احیای حج حقیقی و ابراهیمی

ص: 258

1- گذری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی و آسیب شناسی درونی آن، ص 28 تا 30.

مردم جهان رویکرد خود را به سوی دین نمایند و گرایش های معنوی زیاد شود و باعث تضعیف اندیشه مادی گرایی شد.

انقلاب اسلامی الگوی مبارزاتی مردم تحت ستم در نقاط مختلف جهان گردید و به ملت های در بند جهان آموخت که چگونه خود را از زیر سلطه و نفوذ بیگانگان نجات دهند.

بزرگ ترین دستاورد و نتیجه انقلاب، در سطح جهان درس آزادی و آزاداندیشی برای مردم تحت سلطه در سراسر جهان بوده است. احیاء تمدن اسلامی و این موضوع برگ برنده ای است که همواره انقلاب اسلامی ایران را پیش قراول هرگونه حرکت در این راه قرار داده است. لذا تا زمانی که مسلمانان منطقه به هر سبک و سیاقی در آن راه تلاش کنند، بی تأثیر و بی نیاز از انقلاب ایران نخواهند بود.

در برخی از کشورها همچون ترکیه و الجزایر مسلمانان از راه انتخابات عمومی به سوی قدرت پیش رفتند و برخی دیگر قبل از اینکه از دمکراسی و شعارهای شبیه به آن سر خورده شوند، از ابتدا رویه انقلابی در پیش گرفته اند.

انقلاب ایران، اسلام را به عنوان پدیده پویای سه دهه اخیر، وارد تعاملات نظام بین الملل ساخت، در کل منطقه و حتی فراتر از آن.

انقلاب اسلامی به عنوان معیاری برای اثبات هویت فراموش شده جوامع مسلمان و نظامی که در شرایط خلأ قدرت جهانی خود را مطرح کرده است، نمود پیدا کرد و قدرت های جهانی را به مبارزه طلبید.

اکنون پس از فروپاشی اتحاد شوروی، امریکا اسلام را به عنوان

جایگزین کمونیسیم معرفی می کند و حضور خود در مناطق استراتژیک جهان را به این بهانه توجیه کرده و با تفرقه افکنی میان کشورهای مسلمان، آنها را به جان هم انداخته تا علاوه بر کند کردن حرکت اسلام گرایی، همچنان شرایط را برای ادامه حضور و حفظ بازارهای فروش تسلیحاتی خود مهیا سازد. در مقابل، جهان اسلام به شدت محتاج یک روحیه اعتمادسازی است تا بتواند زمینه را برای همگرایی بیشتر فراهم نماید.

متأسفانه در شرایط کنونی که جهان تحت سیطره بنگاه های تبلیغاتی غرب است و برخی از سران کشورهای اسلامی وابستگی خود به آن دیار را کاهش نداده اند، پیدایش چنین روحیه ای با مشکل مواجه شده است. اما سران کشورهای اسلامی باید در این راه گام بردارند، زیرا در غیر این صورت با چالش های درونی مواجه خواهند شد.

در شرایطی که افکار عمومی داخل کشورهای مسلمان نسبت به واقعیت زمانه و حقانیت اندیشه احیای تمدن اسلامی آگاه تر می شود، کوه بینی سیاستمداران برای مردم قابل توجیه نیست.

فرهنگ انقلاب اسلامی ایران و صدور ارزش های آن

انقلاب اسلامی ایران که در بهمن ماه 1357 متولد شد، در عین داشتن اهداف سیاسی و اجتماعی، نگاه خاصی به تمدن و جهان بینی اسلامی داشت. این رویداد در بیداری مسلمانان جهان و نوزایی باورهای دینی نقش عمده ای ایفا کرد. هر چند

جهان، به ویژه در غرب، بر آن بوده است که همواره از انقلاب اسلامی ایران چهره ای ضد فرهنگی و متجاوز ترسیم نمایند، ولی رهبری فرزانه انقلاب اسلامی ایران بر مفاهیم بکر و تازه ای که در روح انقلاب اسلامی موج می زند تکیه نموده و بر مشترکات آن با دنیا و اختصاصات منحصر به فرد آن، که در مکاتب گوناگون و جریان های فکری و نحله های مختلف دنیا موجود نیست، اصرار می ورزند به گونه ای که معتقد به پویایی و برجسته کردن و مقاومت و بیان نمودن و ترویج آن اختصاصات هستند.

از منظر امام راحل رحمه الله و مفهوم صدور انقلاب در واقع انتقال ارزش های معنوی و الهی آن و رساندن این رسالت به گوش جهانیان از طریق استفاده از امکانات و ابزارهای پیام رسانی می باشد که باید این هدف با استفاده از راهکارهای موجود مانند: دعوت و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان، معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی، فراهم آوردن زمینه های مناسب برای گفتگوی تمدن ها و فرهنگ ها، تقویت وحدت امت اسلامی، احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام و ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی تحقق یابد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سر منشأ تحولات عظیمی در منطقه و جهان گردیده و تأثیرات شگرف بین المللی را به دنبال داشته است. انقلابی که با تکیه بر ایمان و باورهای اسلامی و با شعار نه شرقی، نه غربی رژیم خودکامه ی شاه را سرنگون کرد. و حکومت جمهوری اسلامی را در این سرزمین محقق ساخت.

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهمترین و عظیم ترین رویدادهای قرن معاصر، دارای برکات و نتایج بسیار بزرگ و درخشانی در ایران و جهان بود.

روژه گارودی، اندیشمند مسلمان فرانسوی در یکی از مقالات

خود، انقلاب اسلامی ایران را این چنین توصیف می کند:

«به راستی انقلاب اسلامی که امام خمینی رحمه الله آن را رهبری کرد به هیچ یک از انقلاب هایی که در قبال برپا گردیدند، شبیه نیست، در طول تاریخ انقلاب هایی بودند که با هدف تغییر نظام سیاسی بر پا گردیدند. انقلاب های اجتماعی هم در جهان رخ داده است که نشانگر خشم فقرا علیه اغنیا بود، انقلاب های ملی هم خشم خود را علیه استعمارگران و غاصبان خالی کردند. اما انقلاب اسلامی ایران دارای تمامی این انگیزه ها بود.»

«این انقلاب علاوه بر موضوعاتی که گفته شد دارای معانی جدیدی بود که نه فقط حکومت سیاسی، اجتماعی، استعماری را سرنگون کرد، بلکه مهمتر از آن تمدن و جهان بینی خاصی را که در مقابل دین علم شده بود، واژگون ساخت»⁽¹⁾.

انقلاب اسلامی ایران تأثیرات زیادی در بیداری مسلمانان جهان و احیای باورهای دینی داشت.

ص: 262

1- بیانات مقام معظم رهبری مورخ 1380/11/17 در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

در عصری که می رفت عزت و شوکت اسلامی توسط استعمارگران و دشمنان اسلام پایمال گردد و اخلاق و ارزش های اسلامی به بوته فراموشی سپرده شود، انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله و به وقوع پیوست و فرهنگ و تمدن اصیل اسلامی را به ارمغان آورد و بارقه امیدی در دل میلیونها مسلمان در گوشه و کنار دنیا زنده کرد و باعث تجدید حیات اسلام و زنده شدن مجدد و عظمت دیرینه جهان اسلام گردید.

مقام معظم رهبری با اشاره به ویژگی های انقلاب اسلامی و ضرورت پیام رسانی و ابلاغ ارزش های انقلاب می فرمایند:

«انقلاب، دو جهت داشت: یک جهت، مبارزه با استبداد داخلی و حکومت فاسد وابسته ای که مردم و کشور را بدبخت و بیچاره کرده بود؛ انقلاب می خواست کشور و ملت را نجات دهد؛ در دامن اسلام، مردم اداره شوند و حکومت، اسلامی باشد؛ جهت دیگر، سخن و پیام نو برای دنیا و بشریت است؛ این چیزی است که دنیا را به خود جذب کرد؛ و الا فلان متفکر اروپایی یا غربی یا آفریقایی یا آمریکای لاتین که امام و انقلاب و نظام اسلامی و حرکت مردم را ستایش می کند، او که داخل کشور ما نیست تا از حکومت، چیزی فهمیده باشد؛ پیام جهانی و انسانی اسلام است که او را به ستایش وادار می کند. جنبه دوم، بسیار مهم است؛ ما باید بتوانیم این را بیان کنیم»⁽¹⁾.

ص: 263

1- بیانات مقام معظم رهبری مورخ 1380/11/17 در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

حال چطور و چگونه این پیام انسان ساز را به گوش مسلمانان و جهانیان برسانیم؟

چه تدبیری اندیشیده شود تا ارزش های فرهنگی انقلاب را به صورت مطلوب و منطقی به دنیا ابلاغ نماییم و مخاطبان و مشتاقان انقلاب را از آماج حملات فکری و فرهنگی دشمنان برهانیم؟

پاسخ عبارت است از صدور انقلاب، زیرا انقلابی که بر پایه مایه های فکری و فرهنگی نضج گرفته و رشد یافته، به جهت احساس رسالت انقلابی و وظیفه شرعی و انسانی که برای خود می بیند برای نشر و ترویج اندیشه های خود اقدام خواهد نمود و این مفهوم یعنی صدور انقلاب، صدور افکار و اندیشه هایی که انقلاب اسلامی براساس آنها و برای آنها صورت گرفته است که کسب استقلال و آزادی با تکیه بر اسلام می باشد.

یکی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب در منطقه و جهان، صدور انقلاب اسلامی است.

امام خمینی رحمه الله و مسئولان برجسته نظام بارها روی این موضوع مهم تکیه کرده اند و در بیانات و نوشته های متعددی نسبت به صدور انقلاب اسلامی، اظهار نظرهایی

داشته اند.

در ابتدای پیروزی انقلاب حضرت امام رحمه الله فرمودند:

«ما به تمام جهان تجربه هایمان را صادر می کنیم و نتیجه مبارزه و

ص: 264

دفاع با ستمگران را بدون کوچکترین چشم داشتی، به مبارزان راه حق انتقال می دهیم و مسلماً محصول صدور این تجربه ها، جز شکوفه های پیروزی و استقلال و پیاده شدن احکام اسلام برای ملت های دربند نیست»⁽¹⁾.

«ما انقلابمان را به تمام جهانیان صادر می کنیم، چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست، و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست ما هستیم»⁽²⁾.

امام امت در یکی دیگر از بیانات خویش در مورد صدور انقلاب می فرمایند:

«بحمد الله امروز قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به طوری است که توجه همه ملت های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا از این سیاه های عزیزی که در آمریکا هستند و تا آفریقا و تا شوروی و همه جا، نور اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام شده است. و منظور از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و انشاء الله اسلام در همه جا غلبه بر کفر خواهد پیدا کرد»⁽³⁾.

ص: 265

1- پیام برائت از مشرکان، صحیفه نور، ج 20، ص 118، مورخ 1366/5/6.

2- صحیفه نور، ج 17، ص 240، مورخ 1362/2/4.

3- پیام امام خمینی که به مناسبت سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، صحیفه نور، ج 11، ص 266، مورخ 1358/11/22.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرآغاز تحقق وعده‌ی الهی برای رهایی مستضعفان بود. این انقلاب همچون مشعل فروزانی، راه‌رهای ملت‌ها را از قید و بند استکبار جهانی روشن کرد و به گفته‌ی شهید‌الامام محمد جواد باهنر، «انقلاب ایران، اسلام عزیز را در دنیا حیات تازه‌ای بخشید».

گیزلا کرافت، دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی گفتگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته و پوشکین، می‌گوید:

«اسلام در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده که در سایه آن مبارزه شدید با مادیگری و برای احیای معنویت جریان دارد».

تجدید حیات جوامع اسلامی و رشد روزافزون معنویت و بیداری ملت‌های تحت ستم در سایه پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد تا ماشین جنگ روانی غرب با تمام قدرت و توان خویش، پروسه مخدوش‌سازی چهره انقلاب اسلامی را با شیوه‌ها و ابزارهای مختلف به کار بندد تا در ارزش‌های اسلامی و امکان اجرای آنها شک و تردید ایجاد کند. یکی از توطئه‌های استعماری آنان، تحریف و وارونه جلوه دادن صدور انقلاب بود، به گونه‌ای که هدف از صدور انقلاب را که دعوت به اسلام بود به معنای تجاوز به سرزمین دیگران و جنگ و زورگیری معرفی کردند.

امام خمینی رحمه الله در مقام تبیین معنا و مفهوم صدور انقلاب اسلامی تصریح

می‌کنند:

ص: 266

«ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی به ما گفتیم و نه ما می‌توانیم. اما آنکه ما می‌توانیم این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود»⁽¹⁾.

«صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست... صدور انقلاب به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است، صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...»⁽²⁾

امام خمینی رحمه الله که در جایی دیگر، به منظور جلوگیری از هرگونه برداشت غلط از معنای صدور انقلاب خاطر نشان می‌سازند که معنی صدور انقلاب ما این است که این بیداری اسلامی در همه‌ی ملت‌ها ایجاد شود و صدور انقلاب با زور و کشورگشایی نیست، بلکه در پرتو اسلام و اخلاق اسلامی است. امام در یکی از بیانات خویش در این باره می‌فرمایند:

«اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی

ص: 267

1- صدور انقلاب از دیدگاه امام، ص 60 و 61.

2- مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، ص 364 و 366، شهید محمد جواد باهنر.

غلط را از آن برداشت نکنند که ما می خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمین را از خودمان می دانیم. همه کشورها باید در محل خودشان باشند، ما می خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و خودشان از ابرقدرت ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن خودشان کوتاه کردند، این در همه ملت ها و در همه دولت ها بشود. آرزوی ما این است...» (1).

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به ضرورت شناسایی مفاهیم جدید انقلاب و عرضه آن ها به مشتاقان و طالبان حقیقت در سطح جهان می فرماید:

«انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، مفاهیم بکر و تازه ای در دنیا دارد، مفاهیمی دارد که اگر چه مشترکاتی با دنیا دارد، اما اختصاصاتی دارد که این را از شبیه خودش در مکاتب گوناگون و جریان های فکری و نحله های فکری دنیا جدا می کند؛ باید آن را در بیاوریم و پایش هم بایستیم و بیان کنیم» (2).

صدور ارزش های فرهنگی

انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و به تعبیر شهید مظلوم دکتر بهشتی «انقلاب ارزش ها» محسوب می شود.

ص: 268

1- بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی، صحیفه نور، ج 13، ص 127، مورخ 1359/7/28.

2- بیانات مقام معظم رهبری، مورخ 1380/11/17.

بنابراین، بدیهی است، مهمترین بعد تاثیرگذاری نظام جمهوری اسلامی ایران در دنیا، همان بعد فکر و فرهنگ و اندیشه است که به فرموده رهبر فرزانه انقلاب:

«اگر ما بتوانیم در صحنه ی فکر و فرهنگ کار شایسته ای انجام دهیم، همه تهدیدهای مادی دنیا خنثی خواهد شد».⁽¹⁾

معرفی و تبیین مفاهیم و معارف اسلامی در جهان

یکی از رسالت های مهم انقلاب اسلامی ایران در عرصه بین الملل، معرفی و احیا و گسترش تفکر و معارف اسلامی است. دشمنان و معاندان اسلام همواره می کوشند چهره اسلام را مخدوش سازند و حقایق را وارونه جلوه دهند. بر اثر پیروزی انقلاب اسلامی دین و دینداری در سراسر جهان احیا گردید و دین و معنویت به صحنه اجتماع بازگشت. اصلاح تفکر دینی و زدودن خرافات و بدعت ها از چهره دین اسلام و پاسخگویی دینی به نیازهای فکری جامعه بشری از جمله اهداف اساسی انقلاب بشمار می رود.

امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرمایند:

«ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم. اسلاممظلوم است الآن در دنیا، غریب است در دنیا».⁽²⁾

ص: 269

-
- 1- بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ 1380/11/17.
 - 2- صحیفه نور، ج 18، ص 102 و 103، در دیدار با مسئولان دانشگاه امام صادق علیه السلام، مورخ 1362/6/15.

«مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهانگیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند»⁽¹⁾.

رهبر معظم انقلاب نیز با تأکید بر رعایت موقعیت ها، ابزار و شیوه های ابلاغ پیام به دیگر کشورها تصریح می کنند که:

«امروز در دنیا برای اثرگذاری کارهای پی در پی تئوری های فکری ساخته و پرداخته و القاء می شود؛ برای اینکه ذهن ها که مخاطب، و آماج این حمله فکری و معنوی هستند خاضع و قانع و تسلیم شوند، تا آنها بتوانند با امکان مادی و ثروتی که در اختیار دارند، به مقاصد خود برسند. ماییم و تفکر و معارف اسلامی، ماییم و پیام انقلاب اسلامی؛ ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم... ما باید بتوانیم مفاهیم و معارف اسلامی و آنچه را که متعلق به ماست، بیان کنیم؛ البته باید با لحن و بیان روشنفکرانه و کاملاً مترقی و با استفاده از واژگان متناسب با هر دوره و زمان باشد»⁽²⁾.

معرفی و تبیین فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی

یکی از ابزارهای کارآمد در معرفی فرهنگ و تمدن ایران اسلامی به منظور ترسیم چهره واقعی ایران اسلامی و زدودن زنگارها و

ص: 270

1- صدور انقلاب از دیدگاه امام راحل رحمه الله ص 31.

2- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ 1380/11/17.

تحریفات گسترده ناشی از شیخون فرهنگی غرب، استفاده مطلوب از رسانه های جمعی و بهره گیری از شبکه های اطلاع رسانی بین المللی است.

شناخت زبان، ابزار و شیوه های مؤثر در گسترش و توسعه روابط و مناسبات فرهنگی با کشورها در جهت معرفی مبانی، اهداف، مواضع و دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران لازم و ضروری به نظر می رسد.

میراث گرانقدر فرهنگ و تمدن ایرانی همه اندیشمندان و صاحبان فکر و ادب را به اعجاب و شگفتی واداشته تا حدی که در برابر آن سر تسلیم فرود آورده اند.

اظهارنظرها و ارزیابی بسیاری از متفکران و بزرگان علم و هنر که از گوشه و کنار جهان به ایران اسلامی سفر کرده اند، خود شاهد صادقی است بر این مدعا.

دکتر حنا الفاخوری، نویسنده، ادیب و اندیشمند برجسته مسیحی لبنان و صاحب بیش از یکصد اثر در زمینه های ادبیات، تاریخ و فلسفه که تحت تأثیر عمیق فرهنگ و تمدن ایران قرار گرفته، طی اظهارنظری درباره دستاوردهای فکری ادبی انقلاب اسلامی می گوید:

«من درباره تاریخ ایران در دوره های قدیم و جدید بسیار شنیده بودم و آثار ادیبان و دانشمندان ایرانی را فراوان خوانده ام، بسیار اندیشیدم تا از فرصتی که برای دیدار از جمهوری اسلامی ایران به من عطا شده است، استفاده کنم و با آثار مهد علم و دانش آشنا شوم؛ حال

این را با چشم خود دیدم و با بینایی و قلب، مشاهده و درک کردم، خود را همراه کسری در ایوانش و همراه فردوسی در شاهنامه می بینم و به بهشت هنرهای دستی و ادبی و نقاشی و نقش و نگارها وارد می شوم و مدتی با عمر خیام در رباعیاتش و با کمال الدین اصفهانی با اشعار غنائی با احساسش و با عرفان حافظ در مقامات صوفی اش همراه هستم، با تأمل می نگرم در دست های زیبانگار که جهانی زیبا را بنیان گذاشته اند و عقل هایی که تخیل و نوآوری می کردند و به زبان هایی که آموختند و پرورش دادند و به جهان میراثی گرانبها را ارزانی داشتند، من غرق در دریایی از شگفتی هستم. من از زمانی که به تأمل در دنیای عرب و پیرامون آن و عوامل مؤثر در آن پرداختم باعث افتخارم بود که از شایستگی ملتی غنی و آگاه بهره مند شوم. در کارهایم همیشه خود را در مقابل ایران و گرایش ایرانی، به هر سمت که می نگریم، می دیدم، تأثیر ایرانی و کار ایرانی و نبوغ ایرانی، به طور کامل گویا است، بخصوص در زبان عربی، در نوشته های خود در فلسفه و زبان تلاش کرده ام این تأثیر را بگویم. هویدا کردن این شایستگی نه از روی تعصب بلکه به سبب حقیقت یابی و التزام به علم بود.»⁽¹⁾

در جهت معرفی فرهنگ و تمدن ایران و انقلاب اسلامی، آگاه ساختن جهانیان با مفاهیمی همچون موارد زیر، لازم و ضروری

ص: 272

1- چشم انداز ارتباطات فرهنگی، ص 60، فروردین 82.

به نظر می‌رسد:

- معرفی شخصیت و سیره نظری و عملی حضرت امام رحمه الله.

- شناساندن اصول و مبانی انقلاب اسلامی به جهانیان.

- معرفی تحولات معنوی، فکری و اجتماعی ملت مسلمان ایران در پرتو انقلاب اسلامی.

- نمایاندن ارزش‌های اصیل انقلاب و معرفی و تبیین فرهنگ ایمان و ایثار و شهادت.

- معرفی و احیای آثار شخصیت‌های اسلام شناس و ایران شناس.

- معرفی فرهنگ، هنر، ادبیات و شعر انقلاب اسلامی.

سینما و تلویزیون به عنوان یکی از مؤثرترین بسترهای معرفی فرهنگ و هنر، نقش بسیار مهمی دارند. به ویژه سینمای ایران که در این سال‌ها به سرعت رشد کرده و با پرداختن به موضوعات و مضامین انسانی، می‌تواند جای خود را در میان ملل مختلف باز کند. سینمای پس از انقلاب اسلامی یکی از توانمندترین سینماهاست و موفقیت آن در عرصه جهانی، مدیون سادگی، اخلاص و جنبه‌های ظریف انسانی و ذاتی و در واقع بیان جنبه‌های مثبت بشری است.

با بهره‌گیری از این ابزار قوی و قدرتمند و با تدبیر و سرمایه‌گذاری دقیق و سنجیده می‌توان محصولات بسیار ارزشی و سازنده تهیه کرد و نه تنها در داخل کشور بلکه در سطح بین‌المللی آنها را عرضه کرد و فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی را به نمایش گذاشت.

ص: 273

ارائه طرح و فراهم آوردن زمینه های گفتگوی تمدنها و فرهنگ ها

تمدن ها و فرهنگ ها دارای خصوصیات و ویژگی های عمومی می باشد.

در پنجاه و سومین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، رئیس جمهور محترم وقت جمهوری اسلامی ایران در سخنرانی خود، به طرح پیشنهادی پرداخت که با استقبال جامعه جهانی رو به رو شد. ایشان خواستار نام گذاری سال 2001 میلادی به عنوان سال گفتگوی تمدنها گردید، این پیشنهاد مورد استقبال کشورهای مختلف قرار گرفت و به عنوان یک موفقیت سیاسی، بین المللی برای جمهوری اسلامی ایران در تاریخ به ثبت رسید. اصل گفتگوی تمدن ها در نظر دارد تا ملت ها با ادیان و فرهنگ های مختلف از طریق گفتمان، هنر، ادبیات، مراودات علمی به شناخت یکدیگر بپردازند و وجوه اشتراک بین خود را دریابند و دیوارهای بی اعتمادی و بدبینی ناشی از سوء تفاهمات را فروریزند و با حفظ اصول فرهنگی خویش، نقاط اشتراک موجود را تقویت کنند و همان نقاط اشتراک را مبنا و پایه ایجاد و گسترش روابط قرار دهند و بدون آنکه فرهنگی بخواهد خود را بر فرهنگی دیگر مسلط یا تحمیل کند، صرفا با اتکای به اشتراکات و مراودات صحیح فرهنگی به اصل همزیستی مسالمت آمیز و صلح پایدار دست یابند.

آقای صبحی الجابی، پژوهشگر و نویسنده سوری در خصوص

تأثیر و بازتاب جهانی فرهنگ و تمدن انقلاب اسلامی چنین اظهار می دارد:

«انقلاب اسلامی فرهنگ و تمدن حقیقی را برای جهانیان به ارمغان آورد. این تمدن در تمام زمینه های سیاست، حقوق بشر و اخلاق، با فرهنگ و تمدن غرب تفاوت اساسی دارد. به هر حال، هرکس فرهنگ انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار دهد حتما پیروز خواهد شد. طرح گفتگوی تمدن‌ها، نشانه حضور ایران در سطح جهانی و پاسخی به جنگ تمدن‌ها است که صهیونیست‌ها آن را در آمریکا مطرح کردند»⁽¹⁾.

تقویت وحدت امت بزرگ اسلامی

یکی از برکات انقلاب اسلامی ایران تحکیم اخوت اسلامی و ایجاد و تقویت وحدت در میان مسلمانان بوده است. این انقلاب با طرح مجدد قرآن و با الهام از سیره شریف نبوی شالوده وحدت‌اسلامی، الگوی همبستگی و وحدت مسلمانان را پایه ریزی کرد.

امام خمینی رحمه الله که از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، مردم مسلمان جهان را به یکپارچگی و وحدت در برابر حاکمان جور و دشمنان اسلام دعوت نمودند و سند عزت و پایداری ملل مسلمان را وحدت کلمه و توحید کلمه معرفی کردند. در یکی از بیانات ایشان

ص: 275

«برای مسلمانان جهان که به حقیقت اسلام ایمان دارید! بپا خیزید و در زیر پرچم توحید و در سایه تعلیمات اسلام، مجتمع شوید و دست خیانت ابر قدرت‌تان را از ممالک خود و خزائن سرشار آن کوتاه کنید و مجد اسلام را اعاده کنید و دست از اختلافات و هواهای نفسانی بردارید که شما دارای همه چیز هستید»⁽¹⁾.

ایجاد زمینه مناسب برای تقریب مذاهب و ساماندهی وحدت در میان مسلمانان از طریق تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که به ابتکار مقام معظم رهبری (مدظله العالی) صورت گرفت، در جهت گسترش و توسعه مفاهیم نظری و عملی وحدت و همزیستی اسلامی مؤثر بوده است.

برگزاری همایش‌های وحدت اسلامی در گوشه و کنار دنیا، چاپ و نشر هزاران عنوان کتاب، روزنامه و نشریه حول محور وحدت اسلامی و حمایت و پشتیبانی از ملل مظلوم و ستمدیده جهان بویژه مردم مظلوم فلسطین نشانگر حمایت جمهوری اسلامی ایران از منافع کشورها و ملت‌های اسلامی و حفظ ارزش‌های الهی و انسانی در سطح جهانی است.

اسامه ابوحمدان، نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در لبنان، انتفاضه مردمی فلسطین را یکی از ثمرات انقلاب

ص: 276

اسلامی در ایران می داند و در این باره می گوید:

«با پیروزی انقلاب اسلامی، مهمترین خواسته مسلمانان در قرن بیستم تحقق یافت. مسلمانان جهان انقلاب اسلامی را الگو و سرمشق خود می دانند و باور دارند که نظام اسلامی در تمامی دورانها قادر است حکومت تشکیل دهد. انقلاب اسلامی مایه مباحثات و افتخار ملت فلسطین است. مردم مسلمان ایران که قدرتمندترین پایگاه استکبار جهانی و رژیم صهیونیسترا در منطقه فرو ریختند، ملت فلسطین را به گرفتن حقوق از دست رفته خود امیدوار ساختند»⁽¹⁾.

معرفی چهره اصیل تشیع و احیای فرهنگ اهل بیت علیهم السلام

یکی از ویژگی های انقلاب اسلامی، پیروی و تبعیت از مکتب اهل بیت عصمت و طهارت در اوان پیروزی و تداوم انقلاب می باشد. راه پر عظمت و پر فروغ ائمه معصومین علیهم السلام همواره سرمشق و الگوی ملت بزرگ ایران در طول مبارزات، با رژیم ستم شاهی و استمرار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بوده است.

ترویج فرهنگ ناب محمدی صلی الله علیه وآله و تبیین چهره تابناک تشیع با حفظ اصول وحدت و پرهیز از ایجاد حساسیت ها و مقابله با هرگونه تفکر نفاق افکنانه یکی از ثمرات ارزشمند این انقلاب است. امام بزرگوارمان چنین حرکتی را از سال 1342 برای مشتاقان هموار

ص: 277

1- روزنامه کیهان، مورخ 1377/11/10.

نمودند و هم اکنون شعاع عزت و سربلندی اش سراسر گیتی را پرتو افکنده است.

پیروی از فرهنگ جهاد و شهادت، آزادی خواهی و ظلم ستیزی امامان شیعه، خصوصاً درس عترت و افتخاری را که حسین بن علی علی در صحرای کربلا به انسانها آموخت، از آثار و برکات انقلاب اسلامی است که امروز میلیونها نفر در گوشه و کنار دنیا به آن چشم دوخته اند و بدان تاسی می جویند.

امام راحل رحمه الله در وصیت نامه الهی سیاسی خویش می فرمایند:

«ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما دریای بی پایان است، یکی از آثار اوست. و ما مفتخریم به همه ائمه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم. ما مفتخریم که ائمه معصومین ما صلوات الله و سلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است در حبس و تبعید به سر برده و عاقبت در راه براندازی حکومت های جابرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند»⁽¹⁾.

«یکی از خصلت های ذاتی تشیع از آغاز تا کنون مقاومت و قیام در برابر دیکتاتوری و ظلم است که در تمامی تاریخ شیعه به چشم می خورد، هر چند که اوج این مبارزات در بعضی از مقطع های زمانی بوده است. تأسیس حوزه علمی دینی در بیش از نیم قرن اخیر در شهر

ص: 278

1- صحیفه نور، ج 21، ص 171.

قم و تأثیر این حوزه در داخل و خارج کشور ایران و نیز تلاش روشنفکران مذهبی در داخل مراکز دانشگاهی و قیام سال 57 ملت ایران به رهبری علمای اسلامی که تا امروز ادامه دارد، همه عواملی هستند که اسلام شیعی را در سطح جهانی مطرح می کند»⁽¹⁾.

ترویج و گسترش زبان و ادبیات فارسی

زبان فارسی تنها مختص ایرانیان نیست، بلکه به عنوان سرمایه جهانی و زبان گویای انقلاب اسلامی از جایگاه رفیع و بالایی برخوردار است. زبان فارسی به لحاظ معانی عمیق و ژرف و ریشه های تاریخی و الفاظ سلیس و شیرین، مشتاقان و علاقمندان بسیاری را به خود جلب کرده است تا جایی که شهره و آوازه زبان و ادب فارسی و اشعار بدیع و نغز و پر مغز شاعران نامدار ایرانی چون حافظ، سعدی، عمر خیام، رودکی، جلال الدین رومی و ابوالقاسم فردوسی و... شرق تا غرب عالم را فرا گرفته و همه را شیفته و مجذوب خویش ساخته است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) در یکی از بیانات خویش به سابقه دیرینه زبان فارسی و اهمیت آن اشاره نموده و می فرماید: «از آن زمانی که ادبیات ایران از غرب استانبول تا شرق آسیا را در بر می گرفت چندان زمانی نگذشته است. زبان فارسی، زبان دیوانی

ص: 279

کشور عثمانی بود و تا اقصی نقاط هند و چین، زبان مذهبی، اداری، ادبیات و هنر محسوب می شد»⁽¹⁾.

شاعر و غزل سرای بزرگ ایران شمس الدین محمد خواجه حافظ شیرازی در یکی از غزلیات معروف خویش که به سلطان غیاث الدین شاه فرمانروای مسلمان و فارسی دوست بنگال در قرن هفتم هجری اهدا کرده است به سابقه نفوذ زبان فارسی و فرهنگ تمدن اسلامی در بنگال اشاره می کند.

خوشبختانه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز اقدامات مهم و اساسی در راه رشد و تعالی زبان و ادب فارسی برداشته شده و بسیاری از مراکز و بنیادهای تحقیقی و پژوهشی در این خصوص تاسیس گردیده است. این نشان دهنده این واقعیت است که انقلاب اسلامی در جهت پیشرفت و ترقی فرهنگ و ادب فارسی اهمیت ویژه و فوق العاده ای قائل بوده و می باشد.

حضرت آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی) در دیدار با گروهی از مسئولان، هنرمندان و نویسندگان بر ضرورت فراگیری درست زبان فارسی در انتقال پیام انقلاب اسلامی فرمودند:

«امروز به برکت انقلاب اسلامی، در نقاطی از جهان، زبان فارسی به عنوان زبان دوم و یا زبان دانشگاهی مورد توجه قرار گرفته است و

ص: 280

حتی در مناطقی از جهان مانند جزیره العرب، بسیاری از افراد توانسته اند از طریق رادیو و تلویزیون ایران، به تدریج زبان فارسی را فرا بگیرند و با آن تکلم کنند. همچنین مسلمانان با آموختن زبان فارسی پیام اسلام را از انقلاب می گیرند، و غیر مسلمانان نیز با فراگیری زبان فارسی می خواهند پیام نور را از امام و پدر این انقلاب دریافت کنند»⁽¹⁾.

همچنین ایشان در دیدار با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از زبان فارسی به عنوان یکی از کانال های مطمئن فرهنگی یاد می کنند و در زمینه ترویج این زبان می فرمایند:

«من معتقدم یکی از کانال های کاملاً مطمئن فرهنگی ما، زبان فارسی است که باید بتوانیم آن را تأمین و پشتیبانی کنیم تا این زبان رواج پیدا کند»⁽²⁾.

مطالبی که از نظر خوانندگان محترم گذشت گوشه هایی از ویژگی ها و خصوصیات فرهنگی انقلاب اسلامی در عرصه جهانی بود. انقلابی که با همت و تلاش آحاد ملت بزرگ ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله و با نثار هزاران شهید گلگون کفن به پیروزی رسید تجسم اخلاق و ایمان و بهترین ارزش های الهی و فرهنگی بود که امروز در سرتاسر گیتی تأثیر و بازتاب های مطلوبی را به دنبال داشته

ص: 281

1- روزنامه کیهان، پنجشنبه 1377/2/24.

2- بیانات مقام معظم رهبری، مورخ 1380/11/17.

است. فرهنگ بیداری اسلامی، عزت خواهی، فرهنگ ایثار و شهادت، فرهنگ اتکای به نفس و مقاومت، توکل به ذات اقدس الهی، همه و همه از دستاوردهای ارزشمند انقلاب اسلامی محسوب می شوند که در این مجال به برخی از آنان، هرچند مختصراً اشاره کردیم.

ص: 282

فصل چهارم: آسیب ها و آفات انقلاب اسلامی ایران

آسیب شناسی درونی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

«در یک رویکرد جامعه شناختی به تاریخ جوامع بشری، در می یابیم که انبیاء الهی مهم ترین و سرنوشت سازترین و پایدارترین انقلاب ها را جهت تعالی فرد و جامعه برای دست یابی به حیات طیبه پدید آورده اند که انقلاب اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عصر جاهلیت قدیم به دنبال بعثت رسول الهی از سوی خداوند تبارک و تعالی، نقطه عطفی در تاریخ بشریت گردید.

آن انقلاب یگانه تاریخ بشریت تبیین کننده صراط مستقیم برای تحقق عدالت اجتماعی در مدنیت اسلامی، الگویی شد برای مصلحان و احیاگران طریق حق به سوی انسان سازی و جامعه سازی در تمامی اعصار و جوامع.

از این رو بعد از گذشت چهارده قرن، در عصر جاهلیت مدرن

ص: 283

حضرت امام خمینی رحمه الله با الگوگیری از بعثت رسول الله صلی الله علیه و آله و قیام عاشورا انقلاب اسلامی ایران را بر پایه سه رکن، مکتب، امت و امامت تحقق بخشید که طاق کسرای استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل را به لرزه انداخت و انفجار نور بود که بشریت سرگردان در وادی ظلمات را به خودآگاهی و خداخواهی رهنمود ساخت. لذا انقلاب اسلامی ارائه یک الگوی جدید برای زندگی اجتماعات بشری و کشورها بود و هست و هنوز هم جدید است. اگر خوب عمل کنیم، این الگو برای جوامع بشری، شاید تا قرنهای الگوی یگانه خواهد بود»⁽¹⁾.

بنابراین پیروزی حق بر باطل و ارائه طریق برای برپایی جامعه انسانی به تمام جوامع بشری، برای دوام خود نیاز به هوشیاری و تلاش مضاعف را می طلبد تا با رفع موانع، روز به روز شکوفایی این شجره طیبه را شاهد باشیم.

انقلاب اسلامی در دوران اخیر خود از دو سو با تهدیدات و تهاجمات شدیدی مواجه می باشد که از یک سو، شب پرستان قبیله جاهلی کفر و نفاق به سرکردگی آمریکا و صهیونیسم و از سوی دیگر آفت های داخلی موانع متعددی را بر سر راه این کاروان آزادی، استقلال و سعادت قرار داده است.

مقام معظم رهبری می فرمایند:

«ما یک دوره انقلاب را پشت سر گذاشتیم که تجربه بسیار دشواری

ص: 284

1- آیت الله خامنه ای، حدیث ولایت، ج 5، ص 127.

بود، امروز دنیای اسلامی از تجربه انقلاب ملت ایران استفاده می کند... بعد از آن مرحله، دفع هجوم دشمن را گذراندیم که مرحله بسیار سختی بود، دشمن هجوم آورد، با این نیت که شاید بتواند انقلاب را به زانو در آورد و ملت ایران را از انقلاب خود پشیمان کند. اما ملت ما در آن مرحله هم بحمدالله پیش رفت و موفق شد و یادگار با ارزشی در تاریخ جهان و تاریخ ملت های به پا خاسته به جا گذاشت. این هم مرحله دوم بود. مرحله سوم، مرحله ساختن و نوسازی ایران از لحاظ ترمیم ویرانی ها و نوسازی مادی است. البته از اول انقلاب، این نوسازی به اشکال و انحایی وجود داشت، اما جنگ فرصت و اجازه نمی داد که شتاب لازم را پیدا کند. بعد از دوران جنگ، بازسازی و نوسازی شتاب لازم را پیدا کرد. نمی توانیم بگوییم سازندگی و نوسازی کشور، به نقطه پایان رسیده است. اما قدم های بلندی برداشته شده است که این هم تجربه و گام سوم ملت ایران در انقلاب است و بسیار ارزشمند می باشد. اما قدم چهارمی که وجود دارد، نوسازی معنوی ایران است، یعنی استقرار عدالت اجتماعی به معنای کامل. البته این قدم چهارم برداشته شده است، منتها باید روز به روز شتاب بیشتری پیدا کند... اما اگر سازندگی را باز هم پیش ببریم، اما در جهت استقرار عدالت و از بین بردن تبعیض و ایجاد برابر حقوق و احیای کرامت زن و مردمسلمان فعالیتی نکنیم، موفقیتی به دست نیاورده ایم. موفقیت آن وقتی است که بتوانیم معنویت دین و اخلاق و عدالت و معرفت و سواد و توانایی های گوناگون را در میان جامعه مستقر کنیم...

این قدم اصلی و کار اساسی است تا بتوانیم جامعه اسلامی را یک جامعه عادلانه به معنای حقیقی قرار بدهیم»⁽¹⁾.

ایشان از چهار مرحله در انقلاب اسلامی نام برده اند که عبارت اند از: پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس، سازندگی و نوسازی مادی و آخرین مرحله نوسازی معنوی و استقرار عدالت اجتماعی. انقلاب اسلامی اینک با پشت سر گذاشتن سه مرحله موفقیت آمیز، در مرحله و گام چهارم قرار دارد که از سویی می توان آن را فلسفه انقلاب و شعار اصلی آن نامید، که همان نوسازی معنوی و استقرار عدالت اجتماعی است. اگر در مراحل سهگانه موفق شدیم که توطئه بیرونی و آفت درونی را شکست دهیم و الگویی موفق در پیروزی، دفاع و سازندگی به جهان بشریت ارائه دهیم، اینک در دوران بسیار حساس و سرنوشت سازی قرار داریم که گذر از مرحله سوم و ورود به مرحله چهارم می باشد.

در تبیین این دوران حساس، آسیب هایی می تواند مانع گذر موفقیت آمیز انقلاب اسلامی باشد، در این خصوص مقام معظم رهبری چنین می فرماید:

«هرکس در مسائل جاری جهان و مسائل کنونی انقلاب بصیرتی داشته باشد، به روشنی میفهمد که انقلاب اسلامی ایران در حال حاضر از یک معبر دشوار و حائل و البته تعیین کننده در حال عبور

ص: 286

1- سخنان رهبری، روزنامه رسالت، مورخ 1375/12/19.

است. اگر بخواهیم این مسائل را در چند جمله خلاصه کنیم، باید بگوییم در سطح جهان، مراکز استکباری و صهیونیستی به این نتیجه قطعی رسیده اند که اگر نتوانند این انقلاب را در مرحله کنونی اش شکست بدهند به احتمال زیاد سر رشته کار را از دست داده و دیگر نخواهند توانست موج فزاینده بیداری اسلامی و حتی گرایش های ملت های غیر مسلمان را به معنویت، بلکه به مفاهیم معنوی اسلامی مهار کنند و این موج عظیم که در این مدت عمق کافی هم یافته است، تهدیدی جدی علیه حاکمیت استکباری و مشخصا علیه سلطه فرهنگی غربی خواهد بود. بر اساس این بینش و برداشت که البته بینش و برداشت درستی هم هست فشارها و حملات گوناگون خود را علیه این انقلاب فشرده تر و قوی تر سازماندهی کرده اند. در سطح داخلی، انقلاب اکنون در مرحله ای است که می توان آن را دوران جهاد اکبر نامید، که دورانی است بسیار سخت، بسیار خطرناک و همه انقلاب ها این دوران را قاعدتا تجربه می کنند و شاید بشود گفت که اکثر انقلاب ها در این دوران دچار لغزش و انحطاط می شوند و شاید تعجب کنید، اگر عرض کنم که انقلاب عظیم تاریخی نخستین اسلام در چنین دورانی بود که بیشترین نیروی خود را از دست داد. بلی دوران جهاد اکبر یعنی دورانی که شور و هیجان اولیه انقلاب تا حدود زیادی فرونشسته، ضمنا موفقیت های به دست آمده و چهره راحت زندگی، خود را به بسیاری نشان داده و چرب و شیرین زندگی در دهان هایی مزه کرده است، این دوران خطرناک است.

امیرالمؤمنین علیه السلام در چنین دورانی بود که به حکومت رسید و لذاست که نهج البلاغه، بیش از هر چیز دیگر سخن از زهد و بی‌اعتنایی به دنیا دارد و غمگینانه باید گفت که حتی عدل علوی و زهد علوی هم نتوانست موج مخرب دنیاطلبی را در آن دوران مهار کند و در نهایت شد آنچه شد. ما امروز در این دوران از انقلاب کبیر و عظیم و عمیق خود قرار داریم البته امتیاز ما به صدر اسلام در دو نکته مهم است، نخست وجود تجربه آن دوران در برابر ما که برای ما صفحه درس آموزنده و هشداردهنده ای است که ای بسا خواهد توانست از آن خطرات مانع شود و نکته دوم کثرت و تراکم دل‌های مؤمن و نگاه

کار با ایمان‌های جوشان و دل‌های پاک در همه جای این کشور بزرگ است»⁽¹⁾.

انقلاب اسلامی برای گذر از این مرحله و دوران حساس نیازمند جهاد اکبر همه‌جانبه از سوی امت مسلمان ایران است که این مهم محتاج آسیب‌شناسی و آفت‌شناسی از درون می‌باشد. شجره طیبه انقلاب اسلامی برای به بار نشستن میوه آن که حیات طیبه می‌باشد، تاکنون با پشت سر گذاشتن گام‌های پیروزی انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و سازندگی‌ها در دوران ورود به گام اصلی انقلاب می‌باشد، که همان نوسازی معنوی و استقرار عدالت اجتماعی است، لذا نیازمند است که در کنار جهاد اصغر و مبارزه با دشمن بیرونی و تهدیدات

ص: 288

استکبار جهانی به جهاد اکبر که همان مبارزه با آفت های درون است پردازد تا قادر شود به رسالت اصلی خود جامع عمل بپوشاند. انقلاب اسلامی ایران که الگویی نوین و اندیشه ای حیات بخش می باشد. برای طی کردن مراحل رشد، شکوفایی و کمال در مسیر صراط مستقیم و صدور آن به همه جوامع آزادی خواه و استقلال طلب، نیازمند دو جهاد اکبر و اصغر می باشد که از سویی با آفت ها و انحرافات و کژی های درونی و از طرف دیگر با دشمن بیرونی به مبارزه برخیزد، از این رو با توجه به قرار گرفتن در دوران جهاد اکبر انقلاب که تهدیدات و تهاجمات خارجی تقریباً خنثی گردیده و یا از کارآیی افتاده و هوشیاری مردم و مسئولین توطئه ها را خاموش نموده است، باید به آفت زدایی از درون پردازیم و این مهم مبتنی بر آسیب شناسی درونی انقلاب اسلامی می باشد.

در این مورد مقام معظم رهبری (مدظله العالی) چنین می فرماید:

«دو خطر عمده انقلاب اسلامی را تهدید می کند: 1- خطر دشمنان خارجی 2- خطر استحاله داخلی. دشمن خارجی، یعنی آنکه از بیرون مرزها با انواع سلاحها، موجودیت یک نظام را با فکرش و دستگاه زیر بنایی عقیدتی اشو قوانینش و همه چیزش هدف قرار می دهد. شما در مورد جمهوری اسلامی ایران این را به چشم دیدید که گفتند ما می خواهیم نظام جمهوری اسلامی ایران را از بین ببریم. از بیرون نظام بودند و تصمیم گرفتند که آن را از بین ببرند. از بیرون یعنی چه؟ از بیرون کشور نه، بلکه بیرون نظام، ولو از داخل کشور... دشمنی دوم

ص: 289

و آفت دوم هم آفت اضمحلال درونی است که این مخصوص غریبه‌ها نیست، بلکه مخصوص خودی‌ها و در درون نظام است. در یک نظام ممکن است خودی‌ها بر اثر خستگی، اشتباه در فهم راه درست، مغلوب احساسات نفسانی شدن، نگاه کردن به جلوه‌های مادی و آنها را بزرگ انگاشتن، ناگهان در درون دچار آفت زدگی بشوند. این دشمن البته خطرش بیشتر از دشمن اولی است» (1) و نیز می‌فرماید:

«افراد و مجموعه‌های بشری همواره از دو ناحیه آسیب می‌بینند، اول از درون خود که منشأ آن ضعف‌های بشری و هوس‌های مهارگسیخته و تردیدها و بی‌ایمانی‌ها و خصلت‌های منهدم‌کننده است و دوم از دشمنان بیرونی که بر اثر طغیان و افزون‌طلبی و تجاوز و ددمنشی، محیط زندگی را بر انسان‌ها و ملت‌ها تنگ و فشار آلود می‌سازند» (2).

از دیدگاه رهبری، تهدید و آسیب درونی بسیار خطرناک‌تر از آسیب بیرونی است، لذا باید آسیب‌شناسانه به درون اهمیت داد و با نگاهی دقیق‌تر و عمیق‌تر آن را بررسی نمود و مراقبت کرد.

مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در مورد آفت‌های جوامع اسلامی از صدر اسلام تا به امروز با طرح واقعه جنگ احد از منظر جامعه‌شناسی و قوانین اجتماعی چنین می‌فرماید:

ص: 290

1- روزنامه رسالت، مورخ 1371/11/6.

2- روزنامه همشهری، مورخ 1375/2/8.

«اگر چه جنگ احد در مقیاس مسائل تاریخی و جهانی و مسائل جامعه یک حادثه کوتاه مدت و کوچک است، اما درسی که قرآن در باب جنگ احد به ما داد، درس بزرگی است و متعلق به همیشه است... خدا نعمت را بر نمی گرداند، ما هستیم که با رفتار خودمان، با عقب گرد خودمان، با سوء تدبیر خودمان در باره امور خویش، نعمت را بر می گردانیم... در جنگ احد قضیه برگشت، بعد از آنکه خداوند طلیعه پیروزی را نشان داده بود، اشتباه کردند... الآن همه ما در همان وضعیتیم. جامعه ما، نه امروز، بلکه از بعد از پیروزی انقلاب در همان وضعیت است. پیروزی، مرحله ای انجام گرفته است. ما مأموریم بر این که شکاف و کمین گاه را حراست و محافظت بکنیم. اگر غفلت کردیم، دشمن ما را دور خواهد زد و ضایعه خواهد آفرید. از اول انقلاب تا حالا نگاه کنید، هر جا دور خوردیم، بر اثر چنین غفلتی بوده است. اگر بگردیم، غفلت را پیدا کنیم همه اش دنبال مسائل تحلیل سیاسی نرویم، البته من منکر فعل و انفعالات بیرونی و واقعی و سیاسی نیستم، اما اساس قضیه در درون خودمان است»⁽¹⁾

ایشان در بیانی دیگر می فرماید:

«ما در ایران توانستیم به همه کسانی که می خواستند از روی سلطه گری به ما نگاه کنند، جواب «نه» بدهیم... البته مشکلاتی در کشور داریم. مشکلات از ضعف های ماست، ما خودمان ضعف ها و

ص: 291

1- حدیث ولایت، ج 7، ص 248 تا 250.

بی تجربگی هایی داشتیم، مشکلاتی را به وجود آوردیم. دشمن نتوانسته است به ما ضربه بزند. البته بدیهی است که دشمنی، کارها را کند می کند و مشکلاتی به وجود می آورد، اما این مشکلات قابل رفع اند، مشکلات بزرگی نیستند»⁽¹⁾.

ایشان معتقدند آنچه باعث مشکلات و انحرافات و کژیها می شود آسیب درونی است و اگر دشمن موفق می شود ضربه و یا هجومی را سامان بدهد و اجرا کند، ریشه در ضعف درونی خود ما دارد، لذا جامعه ای که بتواند ریشه های فاسد نفسانی و مشکلات درونی خود را علاج کند، هیچ ترفندی از دشمن در او کارگر نخواهد افتاد»⁽²⁾.

بنابراین در مقطع کنونی انقلاب اسلامی که دوران جهاد اکبر نامیده می شود، باید با نگاه نافذ و ضعف جویانه به آسیب شناسی درون پردازیم و میکروب های بیماری زا را شناسایی کنیم و سپس با جهاد اکبر به رفع این آفت های درونی جامعه اسلامی و انقلابی پردازیم تا کاروان حیات بخش انقلاب اسلامی در تحقق حیات طیبه به موفقیت های بیشتری نائل گردد و ندای توحید عالم گیر شود ان شاء الله.

آسیب ها و آفات انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری

موانع و آفات انقلاب در کتاب شناخت انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری چنین بیان شده:

ص: 292

1- روزنامه کیهان، مورخ 1377/4/18.

2- روزنامه ایران، مورخ 1376/9/15.

1- نفوذ اندیشه های بیگانه در تفکر و فرهنگ انقلاب؛ که این خود به طرق مختلف ممکن است صورت پذیرد:

الف - از طریق مسخ و تحریف اندیشه های ناب و اصیل اسلامی، این عمل معمولاً از سوی دشمنان فرهنگ اسلام صورت می گیرد، و بدین طریق نظریات، عقاید و افکاری را به نام اسلام جعل کرده و نشر و تبلیغ می نمایند. البته این گونه مبارزه با فرهنگ اسلامی سابقه طولانی دارد به طوری که از صدر اسلام اندیشه های خرافی و عقاید تحریف شده یهود و غیره را به نام حدیث در فرهنگ اسلامی وارد کردند که این گونه احادیث را در اصطلاح جعلیات یا اسرائیلیات می نامند. در تداوم این انقلاب نیز چنین احتمالی وجود دارد که کسانی به نام اسلام عقاید و افکار ضد اسلامی را جعل کرده و در میان جامعه اسلامی و مسلمانان نشر دهند بدیهی است در این صورت انقلاب از خط فکری و فرهنگی خود منحرف خواهد شد.

ب - مورد دیگر از طریق شیفته شدن به فرهنگ بیگانه: که معمولاً این امر از سوی خود مسلمین ممکن است صورت بگیرد. نمونه این شیفته شدن به فرهنگ بیگانه در تاریخ معاصر کشور ایران غرب زدگی نامیده می شود.

2- تجددگرایی افراطی: منظور از تجددگرایی افراطی پذیرش عقاید، افکار و سلیقه های جدید و نو می باشد مسلماً هر جامعه و فرهنگی از جهاتی قابل تحول و تکامل است و به ناچار این تحول و

ص: 293

تکامل موجب پیدایش عقاید و نظریات جدید می شود که در برابر این عقاید و نظریات جدید باید به طور احتیاط و معتدل و بدون پرهیز از هرگونه افراط و تفریط برخورد کرد در غیر این صورت دو خطر بسیار مهم ممکن است به وقوع بپیوندد:

الف - خطر عوامزدگی و گذشته گرایی و عدم توجه به مسائل و نیازهای روز جامعه که این امر مسلم موجب انحراف یا توقف فرهنگانقلاب خواهد شد، بعد تفریط.

ب - اجتهاد آزاد: که عبارت است از پذیرش صد در صد افکار و عقاید و نظریات جدید و انطباق آن با سلیقه ها و خواسته های روز به و نام اسلام و فرهنگ اسلامی و این چیزی جز هم رنگ شدن با زمان و پذیرش هرگونه نوآوری و مد و فکر و سلیقه نیست. بدیهی است که حدوث چنین حادثه ای خود به خود فرهنگ اصیل و ناب اسلام را تحت الشعاع قرار می دهد و به تدریج آن را از بین می برد.

3- ناتمام گذاشتن نهضت و انقلاب: می دانیم که هر انقلاب در مرحله دارد یکی مرحله نفی و انکار و تخریب گذشته و دیگری مرحله اثبات و سازندگی.

هر انقلابی که به مرحله نهایی اثبات و سازندگی نرسد، سرانجام شکست خواهد خورد. اگر یک انقلاب پس از طی مرحله اول یعنی نفی دشمن و تخریب نظام پوسیده گذشته، وارد مرحله دوم یعنی اثبات و سازندگی نشد قطعاً بی ثمر است، به همین دلیل است که همه

اندیشمندان معتقدند که حفظ و پاسداری و سازندگی و استمرار انقلاب بسیار مهم تر و مشکل تر از خود انقلاب کردن است.

4- نفوذ عناصر فرصت طلب و طرد انقلابیون مؤمن و مخلص : اکثر انقلابات دنیا اسیر این آفت شده اند و از این ناحیه ضربه خورده اند، طبیعی است که در مراحل اولیه یک انقلاب مشکلات بسیار عمیق و فراوان است. مشکلاتی چون زندان، شکنجه، تبعید، اعدام، زندگی مخفیانه، محرومیت از پست و مقام، ثروت و زندگی راحت. در این مرحله انقلاب نیاز به انسان هایی مؤمن و مخلص و فداکار دارد لذا در این مرحله جز مخلصین و مؤمنین حاضر برای ایثار در راه انقلاب نیستند، اما پس از پیروزی و به ثمر رسیدن انقلاب افرادی جدید، تازه نفس و فرصت طلب در صحنه حاضر می شوند. اینان ظاهر خود را آتشی تر و انقلابی تر از انقلابیون حقیقی نشان می دهند و به تدریج در دل مردم ساده لوح و در درون کارهای انقلاب و ادارات و سازمان ها و ارگان های انقلابی وارد شده و انقلابیون را طرد کرده و خود حاکم می شوند و مسلماً موجب به بن بست رسیدن و شکست یک انقلاب خواهند شد؛ زیرا به قول معروف، باد آورده را باد برد. و به قول امام رحمه الله کسی که برای اسلام سیلی نخورده است دلسوز اسلام نیست.

نمونه این حوادث در صدر اسلام پیش آمد؛ مثلاً پس از پیامبر صلی الله علیه و آله امثال علی علیه السلام را طرد کردند و فرصت طلبان به خلافت نشستند به طوری که در زمان عثمان افرادی چون ابوذر تبعید شدند و شهید

گشتند، صحابه ای چون ابن مسعود طرد شدند و برعکس افراد یهودی و خائن چون کعب الاحبار به مشاورت خلیفه رسیدند. نمونه این حوادث در تاریخ ایران هم فراوان است. در نهضت مشروطه، پس از اوج گیری نهضت، روحانیت را حذف کردند و آنها را اعدام نمودند و امثال عین الدوله ها را روی کار آوردند. این است که نتیجه مشروطه تبدیل به دیکتاتوری و حکومت مستبدانه شد.

5- ابهام در طرح ها و برنامه ها : که از اهداف عملی یک انقلاب است، اگر انقلابی پس از پیروزی در عمل فاقد برنامه های روشن و طرح های دقیق و قابل اجرا باشد، و به عبارت دیگر اگر انقلاب در عمل نتواند به اهداف و آرمان های خود و شعارها تحقق ببخشد، به بن بست کشیده می شود. از نظر مکتب اسلام ارائه طرح ها و برنامه های دقیق و روشن و قابل اجرا وظیفه فقها و مجتهدین و اسلام شناسان است؛ یعنی این گروه باید با فقاہت و اجتهاد خود اصول و قوانین قابل اجرای مورد نیاز جامعه را از متون و منابع فقهی اسلام استخراج کنند و به مجریان مملکت ارائه دهند.

6- انحراف از معنویت : منظور از این اصطلاح یعنی تغییر نیت ها و تغییر جهات اندیشه و افکار بدین معنی که معمولاً در دوران اوج انقلاب و در آستانه پیروزی انقلاب نیت ها خالص، افکار الهی و ذکر و یاد خدا رایج است؛ اما معمولاً پس از گذر از مشکلات و سختی ها و رسیدن به آسایش ها و آرامش های نسبی، انسان از یاد خدا غافل می شود

و به تدریج مسائل معنوی و اخلاقی را نیز فراموش می کند و این امر موجب می شود که نیات در افکار انسان ها نیز تغییر جهت می دهند.

افراد و گروه ها و انسانها به فکر جمع مال و تجملات می افتند و انگیزه خداجویی به انگیزه سودجویی تبدیل می شود و هرگاه چنین امری استمرار یابد خود به خود جامعه اسلامی از خط صحیح اسلام منحرف می شود. این آفت به خصوص در موقع ثمر بخشی انقلاب و به بار نشستن و نتیجه دادن یک انقلاب الهی امکان بروز و ظهور دارد.

به هر حال انقلابی اگر برای خدا و معنویت و اجرای مقاصد دینی صورت گرفته است باید به همین انگیزه نیز باقی بماند، در غیر این صورت آفتی است عمیق و فکری و روانی که انقلاب را حتما تهدید خواهد کرد، البته در دراز مدت.

7- آفت دیگر انحراف از عدالت اجتماعی می باشد: انحراف از عدالت اجتماعی یعنی ظهور حاکمیتی خاص در جامعه به عبارت دیگر یعنی حاکمیت پول و سرمایه و حاکمیت پولداران و سرمایه داران در یک جامعه به نحوی که رفاه طلبان و زراندوزان جامعه رو به افزایش نمایند و به موازات آن فقر و محرومیت و احتکار و گران فروشی و رشوه و نظایر اینها به وجود آید.

در تاریخ صدر اسلام دوران خلافت عثمان، بهترین نمونه و مثال برای نشان دادن معنی و نتیجه انحراف از معنویت و انحراف از عدالت اجتماعی است.

چالش ها و آفت های عقیدتی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی

تعصبات خشک و جاهلانه، پیروی از عقاید غیر مستقل به طور کورکورانه، رواج تفکر گوشه نشینی و گوشه گیری زاهدانه، افکار و عقاید افراطی روشنفکر نمایی به دور از معیارهای اسلامی، رواج تحلیل و تفسیرهای شخصی و سلیقه گروهی از اسلام و احکام اسلام، تسلط سیاست بر دیانت، یعنی به جای اجرای اسلام سعی در حفظ حکومت شود، از چالش های مهم عقیدتی است و هدف اصلی این چالش ها ضربه زدن به ایدئولوژی انقلاب ایران برای جلوگیری از الگو شدن آن بوده است.

تجربه بلوک شرق در هنگام تحقق انقلاب اسلامی ایران، متحدان اتحاد شوروی در اروپای شرقی را دچار نوعی بحران ایدئولوژیک نمود، این بحران به اتحاد جماهیر شوروی هم سرایت کرد و سرانجام منجر به فروپاشی بلوک شرق گردید.

بر اساس این تجربیات شماری از استراتژیست های غربی برای جلوگیری از فروپاشی خود این راهکار را مطرح کردند که برای مقابله با انقلاب ایران باید از راه جنگ ایدئولوژیک وارد شد. در این جنگ غرب با پشتوانه فن آوری اطلاعاتی از دست برتر برخوردار است. این نظریه زمانی مطرح می شود که طولانی ترین جنگ نظامی قرن بیستم نتوانست انقلاب ایران را زمین گیر نماید، به همین دلیل

استراتژی جنگ فرهنگی و به ویژه برای فروپاشی درونی ایدئولوژی و نهادهای انقلابی در دستور کار قرار گرفت. و این جنگ اکنون با شدت بیشتر ادامه دارد و به نظر می رسد، یکی از دلایل جدی نگرفتن آن از سوی برخی از محافل داخلی، وسعت و گستره میدان نبرد باشد.

چند سال پیش که زمزمه حمله نظامی آمریکا به ایران بود، برخی از دیپلمات های کارکشته ایالات متحده، از دولت وقت دولت کلینتون آن زمان فرجهای چندساله خواستند تا ایران را بدون جنگ نظامی مهار کنند، و نتیجه آن منشور آتلانتیک می باشد و راهکارهای پیشنهادی آن این است که چهارتباط فرهنگی با ایرانیان و به ویژه مرادده با سطح میانی مسئولان و فعالان سیاسی کشور صورت گیرد. و هدف اصلی این است که بخشی از انقلابیون ایران از داخل نظام نسبت به اهداف و آرمان های انقلاب و حتی اصول قانون اساسی منبعث از انقلاب اسلامی، ابراز تردید، مخالفت و انتقاد نمایند.

برای جلوگیری از الگو شدن یک ایدئولوژی، نشان دادن یأس، سر خوردگی، خستگی و به ویژه پشیمانی فعالان سابق آن اقدامی موفقیت آمیز برای دشمن به شمار می رود. توجه به نکات زیر در این راستا قابل تأمل است:

سعید حجاریان در مقدمه یکی از کتاب های خود بر این نکته تاکید می کند که سکولاریسم سرنوشت حتمی ایران اسلامی است. در مقابل این موج آن بخش از دین که به حوزه خصوصی یعنی درون منازل افراد بازگشت می کند، مصونیت می یابد ولی بخشی که در مقابل

موج و در سطح جامعه ایستاد با خطر نابودی و فروپاشی مواجه است و... یا «عباس عبدی» در یک اقدام نمادین با «باری روزن» گروگان سابق لانه جاسوسی آمریکا دیدار کرد و در مقابل خبرنگاران با او دست می دهد و ... رسانه های غرب در تحلیل این ماجرا از این گفته دریغ نکردند که انقلابیون ایران از افراطی گری های گذشته فاصله گرفتند.

تلاش در جنگ فرهنگی برای برانگیختن و هدایت شورش های داخلی ایران، زیر سؤال بردن ارزش های انقلاب، تبلیغ سکولاریسم، نفی حکومت دینی، بازگشت نظام سلطنت، نافرمانی مدنی، شکست اصلاحات و اصلاح ناپذیر بودن نظام و قانون اساسی ایران، فراندوم غیر قانونی، از مقولات مختلفی هستند که بر حسب مقتضیات زمانی در دستور کار محافل آمریکایی قرار می گیرد.

چالش های استراتژیک

چالش های استراتژیک به چالش هایی اختصاص دارد که علیه موقعیت و اهداف و فرصت های استراتژیک ایران و انقلاب شکل می گیرد. اینچالش ها به سه صورت قابل ارزیابی است:

الف - روابط دو جانبه ایران : دشمنان ایران انقلابی، در روابط دوجانبه با آن تلاش می کنند تا جمهوری اسلامی همواره معطوف و دل مشغول به داخل باشد. آمریکایی ها در خفا و آشکار خواستار برچیده شدن نهادهای انقلابی دولت ایران هستند.

ب - عرصه منطقه ای : تلاش برای ساکت کردن ایران، برخی از کارشناسان سیاست خارجی و مسائل استراتژیک آمریکا مدعی اند: مرحله اول چالش ایالات متحده آمریکا با ایران، جلوگیری از صدور انقلاب به منطقه بود و مرحله دوم به سکوت کشاندن ایران در تحولات جهان اسلام و مرحله سوم که با سیاست های جنگ ایدئولوژیک تطبیق می یابد، کشاندن بحران به درون انقلاب اسلامی است. غرب و آمریکا برای اجرای سیاست مزبور سه نسخه افراط و تفریط از حکومت در اسلام را مطرح کرده است: اول، الگوی تحجر طالبانی، دوم، نسخه سکولارو آن حذف دین از عرصه های سیاسی و اجتماعی است، سوم، الگوی اسلام تسلیم پذیر (مانند عربستان و شیوخ عرب). و به اعتقاد آمریکایی ها، الگوی سوم به واسطه ناتوانی در جلوگیری از رشد جریانات بنیادگرا باید خود را برای پیوستن به الگوی سکولار مهیا سازد.

«ساموئل هانتینگتون» به صراحت و با تأکید می گوید این اختلافات در آینده همچنان در میان کشورهای اسلامی ادامه یافته و مانع از وحدت آنها در قالب یک «تمدن اسلامی» تهدید کننده غرب خواهد شد. (1)

از سوی دیگر آمریکا با از بین بردن فرصت های مختلف ایران در منطقه، در تلاش است تا آن را منزوی نمایند.

ص: 301

1- جهانی سازی عصر جنگ های مسلمانان، ژانویه 2002، مقاله ای از ساموئل هانتینگتون.

ج- عرصه بین المللی : سیاست پرهزینه کردن مرادوات و معاملات بین المللی جمهوری اسلامی در بلندمدت آثار زیان باری خواهد داشت. ضمن آنکه آمریکا و برخی محافل غربی و اروپایی و صهیونیست در تلاش اند تا با مطرح کردن ادعاهای کاذب و تعبیر انحرافی، انقلاب اصیل ایران را با برخی مفاهیم خشن و زشت فرهنگ سیاسی امروز جهان همچون «تروریسم، خشن، ناقص حقوق بشر» بدنام نمایند.

بخشی از آسیب های فرهنگی انقلاب اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران، انقلابی فرهنگی بود که بر محوریت فرهنگ اسلام پدید آمد و دوران و عصر جدید را در تاریخ بشر شکل داد؛ مقام عظمای ولایت در این رابطه می فرماید: «این عصر و این دوران جدید را باید دوران امام خمینی رحمه الله نامید.»⁽¹⁾

عصر خمینی رحمه الله از خصلت هایی چون، گسترش اعتقاد و باورهای مذهبی، معنا بخشیدن به ارزش های انسان و حضور مؤثر توده های میلیونی مردم، آزادی از سلطه و تصرف و نفوذ قدرت های بزرگ و هدف گیری ایجاد حکومت اسلامی و ... برخوردار است که این خصلت های فرهنگی، انقلاب ایران را از تمام دیگر انقلاب ها متمایز کرده است.

ص: 302

از این رو آسیب های فرهنگی از مهم ترین آفت ها و میکروب هایی می باشند که قادرند، ارکان و پایه های این نهضت فرهنگی را متزلزل نمایند. لذا شناخت این آسیب ها در درجه اول قرار می گیرد. تعدادی از این آسیب های فرهنگی بدین قرارند:

ارتجاع: انقلاب اسلامی که کاخ فساد و تباهی، الحاد و نفاق و مظاهر گوناگون مادیت و نفسانیت شیطانی را متزلزل نمود و با دمیدن معنویت به پیکر مرده جامعه حرکتی رو به جلو و کمال جو را پدید آورد و بنیانگذار نظام فرهنگی بر پایه ارزش های الهی گردید که در صورت وارد آمدن خدشه ای به این ارزش ها و مظاهر گوناگون فرهنگی آن و بازگشت به جاهلیت پهلوی، فلسفه انقلاب اسلامی زیر سؤال رفته و آرمان های آن بر باد می رود.

انقلاب اسلامی که تحولی بنیادین و ساختاری در ابعاد گوناگون جامعه ایران بود و پیامی جهانی برای نوسازی جوامع بشری داشت، اگر خصلت انقلابی و روحیه جهانی خود را از دست بدهد و ارزش های جاهلی عصر طاغوت خود را نمایان سازند، زنگ خطری است که به صدا در آمده و آسیبی است که پیکر این شجره طیبه را فرا گرفته است؛ که در این مورد مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می فرماید:

«رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلاب نفوذ کرده و در آن رشد می یابد و دشمن نیز با آگاهی از این حقیقت، برای مشاهده اثرات این میکروب در کالبد سالم و

نیرومند نظام اسلامی به انتظار نشسته است. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی و اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلاب، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گرد است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی، مالی و فساد اداری، درگیر شدن در اختلافات داخلی که خود یک فساد بسیار خطرناک است و نیز جاه‌طلبی‌های غلط و نامشروع، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند؛ بناهای طاغوتی، غیرخدایی و ضد ارزشی جایگزین آن خواهد شد و این همان رجعت و ارتجاع است» (1).

انقلاب اسلامی، تحولی جهادی برای بشریت آورده است؛ مقام معظم رهبری (مدظله) برای خاموش کردن روحیه جهادی از طرف دشمن چنین می‌فرماید:

«خاموش کردن روحیه جهاد و کوشش در صحنه‌های انقلاب و میدان‌سازندگی و جایگزین کردن روحیه ضد جهادی به جای آن و نیز پشیمان کردن مجاهدان راه خدا از مجاهدت‌های گذشته، نقطه مهم حمله دشمن در تهاجم فرهنگی علیه نظام اسلامی است».

پس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از آفت‌هایی که از درون نظام اسلامی به فرهنگ انقلاب اسلامی ضربه وارد می‌سازد، ارتجاع است

ص: 304

که با غفلت از ارزش ها و اصول فرهنگی انقلاب و قرار گرفتن در حیطه فرهنگ طاغوتی و جاهلیت بروز می نماید و از انقلاب پوستهای بدون محتوا و هویت فقط اسمش باقی می ماند. اگر مشاهده نمودیم که فرهنگ منحط دوران قبل از انقلاب اسلامی ظهور پیدا می کند باید احساس خطر نمائیم و باید نگران این آفت بشویم و این بعد از آسیب درونی را مستلزم اصلاح جدی تلقی کنیم.

روشنفکری مرتجع: یکی از ویژگی های اصلی جوامع انقلابی و مجموعه های بشری، طی کردن مسیر توسعه و سعادت، داشتن افراد آگاه، بصیر، هوشیار و آینده نگری است که فرهنگ را به خوبی بشناسند و جامعه را از ابعاد متفاوت آن تحلیل کرده باشند و سپس، هدایت فرهنگی جامعه را عهده دار شوند. این گونه افراد را می توان روشنفکر نامید. اگر چه متأسفانه واژه روشنفکر هم همانند بسیاری از دیگر واژه ها تحت تأثیر افکار و ادبیات غربی قرار گرفته است و هرکس را که تفکر غربی داشته باشد، روشنفکر می نامند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در یک تحلیل تاریخی در مورد روشنفکری چنین می فرماید: «زمانی که غرب مسلط به تکنولوژی و علم خواست در ایران پایگاه تسلط خود را مستحکم بکند، از راه روشنفکری وارد شد و از طریق عناصر خودفروخته ای مثل میرزا ملکم خان و تقی زاده ها اقدام کرد جریان روشنفکری در ایران از دوران قاجار به بعد بیمار و وابسته متولد شد، متأسفانه چند نفری هم که آدم های سالم و خالص بودند

بین آنها گم شدند. و لذا این جریان از ابتدا وابسته بود، بعضی از آنها وابسته به روسیه بودند مثل میرزا فتحعلی آخوندزاده و بعضی دیگر مثل میرزا ملکم خان و امثال او وابسته به اروپا و غرب بودند»⁽¹⁾.

بعد خطرناک تر از وابستگی روشنفکران، بیماری آنان می باشد، که همان ضدیت با دین و فرهنگ بومی ایران و سنت ها و آرمان های مردم است. مقام معظم رهبری در این مورد می فرماید:

«از اولی که مسئله روشنفکری در این مملکت به وجود آمده، بی دین به وجود آمده... اینها یک روشنفکری آوردند که از مذهب مجرد باشد... و آن، دو خاصیت برای آنها داشت؛ اولین خاصیت این بود که حرکت و روند فرهنگ و دانش را در این مملکت از دین جدا کنند و موفق هم شدند... حرکت روشنفکری را کشیدند به سمت بی دینی، کار دوم این بود که دین را یک امر صرفا ایمانی و اعتقادی و قلبی معرفی کردند که بخش مهم تر و ضربه سنگین تر این بود»⁽²⁾.

در دوران کنونی که انقلاب اسلامی به دنبال تحقق عینی معنویت و عدالت اجتماعی می باشد، از جمله آسیب ها و آفت های فرهنگی، زنده شدن این جریان تاریک فکری در قالب روشنفکری می باشد و آن ارتجاع روشنفکری است. بنابراین از جمله آسیب های فرهنگی در دوران انقلاب ایران این است که روشنفکری نوین و بومی و اسلامی

ص: 306

1- یت الله خامنه ای، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 102 و 103.

2- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1364/11/4.

بعد از انقلاب اسلامی، سیر قهقرایی طی کند و به حالت وابسته و بیمار که همان ضد دینی و ضد مردمی باشد بازگشت کند و این آسیب اینک جریانی است که لایه‌هایی از آن قابل مشاهده می‌باشد.

تحجر و مقدس‌نمایی: تحجر به مفهوم جمود و انعطاف‌ناپذیری است، حالتی که شخص در مقابل هر پدیده جدید به دلیل تازه بودن واکنش منفی از خود نشان می‌دهد. تحجر عوامل متعددی دارد که عمده‌ترین آنها جهل، غرور و تکبر است.

بنابراین متحجر آنچه را درست می‌پندارد، علم تلقی می‌کند، در نتیجه حاضر نیست ذره‌ای از پندار خود عدول کند. این غرور باعث خودبزرگ‌بینی متحجر شده و اجازه اعتراف به اشتباه را نمی‌دهد. متحجرین و مقدس‌نماها همیشه آلت دست استعمار قرار گرفته و مانع ترقی امت اسلامی شده‌اند. در صدر اسلام متحجرین به طور متشکل به مبارزه با قرآن ناطق و حجت حق برخاستند و میدان را برای فرصت‌طلبان گشودند. نتیجه آن، شکاف و اختلاف در صفوف مسلمین و عقب‌ماندگی آنها در درازمدت شد، نمونه بارز این طرز تفکر در زمان حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین رخ داد. سپاه معاویه به هنگام شکست، قرآن‌ها را بر سر نیزه کرده، بحث حکمیت را مطرح کردند. این حیله دشمن کارگر شد و به رغم اصرار امام مبنی بر ادامه جنگ، سپاه آن حضرت دست از مبارزه کشید. پس از اینکه حکمیت نتیجه مطلوب نداد همین مقدس‌نماها رو در روی امام ایستادند و جنگ نهروان را بر پا کردند. سرانجام هم امام به دست یکی از همین

نمونه دیگر مقدس نمایی در نهضت مشروطه آن هم با تکفیر و منزوی کردن شهید شیخ فضل الله نوری و در نهایت صدور حکم اعدام ایشان بود که زمینه ورود دوباره استعمار به کشور شد. و خون هایی که برای برپایی مشروطه ریخته شده بود به هدر رفت. همان زمان با شروع نهضت امام رحمه الله به در سال 1341 و مبارزه ایشان علیه رژیم ستم شاهی، متحجرین و مقدس مآبها سد راه امام شدند و برای نهضت مشکلات فراوانی درست کردند. امام خمینی رحمه الله به مبارزه با این ها را هزار بار سخت تر از مبارزه با رژیم می دانستند. «در 15 خرداد 42، مقابله با گلوله و تفنگ و مسلسل شاه نبود که اگر تنها این بود مقابله را آسان می نمود بلکه علاوه بر این از داخل جبهه های خودی گلوله حيله و مقدس مآبی و تحجر بود. گلوله زخم زبان و نفاق و دورویی بود که هزار بار سخت تر از مبارزه با باروت و سرب، جگر و جان را می سوخت و می درید.»⁽¹⁾

پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام مقدس اسلامی نیز این نوع از افراد به مبارزه با نظام اسلامی برخاستند. برخی به کفار و ملحدین و ضد انقلاب پیوستند. برخی در کشور ماندند و سعی کردند به هر وسیله مشروعیت نظام را زیر سؤال برده و خوراک تبلیغاتی برای رسانه های گروهی بیگانگان تهیه کنند. امام خمینی رحمه الله در پایان عمر

ص: 308

مبارکشان گوشه ای از خیانت های آنها را نسبت به اسلام بازگو کردند و فرمودند:

«خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی های دیگران نخورده است و آن قدر که اسلام از این مقدسین روحانی نما ضربه خورده است از هیچ قشر دیگری نخورده است»⁽¹⁾.

انقلاب اسلامی ایران در پرتوی جهان بینی و ایدئولوژی اسلامی و به عبارتی بر پایه مکتب اسلام شکل گرفت و بر مکتب های مادی و بشری به پیروزی رسید و اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله را با حذف اسلام آمریکایی و ابوسفیانی تجلی بخشید. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در تبیین این رکن اصلی انقلاب می فرماید:

«در انقلاب اسلامی، اسلام کتاب و سنت، جایگزین اسلام خرافه و بدعت، اسلام جهاد و شهادت، جایگزین اسلام قعود و اسارت و ذلت، اسلام تعبد و تعقل، جایگزین اسلام التقاط و جهالت، اسلام دنیا و آخرت، جایگزین اسلام دنیا پرستی و رهبانیت، اسلام علم و معرفت جایگزین اسلام تحجر و غفلت، اسلام دیانت و سیاست، جایگزین اسلام بی بند و باری و بی تفاوتی، جایگزین اسلام تشریفاتی و بی خاصیت، اسلام نجات بخش محرومین، جایگزین اسلام بازیچه دست قدرت ها و خلاصه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله

ص: 309

برای تداوم و پویایی این انقلاب حیات بخش باید از رکن محوری اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله حراست گردد تا به آفت ها و آسیب های فکری مبتلا نگردد. از این رو مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می فرماید:

«چنین حرکت عظیمی (انقلاب اسلامی) معمولا و عادتاً با یکی از دو آفت مواجه می شود... آفت اول تحجر است، تحجر این است که کسی می خواهد کار بزرگی با این عظمت را انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف حکم نمایند و کار کند و پیش برود. این امکان پذیر نیست. معنای تحجر آن است که کسی که می خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آنجایی که قابل کشش است درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور، که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد. این بلای بزرگی است». (2)

به همین دلیل: «امام بزرگوار، فقه شیعه را به سمت فقه اجتماعی و فقه حکومتی و فقهی که می خواهد نظام زندگی ملت ها را اداره کند و

ص: 310

1- حدیث ولایت، ج 4، ص 249.

2- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1376/3/17.

باید پاسخگویی مسائل کوچک و بزرگ ملت‌ها باشد، کشاندند، این یعنی نقطه مقابل آن چیزی که گفتیم تحجر است»⁽¹⁾. بنابراین یکی از آسیب‌های فرهنگی انقلاب تحجر است و این عدم توجه به تمامی ابعاد و نیازها و کشش احکام اسلامی و عدم توجه به زمان و مکان و اقتضائات دیگر در برداشت از احکام اسلام و قرآن و عترت می‌باشد. لذا علما و مراجع تقلید باید پاسخ‌های لازم برای موضوعات جدید و نیازهای اجتماعی و حکومتی را ارائه دهند و انقلاب اسلامی را در تداوم راهش یاری بخشند تا احکام اسلامی در عمل جلوه خود را نمایان کنند. آفت دوم از دیدگاه رهبری انفعال است. از دیگر آفت‌ها و آسیب‌های انقلاب اسلامی، انفعال در برابر غرب است، انقلابی که دارای اصول و ارزش‌های مشخص و بر پایه مکتب اسلام ناب محمدی صلی الله و آله پی ریزی گردیده است، نباید برای تنظیم امور خود و برنامه ریزهای گوناگون و اداره جامعه، به سوی تفکرات دیگران و دیدگاه‌های رایج غربی نظر کند.

همان طوری که تحجر آسیب‌زننده به انقلاب است، انفعال هم آفتی شدید و خطرناک است. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره می‌فرماید:

«آفت دومی که در چنین مواردی، مسئولان و رهبران و گردانندگان اجتماعات را تهدید می‌کند، این است که آنها را دچار انفعال و

ص: 311

خودباختگی کنند و در موضع تأثیر پذیری ناخواسته از اراده دیگران قرار بدهند»⁽¹⁾.

انقلاب اینک در دورانی واقع شده است که دشمن تلاش می کند دشمنی خود را آشکارا روشن ننماید، لذا با طرح موضوعاتی همچون دموکراسی، حقوق بشر، تروریسم، زن و تلاش می کند جبهه داخل انقلاب را به انفعال بکشد.

«هنگامی که «غرب» می بیند در این کشور همه مسئولان فرهنگ غرب رازد می کنند، می فهمد که با نظام اسلامی مشکل جدی دارد و به همین دلیل است که غرب دائما به نظام اسلامی می گوید به جامعه جهانی برگردید، در حالی که منظور اصلی آنها از این درخواست آن است که فرهنگ غرب را بپذیرید»⁽²⁾.

لذا انفعال در برابر دشمن و قبول دیدگاه های او با بیان دیدگاه های اسلامی به شکلی که منظور دشمن و غرب را تأمین کند، آفتی است که دنیای اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی را تهدید کرده و می کند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره می فرماید:

«به نظر من امروز دو گرایش و دو جهت گیری در زمینه اسلام وجود دارد، که هر دو خطرناک و ضد اسلام است؛ یک گرایش، آن است که اسلام را به یک مشت اعمال عبادی و حداکثر احوال

ص: 312

1- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1376/3/17.

2- روزنامه ایران، مورخ 1376/6/11.

شخصی، منحصر می کند و مهم ترین عرصه های زندگی را از دسترس اسلامی دور می کند... یک دیدگاه دیگر هم در زمینه مسائل اسلامی هست که آن هم به نظر من به همین اندازه غلط است و آن این است که بعضی ها در مسائل گوناگون زندگی، وقتی می خواهند نظر اسلام را بیان بکنند، به جای اینکه به سراغ متن اسلام و قرآن اسلامی و حقیقت اسلام بروند به سراغ حرف های رایج دنیا می روند. آنچه را که امروز فرهنگ غربی با سیطره خود با سلطه همه جانبه خود به بسیاری از مناطق عالم، به صورت حرف قاطع و رایج درآورده، همان را به نام اسلام تکرار می کنند... ما برای اینکه ارکان اسلام را برای مردم تبیین کنیم، باید از واژه های خود اسلام استفاده کنیم. واژه های فرهنگ غربی را که دقیقاً معانی اسلام را حکایت نمی کند، به کار نبریم، این تعصب نیست، ...» (1)

بنابراین انفعال جبهه داخلی انقلاب، در برابر اندیشه ها و دیدگاه های غربی و غفلت از فرهنگ اصیل اسلام آسیبی جدی است که متأسفانه در بعضی از زمینه ها، نشانه های آن در جامعه هویدا می باشد.

ضعف بینش و بصیرت در نسل جوان و تضعیف اسلام در مراکز دانشگاهها:

نسل جوان از دیدگاه رهبری، مظهر صفا، پاکی، طهارت و ... می باشد. نسل جوان میراث دار حماسه نسل قبل از خویش می باشد که این انقلاب را تا به اینجا حراست کرده است. بر دوش کشیدن این

ص: 313

انقلاب و ادامه آن به وسیله نسل جوان است، لذا نیازمند دانش و بینش از سوی جوانان این مرز و بوم می باشد، اگر نسل جوان امروز در تقویت بینش و بصیرت خود سستی کند، آسیب جدی و خطرناک بر انقلاب اسلامی وارد می آید. از این رو نسل جوان باید به شناخت تاریخ معاصر ایران و ویژگی های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و غیره دوران قبل از انقلاب و بعد از انقلاب پردازد تا به قدر و قیمت این گوهر گرانقدر واقف گردد و به عنوان عناصر مؤثر امروز و ستون های فردا، این جوانان هستند که انقلاب اسلامی را در راستای تداوم و پویایی یاری می نمایند.

از آنجا که در کنار دو رکن مکتب و امت، انقلاب اسلامی ایران از رکن امامت یا به تعبیری رهبری ولی فقیه برخوردار بوده است و می باشد، نسل جوان باید با اندیشه ها و دیدگاه های بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی رحمه الله آشنا باشند تا بتوانند این انقلاب را تداوم بخشند. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این باره می فرماید:

«من نگران آن هستم که نسل های جوان، پاک و آماده حضور در صحنه، امام را نشناسند و ما نتوانیم نسل های آینده را از محبت، معرفت و ارتباط با آن بزرگوار بی نیاز کنیم»⁽¹⁾.

یکی از آسیب های مهم که رهبر هم به آن اشاره می نماید این است که نسل جوان بصیرت و دانش و بینش کافی را نسبت به اصول و

ص: 314

مبانی انقلاب پیدا نکند و همین امر باعث تضعیف نظام گردد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید:

«تا وقتی حکومت ما بتواند این حالت مردمی خودش را حفظ کند و مسئولین همان طور که در حال حاضر در اغلب موارد مشاهده می شود، مردمی باشند، و از حمایت مردم و جوانان برخوردارند و با پشتیبانی آنها هیچ آسیبی به انقلاب نمی رسد».⁽¹⁾

اگر انقلاب این پشتیبانی را از دست بدهد، قبل از شکست ظاهری از درونمتلاشی خواهد شد. مقام معظم رهبری از جمله آسیب ها و آفاتی که انقلاب را از درون مورد تهدید قرار داده است را تضعیف ساختار و محتوای اسلام در دانشگاه ها می داند و چنین می فرماید:

«دانشگاه نقطه اساسی هر جامعه و کشوری است. اگر دانشگاه اصلاح شود، آینده آن جامعه اصلاح خواهد شد».⁽²⁾

از این رو در جامعه اسلامی نیاز به دانشگاهی اسلامی که به توسعه و تحقق حیات طیبه بینجامد، ضرورتی غیرقابل انکار است. لذا مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می فرماید:

«مادامی که دانشگاه، پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نخواهد بود».⁽³⁾

ص: 315

1- رویدادها و تحلیل ها، ش 45، سال 61، ص 10.

2- آیت الله خامنه ای، دانشگاه و دانشجو (نگرش های موضوعی 2)، ص 5.

3- حدیث ولایت، ج 6، ص 78.

ایشان در تعریف دانشگاه اسلامی که مطلوب و مورد نیاز انقلاب است می فرماید:

«در دانشگاه اسلامی، علم با دین، تلاشگری با اخلاق و تضارب افکار با سعه صدر و تنوع رشته ها با وحدت هدف و کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت همراه است».

«از شاخصه های اسلامی شدن دانشگاه ها علمی شدن آن ها است عمیق شدن، خودباور بودن و اتکا به نفس داشتن دانشجو و استاد، از جمله نکات بارز دانشگاه اسلامی است. در دانشگاه اسلامی تدین و دین باوری وجه غالب است و در آن ایستادگی بر روی اصول، تسلیم ناپذیری در برابر دشمن و عزم و اراده در برابر تهاجم فرهنگی زیر بنای مستحکم فکری است. دانشگاه اسلامی شکوفا و پرنشاط است و در آن علم و عالم عزیز و با کرامت اند، دانشجو به قصد قربت درس می خواند و مظاهر فسق و فساد در آن وجود ندارد. بنابراین لازمه علمی شدن دانشگاه های اسلامی شدن آن هاست»⁽¹⁾.

متأسفانه از نقاط و مسائل خطرناک تهدید کننده انقلاب، عدم توجه و تلاش برای تحقق دانشگاه اسلامی با دو شاخص اساسی علم و ایمان است که بارها رهبر در اهمیت آن رهنمودهایی داشته است. ایشان می فرماید:

ص: 316

1- روزنامه رسالت، مورخ 1375/7/5 و روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1376/12/7.

«دانشگاه هنوز اسلامی نشده است... این نمی شود مگر با یک تحول عمیق بنیادی، دل سوزانه، بلند مدت، برنامه ریزی شده و همه جانبه»⁽¹⁾.

از سوی دیگر، دانشگاه اسلامی مظهر تحقق پیوند و وحدت حوزه و دانشگاه می باشد، که متأسفانه در این زمینه شاهد بروز آفت ها و آسیب هایی هستیم که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می فرماید:

«آهنگ دوری و جدایی حوزه و دانشگاه از یکدیگر برای کشور و آینده تاریخ، مسئله بسیار خطرناکی است. بنابراین عدم اسلامی شدن دانشگاه ها یک آسیب و آفت جدی برای انقلاب اسلامی است»⁽²⁾.

غفلت از تهاجم فرهنگی: رهبر عزیز انقلاب اسلامی معتقد است که غارت فرهنگی در قبل از انقلاب اسلامی و تهاجم فرهنگی در دوران بعد از انقلاب اسلامی، وجود دارد که باید به سازندگی فرهنگ و دفاع فرهنگی پرداخت لذا می فرماید:

«در زمینه سازندگی فرهنگی نیز باید به بهترین شکل عمل کرد. دشمن به شکل منظم و سازمان یافته ای تهاجم فرهنگی خود را علیه جمهوری اسلامی ایران به انجام می رساند و اگر پاسخ متقابل ما منظم و سازمان یافته نباشد، خطر تهاجم دشمن بیشتر خواهد بود»⁽³⁾.

و نیز می فرماید:

«من احساس می کنم که در زمینه اداره فرهنگ اسلامی این جامعه،

ص: 317

1- فصلنامه فرهنگ، شماره 21، بهار 75، ص 174.

2- روزنامه ایران، مورخ 1376/10/16.

3- فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص 383.

داریم دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم یا شده‌ایم که بایستی خیلی سریع و هوشیارانه آن را علاج کنیم».

و نیز می‌فرماید:

«درک نادرست، کج سلیقه‌گی و دیر فهمی در مسائل فرهنگی، به بروز ضایعه مهمی، منجر خواهد شد، که در نتیجه آن، افکار صحیح، میدان عمل پیدا نخواهند کرد. دشمن به شدت مشغول تهاجم فرهنگی است و این تهاجم گاهی با دست عنصر خودی غافل، بی‌توجه و فاقد بینش صحیح سیاسی انجام می‌گیرد. بایستی به تربیت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم بسیار بیندیشیم و برای آن اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شویم، اما متأسفانه احساس می‌کنیم که برخی از مسئولین و دست‌اندرکاران امور فرهنگی کشور با چنین توجه و اهمیتی به این مسئله نگاه نمی‌کنند. امروز دشمن در حرکت ادامه‌دار فرهنگی خود به جنگ ایمان مردم آمده است و متأسفانه عده‌ای از عناصر غافل و فریب‌خورده نیز دشمن را یاری می‌دهند. البته همه کسانی که در این میدان، کار خلاف می‌کنند، دشمنان نیستند. این هم معلوم باشد، بعضی‌ها دوستان نادانند، بعضی خودی‌های غافل اند من از خودی‌ها مصر می‌خواهم قدری ذهن خودشان را باز کنند و فکر خودشان را به کار بیندازند، بفهمند امروز دشمن کیست، چه می‌خواهد و چه می‌کند و نقش دشمن چیست؟» (1).

ص: 318

1- روزنامه جمهوری، مورخ 1377/7/16 و حدیث ولایت، ج 6، ص 56 و روزنامه ایران، مورخ 1375/3/1.

پس یکی از آفت های تهدیدکننده انقلاب اسلامی، غفلت از تهاجم فرهنگی در جبهه داخل و درون نظام است. اگر نهادها و سازمان های فرهنگی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دچار غفلت، بی هوشی، عدم توجه، دیر فهمی و نفهمی، کج سلیقگی و کم کاری شوند، و بعضی از عناصر خودی غافل و نادان در جهت خواست دشمن فعالیت کنند، آنگاه آسیب جدی به انقلاب اسلامی و ارزش های آن وارد خواهد آمد و تلاش دشمن به ثمر می نشیند.

نظرات امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری و شهید مطهری و دیگر صاحب نظران و تئوریسین های انقلاب با توجه به تجربیات جهانی و بشری به این موضوع مهم پی برده اند و در نوشته های سخنرانی ها، بیانیه ها موارد و مصادیق آسیب ها را برشمرده اند و خواستار توجه به آن ها و کنترل آنها گردیده اند. که در ادامه به مهم ترین آسیب های فرهنگی انقلاب اسلامی اشاره می کنیم:

نفوذ اندیشه های بیگانه: که این نفوذ ممکن است از طریق دشمنان یا دوستانی که مجذوب آرای دیگران شده اند، صورت پذیرد. نمونه این گرایش ها در جریانات قرون اولیه اسلامی دیده می شود. مثلا مجذوب شدگان به فلسفه یونانی و آداب و رسوم ایرانی و تصوف هندی، نظریات و اندیشه هایی را به عنوان خدمت و نه به قصد خیانت وارد اندیشه های اسلامی کردند.

تغییر جهت دادن اندیشه ها : نهضت خدایی باید برای خدا آغاز شود

و برای او ادامه یابد و هیچ خاطره و اندیشه ای غیر خدایی در آن راه نیابد تا عنایت و نصرت الهی شامل حالش گردد.

حضرت امام رحمه الله در وصیت نامه خود، فراموش کردن فرهنگ قیام ملت و مکتب الهی اسلام، به انزوا کشاندن روحانیت، غرب زدگی و شرق زدگی و سلطه بیگانگان بر مقدرات مراکز تعلیم و تربیت را از آفات فرهنگی انقلاب معرفی می نماید.

تجددگرایی افراطی: در مقابل تمسک به اسلام ناب، تجددگرایی افراطی - یا التقاط - و زهدگرایی منفی قرار دارد. تجددگرایی افراطی تلفیق اسلام با اندیشه های غیر اسلامی برای زیبا جلوه دادن آن می باشد. (1)

جدایی حوزه و دانشگاه: در واقع یکی از کلیدی ترین مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه اسلامی ما حفظ و تقویت وحدت این دو نهاد است که جدایی آنها آفتی بزرگ به شمار می آید.

بوروکراسی مفرط و فساد اداری و اجتماعی: حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«همانا فلسفه نابودی رژیم های پیشین این بود که حق مردم را ندادند تا آن را به رشوه خریدند، و راه باطلشان بردند و آنان پیرو آنگشتند.» (2)

ص: 320

1- بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، ص 78 و 87، 92 و 93 و 98 و 99.

2- نهج البلاغه، نامه 79.

دنیا طلبی و اشتغال به زینت های دنیوی بالأخص بین اقشار انقلابی: اگر زندگی تجملی و روحیه تکاثر طلبی در میان عناصر انقلابی فزونی گیرد و نیروهای انقلابی روحیه خود را از دست دهند، داعیه دفاع از انقلاب و ارزش ها تضعیف می شود. امام صادق علیه السلام ضرر دو گرگ درنده که به گله چوپانی حمله می کنند را به مراتب کمتر از زیان حب مال و جاه طلبی که متوجه مسلمانان می شود، می داند. (1)

ابن خلدون نیز در بحث فراز و فرود تمدن ها به دوران های زیر اشاره می کند: دوران ظفر، دوران قدرت، دوره تجمل و فراغت، دوره خرسندی و بالاخره دوره اسراف و تبذیر و انحطاط. در دوران آخر، عصبیت - همبستگی اجتماعی - از بین می رود و تن آسایی، تجمل و حاکمیت روابط فزونی می گیرد. (2)

حاکم شدن روحیه ریا و تملق به جای اخلاص و ایثار، دگرگونی مجدد ارزش های جامعه و فرآیند تبدیل ثروت به ارزش و نابرابری اجتماعی.

اشاعه فحشا و فساد و ارتشاء.

تاثیر پذیری از جنگ روانی و تهاجم فرهنگی و تبلیغاتی دشمن و رجعت تدریجی به ارزش های فرهنگی رژیم پیشین.

بحران هویت اجتماعی بالأخص بین نوجوانان و جوانان نسل دوم و سوم انقلاب و گرایش به الگوهای غربی.

ص: 321

1- اصول کافی، ج 2، کتاب الایمان والکفر، حدیث 2.

2- مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ص 317 تا 320.

فرار مغزها: نداشتن برنامه ای همه جانبه برای جلوگیری از مهاجرت تحصیل کردگان و متخصصان و مشخص نبودن مرزهای «تعهد» و «تخصص» باعث ظهور پدیده فرار مغزها به کشورهای دیگر جهان می شود.

از دیگر آسیب های فرهنگی می توان به این موارد اشاره کرد:

دوگانگی عمل و گفتار برخی از مسئولین (فاصله بین گفتار و کردار آنها و سخنگویی به جای عمل و سیاسی کاری به جای خلاقیت های مدیریتی).

بازیچه شدن دین در دست برخی از سیاستمداران برای منافع شخصی یا گروهی (جناحی).

درگیری و اختلافات سیاسی (سرگرم شدن به درگیری های سیاسی و غفلت از مشکلات مردم).

عدم تحمل سیاسی و نداشتن روحیه انتقادی باندبازی و گزینش های رابطه ای در انتخاب دولتمردان و شیوع تبار گماری در مسئولیت های مهم و حساس.

عدم ارائه راهکار مناسب برای تلفیق دین و دولت (عدم تعامل مناسب دین و دولت).

ضعف مدیریت و تصدی امور به دست افراد نالایق کم توان و به دور از آگاهی و بینش قوی (ولو دلسوز و با حسن نیت).

و عدم وجود عدالت اجتماعی در توزیع قدرت، ثروت و دنیاگرایی و عافیت طلبی مردم.

وجود فساد اداری در بدنه نظام به عنوان یکی از مهم ترین عوامل سرخوردگی مردم از دین و فرهنگ انقلاب اسلامی.

فقر و محرومیت توده مردم (فشار اقتصادی بر مردم) و تشدید اختلافات طبقاتی.

نارضایتی مردم به علت شیوع حاکمیت (روابط به جای ضوابط). افزایش روحیه ریاکاری و تظاهر به دین.

احساس خستگی افراد جامعه به ویژه از سخنرانی ها و مطالب تکراری و زدگی آنها از مطالب بیان شده.

ضعف و به حاشیه رفتن مشارکت عمومی در تصمیم سازی، نظارت، اجرا و پشتیبانی و اداره مادی و معنوی نهادها و فعالیت های دینی.

غرق شدن در درگیری های داخلی و غفلت از مسائل جهانی.

شیوع رویکردهای افراطی و تفریطی در ارتباط با سایر کشورها.

سیاه نمایی و القاء دشمن به مردم توسط تبلیغات گسترده مبنی بر ناتوانی حکومت دینی در رفع مسائل و مشکلات جامعه.

بی توجهی به آموزه های دین اسلام در تولید ارزش های مشترک جهانی.

تهاجم برنامه ریزی شده دشمنان خارجی جهت انحراف نسل جوان.

فقدان نظام مشورت گیری از نخبگان و روشنفکران دینی و به حاشیه رفتن نقش آنها در فرآیند تولید و عرضه کالاها و خدمات فرهنگی.

عدم مشارکت فعال نخبگان و کناره گیری آنها از قدرت به علت وضعیت آشفته و ناپایدار سیاسی.

به حاشیه رفتن نقش نخبگان فرهنگی و روشنفکران دینی در سرپرستی هویت دینی و ملی.

عدم وفاق ذهنی نخبگان کشور در راستای حل مسائل فرهنگی و معنوی.

تقابل روشنفکران و نخبگان فرهنگی با سنت گرایان.

تداخل وظایف و فعالیت های موازی نهادهای دینی به علت نبود برنامه ریزی جامع در مورد تقسیم وظایف.

گسترش ظاهر نگری، سطحی نگری، جزم اندیشی و عوام زدگی در فعالیت های نهادهای دینی.

فقدان نظام برنامه ریزی صحیح فرهنگی برای نسل جوان به علت نبود مدیریت واحد فرهنگی.

عدم برنامه ریزی صحیح و اصولی فرهنگی و دینی برای نسل جوان توسط حوزه های علمیه و روحانیت.

ارائه تصویری عوامانه از دین، ناهمگون با مقتضیات زمان و متضاد با مبانی فکری نسل جوان توسط بسیاری از روحانیون و علمای دینی.

عدم تناسب سیاست ها و ساختار حوزه های علمیه با شرایط و نیازهای روز.

عدم جذابیت کافی از چهره اسلام ارائه شده توسط روحانیت.

عدم پاسخ کافی، جامع و مستدل نسبت به شبهات جدید و انحراف در گفتار و کردار (بی عملی برخی از عالمان دینی).

حاکم شدن مواضع سیاسی و منافع جناحی (حزبی) در رسانه ها به جای قضاوت های اخلاقی و منطقی و مواضع ملی.

عدم ارزشیابی مستمر و علمی از نتایج و عملکرد سازمان صداوسیما و دیگر رسانه ها.

نگاه یک طرفه و گاه ابزاری به مخاطبان و نیازهای آنان.

آسیب های اخلاقی انقلاب اسلامی ایران

مهم ترین آسیب های اخلاقی که مسیر یک انقلاب را می توانند تغییر دهند عبارت اند از:

بروز روحیه تظاهر و ریا: یعنی کسانی که به انقلاب و ارزش های آن اعتقاد ندارند، به خاطر منافع و حفظ مصلحت خود، منافقانه تظاهر به حمایت از اسلام و ارزش های انقلاب بنمایند.

عمل زدگی: یعنی غرق شدن کامل در عمل و امور اجرایی این امر موجب می شود که به تدریج انسان از امور معنوی و عبادی باز بماند و نسبت به آن ها بی توجه شود و در نتیجه عمل برای او هدف شود به تدریج فرد عمل زده از همه امور معنوی فاصله خواهد گرفت.

دروغ گویی و رواج آن: یعنی که افراد یا گروه ها برای حفظ منافع و مصلحت خویش به دروغ متوسل می شوند؛ مثلاً در مصاحبه ها آمار دروغ به مردم ارائه می دهند یا برای توجیه خلاف کاری ها و اشتباهات خود از دروغ استفاده می کنند. به هر حال دروغ یکی از مهم ترین و

خطرناک ترین آفات اداره یک جامعه است که اگر رایج شود همه مفسد به دنبال آن خواهند آمد.

غرور انقلابی: یعنی به وجود آمدن روحیه تکبر و خودبزرگ بینی در افراد انقلابی و پیروان یک انقلاب؛ این امر موجب می شود که دیگران را تحقیر کنند و برای دیگران ارزشی قائل نشوند.

رواج و شیوع و گسترش فساد و فحشای پنهانی: معمولاً همیشه پس از هر انقلابی از سوی دشمنان داخلی و خارجی از این حربه برای مبارزه با انقلاب استفاده می شود. و اگر مسئولین انقلاب متوجه این گونه امور نشوند مسلماً قشر بالنده جامعه، یعنی جوانان را از دست خواهند داد. به طور کلی عدم شناخت شرایط یک انقلاب موجب از بین رفتن انقلاب می شود.

ضعف رهبری و مدیریت ها در تداوم انقلاب:

امام علی علیه السلام می فرماید: «پیدایش روحیه (مصانعه، مضارعه مطامعه) در رهبران و مدیران یک جامعه موجب از بین رفتن یک جنبش الهی می شود. «امر خدا را نمی شود اجرا کرد مگر اینکه مجری مصانعه کار نباشد، مضارعه کار نباشد و اهل مطامعه نباشد».(1) مصانعه کار یعنی ملاحظه کاری، رفیق بازی، باندهبازی، و خلاصه گروه گرایی، یعنی در مقابل حکم خدا نباید سازش کاری کرد. مضارعه، یعنی

ص: 326

رهبری و مدیریت انقلاب نباید از نظر فکری و سیاسی و تصمیم‌گیری در حد مردم باشد، در محدوده زمان خود باشد، بلکه باید بالاتر و متعالی‌تر از جامعه و مردم و زمان خود بیندیشد؛ یعنی آینده‌نگر باشد. مطامعه، یعنی طمع، طماع و طمع‌کار بودن زیاد طلب بودن در جمع ثروت و مال، کسب مقام و پست و هر چیز دیگر. انسانی که اهل مطامعه و زیاده‌طلبی و حرص و نظایر اینها باشد نمی‌تواند یک جامعه را اداره کند، چون همه چیز را برای خودش خواسته است در حالی که باید هر چیزی را برای مردم بخواهد.

زیر پا گذاشتن عدالت و عدم رعایت عدالت: این امر موجب رشد ظلم و جور در جامعه می‌شود و هیچ حکومتی با ظلم دوام نمی‌آورد. و از طرفی هم نباید توقعات بیجا در مردم ایجاد کرد با وعده‌های خیالی و ایده‌آلی و ذهنی به طوری که نتوانند به آن ایده عمل کنند این امر موجب می‌شود که مردم به رهبران جامعه بی‌اعتماد شوند.

از موارد دیگر، افراط و تفریط در همه امور است. و دیگر اینکه جدا شدن مدیران جامعه از صف مردم به این معنا که پس از به دست گرفتن قدرت به جای اینکه خدمتگزار مردم باشند و خادم مکتب دین خدا، حاکم بر مردم می‌شوند و بر مردم حکومت می‌کنند و نهایتاً، حرکت انقلابی را تبدیل می‌کند به حفظ حکومت و سرانجام چنین حکومتی به سازش کاری منتهی می‌شود و در این صورت دیگر حکومت انقلابی نخواهد بود، حال آنکه مدیران باید برای حفظ و تداوم انقلاب اسلامی تلاش کنند نه برای حفظ حکومت خودشان.

جدایی دین از سیاست، اختلاف و کشمکش‌ها و نزاع میان گروه‌های سیاسی حاکم در یک جامعه، عدم سازمان‌دهی سیاسی صحیح و متناسب با روند حرکت انقلاب، عدم تحرک و تلاش در هماهنگی نیازهای جامعه الهی با قانون اساسی، اصرار به قانون‌گرایی و نادیده گرفتن ضرورت‌ها و مصلحت‌های جامعه به نام اصالت قانون، نقص و بی‌اعتنایی به قانون برای رسیدن به مقاصد گروهی و شخصی، انحراف خواص، توهم توطئه، نادیده گرفتن منافع ملی در نزاع جناح‌های سیاسی، ضعف تحلیل سیاسیمردم، عدم تبیین مدیریت انقلابی و مکتبی و آن به این معنا است که اگر پس از انقلاب حقیقتاً افراد مؤمن و انقلابی و مکتبی به مدیریت امور گمارده نشوند و همان مدیران سابق با نام‌ها و چهره‌های جدید در پست‌های خود باقی بمانند به تدریج انقلاب از مسیر و اهداف خود خارج می‌شود.

افتادن مدیریت‌ها به دست افراد جدید اما غیر انقلابی و غیر مکتبی، وجود تنگ‌نظری‌ها در مدیران، به این معنی که گاهی اوقات سختگیری‌های بی‌جهت در امور مدیریت و اداره یک مملکت، موجب نارضایتی از سوی مردم می‌شود و عکس این مسئله نیز صادق است و آن اینکه هرگاه مدیریت‌ها اهل تجملات و اسراف و ولخرجی و گشاد دستی و... باشند این موارد منتهی به هدر رفتن بیت‌المال جامعه می‌شود.

کم‌طاقتی و بی‌حوصله بودن مسئولان اجرایی جامعه؛ زیرا در برخورد با مردم آن‌هم پس از یک انقلاب نیاز به صبر و تحمل و بردباری فراوان است و مدیران و مسئولان اجرایی یک مملکت باید در برابر سختی‌ها از خود صبر و بردباری و مقاومت نشان دهند نه اینکه با مواجه شدن سختی‌ها وظیفه خود را رها کنند و از مسئولیت بگریزند.

ضعف کارهای تبلیغاتی؛ آنچه پس از یک انقلاب در جامعه ضروری است این است که مردم از کارهای مثبت یک انقلاب آگاه بشوند و بدانند که انقلاب عملاً چه ثمراتی داشته است و این میسر نمی‌شود مگر اینکه مدیران و مسئولان اجرایی یک مملکت عملکردهای خود را از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون به آگاهی مردم برسانند؛ در غیر این صورت مردم از روند پیشرفت انقلاب آگاه نمی‌شوند و در نتیجه فریب تبلیغات دشمنان اسلام را خواهند خورد.

چنین مواردی موجب می‌شود که یک کشور به تدریج از صحنه سیاسی طرد و منزوی شود.

مهم‌ترین مسئله در بین آفت‌های سیاسی انقلاب ضعف تحلیل سیاسی مردم است، با توجه به نقش مردم و مجموعه آحاد جامعه اسلامی ایران در سربلندی، اقتدار، آزادی و استقلال نظام جمهوری اسلامی ایران است که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بارها بر اهمیت آگاهی و قدرت تحلیل سیاسی مردم سفارش کرده و از بصیرت و صبر به عنوان دو شاخص مهم‌توانمندی یک جامعه سخن گفته‌اند:

«عزیزان من، تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید، بر اثر یکی از این دو است یا عدم بصیرت یا عدم صبر، یا دچار غفلت می شوند، واقعیت ها را تشخیص نمی دهند، حقایق را نمی فهمند، یا باوجود فهمیدن واقعیات از ایستادگی خسته می شوند. لذاست که به خاطر یکی از این دو با هر دو، تاریخ بشر پر از محنت های بزرگ ملت ها است. پر از غلبه زورگویان عالم بر ملت های ضعیف النفس و غافل است»⁽¹⁾.

یکی از آسیب های تهدید کننده انقلاب اسلامی را، عدم تحلیل سیاسی مردم می دانند، رهبر معتقدند اگر خدای ناکرده، در آگاهی و قدرت سیاسی مردمخللی وارد شود و جریانات خارجی و داخلی را به خوبی تجزیه و تحلیل نکنند، یکی از ارکان مهم انقلاب که امت است دچار خلل گردیده و انقلاب اسلامی را متزلزل می کند. با بررسی حوادث و جریانات تاریخ جوامع اسلامی، به خصوص صدر اسلام، مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) اهمیت این نکته را چنین بیان می فرماید:

«بنده یک زمان در زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام در دوران تقریباً پنج ساله آن بزرگوار و آنچه پیش آمد، یک مطالعات و سعی داشته ام که آنچه را می توانستم از این مطالعات به عنوان جمع بندی به دست بیاورم این است که «تحلیل سیاسی ضعیف مردم بود» البته عوامل

ص: 330

دیگری هم وجود داشت، در درجه بعد، اما مهم ترین مسئله این بود و الاخیلی از مردم هنوز مؤمن بودند، و مؤمنانه در پای هودج ام المؤمنین به دلیل تحلیل غلط در مقابل علی علیه السلام جنگیدند و کشته شدند».

همین عدم قدرت تحلیل سیاسی نیز در مردم بود که امام حسن مجتبی علیه السلام را شکست داد. در این مورد رهبر می فرماید:

«چیزی که امام حسن علیه السلام را شکست داد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود، مردم تحلیل سیاسی نداشتند. آن چیزی که فتنه خوارج را به وجود آورد و امیرالمؤمنین علیه السلام را آن جور تحت فشار قرارداد و قدرتمند ترین آدم تاریخ را آن جور مظلوم کرد، نبودن تحلیل سیاسی در مردم بود و الا همه مردم که بی دین نبودند، تحلیل سیاسی نداشتند. و علت همه خون دل های امیرالمؤمنین علیه السلام این بود که قدرت تحلیل مردم ضعیف بود و صاحبان نفوذ روی ذهن های مردم اثر می گذاشتند. قدرت تحلیل و قدرت فهم مردم را باید اصلاح کرد، باید درک مسائل سیاسی در جامعه بالا برود تا بشود عدالت را اجرا کرد».⁽¹⁾

یکی از آسیب های تهدید کننده، همین عدم تحلیل سیاسی صحیح در بین عامه مردم است؛ از مهم ترین افت های سیاسی برای نظام است. امید است که با آفت زدایی در عرصه های فوق از انقلاب حراست نمایم.

ص: 331

آدمیان بر اساس فطرت خویش به حیات اجتماعی و ارتباطات اجتماعی رو می آورند و تلاش می کنند در کنش متقابل و انسجام اجتماعی راه ترقی و سعادت را طی نمایند.

انقلاب اسلامی در یکی از زیباترین دست آوردهای خود، فضای جامعه و ارتباطات اجتماعی را دگرگون کرد و ارزش ها و هنجارهای اسلامی را جایگزین ارزش های جاهلی نمود. اینک برای پابرجا ماندن و پویایی این دستاورد بزرگ، باید آسیب ها و آفاتی که آن را تهدید کرده و می کند، شناخت و با درمان آن در دهها، جامعه اسلامی را هر چه بهتر به پیش ببریم.

آفات های اجتماعی یک جنبش الهی از دیدگاه امام علی علیه السلام عبارت اند از: ظلم و ستم، بی ایمانی، رشوه خواری و ربا، دنیا گرایی و رفاه طلبی، فقر، ثروت اندوزی و زراندوزی، هم نشینی با افراد منحرف، نفاق و دورویی و تزویر و دروغگویی، کاستی در عقل و نادانی و انحراف فکری، تکبر و خودپسندی، بی تفاوتی در پاری حق و ترک امر به معروف و نهی از منکر (واجب از یادرفته)، حاکمیت ناهلان و انزوای صالحان، پیمان شکنی، فتنه و فراهم نمودن زمینه هایی برای فتنه، تجاوز و تهدید و ارباب، سلطه گری و سلطه پذیری، قانون گریزی، بی خبری و ناآگاهی، ابتلا به رذایل اخلاقی، مردم گریزی، بازداشتن مردم از حقوق مسلم آنان و باطل گرایی،

پذیرش مسئولیت بدون داشتن شایستگی، افراط و تفریط در کارها، خشونت و خونریزی، هواپرستی، گناه و معصیت خداوند، عملکرد نادرست اطرافیان، گفتار بدون عمل، بخل و تملق‌پذیری، نداشتن استقلال رأی و وابستگی به افراد ناصالح، امتیاز خواهی و قدرت طلبی، شکمبارگی، استبداد و خواری، ضعف مدیریت، خیانت و فاصله گرفتن از مردم. (1)

آفت های اجتماعی انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله

الف - اشرافی گری و تجمل گرایی : همچنان که ابن خلدون می گوید، تجمل گرایی از عوامل عمده شکست حکومت ها و به سستی گراییدن عصبيت است. امام خمینی رحمه الله تجمل گرایی را یکی از آسیب های عمده به شمار آورده و در تحلیل گرایش مردم به روحانیت و سپردن رهبری انقلاب به ایشان می گویند:

«آن چیزی که مردم از ما توقع داشته و دارند و به واسطه آن دنبال ما و شما آمده اند و اسلام را ترویج نموده و جمهوری اسلامی را به پا کردند و طاغوت را از میان بردند، کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدایی نخواست مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند،

ص: 333

1- جلوه های حکمت، سید اصغر ناظم زاده قمی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، سال 1375، قم. و بخشی از زیبایی های نهج البلاغه، جورج جرداق، مترجم محمد انصاری، کانون انتشارات محمدی، سال 1373، تهران، و ترجمه نهج البلاغه، سید رضی، و ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمد تقی جعفری.

عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شان روحانیت نیست و آن چیزی را که نسبت به روحانیت در دلشان بوده است از دست بدهند و از دست دادن آن همانا و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان» (1).

امام خمینی رحمه الله از کلیه مسئولین به ویژه روحانیون متواضعانه می خواهند برای حفظ نظام جمهوری اسلامی از تجمل گرایی و زرق و برق دنیا بپرهیزند؛ و در این باره چنین می فرمایند:

«من متواضعانه و به عنوان یک پدر پیر از همه فرزندان و عزیزان روحانی خود می خواهم که در زمانی که خداوند بر علما و روحانیون منت نهاده است و اداره کشور بزرگ و تبلیغ رسالت انبیا را به آنان محول فرموده است از زی روحانی خود خارج نشوند و از گرایش به تجملات و زرق و برق دنیا که دون شان روحانیت و اعتبار نظام جمهوری اسلامی ایران است پرهیز کنند. که هیچ آفت و خطری برای روحانیت و برای دنیا و آخرت آنان بالاتر از توجه به رفاه و حرکت در مسیر دنیا نیست» (2).

در اندیشه امام، اشرافی گری و تجمل گرایی این است که زندگی متولیان امور جامعه متفاوت از توده مردم بوده و دارای امتیازات ویژه ای باشند و با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه امتیاز برای خود قائل شوند (3).

ص: 334

1- صحیفه نور، ج 19، ص 188.

2- حسن آینه، ج 1.

3- صحیفه نور، ج 2، ص 280.

ملاک تشخیص نیز عدم تفاوت زندگی بعد از حاکمیت قشر حاکم با قبل از حکومت است و داوران تشخیص این امر نیز توده مردم هستند از این روتوصیه می فرمایند:

«یک وقت کاری نشود که ملت ها و دیگران کار را تعقیب کنند به اینکه شما دستتان نمی رسید، حال که دستتان رسید شما هم همان هستید».⁽¹⁾

ب - تفرقه : امام خمینی رحمه الله ایران را به لحاظ ساختاری مستعد تفرقه دانسته و زمینه هایی چون وجود قبایل و عشایر مختلف موقعیت جغرافیایی، تنوع زبانی، تنوع مذهبی و در نهایت تنوع خاستگاه روشنفکری یعنی وجود حوزه و دانشگاه را از عوامل تفرقه به شمار آورده اند. از این رو به اعتقاد امام عواملی چون ملیت، زبان و وحدت مکانی نمی توانند به عنوان محورهای اتحاد مورد تأکید قرار گیرند و به جای آن اسلامیت و آن هم در مفهوم عام و در سطحی فراتر از تفسیرهای فرقه ای می تواند عامل انسجام ایران باشد.

تفسیر امام از اسلام، اقرار به کلمه لا اله الا الله و داشتن قبله واحد یعنی ارزش های فرا فرقه ای است. مسلمانان که اهل حق هستند قرآن کتاب آنهاست. کعبه قبله آنهاست. کسانی که به اسلام ایمان آورده اند و به حق ایمان آورده اند در این حق خودشان مجتمع باشند و نگذارند این باطل ها که در باطل خودشان می خواهند مجتمع بشوند

ص: 335

امام خمینی رحمه الله ضمن توصیه به سعه صدر در برخورد با برادران دینی، منطق گفتگو و تن دادن به قوانین و مقررات را رمز بقای اتحاد می داند، دو مؤلفه مذکور حتی می تواند اقلیت های دینی را نیز همنا کند. اگر بخواهید مملکت خودتان را از دست ابرقدرت ها و چپاولگری های بین المللی نجات بدهید باید همه مقرراتی که تحت عمل هر یک هست، به آن مقررات عمل بشود و هیچ نهادی با نهاد دیگر معارضه نکنند... من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و تمام کسانی که در این ملت هستند از اقلیت های مذهبی همه باهم مجتمع باشند تا اینکه رفاه همه مسلمان ها و همه کسانی که در کشور اسلامی سکونت دارند، حاصل بشود. بنابراین ایشان بقای اتحاد حکومت اسلامی را به حکومت انسانی ترفیع داده و معتقدند با قانون گرایی می توان اختلافات را حل کرد و کشور را به ساحل نجات رهنمون ساخت. خواست همه، یک جمهوری اسلامی، یک حکومت عدل، یک حکومت انسانی... اگر این دو تا جهت را حفظ کنید... و نگذارید اختلاف پیدا بشود اگر ما حفظ کنیم این وحدت کلمه و وحدت مقصد (اسلام) تا آخر پیروزیم. (2)

ص: 336

1- صحیفه نور، ج 14، ص 113 و ج 7، ص 280 و ج 13، ص 48.

2- صحیفه نور، ج 13، ص 27 و ج 7، ص 280.

در حکومت انسانی و حکومت عدل حتی بدون داشتن دین واحد نیز می توان با منطق گفتگو به تفاهم رسید: «ما اگر اختلاف سلیقه داریم، اختلاف بیش داریم باید بنشینیم و در یک محیط آرام صحبت کنیم و مسائل خودمان را حل کنیم با تفاهم مسائل را حل کنیم نه اینکه جبهه گیری کنیم. یکی یک طرف بنشیند با دار و دسته خودش و کوشش کند در تضعیف یکدیگر و کوشش کنند در تضعیف کشور اسلامی... شماها اگر مسلم هستید، به احکام اسلام عمل کنید و اگر خدای ناخواسته تعهد اسلامی را قبول ندارید با دید سیاسی مسائل را حل کنید».(1)

امام خاستگاه تفرقه را نه مردم که نخبگان، مسئولان و نهادهای نظام دانسته و خطاب به ایشان می فرماید:

«شما همه برای خدا انشاء الله عمل کنید، همه تان با هم باشید، پشت و پناه هم باشید. ملت خوب است. ملت یک ملت روشنی است. یک ملت خوبی است، شماها هم همه باهم مجتمع بشوید، دولت و ملت و ارکان دولت، رئیس جمهورش، مجلسش همه این ها با هم مجتمع باشند».(2)

«اگر قلم هایی که در روزنامه ها به ضد هم چیز می نویسند کمک کنند برای از بین رفتن جمهوری اسلامی همه مسئول اند... احکام اسلام امانت است پشیمان... و نباید با قلم ها و قدم ها به این امانت

ص: 337

1- صحیفه نور، ج 14، ص 38.

2- همان منبع، ج 13، ص 173.

خیانت کنیم... اگر بخواهید کشورتان مستقل باشد و آزاد باشید باید از این طور مناقشات دست بردارید. من باز تأکید می‌کنم اگر سران با هم خوب باشند، این کشور صدمه نمی‌بیند؛ اگر صدمه ای این کشور ببیند از اختلاف سران است. همان طور که شارع مقدس فرموده باید دولت، مجلس و قوه قضائیه احساس کنند که یک تکلیف دارند و آن اینکه اختلاف نداشته باشند»⁽¹⁾.

ج - ارائه چهره طاغوتی از حکومت: امام خمینی رحمه الله معتقد بود انقلاب ایران به لحاظ ماهوی از سایر انقلاب های دنیا متمایز است و وجه تمایز آن اسلامی بودن آن است. از دیدگاه امام هر حکومتی که محتوای آن اسلامی نباشد طاغوت است. خواه متولیان آن پهلوی باشد یا دیگران. «الآن ما همه مکلفیم حالایی که جمهوری اسلامی شد ما همه اسلامی باشیم؛ اگر بنا شد جمهوری اسلامی باشد اما ماها دیگر اسلامی نباشیم حکومت اسلام نیست؛ اگر بنا شد که جمهوری اسلامی باشد، پاسبان هایش اسلامی نباشند، خدای نخواست، دادگاه هایش اسلامی نباشد، این حکومت طاغوتی است. به اسم اسلام، همان طاغوت است».

امام خمینی رحمه الله از تبدیل شدن جمهوری اسلامی به حکومت طاغوتی نگران بوده و آن را یکی از آسیب های عمده انقلاب برشمردند:

ص: 338

1- همان منبع، ج 14، ص 7 و ج 18، ص 57.

«طاغوت برای خاطر اینکه پسر کی بود و نوه کی بود، که نبود، برای اعمالش بود، اگر اعمال ما هم یک اعمال طاغوتی باشد، برای خود باشد، نه برای ملت، دعوا بکنیم سر خودمان، نه برای مصالح ملت، این همان طاغوت است. منتها به یک صورت دیگری در آمده اما طاغوت است. طاغوت هم مراتب دارد. یک طاغوت مثل رضاخان و محمدرضا و یک طاغوت هم مثل کارتر و امثال آنهاست، یک طاغوت هم مثل ماهاست» (1).

د- ارائه چهره واژگون از اسلام: حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «مردم اسلام را به تن می کنند، ولی آن چنان که پوستین را وارونه به تن می کنند»، ممکن است محتوای حکومتی به ظاهر اسلامی باشد ولی چهره ای که از اسلام ارائه می شود چنان واژگون و دور از واقعیت باشد که دل های پاک و توده مردمان به آن رغبت نکنند؛ زیرا مفروض امام خمینی رحمه الله این است که «اگر اسلام واقعی به مردم ارائه شود همه دنیا آن را می پذیرند» (2).

وارونه نشان دادن چهره اسلام یکی از آسیب های تهدید کننده نظام اسلامی است که امام درباره آن هشدار می دادند؛ زیرا کنار گذاشتن ظاهر اسلامی در ایران ناممکن است ولی وارونه به تن نمودن آن آسان است. وانگهی اگر اسلام وارونه به تن شود نه تنها

ص: 339

1- صحیفه نور، ج 14، ص 190 و ج 8، ص 4 و ج 13، ص 75.

2- نهج البلاغه، ترجمه و تفسیر شیخ فیض الاسلام، خطبه 17، ص 324 - صحیفه نور، ج 7، ص 33.

کارگزاران نظام ضربه می بینند که از دیدگاه امام مکتب (اسلام) از همه امور مهم تر است: «اگر روحانیون که در این جامعه هستند روی موازین و مقررات به طور دقیق عمل نکنند، اگر دولت به طور دقیق عمل نکند... و اعمالشان را تطبیق ندهند با اسلام، یک صورت قبیحی از اسلام در خارج منعکس می شود... الآن یک تکلیف بسیار بزرگی به عهده همه ماست من یک طلبه هستم این تکلیف را دارم. آقایان (روحانیون) این تکلیف را دارند. سایر قشرها هم دارند که کوشش کنیم وجهه اسلام را آن طور که هست نمایش بدهیم نه آن طور که خلفایی مثل معاویه و یزید... جلوه می دادند... و اسباب این می شد که یک وقت وجهه اسلام را در دنیا دگرگون کنند اگر خدای نخواستہ ما پیروز بشویم به این معنا که آن دسته ای از ظالمها که بودند و آن دسته ای از چپاولگران که بودند بیرون کردیم لکن به جای آنها یک دسته ظلم دیگری با یک محدودیت خاص و چپاولگری های دیگری با یک محدودیتی به جای او نشست. این موجب این می شود که مکتب ما در دنیا منعکس بشود که مکتب درستی نبوده شکست در مکتب واقع بشود. آن شکستی که جبران نمی تواند بپذیرد» (1).

از تحلیل فوق یک فرض ناخودآگاه به ذهن تبادر می کند و یک ملاک برای ارزیابی القا می شود و آن اینکه کارگزاران نظام در ارزیابی اقبالی مردم روی دیگر سکه را نیز ملاحظه نمایند. یعنی ممکن است

ص: 340

آن اسلامی که ارائه می شود به دلیل رفتار سوء مسئولان وارونه جلوه کند و پشت کردن مردم به برنامه حکومت همواره پشت کردن به اسلام نیست. «خودارزیابی» اصل مهمی است که از گفتارهای گهربار امام استنباط می شود.

ه - سوء استفاده از آزادی : یکی از چهار ستون نظام اسلامی در اندیشه امام، آزادی است. هر حکومتی که میل به استبداد کند، طاغوت است زیرا خلاف موازین اسلامی عمل کرده است؛ اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم ما تابع آرای ملت هستیم ملت ما هرطوری را داد ما هم از آن تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل کنیم. (1)

آزادی سیاسی در اندیشه امام خمینی رحمه الله به حدی است که «هر فرد از افراد ملت حق دارد مستقیماً در برابر سایرین، زمامدار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع بدهد. در غیر این صورت اگر برخلاف وظیفه اسلامی خود عمل کرده باشد خودبه خود از مقام زمامداری معزول است».

با همه اهمیتی که امام به آزادی قائل است آزادی را ملازم با قانونمداری و به عبارت عام تر (محدودیت) می دانند. آزادی در چارچوب مجاری قانونی معنا پیدا می کند و به مفهوم «هرج و مرج» و

ص: 341

«دلبخواه» نیست. از دیدگاه امام هرج و مرج منجر به استبداد می گردد یعنی از دل «آنارشیسیم»، «خودکامگی»، و «استبداد» متولد می شود. همچنان که استبداد رضاخانی از درون کشمکش های طولانی و هرج و مرج پس از انقلاب مشروطه تولد یافت و مردم نیز استبداد را به هرج و مرج ترجیح می دهند.⁽¹⁾

امام خمینی رحمه الله یکی از آسیب های مهم نظام اسلامی را سوء استفاده از آزادی دانسته و تذکر می دهند: «شکر نعمت آزادی حفظ حدود آن است و اگر حدود آن حفظ نشود ممکن است به حالت سابق برگردیم. اگر خدای نخواستہ آزادی را صرف کردیم برخلاف مسیر ملت و اسلام حالا که آزاد شدیم خودمان را به هرج و مرج بکشیم... حالا که آزاد هستیم برخلاف نظامات اسلامی و برخلاف نظامات ملی عمل کنیم، هرج و مرج به پا کنیم، تحت هیچ قاعده نباشیم، تحت هیچ یک از قواعد اسلامی و ملی نباشیم، اگر این طور باشد آزادی را سلب کردیم، برخلاف مسیر ملت و برخلاف مسیر اسلام است».⁽²⁾

الگوی مورد نظر امام خمینی رحمه الله برای حکومت اسلامی جهت مصون ماندن انقلاب از آفت، حکومت علوی است. از آسیب های دیگر نظام اسلامی در دیدگاه امام می توان به موارد دیگر اشاره نمود:

«عدم وظیفه شناسی مردم، سستی و از دست دادن حالت انقلابی،

ص: 342

1- صحیفه نور، ج 4، ص 190.

2- همان منبع، ج 7، ص 42.

از خودبیگانگی، کم کاری در ادارات و کارخانه ها، اعوجاج در رسانه های جمعی به ویژه تلویزیون، ظاهرگرایی و چاپلوسی، سرگرم شدن به مسائل غیر اساسی، نفوذ افراد فاسد در بدنه حکومت، گفتارهای نسنجیده و آسیب زای برخی مسئولان، تضعیف نهادها، بزرگ نمایی مشکلات کوچک و فرافکنی مشکلات اجرایی به اصل اسلام، ایجاد یاس و نومیدی به جای امید به آینده، ترجیح مسائل شخصی بر مصالح جامعه»⁽¹⁾.

آفت های اجتماعی انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)

الف - شکاف در وحدت: مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) معتقد هستند که:

«برای این ملت، هیچ عاملی مضرتر از اختلاف و تفرقه نیست. سم مهلک برای ملت ها و تمدن ها و انقلاب ها، اختلاف است. اگر بهترین ملت ها، دچار اختلاف و دودستگی شوند، همه نیروی حیاتی خودشان نه تنها از بین می رود بلکه در جهت ویرانی کشور به کار می افتد».⁽²⁾ «آن چیزی که ابرقدرت ها را در مقابل ملت ایران مرعوب کرده است در درجه اول وحدت کلمه بود»⁽²⁾.

ص: 343

-
- 1- صحیفه نور، ج 11، ص 215 و ص 167 و ج 11، ص 183 و ص 179 و ج 12، ص 84 و ج 8، ص 264 و ص 112 و ج 14، ص 24 و ص 40 و ص 44 و ج 19، ص 62.
- 2- حدیث ولایت، ص 110 و 229.

اگر دشمن درصدد ایجاد اختلاف است، توقعی نیست، اما متأسفانه عده ای در داخل بر همان روش دشمن هستند و در کنار زخم خوردگان از انقلاب و دشمنان داخلی نظام جمهوری اسلامی خط ایجاد تشنج و تفرقه را دنبال می نمایند. رهبر هوشیار انقلاب اسلامی می فرماید:

«امروز نیز همچون گذشته در تبلیغات بیرون از مرزها و برخی دنباله های آنها در داخل کشور و نیز در تلاش دشمنان زخم خورده و کسانی که انقلاب در طول سالهای متمادی جلوی مطامع آنها را گرفته است، خط تشنج و ایجاد اختلاف تعقیب می شود. از این رو باید آحاد مردم هوشیار باشند و با اعتصام به حبل الله اعتقاد به راه قرآن و اسلام

شد و در سایه دل دادن و سر سپردن به نظام و ولایت با هم باشند»⁽¹⁾.

از طرف دیگر عده ای از دشمنان داخلی همراه با بوق های تبلیغاتی دشمنان و همگام با بیعت شکنان در انقلاب اسلامی به دنبال این هستند که به دروغ، القای تفرقه و اختلاف کنند و از کاه کوهی بسازند و به وحدت جامعه خدشه ای وارد سازند. مقام معظم رهبری این جریان اختلاف افکن را رسوا کرده و می فرماید:

«دشمن می خواهد مردم را مضطرب کند، یکی از راه های سکینه و اطمینان وحدت و الفت دلهاست. وحدت ملت، وحدت قشرهای مختلف، آشنایی دل ها با یکدیگر، محبت انسان ها به یکدیگر، درست نقطه مقابل آن چیزی است که دشمن می خواهد القا کند. دشمن

ص: 344

می خواهد بگوید که مردم، مسئولان، قشرها و جناح های مختلف به خون هم تشنه اند. این واقعیت ندارد. هر کس که امروز طوری عمل کند، طوری می کند، به گونه ای حرف بزند که معنایش این باشد که در بین قشرهای ملت اختلاف است، در بین جناح های مختلف اختلاف های عمیق و نفرت آور هست، یقیناً به دشمن کمک کرده است و یقیناً خدمت به دشمن است. بعضی ها ساده لوحانه عملشان، حرف و اظهار شان این گونه است»⁽¹⁾.

به هر صورت، از آسیب های اجتماعی مورد توجه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) شکاف در وحدت است و از این رو سفارش می نمایند که :

«در حالی که ما می خواهیم با دولت های دیگر تشنج زدایی بکنیم، نگذاریم که در داخل ملت، بین آحاد ملت تشنج به وجود بیاید»⁽²⁾.

ب - جدایی مردم و مسئولین : جامعه نیازمند حکومت است، اما تنها جوامعی قادرند به اهداف و آرمان های خود برسند که بین مردم و حکومت محبت و اتحاد برقرار باشد و از این رو در انقلاب اسلامی ایران است و امامت همراه یکدیگر نظامی مردمی مبتنی بر اسلام پدید آوردند که در عرصه سیاسی و اجتماعی دنیا بی نظیر می باشد. مقام معظم رهبری در یک تحلیل دقیق و ارزشمند به انواع حکومت های رایج در دنیا اشاره کرده و این چنین می فرمایند:

ص: 345

1- روزنامه کیهان، مورخ 1377/9/24.

2- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ 1377/10/5.

«نظامهای دنیا سه گونه اداره می شوند: یا بازور، مثل نظام های پلیسی دنیا... نوع دوم، آن سیستم هایی است که با تزویر و تبلیغات اداره می شوند مثل این دموکراسی های غربی، بله، فشار و شلاق و داغ و درفش مثل نظام های استبدادی نیست و مردم علی الظاهر آزادی دارند. اما با تزویر اداره می شوند. این سیستم ها دستگاه های عظیم تبلیغاتی در اختیارشان است و تمام زندگی مردم را محاصره کرده اند... یک نوع نظام هم، نظامی است که با محبت و عطوفت مردم اداره می شود. باید مردم را مورد محبت و احترام قرار داد و به آنها اعتنا کرد، تا به دستگاه حاکمه وصل باشند و پشت سرش قرار گیرند. نظام ما تا حالا این گونه بوده است، بعد از این هم باید این طور باشد. بزرگترین بحران ها را هم، همین عاطفه و محبت مردم، از سر خواهد گذراند.» (1)

رهبر معظم، نظام جمهوری اسلامی ایران را که ثمره انقلاب اسلامی است، از آن نوع نظام های اداره کننده بر می شمارند که با محبت و اراده و حضور واقعی مردم اداره می شود. لذا تداوم این نظام و انقلاب اسلامی وابسته به پیوند، همراهی و محبت بین مردم و مسئولین اداره کننده نظام می باشد. از این رو می فرماید:

در نظام اسلامی، رابطه اخلاقی با مردم، رابطه مخصوصی است، مردم را در همه کارها مالک و صاحب امر دانستن، حقیقت مردم ولی نعمت ما و کارگزاران این نظام هستند.» (2)

ص: 346

1- حدیث ولایت، ج 7، ص 257 و 258.

2- همان منبع، ج 6، ص 48.

در دیدگاه رهبر، منبع قدرت نظام اسلامی، پیوستگی مردم و مسئولین است. لذا می فرمایند:

«در نظام سیاسی اسلام، رعایت شخصیت، خواست و مصلحت مردم به عنوان یک اصلی مورد تأکید قرار گرفته است و ولایت الهی با چنین حضوری از مردم معنا پیدا می کند. بنابراین نظام سیاسی جمهوری اسلامی، قدرت خود را از پیوستگی جدایی ناپذیر مسئولان با مردم به دست می آورد.» جدا شدن مسئولین از مردم به هر شکل ممکن، چه بر اثر تقصیر مسئولان باشد و چه از تأثیر دشمن بر اذهان مردم ناشی شود... موجب از بین رفتن قدرت در نظام اسلامی می شود»⁽¹⁾.

بر همین اساس است که ایشان یکی از آسیب های اجتماعی تهدید کننده انقلاب اسلامی را جدایی افتادن بین امت و دولت می داند و چیزی که مقام معظم رهبری (مدظله العالی) را بیشتر نگران می نماید این است که مسئولین با عملکرد نامناسب باعث فاصله و جدایی بین مردم و مسئولین شوند. و این آفت بسیار خطرناک است و لذا باید مسئولین با عملکرد صحیح خود، محبت و صمیمیت را با مردم تجلی بخشند و گرنه رکن مردم از صحنه انقلاب اسلامی جدا خواهد شد و فاجعه ای جبران ناپذیر ظهور می یابد. از همین رو می فرماید:

«ما باید وصل خود را با مردم روز به روز بیشتر کنیم و اینجانب

ص: 347

1- روزنامه ایران، مورخ 1376/2/7؛ حدیث ولایت، ج 7، ص 259.

دغدغه آن را دارم که مبادا با قدرناشناسی ما، آنچه امروز مثل یک نعمت، بی دریغ در اختیار ما گذاشته شده است، گرفته شود. در آن صورت همه چیز تمام خواهد شد»⁽¹⁾.

ج - انزوای نیروهای حزب اللهی و بسیجی : در جامعه اسلامی ایران به دنبال تحقق انقلاب اسلامی قشری که تعداد زیادی از آحاد ملت را با ویژگی های گوناگون در خود جای داده قشر حزب اللهی و بسیجی می باشد. یکی از آسیب ها و آفت های درونی انقلاب اسلامی از دیدگاه رهبر، انزوا و حذف نیروهای حزب اللهی و بسیجی می باشد و ایشان می فرمایند:

«یک نکته اساسی وجود دارد که همه باید آن نکته را به خاطر داشته باشند. یک کشور اگر بخواهد آزاد و مستقل و بدون وابستگی و تبعیت از قدرت های ظالم عالم زندگی بکند، به ایستادگی احتیاج دارد. در موقع حساس برای یک ملت، ایستادگی را چه کسانی انجام می دهند؟ بهترین و فداکارترین و پاک ترین و با اخلاص ترین فرزندان یک ملت. اینها کسانی هستند که در مواقع سختی، فداکاری می کنند و ایستادگی نشان می دهند و از آبروی کشور و از استقلال و هویت ملی خودشان دفاع کنند. اینها در کشور و در نظام جمهوری اسلامی چه کسانی هستند؟ همان جوانان فداکاری هستند که در دوران جنگ تحمیلی و قبل از آن توانستند در میدان های جنگ

ص: 348

در مقابل دشمن بایستند... یعنی بسیجیان، یعنی نظامیان، یعنی پاسداران، یعنی نیروهای مؤمن و حزب اللهی کشور، قدرت حقیقی کشور مربوط به این هاست، توانایی کشور ناشی از این ها است.. الآن هم در هر جبهه و در هر قسمتی، اگر خطری این کشور را تهدید کند، آن کسانی حاضرند پا در میدان بگذارند و فداکاری بکنند و از خودگذشتگی نشان بدهند که روحیه ایمانی و روحیه ایثار دارند. آدم های خودپرست منفعت طلبی که در همه عمرشان به جز منافع شخصیشان چیز دیگری را نمی بیند، اینها که در یک کشور دفاع نمی کنند، از منافع ملت دفاع نمی کنند». «عناصر مؤمن و خودی را هر

جا که هستند گرامی بدارید... اجازه منزوی شدن عناصر خود را ندهید... بسیج یعنی همین عناصر مؤمن، انقلابی و علاقمند به سرنوشت میهن و کشور و فداکار، این ها رفتند وسط میدان و با فداکاری خود، دشمن را به زانو در آوردند». (1)

در نظام اسلامی کسی که دارای روحیه حزب اللهی است بر کسی که روحیه حزب اللهی ندارد، ترجیح دارد. یک دستگاه اداری سالم کارآیی بیشتری می تواند داشته باشد... که عناصر مؤمن، خالص و به معنای حقیقی کلمه حزب اللهی در آن مؤثر باشند». (2)

بنابراین در انزوا قرار گرفتن و حذف نیروهای حزب اللهی و بسیجی از جمله آسیب های اجتماعی انقلاب اسلامی است.

ص: 349

1- روزنامه کیهان، مورخ 1377/5/28 و سخنرانی مورخ 1371/5/21.

2- سخنرانی، مورخ 1371/5/8.

د- بی‌نظمی اجتماعی: حیات بشر و زندگی اجتماعی بر پایه رعایت اصول و قوانین مطابق با عقل و دین است. از این رو رعایت و اهمیت دادن به مقررات اجتماعی برای سامان‌پذیری امور جامعه بسیار مهم می‌باشد. انقلاب اسلامی ایران که بی‌نظمی نظام استبداد را فرو ریخت و بر اساس تعالیم اسلام نظم جدیدی را مطرح و بنیان گذاشت، نیازمند آن است که اعضای جامعه در تمامی امور اجتماعی، قوانین و مقررات را احترام کنند و با رعایت این اصول، نظم اجتماعی را جامعه عمل بپوشانند. مقام معظم رهبری تحقق اصل مهم انضباط اجتماعی را در پرتو رعایت حدود الله و قوانین جامعه دانسته و می‌فرماید:

«در مورد انضباط اجتماعی هم همین که همه، حد اجتماعی صحیح را که قانون معین می‌کند و مقررات تعیین می‌کند و حدود الهی آن را معین کرده، این را با دقت رعایت بکنند تا زندگی همه، زندگی صحیح و سالمی باشد.» (1)

نگرانی رهبر در مورد آسیب و آفت بی‌نظمی اجتماعی زیاد است و اعلام می‌نماید که جامعه برای طی کردن مسیر کمال، توسعه و سعادت نیازمند انضباط اجتماعی است ولی متأسفانه شاخص‌های این معیار و ملاک نظم و وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد که باید با هوشیاری مراقب این آفت باشیم.

ص: 350

و- انحراف از عدالت اجتماعی: یکی از محوری ترین اصول در حیات بشر، عدالت است که سرچشمه نیکی ها و ارزش ها و مایه تحقق اهداف انسانی می گردد. جامعه به حیات مطلوب خود نمی رسد مگر به اقامه عدالت و از این رو در راستای تحقق حیات طیبه، خداوند تبارک و تعالی از جمله فلسفه بعثت انبیا را زمینه سازی برای تحقق عدالت اجتماعی برمی شمارد. در اندیشه حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی)، عدالت اجتماعی از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار است. ایشان در اهمیت اصل عدالت اجتماعی می فرمایند:

«در محیط سیاست داخلی، یکی از چیزهایی که لازم است عدالت اجتماعی است، بدون تأمین عدالت اجتماعی، جامعه ما اسلامی نخواهد بود»⁽¹⁾.

بنابراین حیات، تداوم و پویایی انقلاب اسلامی که ثمره خود را در نظام جمهوری اسلامی تجلی بخشیده است، وابسته به اصل عدالت اجتماعی است، رهبر این اصل را چنین تعریف می نمایند:

«عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخوردارانی های نابه حق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و

ص: 351

صادقانه انجام می‌گیرد. با قوانین لازم و تأمین امنیت قضایی در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطة مشروع زندگی مردم جمع شود. همه کس احساس کند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجأ مطمئن پناه برد و همه کس بداند که با کار و تلاش خود، خواهد توانست زندگی مطلوبی فراهم آورد» (1).

«عدالت اجتماعی به مفهوم آن است که نظر و نگاه دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون، امتیازات و برخوردها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات نظام اسلامی به صورت عادلانه بهره‌مند شوند و هیچ کس بدون دلیل امتیاز ویژه ای نداشته باشد» (2).

بنابراین از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) از جمله تهدیدات انقلاب اسلامی و جامعه اسلامی ایران، آفتی به نام بی‌عدالتی است که از این رو باید با تمام توان در تمامی ابعاد فرهنگی، اقتصادی، امنیتی، قضایی و ... در ساختار جامعه روح عدالت دمیده شود، وگرنه فلسفه انقلاب اسلامی زیر سؤال می‌رود، بر همین اساس به همه سفارش و هشدار می‌دهند که:

«مسئولان اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری، روحانیون و ... باید بدانند که اگر جهت‌گیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود و هر کاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و به سود

ص: 352

1- حدیث ولایت، ج 1، ص 287.

2- روزنامه ایران، مورخ 1375/9/6.

عده ای معدود، زرنگ ها و قانون دانهای قانون شکن تمام خواهد شد و عامه مردم بی نصیب خواهند ماند»⁽¹⁾.

آسیب شناسی سیاسی، اجتماعی: بالکانیزه کردن جامعه و کشور

یکی از آسیب هایی که در ابعاد سیاسی و اجتماعی، انقلاب اسلامی و نظام برآمده از آن را مورد تهدید قرار می دهد، تهدید وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور است که در این نوشتار از آن به «بالکانیزه شدن» یاد شده است.

وحدت رمز پیروزی انقلاب اسلامی: از آنجا که وحدت و همدلی فرزندان این مرز و بوم، در پرتو اندیشه و رهبری دینی، رمز پیروزی انقلاب اسلامی بوده است؛ لذا با برپایی نظام سیاسی برآمده از این انقلاب، مقوله وحدت ملی که از جمله مقولات اساسی و حیاتی بوده، از اولین روزهای پیروزی انقلاب، مورد توجه جدی رهبران و نخبگان جامعه قرار گرفت. وحدت ملی از عناصر کلیدی امنیت ملی به شمار می آید؛ لذا رهبران انقلاب همه گروه ها و احاد ملت را به وحدت، همدلی و مهربانی با یکدیگر دعوت کرده و پیوسته از وحدت به عنوان یکی از نیازهای ضروری جامعه یاد کرده اند.

1- تفرقه و اختلاف در جمع وفاداران انقلاب و نظام: تاریخ

ص: 353

1- روزنامه ایران، 1376/4/26.

نهضت های صدساله اخیر ایران، گواه این نظر است که عامل شکست نهضت مشروطیت و نهضت ملی نفت، چیزی جز تفرقه، دودستگی و نفوذ عناصر بیگانه و فرصت طلب در میان وفاداران به نهضت نبود. سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن»، به عنوان یکی از شگردهای مؤثر دشمن در ناکام ساختن نهضتها، در حافظه تاریخی ملت ایران وجود دارد. این نکته از آموخته های مهم امام راحل رحمه الله در تاریخ این مرز و بوم است و به همین جهت مبارزه با این سیاست، در اولویت دستور کار ایشان قرار داشت.

بر این اساس می توان به دلیل تأکید مکرر و همیشگی امام راحل رحمه الله در زمینه وحدت ملی «وحدت کلمه»، به این نتیجه رسید که؛ وحدت کلمه که در «گفته ها و نوشته های امام اله» بیشترین فراوانی را نسبت به سایر واژه ها به خود اختصاص داده است، هم ناظر بر رمز پیروزی و هم معطوف به بقا و تداوم انقلاب و نظام بر آمده از آن است و برعکس، اختلاف و تفرقه، عامل اصلی نفوذ دشمنان و تهدیدکننده امنیت و اقتدار ملی و مانع تداوم انقلاب اسلامی است.

اینک در دهه سوم انقلاب با توجه به شرایط داخلی و بین المللی و طرح هایی که از سوی دشمنان عزت و عظمت ایرانی مسلمان، برنامه ریزی شده است و در مقاطع مختلف آثار و علائم آن را مشاهده کرده ایم، حفظ وحدت و استحکام پایه آن بیش از پیش ضرورت دارد. امنیت ملی در گرو وحدت ملی و همدلی و وفاق آحاد ملت، به ویژه نخبگان تأثیرگذار است، البته اختلاف سلیقه و برداشت در عین

حال که برای توسعه و رشد سالم یک جامعه، مفید و ضروری است، می تواند جامعه ای را نیز از هم بپاشد و به وحدت ملی آسیب جدی وارد سازد. حالت دوم زمانی است که طرز تلقی های موجود، موازین و شاخص های منافع ملی و مصالح اسلامی را نادیده گرفته، بخواهند خواسته های خود را به هر نحو ممکن و خارج از قواعد پذیرفته شده در قانون اساسی و معیارهای اخلاقی و اسلامی به کرسی بنشانند.

2- وحدت ملی در قانون اساسی: قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول متعدد به اصل وحدت و همبستگی ملی و لزوم احترام به آن اشاره می نماید؛ از جمله: در اصل دوم که در کنار عدل، قسط و استقلال همه جانبه به همبستگی ملی به عنوان یکی از اهداف عالی نظام اشاره می کند.

اصل نهم قانون اساسی مقرر می دارد «در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

همچنین اصل بیست و ششم قانون اساسی بیان می دارد «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا

اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

غیر از سرزمین و مرزهای جمهوری اسلامی ایران، که فضای حیاتی مردم است و مردم در داخل مرزهای آن احساس وابستگی نسبت به آب و خاک خود می نمایند و همبستگی عمیق و اجتناب ناپذیری را نسبت به یکدیگر احساس می کنند، پایه های اصلی وحدت ملی در قانون اساسی جمهوری اسلامی را می توان دین، مذهب، خط، زبان، تاریخ و پرچم بیان نمود.

در میان پایه های وحدت ملی در جمهوری اسلامی، دین اسلام و مذهب شیعه همواره یکی از پایه های اساسی به شمار می رود. اصل دوازدهم قانون اساسی مقرر می دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است».

از جمله شاخصه های وحدت ملی در جمهوری اسلامی، که می بایست به آنها توجه نمود تا در صورت تحقق کامل آنها، وحدت مورد نظر محقق شود، به موارد زیر می توان اشاره نمود:

از بین رفتن منازعات قومی، سیاسی و مذهبی؛

افزایش اعتماد تمامی اقشار و گروه های جامعه نسبت به نظام؛

از بین رفتن تفرقه در میان نیروهای وفادار به نظام؛

ص: 356

اجماع نظر نخبگان جامعه در خصوص اهداف، برنامه ها و سیاست های کلان نظام؛

همنوایی و همدلی مردم در تصمیم گیری های نظام و از بین بردن مشکلات و موانع؛

پایبندی مردم به اصول، قوانین، ارزش ها و هنجارهای نظام اسلامی؛ دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود با شرکت در انتخابات و...؛

رابطه نزدیک مسئولان و مردم؛

از جمله موارد مهم مذکور برای تحقق وحدت ملی در جمهوری اسلامی ایران، همنوایی و همدلی مردم و تمامی گروه ها در تصمیم گیری های نظام است.

در جریان انقلاب اسلامی و بعد از آن همواره وحدت کلمه و همدلی و همراهی مردم با نظام اسلامی نتایج مهمی در روند حرکت انقلاب اسلامی به وجود آورده است. همدلی و همراهی مردم باعث شده که این انقلاب از کوران توطئه ها و بزرگ ترین جنگ معاصر که قدرت های بزرگ دنیا طراحی، برنامه ریزی و هدایت آن را بر عهده داشتند به سلامت به درآید و پس از پیروزی بر دشمنان به سازندگی جامعه بپردازد.

3- رقابت های سالم سیاسی و انتخاباتی: یکی از ویژگی های مهم جمهوری اسلامی ایران، حضور مردم در صحنه مشارکت سیاسی و اجتماعی است که یکی از مهم ترین نمادهای آن، انتخابات متعدد است.

ص: 357

انتخابات در کشور ما از بارزترین و برجسته ترین محمل های مشارکت در اداره امور کشور محسوب می شود.

اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که به انتخابات اختصاص یافته است بیان می دارد: «در جمهوری اسلامی ایران، امور کشور باید به اتکای آرای عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهوری، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر این ها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد».

از آنجا که عرصه انتخابات، عرصه رقابت گروه ها، احزاب و جناح های سیاسی است، لازم است چارچوب رقابت ها به صورت دقیق و بر پایه موازین قانونی تعریف شود تا آسیبی به ثبات سیاسی و اجتماعی و وحدت ملی که مؤلفه کلیدی امنیت است وارد نشود.

ضمن آنکه تأمین منافع ملی، دارای یک همبستگی مثبت با امنیت ملی و وحدت ملی است. هر چه امنیت و وحدت ملی کشور بالاتر باشد، کشور ما در صحنه بین المللی بهتر می تواند منافع ملی خود را تأمین نماید.

اگر بخواهیم نقش فعالی در جهت تأمین منافع ملی و مصالح اسلامی کشورمان ایفا نماییم و به نفع استقلال و توسعه کشور بهره برداری نماییم باید در داخل کشور ثبات و استحکام لازم وجود داشته باشد. جلب و جذب منافع ملی در گرو ثبات سیاسی کشور است و از

عمده ترین راه های تحقق ثبات سیاسی و اقتدار کشور، حضور و مشارکت گسترده تمامی اقشار و گروه های جامعه در صحنه سیاسی و از جمله تجلیات بارز این حضور و مشارکت، صحنه انتخابات عمومی است. در صورتی که مردم خود را در سرنوشت و تصمیمات اساسی جامعه سهیم بدانند، باعث خواهد شد تا به جای اصالت دادن صرف به منافع شخصی و گروهی، به منافع عمومی کل کشور نیز توجه و اهتمام داشته باشند. در این میان رقابت سالم انتخاباتی بر نشاط و شور اجتماعی می افزاید و در تنویر افکار عمومی و آشنایی مردم با مواضع و برنامه های احزاب و گروه های سیاسی مؤثر است. رعایت حدود قانونی و مرزهای امنیت و وحدت ملی در رقابت های سیاسی، تضمین کننده انسجام و همدلی فرزندان این سرزمین و تمامیت ارضی آن است و در افزایش میزان مشارکت شهروندان در عرصه های اجتماعی، مانند انتخابات تأثیر مثبت دارد.

4- بزرگنمایی اختلافات با بهره گیری از عملیات روانی - رسانه ای: یکی از نشانه ها و ملاک های وجود دمکراسی در یک جامعه، وجود آزادی های قانونی، از جمله آزادی بیان و نظر و دیدگاه است که اگر فرد، گروه و جمعیتی یا حزبی با بعضی از اعمال هیئت حاکمه و جناح حاکم مخالف باشد، بدون نگرانی و ترس این نظر مخالف را بیان کند و به انتقاد پردازد. جالب اینجاست که رسانه های غربی که تبلیغات فراوانی مبنی بر وجود این نوع آزادی در کشورهای

خود به راه می اندازند و به تبلیغ چندصدایی و سیاست چند حزبی می پردازند و برخورد عقاید و دیدگاه های گوناگون را لازمه نشاط و پویایی جامعه معرفی می کنند، وقتی نوبت به کشورهای نظیر ایران می رسد، آنها را یا متهم به غیر دموکراتیک بودن می کنند و یا در صورت تضارب آرا و بیان نظرات مخالف، آن را دلیل نارضایتی مردم از حکومت و نشانه ضعف و بی ثباتی و تزلزل آن معرفی می کنند.

بدیهی است که در هیچ نظام سیاسی، همه احزاب و جناحها و گروه ها و افراد در همه حوزه ها وحدت نظر ندارند و یا با آنچه گروه حاکم انجام می دهد، موافقت کامل ندارند. این اختلاف نظر و رساندن پیام آن به هیأت حاکمه، برای اصلاح امور لازم است. متأسفانه در چارچوب طرح «بالکانیزه کردن» جامعه، حکومت و سرزمین ها، هرگاه مقام، گروه و یا شخصی به انتقاد می پردازد با جنجال رسانه ای گسترده آن انتقاد به عنوان وجود جنگ و جدال و اختلاف درون حکومت، مورد سوء استفاده قرار می گیرد تا بی ثباتی و تزلزل و عدم استحکام پایه های امنیت و اقتدار ملی را به نمایش بگذارند. به عبارت دیگر، همان دیدگاه های مخالفی که در مغرب زمین نشانه وجود دموکراسی و نشاط جوامع معرفی می شود، در سایر کشورها به نقطه ضعف تبدیل می گردد. (1)

ص: 360

1- جنگ روانی غرب علیه ایران، مجله سیاست دفاعی، به نقل از درآمدی بر ریشه های انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، نشر معارف، 1376، ص 363 و 364.

از جمله آفت های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران عبارت اند از :

1- وابستگی اقتصادی : حضرت امام خمینی رحمه الله در این باره می فرماید: «آنچه مردم ایران را به تحرک وامی داشت و غرور ملی ایرانیان را خدشه دار می ساخت، نه ضعف اقتصادی و نه فقر که وابستگی اقتصادی و فرهنگی و سیاسی» بود».

امام خمینی رحمه الله ضمن رد تبیین های اقتصادی به ویژه مارکسیستی از انقلاب می فرمایند: «آیا جوان های ما برای اینکه یک زندگی مرفهیدر دنیا داشته باشند خون می دادند؟ این می شود که یک کسی خودش را بکشد که زندگی اش خوب باشد یا خیر این یک نهضتی الهی بود... نهضت ایران نهضتی بود که خدای تبارک و تعالی در آن نقش داشت و مردم به عنوان جمهوری اسلامی، به عنوان اسلام، احکام اسلام در خیابان ها ریختند و همه گفتند: ما این رژیم را نمی خواهیم و حکومت عدل اسلامی و جمهوری اسلامی می خواهیم».(1)

امام خمینی رحمه الله تقویت بنیه های اقتصادی را برای استقلال کشور ضروری دانسته و معتقد بودند «بدون استقلال مادی و خودکفایی نسبی به ویژه در امر کشاورزی و تولیدات مربوط به کالاهای ضروری و حیاتی، استقلال در سایر زمینه ها نیز ممکن نیست. اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند و وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه

ص: 361

جور وابستگی دنبالش می آید و وابستگی سیاسی هم پیدا می کنیم. وابستگی نظامی هم پیدا می کنیم. برای اینکه وقتی ما چیزی نداشتیم، دستمان به طرف آمریکا دراز می شود و آمریکا همه چیز را به ما تحمیل می کند. ما وقتی می توانیم زیر بار او نرویم که قدرتمند باشیم» (1).

امام، وابستگی اقتصادی را یکی از آسیب های انقلاب دانسته و آن را عامل رجعت به وضعیت پیش از انقلاب می داند که آن وضعیت زمینه های ساختاری، بروز جنبش های انقلابی را فراهم کرد (2).

2- شکاف طبقاتی: ابعاد نرم افزاری امنیت ملی و مقوله شکاف طبقاتی، در برداشت نوین از امنیت ملی، ضمن تأیید منابع خارجی و فرامرزی، تهدیدات علیه یک کشور و بالطبع پذیرش راه مقابله با آنها، یعنی به کارگیری ابزار و وسایل نظامی، که همان امنیت سخت افزاری و ضامن امنیت فیزیکی و حفظ مرزهای ملی و کیان دولت و ملت است، بر حوزه های دیگری تأکید می شود که در سال های اخیر در سایه تحولات جهانی روز به روز به اهمیت آنها افزوده می شود. که برخی صرفاً منبع داخلی داشته و برخی منابع مشترک داخلی و خارجی دارند. از جمله این مسائل، موضوع رشد و توسعه اقتصادی، فرآیند ملت سازی و دولت سازی در یک سرزمین، مشروعیت حکومت ها، بحران های قومی، شکاف های طبقاتی و فقر اقتصادی است. نارضایتی عمومی از حاکمیت به خاطر گسترش

ص: 362

1- همان منبع، ج 11، ص 100 و 117.

2- همان منبع، ج 11، ص 204.

نداری و فقر اکثریت جمعیت یک کشور و دارایی بیش از حد عده ای قلیل و تعمیق شکاف ها، حاکمیت کشور را به خطر می اندازد و جزء تهدیدات جدی برای امنیت ملی است. بنابراین، مبارزه با نادارایی و فسادهای ناشی از آن باید در اولویت کار دولتمردان قرار گیرد. همان طوری که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه در فصل سوم آن و به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است. باید با نگاه جامع، همه این حقوق را مورد توجه قرار داد.

اگر در برخورد با مسائل جامعه، انصاف را رعایت کنیم و با مردم، به ویژه اقشار متوسط به پایین، در تماس و با دردهای آنان آشنا باشیم، متوجه خواهیم شد که نیاز مردم جامعه ما، عدالت و ریشه کن کردن فقر و فساد و تبعیض و توسعه ای موزون و عدالت محور است.

مردم در پرتوی انقلاب اسلامی، به دنبال آباد کردن دین و دنیای خود بودند. با نام خدا قیام کردند و بر پایه دستورات دین و در چارچوب آن خواهان کشوری آباد هستند. البته این انقلاب یک انقلاب مادی نبود و با رویکردها و تئوری های مادی گرایان نیز قابل تفسیر و تحلیل نیست، اما نباید فراموش کرد که اگر احتیاجات اولیه زندگی مردم تأمین نشود و گرفتار نان شب شوند، در آن صورت دین و ایمان در خطر است؛ چه برسد به کشور و حکومت و مشروعیت آن. البته در روایات آمده است که «الفقر فخری». البته فقری که به بی دینی و کفر بیانجامد، فقر اجباری است. اما فقری که موجب مباحثات رهبران دین ماست فقر انتخابی است که در فقر الی الله نمایان

می شود که عین دارایی است و طبیعتاً در این مسیر، زهد خط مشی فقیر الی الله است. منشأ و مبدأ فقری که مذموم است بی عدالتی و ظلم است که باعث نابودی حکومت ها می شود. (1)

توجه به وضع زندگی و معیشت مردم در هر نظام سیاسی و در هر زمان و مکانی از اهمیت زیادی برخوردار است. تشدید نابرابری های اقتصادی و شکاف های طبقاتی تقسیم مردم به طبقات فرادست و فرودست و گسترش بی عدالتی، پتانسیل لازم را برای ناامنی و شورش در جامعه به وجود می آورد. بر این اساس یکی از مهم ترین مسائل و مأموریت ها در یک نظام سیاسی، مسئله برابری اجتماعی و رضای اقتصادی مردم است. لذا مسئولین حکومتی باید برای رفع تبعیضات اجتماعی و مشکلات اقتصادی که باعث پدید آمدن اکثر مسائل و مفسدات اجتماعی نظیر فقر، جرائم و بدهکاری های مختلف و همچنین عدم سلامت و ساختار اداری و مفسداتی نظیر رشوه و اختلاس می گردد، بکوشند.

ارسطو یکی از خطرهای تهدید کننده پایداری نظام سیاسی را افزایش نامناسب فقر نسبت به توانگران می داند که به تجزیه کامل دولت به دو قطب توانگران و تهیدستان می انجامد. آنگاه با کشمکش طبقاتی میان این دو، نظام سیاسی، با بی ثباتی مواجه می شود و از پیمودن مسیر توسعه باز می ماند.

ص: 364

1- تقریرات درس اخلاق اسلامی، مهدوی کنی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، سال 1365.

برخی صاحب نظران، بحران های اقتصادی و بالا- رفتن قیمت ها و مالیات های فزاینده را از علل نارضایتی عمومی و شورش های اجتماعی به شمار می آورند. دانشمندان اعتقاد دارند که شرط لازم و اساسی وجود یک نظام مردم سالار و دارای پایگاه اجتماعی مستحکم، وجود اقتصادی شکوفا است، اقتصادی که در آن اکثر قریب به اتفاق جامعه از رفاه نسبی بهره ببرند و معتقد باشند که اقتصاد اساسا با ثبات است.

برخی عوامل به وجود آورنده یا تشدید کننده شکاف های طبقاتی عبارت اند از:

الف - توزیع نابرابر ثروت در سطح شهروندان.

ب - توزیع نابرابر امکانات و درآمدهای ملی در سطح مناطق جغرافیایی

ج - انحصارات اقتصادی و عدم رونق تعاونی ها.

د. خصوصی سازی بی برنامه و بدون نظارت و کنترل.

ه - نظام مالیاتی ناعادلانه و ناکارآمد (سنگینی بار مالیاتی بر دوش کارگر و کارمند و فرار از مالیات سرمایه داران).

و - سوء استفاده از اموال عمومی و دولتی .

ز- ثروت باد آورده ناشی از سوء استفاده های عمومی و دولتی.

ح - نظام غیر عادلانه حقوق و دستمزد (دستمزدهای کلان عده ای و دستمزدهای نامتناسب اکثریت).

ط - فاصله گرفتن مسئولان از مردم به جهت سطح زندگی و اینکه

ص: 365

خاستگاه مسئولان، اقشار متوسط و پایین جامعه نباشد که با درد ورنج آنان آشنا باشند و یا اینکه تغییر موضع و جایگاه طبقاتی بدهند.

ی - اشرافی‌گری مسئولان و اسراف‌گری آنها در بین مردم

ک - عدم شایسته‌سالاری در تصدی مسئولیت‌ها، اعمال باندبازی، تبارگماری و خانواده‌ساری و تمرکز مسئولیت در دست عده‌ای معدود و عدم چرخش نخبگان و مدیران، ضمن دامن به فساد اداری، باعث سرخوردگی مردم می‌شود.

3- فقر و نداری در ادبیات دینی: فقر و نداری مردم و عدم توجه به اقشار محروم، از جمله عوامل تهدید و فروپاشی حکومت‌ها است. هنگامی که دنیاگرایی در میان حاکمان رواج یابد و به دنبال جمع کردن ثروت و کاخ نشینی برآیند و گرفتار اتراف و اسراف شوند، روحیه گریز از ناداران و فقرا و اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر در آنان ایجاد و تقویت می‌شود که همین امر زمینه آسیب و زوال حکومت را به وجود می‌آورد. فقر و تهیدستی مردم، نقش بسیار مهمی در بریدن آنان از حکومت دارد و باعث می‌شود حکام و سردمداران از دی مردم بیفتند و نفرت آنان را در دل خود بکارند و در زمان مناسب، این نفرت را آشکار نموده و ناخرسندی خود را بروز دهند. لذا حکومت باید با اقدامات مناسب و برنامه‌ریزی‌های کوتاه مدت و دراز مدت، اجازه ندهد به خاطر این گونه مسائل رابطه شان با مردم خدشه دار گردد.

اسلام به عنوان یک دین جامعه‌نگر به نیازمندی‌های مادی و معنوی انسان توجه دارد. حمایت از محرومان و مبارزه با اختلافات

طبقاتی در رأس برنامه ای اجتماعی و اقتصادی آن قرار دارد.

از جمله وظایف حکومت اسلامی و موارد مصرف بیت المال مسلمین، حمایت مالی مستمر از فقرا و مساکین و به طور کلی کلیه کسانی است که به هر دلیل از تأمین معاش و زندگی شایسته بازمانده اند.

از آنجا که اقتصاد در اسلام، وسیله است و از وسیله، جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف، انتظاری نمی توان داشت، لذا اهداف و برنامه های اقتصادی اسلام چیزی جز فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت ها و شکوفایی استعدادهای انسانی نیست. به همین جهت، تأمین امکانات مساوی و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است. نتیجه منطقی این نظریه چنین است که اقتصاد در خدمت انسان است نه انسان در خدمت تولید و اقتصاد.

بنابراین، در کنار برآورده ساختن نیازهای مادی انسان در جریان رشد و تأمین استقلال اقتصادی جامعه و نفی هرگونه وابستگی و اسارت اقتصادی، ریشه کن کردن فقر و محرومیت، از مهم ترین اهداف اقتصاد اسلامی است.

فقر و آثار منفی آن و راهکارهای فقرزدایی از منظر معصوم علیه السلام این چنین است که: «فقر نابودی بزرگ است»⁽¹⁾ و فقر جامعه را به نیستی می کشاند.

ص: 367

امام علی علیه السلام قبر را از فقر برتر می‌شمارد، دلیل آن شاید این باشد که در قبر انسان دچار ذلت و خواری نمی‌شود، ولی فقر، بدترین ذلت و خواری را به دنبال دارد.

فقر عامل نارضایتی همگانی است که نهایتاً نابودی حکومت و جامعه را در پی دارد، لذا امام علی علیه السلام در یک تقسیم بندی کلی جامعه را به دو گروه خاص و عام تقسیم می‌کند و در نامه اش به استاندار خود مالک اشتر، از او می‌خواهد که خشنودی عامه را سرلوحه سیاست اداره جامعه قرار دهد نه رضایت خواص و افراد متمکن را، زیرا ناراحتی خواص، مشکل حادی نمی‌آفریند و اگر هم مشکل آفرین باشد با همگامی با حکومت، قابل حل خواهد بود. ولی نارضایتی عامه مردم با رضایت خواص از حکومت قابل حل نیست. (1)

فقر عامل گریز از دین است و باعث کفر می‌شود، کافر ترین مردم فقیری است که صبر او لبریز شده باشد. (2)

فقر باعث تشویش اندیشه و بدبینی در جامعه است، لذا امام علی علیه السلام در توصیه به فرزندش از او می‌خواهد که از فقر به خدا پناه ببرد... خدایا آبرویم را با بی‌نیازی نگهدار و با فقر و تنگدستی شخصیت و مکانت مرا تباه مکن. (3)

ص: 368

1- نهج البلاغه، نامه 53.

2- مسئله فقر از دیدگاه قرآن و مردم، یوسف القرضاوی، ترجمه عادل نادر علی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سال 1363.

3- نهج البلاغه، خطبه 225.

فقر بلای دین و موجب رشد بزهکاری ها و ناهنجاری های اخلاقی در جامعه، بدبینی و سوء ظن، حسادت، بغض و کینه، دزدی، چپاول، ناامنی، و ... می شود. و اساساً عامل پریشانی اذهان و اضطراب جامعه است. بنابراین، ناامنی، بی بندوباری، حقارت، تملق و ... با فقر همراه هستند، لذا اگر هر حکومت و یا جامعه ای بخواهد از مسائل یاد شده رهایی پیدا کند، باید معضل فقر و نداری را حل نماید. وقتی دین و ایمان و کمالات معنوی در انسان افول کرد، اصول اخلاقی و ارزش های انسانی در او کم رنگ می شود و انحراف و کج روی اندیشه در او راه می یابد، فقر و تهیدستی حتی انسان زیرک و باهوش را در برهان، کند و ناکار می سازد. (1)

با عقلی مدهوش و سرگردان نمی توان مسائل و مشکلات فردی و اجتماعی را حل و راه های رشد و توسعه را طی کرد. با بودن عداوت و دشمنی در بین مردم، آسایش و آرامش و امنیت از جامعه رخت برمی بندد و رفته رفته جامعه در جهل و عقب ماندگی غوطه ور می گردد.

فقر آفتی است که عقیده و ایمان و اخلاق و رفتار و فکر و اندیشه را در حوزه های فردی، خانوادگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار می دهد و مسیر حرکت جامعه را از اعتدال خارج می کند. انسان فقیر به دلیل فقر و محرومیت به خصوص اگر در کنار او ثروت های زیادی انباشته

ص: 369

شده باشد، به عدالت الهی شک می کند و به تدریج پایه های اعتقادی و اخلاقی او سست می شود.

با گسترش دامنه فقر در جامعه، پشتوانه های دفاعی حکومت ضعیف می شود، لذا تأکید امام علی ع بر رسیدگی به امور معیشتی عموم مردم و توجه حکومت به آنان است نه خواص که در پیشامدهای سخت روزگار کم صبرترین افراد هستند در صورتی که ستون دین و جمعیت آماده دفاع بر ضد دشمنان عموم مردم هستند؛ لذا سفارش ویژه امام علیه السلام به لایه های زیرین جامعه از جمله نیازمندان و مسکینان و کمک به آنان است. (1)

فقر عامل ناامنی اجتماعی است. بسیاری از بحران های اجتماعی و مفسد و ناامنی ها نتیجه فقر و ناداری است که به صورت نهان یا آشکار در جوامع وجود دارد. از عوامل فقر و ناداری سوء استفاده ثروتمندان از حق فقرا است.

امام علی علیه السلام می فرماید: «هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به واسطه اینکه ثروتمندان از حق آنان بهره مند شده اند و خداوند آنها را بدین سبب مؤاخذه خواهد کرد». (2)

4- ضعف وجدان کاری: یکی از نیازهای زیربنایی نهاد اقتصادی و دیگر نهادهای یک جامعه وجود وجدان کاری در تمامی سطوح و

ص: 370

1- نهج البلاغه، نامه 53، نامه به مالک اشتر.

2- نهج البلاغه، خطبه 328.

امور می باشد، از جمله گرفتاری های اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران این است که در امور اقتصادی و تولیدی که محور رشد و توسعه اقتصادی است، شاهد کمبود وجدان کاری می باشیم. در مفهوم کار و وجدان کاری مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می فرماید: «کار باید کامل، محکم، قوی، ابتکاری و همراه با نیاز انجام بگیرد...». و وجدان کاری یعنی: «این که کار در اسلام، عبادت و ارزش شمرده شده است و لازمه آن نیز در این است که هر کس کاری را قبول کرد آن را به بهترین وجه انجام دهد. مضمون و مفهوم وجدان کاری در احساس مسئولیتی است که هر کس کاری را قبول کرد آن را به بهترین وجه انجام دهد. مضمون و مفهوم وجدان کاری در احساس مسئولیتی است که هر کس باید در قبال آن کار احساس کند و کلید حل مشکلات کشور نیز در این است که کننده هر کاری وجدان کاری داشته باشد».(1)

و نیز می فرماید: «امروز اگر کارگر ایرانی با همه وجود با وجدان کاری، با احساس مسئولیت، با ابتکار و خلاقیت و با احساس اینکه ثوابی را به جا می آورد کار بکنند، نتیجه آن را در اختیار ملت خود قرار بدهد، ما به آن هدفی که از اول اعلام کردیم یعنی هدف «نه شرقی و نه غربی» که معنایش عدم وابستگی به قدرت هاست خواهیم رسید، و الا این طور نخواهد شد».(2)

ص: 371

1- روزنامه ایران، 1376/2/11.

2- حدیث ولایت، ج 7، ص 89.

5- بی‌نظمی اقتصادی و مالی: از آنجا که منابع و امکانات مالی هر جامعه‌ای محدود است، توجه به اصل انضباط اقتصادی و مالی بسیار اهمیت دارد. «انضباط اقتصادی و مالی به مفهوم مقابله با ریخت و پاش مالی و زیاده‌روی و اسراف در مصرف است... اسراف یک الجن زار و ریخت و پاش مالی یک وسوسه شیطنی است» (1).

«انضباط در همه امور به ویژه انضباط مالی و اقتصادی به مفهوم به اندازه خرج کردن، درست خرج کردن و در جای خود خرج کردن، مسئله بسیار مهمی است. بسیاری از بی‌انضباطی‌های مالی که مردم مرتکب آن می‌شوند، از بی‌انضباطی در رفتار مسئولان ناشی می‌شود» (2).

بی‌نظمی و اسراف، ضربه‌ای است که خودمان در داخل نظام و انقلاب وارد می‌سازیم. لذا دعوت به صرفه‌جویی و مصرف‌عقلانه و رعایت اصول صحیح در مصرف را باید در دو قشر مردم و دولت ایجاد نماییم و این انحرافات و آفت خطرناک بی‌نظمی اقتصادی را اول به دولت مردان و بعد هم به مردم آموزش دهیم تا اقتصاد کشور در بسیاری از امور مشکلاتش مرتفع گردد.

6- اشرافی‌گری و به وجود آمدن گروه‌های مترف و مسرف و سرمایه‌داران بزرگ: جامعه اسلامی، مظهر عدالت، تقوی، انضباطی،

ص: 372

1- سخنان مقام معظم رهبری، روزنامه رسالت، 1374/1/14.

2- سخنان مقام معظم رهبری، روزنامه ایران، 1376/10/7.

دوری از مظاهر مادی پرستی و پول محور است. از این رو اگر طبقه اشراف و مترف در آن به وجود آید، علامت قرمز برای پدید آمدن خطر روشن شده است. لذا مقام معظم رهبری (مدظله العالی) بر آفت اشرافی گری اشاره کرده و می فرماید: «امروز در جمهوری اسلامی، اگر ما احساس بکنیم که زندگی به سمت اشرافی گری می رود، بلاشک این انحراف است، برو برگرد ندارد. ما باید به سمت زهد حرکت بکنیم. نمیگوییم هم زهدهای آن چنانی که متعلق اولیاء الله است، نه، مسئولان درجه یک، مسئولان درجه دو، تا آن مسئولان درجات بعد هم باید در حد خود زهد داشته باشند، بعد هم به عامه مردم می رسد... این وضع زندگی های تجمل آمیز، این روز به روز افزودن به ظواهر تجملاتی، در زندگی های شخصی غلط است».(1)

رهبری برای حفظ عزت می فرمایند باید از آفت اشرافی گری دوری گزینید، چرا که این آفت همراه خود، خطر فراموشی و از دست رفتن افتخارات گذشته را سبب می شود و این امور از آسیب هایی است که انقلاب اسلامی و عزت آن را خدشه دار می سازد.

7- ظهور طبقه نوکیسه: یکی دیگر از پدیده های مخرب برای سلامت یک جامعه، آن هم جامعه اسلامی و انقلابی که بر پایه ارزش های دینی و بر آرمان عدالت اجتماعی شکل گرفته است، ظهور طبقه نوکیسه می باشد. این طبقه که از زیر پا گذاشتن ارزش ها و قوانین

ص: 373

به یک باره ثروت کلانی را به جیب زده، در سیستم اقتصادی و اجتماعی جامعه و در روند سازندگی حقیقی اخلال ایجاد کرده و آفت خطرناکی برای انقلاب هستند. رهبر معظم انقلاب می فرماید: «این جانب جمع آوری ثروت و استفاده از پول و امکانات عمومی و یا به ظاهر شخصی را یکی از بلاهای اصلی و اساسی کشور در حال حاضر می دانم که باید با آن مقابله کرد». در یک سیستم اقتصادی سالم و در عصر حاکمیت یک نظام اسلامی، اگر طبقه نوکیسه و مترفین ظهور کند، عدالت و توسعه و رفاه اکثریت اعضای جامعه مختل می شود.

قرآن مجید هم به عنوان کتاب هدایت و برنامه انقلاب اسلامی از جمله عوامل سقوط هر جامعه ای را همین پدیده معرفی می نماید. لذا مقام معظم رهبری می فرماید: «اسراف مالی، آن بخشی از اسراف است که در جامعه فساد به وجود می آورد و مترفین یعنی کسانی که پول را بی حساب و کتاب و برای تعیش و زندگی مادی خرج می کنند عامل اصلی آن محسوب می شوند و به فرموده قرآن همین عوامل حرکت یک نظام به سوی انحطاط و نابودی را آغاز می کنند. بنابراین باید با اسراف مبارزه کرد».⁽¹⁾

از جمله ابعاد مبارزه با طبقه مترفین و مسرفین جامعه، جلوگیری قاطع از ظهور این گونه افراد در یک جامعه است: «کسانی که با

ص: 374

ثروت های عمومی بازی می کنند و برای دست انداختن به درآمدهای ناپاک، با زرنگی ها و مشرف بودن بر مراکز ثروت، یک طبقه ممتاز بی درد جدید را از درون جمهوری اسلامی به وجود آورند اما به فضل پروردگار نخواهیم گذاشت طبقه بهره مندان از پول های حرامدر جمهوری اسلامی ایران شکل بگیرد و مخلصین اسلام و انقلاب اجازه نخواهند داد که چنین انحراف بزرگی به وجود آید و یک طبقه مرفه بی درد جدید از درون نظام سر بر آورد». (1)

برای مبارزه با این آسیب و آفت به عنوان یک انحراف، بنیانگذار فرزانه انقلاب، امام خمینی رحمه الله فرمودند: باید قوای سه گانه نظام با تدبیر قانونی، اجرایی و قضایی، از سوء استفاده برخی افراد از قوانین و آشنایی برخی از آنان با کارگزاران نظام اسلامی جلوگیری شود وگرنه انقلاب اسلامی با آرمان عدالت اجتماعی قادر نخواهد بود به آرمان هایش در ایجاد جامعه ای عادلانه برای همه قشرها موفق شود.

رهبر انقلاب می فرماید: «تمتع قشرهای مختلف مردم از امکانات مشارکت در امور باید متعادل باشد و به گونه ای عمل نشود که برخی افراد زرنگ، حتی با استفاده از قوانین بتوانند در سایه مسئله مشارکت در امور، ثروت های باد آورده جمع کنند. لازمه وجود ثروت های کلان و باد آورده برخی ها، استمرار فقر و محرومیت برخی قشرهاست و تا وقتی این وضع ادامه یابد، فقر ریشه کن نمی شود». (2)

ص: 375

1- روزنامه ایران، 1376/4/26.

2- همان منبع، 1375/6/10.

از تهدیدهای دیگر اقتصادی برای نظام جمهوری اسلامی می توان عدم تأمین نیازهای اساسی مردم و عدم کنترل تورم و گرانی و به وجود آمدن روحیه رفاه طلبی و راحت طلبی و کنز و انباشتن ثروت را نام برد. و قطعاً یکی از وظایف نظام جمهوری اسلامی ایران و بعد از آن مردم، پیشگیری و مقابله با این تهدیدها می باشد.

راهکارهای حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران

- 1- حضور در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از طرف دلسوزان انقلاب اسلامی با محوریت خط امام و رهبری.
- 2- طرد عناصر فرصت طلب و نفوذی و جلوگیری از نفوذ ناهلان و نامحرمان به انقلاب اسلامی.
- 3- پرهیز از فراموشی یاران واقعی انقلاب و مستضعف جامعه که ولی نعمت دولتمردان محسوب می گردند.
- 4- جلوگیری از صدمه به ارکان نظام اسلامی از طرف نیروهای استحاله شده و مرعوب و وابسته به خارج از مرزها.
- 5- حرکت در جهت توسعه و شکوفایی اقتصادی توأم با عدالت اجتماعی و ایجاد اشتغال برای جوانان.
- 6- تنظیم مسیر سیستم فرهنگی و آموزشی کشور به ویژه دانشگاه در جهت تربیت نیروهای متخصص و متعهد به اسلام.
- 7- حرکت در جهت آگاهی بخشی سیاسی در جامعه و دشمن شناسی برای جلوگیری از توطئه براندازی آرام در کشور.

8- موضع گیری صحیح همراه با عزت و اقتدار در قبال زیاده طلبی کشورهای خارجی به ویژه آمریکا.

9- حمایت بی چون و چرا و به دور از مصالح رایج دیپلماسی از انتفاضه فلسطین در مبارزه با رژیم غاصب اسرائیل.

10- عدم اتکا و پشتوانه مالی به بازارهای خارجی و صندوق های پولی و بین المللی در توسعه اقتصادی .

11- اطاعت و پیروی کامل و آگاهانه از اندیشه ها، افکار و آرمان های امام خمینیرحمه الله و رهبر معظم انقلاب (مد ظله العالی).

12- حفظ وحدت دینی و ملی و پرهیز از هرگونه اختلاف و تفرقه.

13- حفظ ارزش های برآمده از اسلام و انقلاب اسلامی و دوران هشت سال دفاع مقدس همچون مقاومت، دفاع، جهاد و شهادت و ایثارگری.

14- ایستادگی بر اصول ثابت انقلاب اسلامی، مانند: اصل نظام، اصل اسلامیت نظام، اصل جمهوریت نظام، اصل استقلال و آزادی جمهوری اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل اخوت و برادری دینی و اصل عدالت و هویت دینی و ملی و اصل امنیت و تمامیت ارضی و در نهایت اصل ولایت فقیه.

جایگاه آزاداندیشی در تداوم انقلاب اسلامی از دیدگاه استاد مطهری:

با کنکاشی در نگاه آینده نگرانه شهید مطهری به مقوله آزاداندیشی

ص: 377

می توان به نکات زیر دست یافت:

استاد مطهری یکی از تهدیدهای پیش روی انقلاب اسلامی را بی توجهی به اصل آزاداندیشی می انگارد و تأکید می کند که در آینده هم اسلام، فقط و فقط با مواجهه صریح و شجاعانه با عقاید و افکار مختلف است که می تواند به حیات خود ادامه دهد.

یکی از مهم ترین مسائلی که در ابتدای بحث بایسته توجه است، تأکید شهید مطهری بر تفاوت و تمایز دو مقوله «تفکر و اندیشه» و «عقیده است»، به زعم او: «تفکر قوه ای است در انسان ناشی از عقل داشتن، انسان چون یک موجود عاقلی است، موجود متفکری است. قدرت دارد در مسائل تفکر کند، به واسطه تفکری که در مسائل می کند، حقایق را تا حدودی که برایش مقدور است کشف می کند؛ حال هر نوع تفکری باشد. تفکر، به اصطلاح استدلالی و استنتاجی و عقلی باشد یا تفکر تجربی. خداوند تبارک و تعالی به انسان چنین نیرویی داده است، به انسان عقل داده است که با آن فکر کند، یعنی مجهولات را کشف کند... انسان، جاهل به دنیا می آید، وظیفه دارد که عالم بشود. چگونه عالم بشود؟ با فکر و درس خواندن باید عالم بشود. این را ما تفکر می گوئیم که انسان در هر مسئله ای، تا حدودی که استعداد آن را دارد، باید فکر کند و از طریق علمی آن مسئله را به دست آورد»⁽¹⁾.

ص: 378

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 92 و 93.

در باره «عقیده» نیز می‌گوید: «عقیده، البته در اصل لغت، اعتقاد است. اعتقاد از ماده عقد و انعقاد است. بستن است، منعقد شدن است. بعضی گفته اند حکم گرهی را دارد. دل بستن انسان به یک چیز، دو گونه است. ممکن است مبنای اعتقاد انسان، مبنای دل بستن انسان، مبنای انعقاد روح انسان، همان تفکر باشد؛ در این صورت، عقیده اش بر مبنای تفکر است. ولی گاهی انسان به چیزی اعتقاد پیدا می‌کند و این اعتقاد بیشتر کار دل است؛ کار احساسات است؛ نه کار عقل.

به یک چیز دل بستگی شدید پیدا می‌کند، روحش به او منعقد و بسته می‌شود؛ ولی وقتی که شما پایه اش را دقت می‌کنید که این عقیده او از کجا پیدا شده است؟ مبنای این اعتقاد و دل بستگی چیست؟ آیا یک تفکر آزاد این آدم را به این عقیده و دل بستگی رسانده است یا علت دیگری، مثلاً تقلید از پدر و مادر یا تأثر از محیط و حتی علائق شخصی و یا منافع فردی و شخصی؟

[می‌بینید به صورت دوم است] و اکثر عقایدی که مردم روی زمین پیدا می‌کنند، عقایدی است که دل‌بستگی است، نه تفکر...» (1).

به بیانی دیگر، در نگاه استاد مطهری، «معتقدات بشر بر یکی از دو پایه می‌تواند باشد: گاهی پایه اعتقاد بشر یک تفکر آزاد است، انسان با یک عقل و فکر آزاد از روی تأمل و اندیشه واقعی، عقیده‌ای را برای خود انتخاب می‌کند؛ ولی گاهی عقیده‌ای به بشر تحمیل

ص: 379

می شود، از هر راهی، ولو از راه تقلید آباء و اجداد؛ و بعد انسان به آن عقیده خو می گیرد و آن عقیده بدون آنکه با قوه تفکر او کوچک ترین ارتباطی داشته باشد، در روح او مستقر می گردد.

اولین خاصیت و اثر این گونه عقاید این است که جلوی تفکر آزاد انسان را می گیرد و به صورت زنجیری برای عقل و فکر انسان در می آید. این گونه عقاید عبارت است از یک سلسله زنجیرهای اعتیادی و عرفی و تقلیدی که به دست و پای فکر و روح انسان بسته می شود»⁽¹⁾.

چنان که می بینیم، شهید مطهری میان «تفکر» و «عقیده» به لحاظ منطقی رابطه عموم و خصوص من وجه می بیند و معتقد است برخی عقاید بر اندیشه ورزی و گزینش عقلانی اند و بسیاری دیگر از دایره اندیشه و عقلانیت بیرون اند و بر تعصب و تقلید استوار می باشند.

بر این اساس، به همان اندازه که آزادی تفکر و اندیشه را امری بایسته و ستودنی می انگارد و بر آن پای می فشارد، با آزادی عقیده تقلیدی و موروثنی مخالف است. به نظر او: «یکی از مقدس ترین استعدادهایی که در بشر هست و شدیداً نیازمند به آزادی است، تفکر است»⁽²⁾.

«آزادی تفکر ناشی از همان استعداد انسانی بشر است که می تواند

ص: 380

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 115 و 116.

2- همان منبع، ص 91.

در مسائل بیندیشد. این استعداد بشری حتما باید آزاد باشد؛ پیشرفت و تکامل بشر در گرو این آزادی است». اما در مقابل، «منشأ بسیاری از عقاید، یک سلسله عادت‌ها و تقلیدها و تعصب‌هاست. عقیده به این معنا نه تنها راه‌گشا نیست، که به عکس، نوعی انعقاد اندیشه به حساب می‌آید؛ یعنی فکر انسان در چنین حالتی، به عوض اینکه باز و فعال باشد، بسته و منعقد شده است و در اینجا است که آن قوه مقدس تفکر، به دلیل این انعقاد و وابستگی، در درون انسان اسیر و زندانی می‌شود. آزادی عقیده در معنای اخیر نه تنها مفید نیست، بلکه زیان‌بارترین اثرات را برای فرد و جامعه به دنبال دارد».⁽¹⁾

نقد شهید مطهری به آزادی عقیده در اعلامیه حقوق بشر

در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر این‌طور می‌خوانیم: «ظهور دنیایی که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آرمان بشری اعلام شده است.» در اینجا عقیده، اعم است از عقیده اجتماعی و سیاسی و عقیده مذهبی. پس در واقع، بزرگترین آرزوی بشری این است که جهانی آزاد به وجود بیاید که در آن بیان عقیده هر کسی آزاد باشد.

هر کس حق داشته باشد هر عقیده‌ای را می‌خواهد، انتخاب بکند و نیز در اظهار و بیان عقیده اش آزاد باشد. در آن دنیا ترس و فقر هم

ص: 381

نباشد، امنیت کامل برقرار باشد، رفاه اقتصادی کامل در کار باشد. چنین دنیایی به عنوان آرمان بشری اعلام شده است. در ماده نوزدهم این اعلامیه چنین می خوانیم: «هر کسی حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که از داشتن عقاید خود، بیم و اضطرابی نداشته باشد. در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد».⁽¹⁾

به نظر استاد مطهری، در اعلامیه حقوق بشر دو مقوله تفکر و عقیده با هم خلط شده است. ایشان در توضیح این اشتباه می گوید: «اعلامیه حقوق بشر... اساس فکر را این قرار داده است که حیثیت انسانی محترم است. بشر از آن جهت که بشر است، محترم است، (ما هم قبول داریم). چون بشر محترم است، پس هر چه از خودش برای خودش انتخاب کرده، هر عقیده ای که خودش برای خودش انتخاب کرده محترم است؟ عجباً! ممکن است بشر خودش برای خودش زنجیر انتخاب کند و به دست و پای خودش ببندد.

ما چون بشر را محترم می شماریم [او را در این کار آزاد بگذاریم؟!]. لازمه محترم شمردن بشر چیست؟ آیا این است که ما بشر را هدایت بکنیم در راه ترقی و تکامل یا این است که بگوییم آقا! چون تو بشر هستی، انسان هستی و هر انسانی احترام دارد، تو اختیار داری هر چه را که خودت برای خود پسندی، من هم برای تو

ص: 382

می پسندم و برایش احترام قائلم، ولو آن را قبول ندارم و می دانم که دروغ و خرافه است و هزار عوارض بد دارد؛ اما چون تو خودت برای خودت انتخاب کرده ای، من آن را قبول دارم! آن چیزی که خودش برای خود انتخاب کرده زنجیر است؛ او برای دست و پای فکر خودش زنجیر انتخاب کرده، تو چطور این زنجیر را محترم می شماری؟! این محترم شمردن تو این زنجیر را، بی احترامی به استعدادهای انسانی و حیثیت انسانی اوست؛ که فکر کردن باشد. تو بیا این زنجیر را از دست و پایش باز کن تا فکرش آزاد باشد» (1).

دیدگاه اسلام درباره آزادی اندیشه

شهید مطهری پس از بیان تفکیک و تمایز دو مفهوم «تفکر» و عقیده»، به ارائه دیدگاه اسلام در این زمینه روی می آورد و این پرسش را مطرح می سازد که «از نظر اسلام، آیا آزادی فکر و عقیده صحیح است، یعنی اسلام طرفدار آزادی فکر و عقیده است یا طرفدار آن نیست؟... آیا اسلام یا هر نیروی دیگری می تواند چنین حرفی بزند که بشر حق تفکر ندارد؟» و در ادامه چنین پاسخ می گوید که «اسلام در مسئله تفکر، نه تنها آزادی تفکر داده است، بلکه یکی از واجبات در اسلام، تفکر است. یکی از عبادت ها در اسلام تفکر است.

ما چون فقط قرآن خودمان را مطالعه می کنیم و کتاب های دیگری

ص: 383

را مطالعه نمی‌کنیم، کمتر به ارزش این همه تکیه کردن قرآن به تفکر پی می‌بریم. شما هیچ کتابی، نه مذهبی و نه غیر مذهبی، پیدا نمی‌کنید که تا این اندازه بشر را سوق داده باشد به تفکر. هی می‌گوید فکر کنید، در همه مسائل، در تاریخ، در خلقت، راجع به خدا، راجع به انبیا و نبوت، راجع به معاد، راجع به تذکرات و تعلیمات انبیا... که در قرآن کریم زیاد است»⁽¹⁾.

اما مواجهه اسلام با عقاید چگونه است؟ شهید مطهری در این باره می‌گوید: «اگر اعتقادی بر مبنای تفکر باشد، عقیده ای داشته باشیم که ریشه آن تفکر است، اسلام چنین عقیده ای را می‌پذیرد، غیر از این، عقیده را اساساً قبول ندارد. آزادی این عقیده، آزادی فکر است؛ اما عقایدی که بر مبنای وراثتی و تقلیدی و از روی جهالت، به خاطر فکر نکردن و تسلیم شدن در مقابل عوامل ضد فکر در انسان پیدا شده است؛ اینها را هرگز اسلام به نام آزادی عقیده نمی‌پذیرد»⁽²⁾.

از منظر شهید مطهری، «آزادی عقیده ای که مبنایش فکر نیست، هرگز در اسلام وجود ندارد. آن آزادی معنایش آزادی بردگی است، آزادی اسارت است، آزادی زنجیر در دست و پا قرار دادن است. بنابراین حق با انبیا بوده است، نه با روشی که دنیای امروز می‌پسندد. حق با انبیا بوده است که این گونه زنجیرها را از دست و پای بشر

ص: 384

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 93 و 94.

2- همان منبع، ص 103 و 104.

می گرفتند، پاره می کردند و در نتیجه می توانستند بشر را وادار به تفکر بکنند»⁽¹⁾.

شهید مطهری در باره آموزه های قرآن و اسلام راجع به آزاداندیشی بر دو مقوله در هم تنیده اصرار می ورزد: «آزادی عقل و اندیشه از تقلید و عاداتهای اجتماعی» و «پیروی نکردن از اکثریت» و معتقد است توجه به این دو خصلت در تعلیم و تربیت آحاد جامعه بایسته و ضروری است.

در باره آزاد کردن عقل و اندیشه از حکومت تلقینات محیط و عرف و عادت و به اصطلاح امروز از نفوذ سنت ها و عادت های اجتماعی می گوید: «قرآن اساسش بر مذمت کسانی است که اسیر تقلید و پیروی از آباء و گذشتگان هستند و تعقل و فکر نمی کنند تا خودشان را از این اسارت آزاد بکنند. هدف قرآن از این مذمت چیست؟ هدف قرآن تربیت است؛ یعنی در واقع می خواهد افراد را بیدار کند که مقیاس و معیار باید تشخیص و عقل و فکر باشد، نه صرف اینکه پدران ما چنین کردند، ما هم چنین می کنیم.

استاد می گوید: «من یک وقتی آیات قرآن راجع به تقلید و پیروی کورکورانه از پدران را استخراج کردم، دیدم آیات خیلی زیادی است و چیزی که برای من جالب بود این بود که هیچ پیغمبری مردم را دعوت نکرد، الا اینکه مواجه شد با همین حرف که: «انا وجدنا آباءنا

ص: 385

علی امه و انا علی آثارهم مقتدون» که تو چرا می خواهی ما را از سنت های گذشته پدرانمان منصرف کنی. با اینکه اقوام پیغمبران خیلی از نظر سنن مختلف بودند... ولی یک اشکال عمومی در میان همه اقوام بوده و همه پیغمبران دچار آن بوده اند و آن مصیبت تقلید از آباء و اجداد و گذشتگان... و پیغمبران بر عکس، عقل مردم را بیدار می کردند و می گفتند فکر کنید حال پدرانتان هر طور بودند: «اولو کان آباؤهم لا یعقلون شیئا ولا یهدون» آیا اگر پدرانتان عقلشان به جایی نمی رسید و چیزی نمی فهمیدند باز هم شما باید از آن پیروی نکنید؟! (1)

مطلب دیگر، مذمت و ناپسندی «پیروی از اکثریت» در تفکر و اندیشه ورزی است. شهید مطهری در این باره می گوید: انسان همان طور که گوسفند صفت از گذشتگان پیروی می کند، در مقابل جمع و عدد که قرار می گیرد، می خواهد هم رنگ جماعت شود. می گویند: «خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو». وقتی جماعت رسوا باشد، هم رنگ جماعت شدن، رسوا شدن است؛ ولی در انسان تمایل به اینکه هم رنگ جمع شوند زیاد است... قرآن [ملاک قرار دادن] اکثریت را مذمت می کند و می گوید کثرت معیار نیست... آنجا که می فرماید:

ص: 386

1- سوره زخرف، آیه 23؛ (ما پدرانمان را بر راهی یافته ایم و ما از آنها پیروی می کنیم). و سوره بقره، آیه 170.

«وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ» (1) اگر اکثر مردم را پیروی کنی، تورا گمراه می کنند، چون اکثر مردم تابع عقل نیستند، تابع گمان و تخمین اند. همین که چیزی در خیالشان پیدا می شود، دنبالش می روند. چون اکثر این جور هستند، پس به اکثر اعتماد نکن، این هم خودش نوعی دیگر از استقلال بخشیدن به عقل است و دعوت به اینکه عقل باشد. (2)

شهید مطهری در جایی دیگر به این جمله از امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره می کند که: «لا تَسْتَوِحِّشُوا فِي طَرِيقِ الْهَدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ» (3).

هرگز در راه هدایت، به دلیل اینکه در آن راه و جاده افراد کمی هستند وحشتتان نگیرد. یک وقت دو تا راه در پیش روی دارید. یکی را می بینید که انبوه جمعیت در آن موج می زند؛ راه دیگر را نگاه می کنید می بینید عده کمی در آن هستند، گاهی انسان وحشتش می گیرد... می گوید ما هم از همان راه اکثریت می رویم. هر چه به سر آنها آمد به سر ما هم می آید. می فرماید: نه، راه شناس باشید، اکثریت یعنی چی؟ (4)

یکی از مسائلی که همواره مورد بحث و بررسی دین پژوهان بوده، نسبت عقل و اندیشه و ایمان دینی و توجه ادیان مختلف به مقوله

ص: 387

1- سوره انعام، آیه 116.

2- تعلیم و تربیت در اسلام، ص 193 و ص 194.

3- نهج البلاغه، خطبه 201.

4- مجموعه آثار، ج 22، ص 710.

تفکر و آزاداندیشی است. استاد مطهری نیز به این مطلب روی آورده و به طور ضمنی به مقایسه اسلام و مسیحیت پرداخته است: «در اسلام، اصلی است راجع به اصول دین که وجه امتیاز ما و هر مذهب دیگری به خصوص مسیحیت، همین است.

اسلام می گوید اصول عقاید را جز از طریق تفکر و اجتهاد فکری نمی پذیریم؛ یعنی جناب عالی باید موحد باشی، خداشناس باشی؛ اما چرا خداشناس باشم، به چه دلیل؟ می گوید دلیلش را خودت باید بفهمی، این یک مسئله علمی است، یک مسئله فکری و عقلی است... اسلام صریح می گوید: «لا اله الا الله» یک مسئله است، یک مسئله را تو باید با فکر خودت حل بکنی. من اعتقاد داشته باشم به «لا اله الا الله»، من درک بکنم «لا اله الا الله»، برای تو کافی نیست. خودت باید این مسئله را طرح بکنی و خودت هم باید آن را حل بکنی... همچنین سایر مسائل... به هر حال، از نظر اسلام، اصول عقاید اجتهادی است، نه تقلیدی؛ یعنی هر کسی با فکر خودش باید آن را حل بکند. پس این ادله، دلیل بر این است که از نظر اسلام، نه تنها فکر کردن در اصول دین جایز و آزاد است؛ یعنی مانعی ندارد، بلکه اصلاً فکر کردن در اصول دین عقلاً- بر تو واجب است. [می گوید] اگر فکر نکرده این ها را بگویی، من از تو نمی پذیرم. از همین جا تفاوت اسلام و مسیحیت، بالخصوص و حتی سایر ادیان روشن می شود. در و مسیحیت، درست مطلب بر عکس است؛ یعنی اصول دین مسیحی، ماورای عقل و فکر شناخته شده است. اصطلاحی هم خودشان وضع

کردند که اینجا قلمرو ایمان است، نه قلمرو عقل؛ یعنی برای ایمان یک منطقه قائل شدند و برای عقل و فکر منطقه دیگر. گفتند حساب عقل و فکر کردن یک حساب است، حساب ایمان و تسلیم شدن حساب دیگری است. تو می خواهی فکر کنی در قلمرو ایمان، حق فکر کردن نداری. قلمرو ایمان، فقط قلمرو تسلیم است.

حق فکر کردن در اینجا نیست. ببینید تفاوت ره از کجاست تا به کجا؟ یکی اصول دین خودش را، منطقه ممنوعه برای عقل و فکر اعلام می کند و دیگری نه تنها منطقه ممنوعه اعلام نمی کند، بلکه منطقه لازم ورود اعلام می کند که عقل باید در این منطقه وارد بشود. اگر وارد نشود، من چیزی را نمی پذیرم. این، معنی آزادی تفکر است... اسلام می گوید بیا فکر کن، هر چه بیشتر فکر و سؤال بکنی، هر چه بیشتر برایت شک پیدا شود، در نهایت امر، بیشتر به حقیقت می رسی، بیشتر به واقعیت می رسی. این مسئله را ما مسئله فکر می نامیم» (1).

شهید مطهری با تکیه بر این مبانی استوار، بر این نظر است که در جامعه اسلامی افراد و گروه های اجتماعی باید در فکر و اندیشه، آزاد باشند و این آزادی را نه تنها تهدید و آسیبی برای جامعه نمی انگارد، که موجب رونق و ارتقای حیات فکری می داند. می گوید: «از نظر رشد فکری باید مردم را آزاد گذاشت، اگر به مردم در مسائلی که باید در آنها فکر کنند، از ترس اینکه مبادا اشتباه بکنند، به هر طریقی

ص: 389

آزادی فکر ندهیم یا روحشان را بترسانیم که در فلان موضوع دینی و مذهبی مبادا فکر بکنی که اگر فکر بکنی و یک وسوسه کوچک به ذهن تو بیاید، با سر در آتش جهنم فرو می روی، این مردم هرگز فکرشان در مسائل دینی رشد نمی کند و پیش نمی رود. دینی که از مردم در اصول خود تحقیق می خواهد و (تحقیق هم یعنی به دست آوردن مطلب از راه تفکر و تعقل)، خواه ناخواه برای مردم آزادی فکر قائل است»⁽¹⁾.

«اینکه اسلام نه تنها به مردم اجازه می دهد، بلکه فرمان می دهد که در این گونه مسائل فکر کنند، در باره معاد فکر کنند. در باره نبوت فکر کنند و در باره سایر مسائل. چرا؟ روی اطمینانی است که اسلام به منطق خودش دارد. روی این حساب است که پایه این دین روی منطق و فکر و تفکر است. من مکرر در نوشته های خود نوشته ام: من هرگز از پیدایش افراد شکاک در اجتماع که علیه من سخنرانی کنند و مقاله بنویسند، متأثر که نمی شوم هیچ، از یک نظر خوشحال هم می شوم. چون می دانم پیدایش این ها سبب می شود که چهره اسلام بیشتر نمایان بشود. وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می کنند، وقتی خطرناک است که حامیان دین آن قدر مرده و بی روح باشند که در مقام جواب بر نیایند؛ یعنی عکس العمل نشان ندهند. اما اگر همین مقدار حیات و زندگی در ملت اسلام وجود داشته باشد که

ص: 390

در مقابل ضربت دشمن عکس العمل نشان بدهد، مطمئن باشید که در نهایت امر به نفع اسلام است»⁽¹⁾.

با توجه به این دیدگاه شهید مطهری، به عنوان یکی از نظریه پردازان اصلی انقلاب، معتقد است که آزادی اندیشه از لوازم انقلاب اسلامی و از مهم ترین ویژگی های جامعه برآمده از انقلاب اسلامی است. در این باره می گوید: «هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان و اعتقاد داشته باشد، ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و آزادی تفکر باشد و به عکس، هر مکتبی که ایمان و اعتمادی به خود ندارد، جلو آزادی اندیشه و آزادی تفکر را می گیرد. این گونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند... من اعلام می کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه ها، خبر و اثر نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه ها و تفکرات اصیل شان را عرضه کنند. البته تذکر می دهم که این امر سوای توطئه و ریا کاری است. توطئه ممنوع است. اما عرضه اندیشه های اصیل، آزاد... من به همه این دوستان غیر مسلمان اعلام می کنم، از نظر اسلام تفکر آزاد است. شما هر جور که می خواهید بیندیشید، بیندیشید. هر جور می خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید، (به شرطی که فکر واقعی خودتان باشد) ابراز کنید. هر طور که

ص: 391

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 134 و 135.

می خواهید بنویسید، بنویسید. هیچ کس ممانعتی نخواهد کرد. من در همین دانشکده، چند سال پیش نامه ای نوشتم به شورای دانشکده و در آن تذکر دادم، یگانه دانشکده ای که صلاحیت دارد یک کرسی را اختصاص بدهد به مارکسیسم، همین دانشکده الهیات است؛ ولی نه اینکه مارکسیسم را یک استاد مسلمان تدریس کند، بلکه استادی که واقعا مارکسیسم را شناخته باشد و به آن مؤمن باشد و مخصوصا به خدا اعتقاد نداشته باشد... بعد ما هم می آییم و حرف هایمان را می زنیم، منطق خودمان را می گوییم. هیچ کس هم مجبور نیست منطق ما را بپذیرد. نباید این گونه فکر کرد که چون اینجا دانشکده الهیات است نباید در آن مارکسیسم تدریس بشود. خیر، مارکسیسم باید تدریس شود، آن هم توسط استادی که معتقد به مارکسیسم است»⁽¹⁾.

استاد مطهری در نگاه آسیب شناسانه یکی از تهدیدهای پیش روی انقلاب اسلامی را بی توجهی به اصل آزادی اندیشه می انگارد و بر این نکته تأکید می کند که: «در آینده هم اسلام، فقط و فقط با مواجهه صریح و شجاعانه با عقاید و افکار مختلف است که می تواند به حیات خود ادامه دهد. من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده دیگران است. از اسلام فقط با یک نیرو می شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و

ص: 392

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 11 تا 13.

استاد مطهری در جایی دیگر می‌گوید: «از آنجا که ماهیت این انقلاب، ماهیتی عدالت خواهانه بوده است، وظیفه حتمی همگی ما این است که به آزادی‌ها به معنای واقعی کلمه احترام بگذاریم، زیرا اگر بنا بشود حکومت جمهوری اسلامی، زمینه اختناق را به وجود بیاورد، قطعاً شکست خواهد خورد».

البته آزادی غیر از هرج و مرج است و منظور ما، آزادی به معنای معقول آن است. هر کس می‌باید فکر و بیان و قلمش آزاد باشد و تنها در چنین صورتی است که انقلاب اسلامی ما، راه صحیح و پیروزی را ادامه خواهد داد. اتفاقاً تجربه‌های گذشته نشان داده است که هر وقت جامعه از یک نوع آزادی فکری (ولو از روی سوء نیت) برخوردار بوده است، این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه در نهایت به سود اسلام بوده است.

اگر در جامعه ما، محیط آزاد برخورد آرا و عقاید به وجود بیاید، به طوری که صاحبان افکار مختلف بتوانند حرف‌هایشان را مطرح کنند و ما هم در مقابل، آرا و نظریات خودمان را مطرح کنیم، تنها در چنین زمینه‌سالمی خواهد بود که اسلام هر چه بیشتر رشد می‌کند... و به اعتقاد من، تنها طریق درست برخورد با افکار مخالف همین است، و الا اگر جلوی فکر را بخواهیم بگیریم، اسلام و جمهوری اسلامی را

ص: 393

شکست داده ایم. اما البته همان طور که توضیح دادم، برخورد عقاید غیر از اغوا و اغفال است. اغوا و اغفال یعنی کاری توأم با دروغ، توأم با تبلیغات نادرست انجام دادن»⁽¹⁾.

نمونه ای تاریخی از فقدان آزاداندیشی:

آیت الله مطهری در مقاله ای که در ابتدای دهه 1340 در باره سازمان روحانیت می نویسد، یکی از آسیب های آن روز حوزه های علمیه و به عبارتی مشکل اساسی سازمان روحانیت را فقدان حریت و آزاداندیشی برمی شمرد و با نگاهی تبیینی، درصدد شناسایی عوامل آن بر می آید. استاد در تصویری که از حوزه علمیه ترسیم می کند، پرسش هایی را مطرح می نماید، از جمله اینکه «چرا در محیط روحانی ما سکوت و سکون و تماوت و مرده وشی، بر منطق و تحرک و زنده صفتی ترجیح دارد؟ چرا حریتفکر و عقیده در میان ما کمتر وجود دارد؟»⁽²⁾

ایشان یکی از ویژگی های روحانیت را عوامزدگی می انگارد و بر این نظر است که «روحانیت ما در اثر آفت عوامزدگی نمی تواند چنان که باید، پیشرو باشد و از جلو قافله حرکت کند و به معنی صحیح کلمه، هادی قافله باشد. مجبور است در عقب قافله حرکت کند. خاصیت عوام این است که همیشه با گذشته و آنچه به آن خو گرفته

ص: 394

1- پیرامون جمهوری اسلامی، ص 63 و 64.

2- ده گفتار، ص 280.

پیمان بسته است، حق و باطل را تمیز نمی دهد. عوام هر تازه ای را بدعت یا هوا و هوس می خوانند، ناموس خلقت و مقتضای فطرت را نمی شناسد. از این رو، با هر نوبی مخالفت می کند و همیشه طرفدار حفظ وضع موجود است و... روحانیت عوام زده ما چاره ای ندارد از اینکه همواره سکوت را بر منطق، سکون را بر تحرک، نفی را بر اثبات ترجیح دهد؛ زیرا موافق طبیعت عوام است»⁽¹⁾.

در نگاه آیت الله مطهری، مهم ترین مؤلفه ای که در پیدایش و تداوم این وضع مؤثر است، وضعیت معیشتی و به عبارتی وابستگی مالی اقتصادی سازمان حوزه به توده مردم است. او با مقایسه سازمان روحانیت سنی در مصر با سازمان روحانیت شیعی در ایران به نتایج جالبی دست یافت. از جمله اینکه روحانیت سنی در مصر، برخلاف روحانیت شیعی در ایران، از نظر مالی به مردم وابسته نیست، بلکه از سوی دولت و قدرت سیاسی پشتیبانی می شود.

در نتیجه، روحانیت سنی مصر برخوردار از حریت عقیده بوده، ناچار نیست به دلیل عوامزدگی به کتمان حقایق پردازد. بلکه در مواجهه با مسائل شرعی و اجتماعی، بدون هراس به تبیین آزاداندیشانه مسائل شرعی مبادرت می ورزد. در مقابل، روحانیت شیعی در ایران به دلیل همان وابستگی معیشتی به مردم، از جرأت و جسارت لازم برای تبیین مسائل و موضوعات علمی دینی برخوردار

ص: 395

نیست و در نتیجه، دست به کارهایی می زند که از نظر فکری، سطحی بوده، از حوزه فکر عوام خارج نیست. (1)

استاد در این باره می گویند: «اگر اتکای روحانی به مردم باشد، قدرت به دست می آورد، اما حریت را از دست می دهد و اگر متکی به دولت ها باشد قدرت را از کف می دهد، اما حریتش محفوظ است؛ زیرا معمولاً توده مردم معتقد و با ایمان اند، اما جاهل و منحط و بی خبر و در نتیجه، با اصلاحات مخالف اند و اما دولت ها معمولاً روشن فکرند. ولی ظالم و متجاوز، روحانیت متکی به مردم قادر است با مظالم و تجاوزات دولت ها مبارزه کند اما در نبرد با عقاید و افکار جاهلانه مردم ضعیف و ناتوان است، ولی روحانیت متکی به دولت ها در نبرد با عادات و افکار جاهلانه نیرومند است و در نبرد با تجاوزات و مظالم دولت ها ضعیف». (2)

ص: 396

1- آزادی و دانش، شریف لک زایی، ص 102.

2- ده گفتار، ص 298.

روزشمار انقلاب اسلامی ایران تا تأسیس جمهوری اسلامی ایران

یک انقلاب و یا حرکت های اجتماعی در یک جامعه بدون دلیل و محرک به وقوع نمی پیوندد و انقلاب اسلامی ایران نیز از این امر مستثنی نمی باشد. به همین دلیل برای آشنایی با مسیر انقلاب اسلامی لازم است مدتی قبل از خروش امام خمینی رحمه الله را در نظر گرفته و تکوین وقایع را مورد بررسی قرار دهیم:

دهم فروردین 1340 وفات آیت الله العظمی حاج سید حسین بروجردی.

ایشان با سی واسطه، نسبش به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. در سال 1253 ه.ش در بروجرد متولد شده و در سن 18 سالگی برای تکمیل تحصیل به اصفهان رفت و پس از ده سال به نجف اشرف عزیمت نمود و به درس آیت الله خراسانی وارد گردید. ایشان پس از مراجعت و اقامت در بروجرد به قم مهاجرت کرده و به

ص: 397

عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان معرفی گردیدند و مدت 16 سال مرجعیت عامه را عهده دار بودند. بعد از وفات آیت الله بروجردی، در شانزده مهر همان سال، رژیم پهلوی زمینه را برای پاک کردن اسلام از متن فعالیت های مردم ایران مناسب دید و به این دلیل قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را به تصویب دولت و مجلس وقت رساند و آن را در مطبوعات اعلام کرد. در این قانون قسم به قرآن و شرط مسلمان بودن برای نمایندگان مجلس حذف شده بود و همین باعث اعتراض علمای اسلام و مردم مسلمان گردید. با اعتراض علمای اسلام از جمله آیت الله روح الله خمینی رحمه الله و آیت الله حائری و دیگر علما و حضور گسترده مردم در پشتیبانی از علمای اسلام پس از مکاتبات و تظاهرات و اعتراضات، دولت خائن اسدالله علم، در دهم آذر همان سال قانون انجمن های ایالتی و ولایتی را ملغی کرد. اما رژیم پهلوی در جهت خواست های استعمار گرانه آمریکا و همچنین تغییر فکر مردم ایران دستورالعمل دیکته شده استکبار را که در کشورهای دیگر به اجرا درآمده بود در نوزده دی سال 1341 به عنوان انقلاب سفید به مردم ایران عرضه نمود و آن را به فراندوم گذاشت. و در دوم بهمن همان سال با تحریم فراندوم از طرف امام خمینی رحمه الله، مردم تهران تظاهرات کردند و بازار تهران تعطیل شد و مردم در اطراف بازار اجتماع کردند و گروهی به منزل آیت الله خوانساری و آیت الله بهبهانی رفتند.

امام خمینی رحمه الله برای جوابگویی به اقدامات شاه و اطرافیانش، عید

نوروز سال 1342 را عزای عمومی اعلام کرد. مردم مسلمان ایران با برافراشتن پارچه سیاه به ندای او لبیک گفتند و روحانیون از خطرات دولت برای اسلام صحبت کردند. تهاجم رژیم پهلوی به مجلس سوگواری، در دوم فروردین همان سال مدرسه فیضیه قم بود. سربازان مسلح و مأمورین امنیتی محل را محاصره نمودند و سپس گروهی از آنها با لباس مبدل به درون مدرسه رفتند و به سخنران جلسه عزاداری حمله کردند، سپس به طلاب حمله نمودند و آنها را از حجره هایشان به بیرون پرتاب کردند و با به شهادت رساندن گروهی از آنان در تاریخ شب محل را ترک کردند. و در 13 خرداد همان سال بعد از سخنرانی تاریخی امام خمینی رحمه الله در عصر عاشورای سال 42، که در این سخنرانی رژیم پهلوی و ایادی آن را محکوم نمود، نیمه شب کامیون هایی از سربازان و مأموران امنیتی خانه ایشان را محاصره کرده و ایشان را بازداشت نموده و به تهران منتقل کردند. مأمورین حضرت امام خمینی رحمه الله را یک روز در باشگاه افسران و بعد در زندان قصر به مدت 19 روز و پس از آن در پادگان عشرت آباد محبوس ساختند.

پس از اعلام خبر دستگیری امام خمینی رحمه الله، در پانزده خرداد همان سال، مردم مسلمان قیام کرده و جلوی خانه آیت الله گلپایگانی و صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام علیل تجمع نموده و پس از صدور بیانیه ای به تظاهرات پرداختند و با شعار یا مرگ یا خمینی از حرم بیرون آمدند؛ ولی فاصله ای را طینکرده بودند که با رگبار مسلسل ها

مواجه شدند و درگیری بسیار شدیدی بین مردم و مأمورین به وجود آمد. مأمورین مردم را محاصره کرده و به تیراندازی پرداختند. در این هنگام حاج مصطفی خمینی پسر امام از مردم خواست به خانه هایشان بروند، در شهرهای دیگر هم درگیری بین مردم و مأمورین رژیم پهلوی باعث به شهادت رسیدن عده زیادی از مردم گشت و رژیم خون آشام پهلوی توانست با اعلام حکومت نظامی و ایجاد وحشت و کشتار وسیع، انقلاب مردم را برای مدتی مهار نماید. پس از تظاهرات پانزده خرداد، رژیم که از عواقب بازداشت امام خمینی رحمه الله هراس داشت، ایشان را در یازدهم مرداد همانسال از زندان آزاد کرد و ایشان را تحت نظر کامل و در بازداشت خانگی قرار داد.

حضرت امام رحمه الله را در این زمان به منزلی در داودیه که مربوط به ساواک بود بردند، ولی ساعتی بعد سیل جمعیت به سوی داودیه سرازیر شده و روحانیون وقایع 15 خرداد را برای امام تشریح کردند. آگاه شدن امام از قیام مردم وی را به سختی منقلب نمود تا آنجا که فرمود: «تا ملت عمر دارد غمگین در مصیبت 15 خرداد است... واقعه 15 خرداد پشت ما و هر مسلم غیرتمندی را می شکند».

سرانجام امام را پس از 9 ماه بازداشت خانگی روز 17 فروردین 1343 آزاد کردند. مجلس سوم مرداد سال 43 قانون کاپیتولاسیون را تصویب نمودند، طبق این قانون، مأمورین سیاسی و مستشاران خارجی در ایران از تعقیب قانونی و جزایی مصون هستند و در صورت ارتکاب جرم یا عمل خلاف قانون، به کشورشان جهت

بررسی یا محاکمه عودت داده خواهند شد. رژیم پهلوی از ترس عکس العمل مردم، خبر تصویب این قانون را تا مدتی اعلام نکرد. بعد از انتشار خبر تصویب قانون کاپیتولاسیون و پایمال کردن حقوق ملت ایران در برابر یک عده افراد خارجی، در چهار آبان 1343، حضرت امام خمینی رحمه الله در یک سخنرانی، مشروح این قانون را برای مردم با عباراتی ساده و قابل فهم گفت و مردم را به قیام برای کسب استقلال و حقوق خود فرا خواند. در سیزده آبان همان سال پس از سخنرانی امام خمینی رحمه الله در رابطه با قانون کاپیتولاسیون و هراس حکومت از تکرار حماسه پانزده خرداد، رژیم تصمیم بر تبعید امام به ترکیه می گیرد و در شب سیزده آبان خانه ایشان را با صدها کماندو و چتر باز مسلح محاصره نموده و پس از دستگیری، ایشان را به تهران منتقل و مستقیماً به فرودگاه مهرآباد می برند و از آنجا به محلی به نام بورسار در ترکیه تبعید می کنند.

در یکم بهمن ماه سال 1343، حسنعلی منصور نخست وزیر شاه توسط برادران بخارایی و مرتضی نیک نژاد از هیئت های مؤتلفه اسلامی، اعدام انقلابی می گردد.

در بیست و یکم فروردین 1344، سرباز شهید رضا شمس آبادی، در کاخ مرمر به طرف شاه تیراندازی می کند.

بیست و ششم خرداد 1344، چهار تن از مبارزان هیئت های مؤتلفه اسلامی (بخارایی، امانی، هرنندی و نیک نژاد) به دست رژیم پهلوی به شهادت می رسند.

سیزدهم مهر ماه 1344، رژیم شاه که از حرکت های انتظامی علیه خودش به واسطه تبعید حضرت امام وحشت داشت، تصمیم گرفت به تبعید امام خمینی رحمه الله پایان دهد و ایشان را همراه با فرزندش حاج آقا مصطفی به عراق و شهر نجف اشرف انتقال دهند.

در هفده دی ماه 1346، جهان پهلوان تختی به دست ساواک پهلوی به شهادت رسید.

در بیست خرداد سال 1349 آیت الله محمدرضا سعیدی، در زندان وشکنجه گاه های ساواک پهلوی به دلیل طرفداری از امام خمینی رحمه الله به شهادت رسید.

هشتم اردیبهشت سال 1350 کارگران کارخانه جهان چیت کرج که برای احقاق حق خود قیام کرده بودند توسط ارتش قتل عام شدند.

هفتم دی سال 1353 آیت الله حسین غفاری در زندان رژیم پهلوی به شهادت رسید.

بیست و نهم خرداد ماه 1356 دکتر علی شریعتی در خارج از کشور به وسیله ساواک به شهادت رسید.

پانزدهم خرداد 1356 امیر عباس هویدا نخست وزیر 13 ساله رژیم پهلوی به دلیل فساد و عدم کارآیی دولتش استعفا نمود و جمشید آموزگار به عنوان نخست وزیر منصوب گردید.

یکم آبان 1356، حاج سید مصطفی خمینی، فرزند بزرگ امام خمینی رحمه الله در عراق به دست عوامل و مأمورین امنیتی ساواک رژیم پهلوی با همکاری رژیم بعث عراق به شهادت رسید.

هفدهم دی ماه 1356 به مناسبت سالروز سیاه کشف حجاب مقاله ای تحت عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» به قلم احمد رشیدی مطلق در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید که در آن به روحانیت به ویژه آیت الله العظمی امام خمینی رحمه الله اهانت شده بود و نویسنده با وقاحت تمام، ایشان را که تمام وجودش در خدمت اسلام و مردم بود را مستقیماً مورد اهانت قرار داده بود.

هجدهم دی ماه 1356 عکس العمل مردم در برابر مقاله اطلاعات .

نوزدهم دی ماه سال 1356 طبق قرار، طلاب همگی جلوی مدرسه علمیه خان و میدان آستانه جمع شدند و به سوی منزل علمای اسلام حرکت کردند و تا ظهر این برنامه و حضور گسترده مردم ادامه داشت تا اینکه مأمورین جلوی مردم را گرفتند و به دستور ساواک، آنها را به گلوله بستند و تعداد زیادی از مردم بی گناه به شهادت رسیدند و قیام خونیم مردم قم شکل گرفت.

بیست و نهم بهمن 1356 قیام مردم تبریز به مناسبت چهارم شهدای قم شکل گرفت و در این روز در تبریز عزای عمومی اعلام شد و علمای تبریز مجلس ختم برگزار نمودند. پلیس اطراف مسجد را محاصره نمود و از ورود جمعیت ممانعت کرد و اجتماع مردم همین طور زیادتیر می شد و پلیس برای ارباب و متفرق نمودن آنها شروع به تیراندازی هوایی کرد و مردم به مأمورین حمله نمودند و با شعار درود بر خمینی و مرگ بر شاه، راهپیمایی بزرگی را آغاز کردند و پلیس که قدرت مقاومت را از دست داده بود از ارتش کمک خواست

ص: 403

و تظاهرات مردم را به خاک و خون کشاندند.

دهم فروردین 1357، در روزهای نهم و دهم فروردین، مردم یزد به تبعیت از رهبر انقلاب عید را تحریم کردند و برای بزرگداشت شهدای تبریز، خود را مهیا ساختند. در روز چهارشنبه نهم فروردین، مردم بعد از مراسم به خیابان ریختند و با شعارهای درود بر خمینی و مرگ بر شاه راهپیمایی بزرگی را آغاز کردند و روز پنجشنبه دهم فروردین به دعوت آیت الله صدوقی تعطیلی عمومی اعلام شد و مردم در مساجد گرد آمدند و خواهان بازگشت امام خمینی رحمه الله و آزادی زندانیان سیاسی و نابودی رژیم پهلوی شدند و در پایان مراسم به خیابان ها آمدند، اما با قوای پلیس و ارتش مواجه گردیدند. تیراندازی آغاز شد و گروهی به شهادت رسیدند و عده زیادی مجروح شدند.

پانزده خرداد 1357 به مناسبت سالگرد پانزده خرداد در تهران و شهرستان ها تعطیلی و اعتصاب سراسری اعلام گردید.

سی تیر سال 1357، تولد منجی عالم بشریت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم برای نشان دادن نفرت خویش از رژیم پهلوی مراسم چراغانی و جشن و شادی در این روز خجسته را تحریم کردند.

بیست و یکم مرداد 1357، درگیری خونین در اصفهان اتفاق افتاد و اعلام حکومت نظامی در این شهر، توسط فرماندار نظامی شهر به اجرا درآمد.

بیست و پنجم مرداد 1357، اعلام حکومت نظامی توسط دولت آموزگار؛ دولت برای کنترل اوضاع در سطح کشور به خصوص در استان هایی که افراد خارجی در آن حضور بیشتری داشتند اعلام حکومت نظامی نمود.

28 مرداد ماه 1357، فاجعه سینما رکس آبادان؛ رژیم پهلوی برای ارباب و ایجاد وحشت در میان مردم دستور به آتش کشیدن سینما رکس آبادان را داد در حالی که مردم بی خبر و بی گناه مشغول تماشای فیلم بودند. این فاجعه باعث مرگ 400 الی 600 انسان بی گناه گردید.

پنجم شهریور 1357، سقوط دولت جمشید آموزگار در پی رسوایی فاجعه سینما رکس آبادان و عدم توفیق دولت آموزگار در سرکوب مردم، آموزگار از مقام خود استعفا داد و در پی سقوط دولت آموزگار، شریف امامی استاد اعظم لژ فراماسونری در ایران مأمور تشکیل دولت گردید.

سیزدهم شهریور 1357، راهپیمایی عید فطر، نماز عید فطر با حضور میلیون ها نفر از مردم با ایمان تهران برگزار شد و بعد از نماز، مردم به راهپیمایی پرداختند و خواستار لغو حکومت شاهنشاهی شدند.

هفده شهریور سال 1357، جمعه سیاه، پس از راهپیمایی عید فطر و عدم دخالت قوای انتظامی، مردم امیدوار شدند که قوای انتظامی به راهپیمایی های آرام کاری نخواهند داشت، لیکن جمعه هفده شهریور

مردم صبح زود به حرکت درآمدند، در همین هنگام دولت در تهران و دوازده شهر بزرگ دیگر حکومت نظامی اعلام کرد و مردم که از این امر اطلاع نداشتند دسته دسته به طرف محل تجمع میدان ژاله (شهدا) حرکت کردند و مردم در میدان با سربازان سرتا پا مسلح مواجه شدند.

آنها مردم را محاصره نمودند و سپس شلیک کردند و به قصد کشتن آنها را هدف قرار دادند. در این فاجعه هزاران نفر در سراسر کشور و از جمله میدان شهدا (ژاله سابق) به شهادت رسیدند.

دوم مهرماه 1357 منزل امام خمینی رحمه الله در عراق توسط پلیس محاصره گردید.

سوم مهر همان سال حزب رستاخیز که توسط رژیم پهلوی تأسیس شده بود، منحل شد.

دهم مهرماه 1357 هجرت امام خمینی رحمه الله از عراق به کویت، با افزایش فشارها و جلوگیری دولت عراق از فعالیت های سیاسی، حضرت امام خمینی رحمه الله تصمیم به خروج از این کشور گرفتند و به طرف کویت حرکت کردند. اما دولت کویت به ایشان مجوز اقامت نداد.

سیزدهم مهر ماه 1357 در پی عدم ورود امام خمینی رحمه الله به کویت و جلوگیری دولت عراق از بازگشت ایشان به نجف اشرف، امام خمینی رحمه الله تصمیم می گیرند برای ادامه مبارزه به فرانسه مهاجرت نمایند.

هفدهم مهر 1357، تغییر مکان امام خمینی رحمه الله از پاریس به دهکده «نوفل لو شاتو»، دولت فرانسه از فعالیت های سیاسی آیت الله خمینی رحمه الله جلوگیری می نماید.

نوزدهم مهر 1357 اعتصاب کارکنان مطبوعات در سراسر کشور آغاز گردید.

بیست و چهارم مهر 1357 رژیم پهلوی مسجد جامع کرمان را به آتش کشید، و به مناسبت چهلم شهدای هفده شهریور عزای عمومی اعلام شد.

بیست و نهم مهر همان سال اعتصاب کارکنان صنعت نفت با اعتصاب همگانی کارکنان و کارمندان صنعت نفت، پالایشگاه های سراسر کشور در خطر تعطیل شدن قرار گرفت.

دهم آبان همان سال ارتش کنترل تأسیسات نفتی کشور را در دست گرفت.

سیزدهم آبان 1357 تظاهرات دانش آموزان و دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران به خاک و خون کشیده شد.

پانزده آبان 1357 استعفا و سقوط کابینه شریف امامی در پی حوادث خونین سیزده آبان اعلام گردید و تشکیل دولت نظامی به نخست وزیری ژنرال ازهارای اعلام شد.

دهم آذر 1357 فریاد الله اکبر بر فراز بام ها، سراسر کشور را فرا گرفت.

یازدهم دی 1357، روزهای خونین در مشهد مقدس با اوجگیری تظاهرات مردم مشهد، سربازان و مأمورین امنیتی در روزهای نهم دهم و یازدهم دیمه با حمله به حرم مطهر امام رضا علیه السلام و مردم در خیابان ها و بیمارستان ها عده زیادی را به شهادت رساندند و گروهی را مجروح نمودند.

شانزدهم دی ماه 1357 دولت نظامی از هاری سقوط کرد و شاهپور بختیار از اعضای جبهه ملی ایران مأمور تشکیل کابینه از طرف محمدرضا پهلوی گردید و به سمت نخست وزیر منصوب شد.

23 دی ماه 1357 به دستور امام خمینی رحمه الله شورای انقلاب تشکیل گردید.

26 دی ماه 1357 شاه از ایران رفت. در این روز ایران غرق نور و گل و شیرینی بود و مردم فرار شاه را جشن گرفتند. شاه برای فرار خود معالجه بیماری را دست آویز قرار داده بود، ولی در حقیقت برای انجام کودتایی دیگر به سبک کودتای 28 مرداد 1332 خودش را آماده می کرد.

29 دی ماه 1357، اصول جمهوری اسلامی در راهپیمایی میلیونی مردم ایران اعلام گردید.

3 بهمن 1357 شورای سلطنت که برای حفظ رژیم سلطنتی در ایران تشکیل شده بود منحل گردید.

4 بهمن 1357 برای جلوگیری از حضور امام خمینی و در بین

مردم ایران، ارتش فرودگاه مهرآباد را به اشغال درآورد.

5 بهمن 1357 دولت بختیار، به مدت سه روز فرودگاه های کشور را بست.

7 بهمن 1357 تحسن روحانیون مبارز در دانشگاه تهران در اعتراض به بستن فرودگاه ها آغاز شد. راهپیمایی میلیونی مردم در تهران به مناسبت 28 صفر برگزار گردید.

9 بهمن 1357 فرودگاه برای ورود امام خمینی رحمه الله بازگشایی شد، در پی اعتصابات و تظاهرات و راهپیمایی مردم که خواستار بازگشایی فرودگاه مهرآباد بودند، دولت بختیار فرودگاه مهرآباد را از اشغال نظامی خارج کرد.

11 بهمن 1357 مانور ارتش در خیابان های تهران، دولت برای ترساندن مردم و ایجاد حکومت وحشت با انجام رژه نظامیان در تهران و ترویج شایعه کودتا توسط ارتش دست به حيله دیگری برای انحراف مبارزات مردم ایران زد.

12 بهمن 1357، ساعت 9 و 27 دقیقه و 30 ثانیه، حضرت امام خمینی رحمه الله پس از پانزده سال تبعید پای بر خاک ایران گذاشتند. فرمانداری نظامی بر اثر فشار مردم، راهپیمایی و تظاهرات را برای سه روز آزاد اعلام کرد. نظامیان مستقر در تلویزیون به طور ناگهانی پخش مراسم استقبال از امام خمینی رحمه الله را قطع کردند.

17 بهمن 1357 بر اساس پیشنهاد شورای انقلاب، حضرت امام

خمینی رحمه الله دولت موقت را به مردم معرفی نمودند. دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان تشکیل گردید.

19 بهمن سال 1357 راهپیمایی مردم ایران در حمایت از دولت موقت انجام شد، نیروی هوایی ارتش با حضرت امام خمینی رحمه الله بیعت کردند. حضرت امام خمینی رحمه الله به زیارت حضرت عبدالعظیم رفتند.

20 بهمن 1357 طرفداران قانون اساسی با تجمع در استادיום امجدیه (شهید شیرودی) دست به تظاهرات زدند. ساعت 9 شب سربازان گارد شاه به پادگان نیروی هوایی در شرق تهران (خیابان دماوند) حمله نمودند. مردم برای کمک به سربازان نیروی هوایی مسلح شدند.

21 بهمن 1357 دولت بختیار زمان حکومت نظامی را افزایش داده و حکومت های نظامی را از ساعت چهار بعدازظهر اعلام نمود. حضرت امام خمینی رحمه الله با دستور شکستن زمان حکومت نظامی و حضور مردم در خیابان ها را صادر نمودند. در تهران و شهرستان ها بین سربازان گارد و مردم مسلح درگیری بسیار شدیدی رخ داد.

22 بهمن 1357 تهران صحنه جنگ خونین مسلحانه بین مردم و سربازان طرفدار رژیم پهلوی گردید، ولی سرانجام با تسلیم تمامی نیروهای نظامی و انتظامی و پیروزی مردم مسلمان ایران، رژیم ستم شاهی پس از 57 سال ظلم و ستم متلاشی شد.

23 بهمن 1357، جوانان مسلمان بر حفاظت از انقلاب اسلامی دست به تشکیل نهادی به نام کمیته های انقلاب اسلامی زدند که مقدمه ای برای تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد.

25 بهمن 1357 سفارت آمریکا در تهران توسط گروهی از افراد مسلح تصرف شد و تفنگداران سفارت پس از چند ساعت درگیری تسلیم شدند.

29 بهمن همان سال استان کردستان توسط عوامل گروهک های ضد انقلاب به اسم خودمختاری به آشوب کشیده شد.

اول اسفند 1357 کلیه مدارس کشور بعد از 5 ماه اعتصاب و تعطیلی بازگشایی گردید.

8 اسفند 1357 رژیم بعث عراق مرزهای ایران را از طریق هوا، برای شناسایی مورد تجاوز قرار داد.

10 اسفند 1357 حضرت امام خمینی رحمه الله پس از 15 سال تبعید به قم و منزل شخصی خود بازگشتند و به فرمان امام خمینی رحمه الله، کلیه اموال خاندان پهلوی مصادره شد.

14 اسفند 1357، فرمان امام خمینی رحمه الله به شورای انقلاب مبنی بر تشکیل بنیاد مستضعفان صادر گردید و امام خمینی رحمه الله طی فرمانی دستور تشکیل کمیته امداد را صادر نمودند.

22 اسفند 1357 فرمان امام خمینی رحمه الله برای تأسیس بنیاد شهید انقلاب اسلامی صادر گردید.

28 اسفند 1357 پادگان ها و مراکز رادیو تلویزیون شهر سنندج در استان کردستان مورد تهاجم ضد انقلاب قرار گرفت.

یکم فروردین 1358 اولین بهار آزادی در سرتاسر ایران اسلامی گرامی داشته شد.

6 فروردین 1358 در اعتراض به پیمان صلح مصر و اسرائیل غاصب (کمپ دیوید) سفارت مصر در تهران اشغال گردید.

7 فروردین 1358 ایران اسلامی رسماً از پیمان استعماری سنتو کنار‌هگیری کرد، در همین روز با تحریک گروه های ضد انقلاب شهر گنبد کاوس شاهد درگیری های شدیدی بود.

10 فروردین 1358 اولین همه پرسی بعد از انقلاب اسلامی برای تعیین نظام حکومتی ایران با شرکت میلیون ها نفر برگزار شد.

12 فروردین 1358، امام خمینی رحمه الله پس از فراز و نشیب های فراوانی تأسیس نظامی جمهوری اسلامی ایران را رسماً اعلام نمودند. مردم با حضور پر شور

98/2% به جمهوری اسلامی ایران رأی دادند و این نظام با عزت و غرور و افتخار هر روز توانمندتر گردیده است. به امید روزی که این انقلاب امام خمینی رحمه الله به دست صاحب اصلی اش حضرت قائم، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد.

خدایا خدایا از نهضت خمینی تا انقلاب مهدی محافظت بفرما.

والسلام.

ص: 412

- 1- آزادی و دانش ؛ شریف لک زایی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1389.
- 2- آسیب شناسی انقلاب اسلامی ؛ دکتر نصرالله سخاوتی، معاونت تربیت و آموزشی بسیج مستضعفین، بی جا، 1389.
- 3- آمریکا شیطان بزرگ ؛ فاطمه رجبی، کتاب صبح، تهران، 1376.
- 4- آوای انقلاب ؛ سید حمید روحانی، دارالفکر، قم، بی تا.
- 5- آیات اصول اعتقادی قرآن به ضمیمه فلسفه انقلاب و حکومت اسلامی ؛ محمد مفتاح، نور، تهران، 1360.
- 6- اندیشه اصلاحی در نهضت‌های اسلامی ؛ محمد جواد صاحبی، کیهان، تهران، 1367.
- 7- اندیشه سیاسی در اسلام معاصر ؛ حمید عنایت، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، خوارزمی، تهران، 1362.
- 8- اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری (مجموعه مقالات) ؛ گردآورنده آیت مظفری، زمزم هدایت، قم، 1386.
- 9- اصلاحات آمریکایی ؛ محمدباقر ذوالقدر، وثوق، قم، 1381.

- 10 - انقلاب اسلامی؛ حمید انصاری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی به، تهران 1377.
- 11- انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها؛ دکتر منوچهر محمدی، دفتر نشر معارف، قم، 1381.
- 12- انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن؛ مجموعه نویسندگان، دفتر نشر معارف، قم، 1377.
- 13- انقلاب اسلامی و ریشه های آن؛ عباسعلی عمید زنجانی، کتاب سیاسی، تهران، 1367.
- 14- انقلاب اسلامی و ریشه های آن؛ علی اصغر باغانی، دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه شهید بهشتی تهران.
- 15 - انقلاب یا بعثت جدید؛ اکبر هاشمی رفسنجانی، یاسر، بی جا، بی تا.
- 16- بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی؛ حمید روحانی، چاپ افست، تهران، 1361.
- 17- پیرامون انقلاب اسلامی؛ دکتر سید محمد حسین بهشتی، بی نا، بی جا، بی تا.
- 18- پیرامون انقلاب اسلامی؛ استاد مرتضی مطهری، چاپ افست، بی جا، 1359. 19- پیرامون جمهوری اسلامی؛ استاد مرتضی مطهری، صدرا، تهران، 1370. 20- تاریخ سیاسی معاصر ایران؛ سید جلال الدین مدنی، انتشارات اسلامی، قم، 1361.
- 21- تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران؛ حاتم قادری، مراکز تربیت معلم، بی جا، 1364.
- 22- تحلیلی از انقلاب اسلامی ایران؛ دکتر منوچهر محمدی، امیرکبیر، تهران، 1382.
- 23- تحولات اجتماعی و انقلاب اسلامی از دیدگاه امام خمینی؛ تبیان، دفتر 36، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، 1386.

- 24- حدیث بیداری ؛ حمید انصاری، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله تهران، 1374.
- 25- حدیث پیمانہ، پژوهشی در انقلاب ؛ حمید پارسا، دفتر نشر معارف، قم، 1389.
- 26- حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای رهبر انقلاب اسلامی) ؛ نرم افزار نور، مرکز کامپیوتری علوم اسلامی.
- 27- در جستجوی راه امام از کلام امام (مجموعه بیانات امام خمینی رحمه الله)؛ مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، 1361.
- 28- روزشمار انقلاب اسلامی ایران ؛ فرهاد بخشنده و مجید محسنی، محیا، بی جا، 1374.
- 29- ره توشه انقلاب ؛ مجموعه نویسندگان، شورای هماهنگی انقلاب اسلامی، تهران، 1377.
- 30- ریشه های انقلاب ایران ؛ نیکی کدی، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، علم، تهران، 1390.
- 31- شناخت استکبار جهانی ؛ جواد منصوری، آستان قدس رضوی، مشهد، 1372.
- 32- شناخت انقلاب و ریشه های آن ؛ اسدالله بادام چیان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران.
- 33- صحیفه نور ؛ (21 جلد) امام خمینی، وزارت ارشاد اسلامی، تهران، 1361.
- 34- فرهنگ اصطلاحات و مکتب های سیاسی ؛ ترجمه و تألیف پرویز بابایی، نگاه، تهران، 1391.
- 35- فلسفه انقلاب اسلامی ؛ جلال الدین فارسی، امیرکبیر، تهران، 1368.

36- گذری بر دستاوردهای انقلاب اسلامی؛ معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، تهران، 1382.

37- مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ دکتر حسین مهرپور، دادگستر، تهران، 1391.

38- معارف انقلاب، دیدگاه های رهبر معظم انقلاب اسلامی، انقلاب اسلامی، تهران، 1389.

39- مهر و قهر؛ محمدرضا سبحانی نیا و سعیدرضا علی عسکری، مرکز فرهنگی

شهید مدرس، اصفهان، 1379.

40- نکته های ناب؛ گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب (مجلدات 3 و 4 و 5)، تدوین و تنظیم حسن قدوسی زاده، دفتر نشر معارف، قم، 1388.

41- نگرشی کوتاه بر نهضت ملی ایران؛ دکتر حسن آیت، دفتر انتشارات اسلامی، قم، 1362.

42- نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر؛ استاد مرتضی مطهری، صدرا، بی جا،

بی تا.

43- ولایت فقیه یا حاکمیت ملت اسلامی؛ سید حسن طاهری خرم آبادی، دفتر

انتشارات اسلامی، قم، 1362.

ص: 416

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

